

... المؤلف ...
... الفاضل ...

اخوند
مجلسی اعلی الله
... الوجود بلکه ... کشته
... سطات همت التجار والاعیا...
... تاجر کتابفروش خوانساری ...
... التجار اخوی زاده ...
... تاجر کتابفروش خوانسا...

... طبع آراسته ...
التمام فی ...
... ١٣٠١ ...



هذا کتاب حلیة المتقین من مؤلفات العالم الربانی الفاضل [illegible] الکرباسی [illegible] مولانا محمد باقر المجلسی قدس الله روحه ونور ضریحه

هذا کتاب مجمع المعارف

بسم [illegible]

الحمد لله الذی حلی انبیاء المرسلین باحسن حلیة المتقین وبعث نخبة اصفیائه محمداً و[illegible]
اوصیائه المنتجبین افضل خصال النبیین فصلوات الله علیه وعلیهم اجمعین عدد [illegible]
ولعنة الله علی اعدائهم من الاولین الی یوم الدین اما بعد چنین گوید [illegible] قدا[illegible]
مع موالیه المطهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون عمده [illegible]
و[illegible] باسنان مستحبات و مقتضای حدیث شریف نبوی [illegible]
اخلاق حمیده [illegible] ائمه طاهرین حضرت ظاهر و مبین کردیده [illegible]
بود از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناهج متابعت اهلبیت [illegible]
محاسن آداب که از طریق حقیقت ائمه طاهرین بما رسیده [illegible]
و بجهة عموم نفع نسبت بایشان بار مضامین اخبار [illegible]
رعایت حقوق اخوت ایمانی لازم دانسته و بمقتضای حدیث الدال علی الخیر [illegible]
بر چهارده باب خاتمه بنا کردید باب اول در آداب لباس پوشیدن [illegible] باب [illegible]
و سرمه کشیدن و در آیینه نظر کردن و خضاب بستن باب سیم در آداب خوردن و آشامیدن
فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت با ایشان
در آداب مسواک کردن و ناخن گرفتن و شارب و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال اینها باب ششم در [illegible]
بو خوش کردن و گل بو کردن و روغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن و [illegible]
باب هشتم در آداب خواب و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن باب نهم در آداب مجامعت [illegible] و ذکر بعضی [illegible]
[illegible] از خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض باب دهم در آداب معاشرت [illegible]
باب یازدهم در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال اینها باب دوازدهم [illegible]
[illegible] خانه شدن و بیرون رفتن باب سیزدهم در آداب سوار شدن و راه رفتن و تجارت و زراعت
نگاه داشتن باب چهاردهم در آداب سفر کردن [illegible] بعضی از فواید [illegible]

از این ابواب بر دوازده فصل مشتمل است و بکتاب حلیة المتقین مسمی شد امید از ناظران در این رساله [illegible] و عاملان
بما الیه [illegible] خطا چشم بدعای مغفرت و استدعا رحمت نمایند و بر خطا [illegible] لفظ و معنی [illegible] بعجز و قصور
مؤاخذه ننمایند والله الموفق والمعین باب اول در بیان جامه و کفش پوشیدن فصل اول در فضیلت
تجمل و زینت کردن بدانکه موافق حدیث معتبره بسیار زینت کردن و جامه های پاکیزه و فاخر پوشیدن هرگاه از حلال رسد
[illegible] حال و باشد سنت و موجب خشنودی خداست و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر شود باید قناعت نما[illegible]
تفصیل دنیا [illegible] اللباس وامانع [illegible] نکرداند و اگر حق تعالی روزی او فراخ کرداند در خوردن بخود فراده [illegible]
[illegible] را سر ده و دیگر را [illegible] فنا عت نماید و با اجرام و شبهه خود را آلوده نکرداند چنانچه از حضرت امام جعفر صادق
[illegible] هرگاه خدا نعمتی به بنده خود عطا فرماید دوست دارد که اثر آن نعمت بر او ظاهر شود [illegible] مبغوض خدا [illegible]
[illegible] بخود خواهد بود و اگر بر او ظاهر نشود او را دشمن [illegible] کننده نعمت [illegible]
حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هرگاه حق تعالی نعمتی بر بنده خود کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت
[illegible] از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که باید از برای برادران مؤمن خود زینت کنند چنانکه از برای بیگانه
زینت میکنند که خواهند شما را به نیکوترین هیئتی ببینند و بسند معتبر منقولست که حضرت علی بن موسی الرضا
در تابستان بر حصیر می نشستند و در زمستان بر پلاس و در خانه جامه های [illegible] می پوشیدند و چون بیرون [illegible] می آمدند
[illegible] زینت میکردند از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که حق تعالی جمیع را خلق کرده است که [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] کرده است [illegible] ایشان [illegible] اخرت [illegible] حق تعالی ایشان را [illegible] خوانده [illegible]
[illegible] بآن دنیا [illegible] خدا [illegible] جان خود را در رضای خدا
[illegible] ایشان نهادند پس چون نشاه آخرت روند حق تعالی از ایشان خشنود باشد و میدانند که مراد [illegible]
[illegible] بهترین پوشش از برای آخرت خود [illegible] و جامه کهنه [illegible]
[illegible] میکردند [illegible] که [illegible] خرات ایشان باشد و از برای رضای
خدا با دوستان نیکی میکنند و با دشمنان دشمنی میکنند [illegible] و ایشان [illegible] نعیم آخرت
[illegible] یوسف بن ابراهیم گوید بخدمت حضرت ابی عبدالله رفتم و جامه خز پوشیده بودم پرسیدم [illegible]
[illegible] جامه خز [illegible] در روزی که حضرت امام حسین کشته شد جامه خز پوشیده بود و حضرت
[illegible] عبدالله عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامه های خود را پوشید و بهترین بوهای [illegible]
[illegible] و بهترین اسبان سوار شد و بنزد ایشان رفت گفتند تو از بهترین مردم [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] عبدالله این آیه را خواند قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق
[illegible] زینتی که خدا از برای بنده گان خود بیرون آورده است و در [illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین فرمود که جامه نفیس بپوش و خود را زینت کن که خدا نیکو است و نیکو را دوست میدارد اما
باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری [illegible]
بمسجد الحرام آمد دید که [illegible] حضرت صادق [illegible] جامه های نفیس پوشیده بود گفت والله برو [illegible]
[illegible] از برای [illegible] گفت [illegible] رسول خدا [illegible] پیغمبر چنین جامه [illegible]
[illegible] چنین جامه [illegible] پوشیده [illegible] فرمود [illegible] تنگ بود [illegible]
[illegible] بحسب [illegible] کردن [illegible] سزاوار
[illegible] کرده است [illegible] جامه [illegible] پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند [illegible]
[illegible] پوشیده بودند و فرمودند که [illegible] پوشیدم [illegible] از برای مردم [illegible]

تا بالای ورانوی دندان ندوزیر جامه کنند جامه تا رکه پوشیده بودند فرمود جامه تا پائین وای لذت نفس خود و جامه تا بالا را از برای خدا

و در حدیث معتبر از عبدالله بن هلال منقولستکه گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا ع که جمعی خوش میآیند
از احوال کسیکه طعامهای بد مزه و ناگوار می‌خورند و جامه کهنه میپوشند و اظهار شکستگی و خشوع مینمایند فرمود که نمیدانند
که حضرت یوسف ع پیغمبر و پیغمبرزاده بودند و قباهای دیبا و طلاباف می‌پوشیدند و بر مجالس آل فرعون می‌نشستند و حکم در میان
میکرد و مردم را بالباس و کاری نبود از او عدالت در حکم میخواستند و امام باید در آنچه گوید راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند
بعدالت کند خدا حلال را بر کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام کرده است پس خواند این آیه را قل من حرّم زینة الله الخ
اخبار مناسب بتفصیل در کتاب عین الحیوة ایراد نموده‌ایم **فصل دوم در بیان جامه‌هائیکه حرام است**
بدانکه مردان را حریر محض پوشیدن و جامه طلاباف پوشیدن حرام است و احوط آنستکه عرقچین و ...
بان نمیتوان پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنستکه اجزای جامه مانند سجاف حریر نباشد و بهتر آنستکه چیزی
با بریشم مخلوط کنند با پشم یا کتان یا ریسمان و اولی آنستکه بقدر ده یک یا زیاده باشد و اگر تمام نماز با تمام بود غیر ...
بهتر خواهد بود باید پوست حیوان مرده نباشد هر چند دباغ کرده باشند بنابر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوانیکه
... نجس نباشد و در نماز باید که پوست و مو و پشم و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانیکه گوشت آن حرامست نباشد
و در سمور و سنجاب و خز کرالحال خلافست و احوط اجتنابست اگرچه اظهر در خز و سنجاب آنستکه نماز در آنها جایز ...
آنستکه جامه در زیر آنها یا در بالای آنها پوشیده باشند نماز نکنند مبادا موئی چسپیده باشد و بهتر آنستکه ...
غیر بالغ را نیز منع نمایند از پوشیدن حریر و طلا **و بسند معتبر** منقولستکه حضرت رسول ص بحضرت امیرالمؤمنین
فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش تست در بهشت
و در حدیث دیگر فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی در روز قیامت پوستت را باتش میسوزاند
امام جعفر صادق ع پرسیدند که جایز است مرد را که اهل خود را بطلا زینت کند فرمود ...
اما پسرانرا نه **و در حدیث** دیگر وارد شده است که آن حضرت فرمود که پدرم ...
خود را زیور طلا و نقره زینت میفرمود و باکی نیست و ممکن است که مراد از فرزندان باشند ...
پسران نابالغ هم باشد و احوط اجتنابست **فصل سیم در پوشیدن پنبه و کتان** و پشم و ...
بهتر آنستکه از پنبه یا کتان باشد و بعد از آن کتانست و جامه پشمینه همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت دارد ...
از برای قناعت یا دفع سرما بپوشند بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولستکه
پنبه از کان پوشش رسول خداست و پوشش ما اهلبیت است و حضرت رسول ص جامه مو و پشم نمیپوشید
برای علتی **و در حدیث معتبر از حضرت** صادق ع منقولستکه ...
علتی و در روایت دیگر از حسین بن کثیر مرویست که حضرت صادق ع را دیدم که پیراهن کنده ...
... پیراهن پوشیده گفتم فدایت شوم مردم کراهت دارند از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید
پشمینه و حضرت امام زین العابدین میپوشید و هرگاه بنماز می‌ایستاد کنده‌ترین جامه‌ها را میپوشیدند و ما نیز چنین میکنیم
و از حضرت رسول ص منقولستکه فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم بر زمین خوابیدن و با غلامان چیز خوردن
و بر الاغ بی‌پالان سوار شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن و جامه پشمینه پوشیدن و ...
همانا این احادیث آنستکه اگر پوشیدن شال از برای خودفروشی باشد و بر آن ممتاز شوند و از دیگران مذموم است و اما اگر
برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند قصوری ندارد و موید این معنی است آنچه در حدیث ابوذر غفاری وارد
شده است که حضرت رسول ص فرمود که در آخرالزمان گروهی بهم رسند که جامه پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند
و گمان کنند که ایشانرا بدین سبب بر دیگران فضیلتی و زیادتی هست اینجماعت را خدا لعنت کند ملائکه آسمانها و زمین

و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولستکه کتان از پوشش پیغمبرانست و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولستکه پوشیدن کتان بدن را
فربه میکند و در حدیث دیگر منقولست حضرت امام حسین ع جامه خز بهزار درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان
میپوشیدند و چون زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند **فصل چهارم** در بیان رنگها
که در جامه سنت است یا مکروه بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی
مکروهست سرخ تیره خصوصا در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر در عمامه و عبا و موزه ...
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولستکه بپوشید جامهای سفید که آن نیکوتر و پاکیزه‌ترین جامها و رنگهاست
جامه خود را در آن کفن کنید و از حضرت صادق ع مرویست که حضرت امیرالمؤمنین ع در اکثر اوقات جامه سفید میپوشیدند
و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق ع را در میان قبر و منبر نماز میکردند و جامه زردی نو
پوشیده بودند **و در حدیث حسن** از زراره منقولستکه حکم بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر ع رفت دید که
جامه سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمودند که در این جامه چه میگوئی عرض کرد چه بگویم
در چیزیکه شما پوشیده باشید اما جوانان شوخ که در میان ما اینجامه را میپوشند ما ایشانرا عیب میکنیم حضرت فرمود
زینت خدا را که حرام کرده است بعد از آنکه باین سبب اینجامه را پوشیدم که تازه داماد شده‌ام **و در حدیث حسن** از
حضرت امام جعفر صادق ع منقولستکه جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای تازه داماد و در حدیث دیگر از یونس مرویست
حضرت امام رضا ع را دیدم که طیلسان کبود پوشیده بودند و از حسن زیات مرویستکه دیدم حضرت امام جعفر را که جامه برنگ
گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی **روایت** کرده که حضرت امام موسی ع را دیدم که جامه عدسی پوشیده بودند و از
ابی العلا منقولستکه حضرت صادق را دیدم که در حال احرام دو جامه سبز پوشیده بودند و از حضرت امام جعفر صادق
منقولستکه جبرئیل در روز آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول ص نازل شد بعد از نماز عصر چون باسمان رفت حضرت
رسول ص فاطمه را طلبید فرمود که شوهر خود علی را طلب کن حاضر شدند حضرت امیرالمؤمنین ع را در جانب راست خود
نشانید و دستش را گرفت و بر دامن خود گذاشت و حضرت فاطمه را در جانب چپ نشانید و دستش را گرفت و بر ...
و فرمود میخواهید شما را خبر دهم بآنچه جبرئیل مرا خبر داد گفتند بلی یا رسول الله فرمود جبرئیل گفت که در قیامت ...
عرش خواهم بود و حق تعالی دو جامه بمن پوشاند یکی سرخ و یکی سبز و تو یا علی در جانب عرش خواهی بود و دو جامه ...
بر تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم رنگ چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون حق تعالی جبرئیل را باسمان برد جامه
براو پوشانید **و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین** ع منقولستکه مپوشید جامه سیاه را که جامه فرعون
است و در حدیث معتبر منقولستکه شخصی از حضرت صادق ع پرسید که در کلاه سیاه نماز کنم فرمود که در آن نماز مکن که لباس
اهل جهنم است و از حضرت رسول ص منقولستکه مکروهست سیاه مگر در سه چیز موزه و عمامه و عبا **فصل پنجم**
در بیان آداب جامه پوشیدن جامه را دراز پوشیدن و آستین جامه را دراز کردن و جامه از روی تکبر بر خاک کشیدن
مذموم و مکروهست **و از حضرت امام جعفر صادق** ع منقولستکه حضرت امیرالمؤمنین ع رفت بیازار و دو جامه
... پیراهن تا نزدیک زانو و لنگ تا نصف ساق و ردا از پیش تا پستان و از عقب تا پائین ...
... و حضرت صادق ع فرمود که ...
... پا میکند در آتش جهنم است و از حضرت امام موسی ع منقولستکه حق تعالی به پیغمبرش فرمود که و ثیابک فطهر
که ترجمه لفظش آنستکه جامهای خود را پس پاک کن حضرت فرمود که جامهای آن حضرت پاک بود و لیکن مراد الهی آنستکه
جامه را کوتاه کن که آلوده نشود **و در روایت دیگر** از حضرت باقر ع منقولستکه حضرت رسول ص شخصی را
وصیت فرمود که زنهار پیراهن و ازار خود را بلند مساز که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در
حدیث معتبر منقولستکه حضرت امیرالمؤمنین ع چون پیراهن میپوشید آستین را میکشید تا انگشتان

انگشتان میکند شب میرسند و حضرت رسول صلعم تا بوده فرموده اند هر که از دو نگر جامه بپوشد و پیراهن بکشد حق تعالی در روز
قیامت نظر نیابد و ازار مرد تا نصف ساق تا قدم باهم جایز است و زیاده در آتش است **فصل ششم در پوشیدن**
لباسیکه مخصوص زنان یا کافران باشد حرامست مردانرا پوشیدن لباسیکه مخصوص زنان باشد مانند لچک و مقنعه و نیم تنه و
همچنین حرامست زنانرا پوشیدن لباسیکه مخصوص نوع مردان باشد مثل کلاه و عمامه و قبا و هیچیک را جایز نیست پوشیدن لباسیکه
مخصوص کافران باشد مانند زناره و کلاه فرنگی و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که جایز نیست زنان را که شبیه بمردان شوند زیرا که
رسول خدا صلعم لعنت کرده است مردانیرا که شبیه بزنان شوند و لعنت کرده است زنانیرا که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام جعفر ع منقولست که
فرمودند خدا بیکی از پیغمبران وحی نمود به پیغمبر بگو بمؤمنان که نپوشند جامهای کافران که دشمنان منند و نخورند طعام
های دشمنان مرا و عمل دشمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند دشمنان ما خواهند بود **فصل هفتم**
در بیان عمامه بستن سنت است که با تحت الحنک باشد و یکطرف عمامه را از پیش و طرف دیگر را از عقب بندازند بروش سادات
مدینه مشرفه سنت است و شیخ شهید ره گفته است که عمامه ایستاده پیچیدن سنت است و از حضرت رسول صلعم منقولست که عمامه
تاج عربانست هرگاه عمامه را بر طرف کنند خدا عزت ایشانرا بر طرف خواهد کرد **و در حدیث** حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
هرگاه عمامه بپیچید بر سر و تحت الحنک بدور گردن نبندد پس بدرد گرفتار شود پس ملامت نکند مگر خودرا **و از حضرت**
رسول صلعم عمامه بستند و یکطرف عمامه را بطرف پیش انداختند و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل نیز چنین کردند و از امام
محمد باقر ع منقولست که در روز بدر عمامهای سفید در سر داشتند و علامتها انداخته بودند و حضرت رسالت پناه بر سر او بر
عمامه بستند مبارک خود پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش رو انداختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب
سر آویختند پس فرمودند که برو و رفت و فرمود که بیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است تاجهای ملائکه **در حدیث**
و صحیح منقولست که هرگاه عمامه بر سر گذارد اینست دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ارفع ذکری
و اعل شانی و اعزنی بعزتک و اکرمنی بکرمک بین یدیک و بین خلقک اللهم توجنی بتاج الکرامة و العز و القبول **و در**
مکارم الاخلاق در کتاب نجات نقل کرده است که اینست دعا بخوان اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج
الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان باید عمامه را ایستاده بر پیچید **و حضرت رسول**
چند قسم کلاه داشتند و بر سر میگذاشتند و کلاه بنهادار که بر طلع میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها بهتر
است و علما گفته اند که مکروهست **و از حضرت رسول** صلعم منقولست که هرگاه کلاه ترکی دار در میان امت من زیاد شود
زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه ترکی دار ظاهرا مانند قادوق و کلاه یکتاشی و امثال آن باشد **فصل هشتم**
در آداب زیر جامه پوشیدن و از حضرت ابی عبدالله ع منقولست که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم ع که زمین
بمن شکایت میکند از عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجاب قرار ده پس زیر جامه را از او برای خود دوخته
پوشید **و از جامع بزنطی منقولست که** هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش برآورده
نشود و در فقه رضوی منقولست که زیر جامه را ایستاده مپوش و نشسته بپوش که ایستاده پوشیدن موجب هلاکت
و زرد آب و الم میشود در وقت پوشیدن باید این دعا بخوان بسم الله اللهم استر عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیمة و اعف
فرجی و لا تخلع عنی زینة الایمان **و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که**
این دعا بخوان اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا الی ذلک وصولا
فیصنع لی المکائد و یهیجنی لارتکاب محارمک **و از حضرت امیر المؤمنین** ع منقولست که پیغمبران پیراهن پیش از زیر
جامه میپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده و رو بقبله و در بادم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که زیر جامه را ایستاده بپوشید موریشانی و هست **فصل نهم در جامه نو بریدن و**
بستن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون کسی لباس نو بپوشد این دعا بخوان اللهم اجعله ثوب یمن و تقی و برکة

و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و ادا شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که رسول خدا صلعم این دعا تعلیم نمود که در وقت پوشیدن جامه نو
بخوان الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک و اعمر فیها مساجدک پس فرمود یا علی
هر که این دعا بخواند در جامه را بپوشد آمرزیده شود **و در حدیث دیگر** از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که سزا
وار است کسیکه جامه نو بپوشد دست بر او بمالد و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس
و از حضرت ابی عبدالله ع مرویست که هر که آبی در ظرف نوی بکند و سی و دو مرتبه سوره قدر را بخواند و بر لباس نو بپاشد و
در هنگام پوشیدن بپوشد پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد **و در حدیث دیگر** از آن حضرت
مرویست که چون لباس نو پوشی بگو لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله تا از همه بلاها نجات یابی و چون اراده که دوست
داری ببینی او را یاد مکن که دو رو میشکند و چون بکسی کار بد داشته باشی در غایبانه او را دشنام مده که در دل او اثر میکند
و بسند معتبر مرویست که حضرت علی بن موسی الرضا ع چون لباس نوی پوشیدند قدحی آبی میطلبیدند و سوره قل هو الله
و آیة الکرسی و سوره قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند و آنرا بر آن لباس میپاشیدند و
فرمودند هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد **و بسند معتبر از**
حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که چون خدا بشما جامه نوی عطا فرماید و بپوشد باید وضو بگیرد و دو رکعت نماز بکند
در هر رکعت سوره حمد و آیة الکرسی بخواند پس حمد کند خداوند را که پوشانید عورت او را و زینت داد در میان مردم او را
زینت ساخت و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد
هر تاری که در آن جامه است ملکی خدا را برای او یاد کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند **و بسند معتبر**
از حضرت صادق ع منقولست که هر که لباس نو ببرد و آبی در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند هر گاه
انزلناه ... برساند که از آن آب بر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل
به فی الناس و اواری به عورتی و اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود
فصل دهم در بیان آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول صلعم مرویست که نهی فرمود از عریان شدن در روز
از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هرگاه مرد عریان شود شیطان بر او نظر کند و طمع کند در او مگر او را بمعصیت
فرمود سزاوار نیست مرد را که لباس خود را از خود دور کند در وقتیکه در میان جماعتی نشسته باشد و فرمود
که چون جامه خود را از بدن بیرون میآورند بسم الله بگویند تا جنیان نپوشند و اگر نگویند جنیان آن جامه را میپوشند تا
صبح و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار نیست زن مسلمان را که دو بلکه پیراهنی بپوشد که نمایان باشد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که عرض مقنعه حضرت فاطمه زهرا بقدر تا نصف بازو پیش میرسید
زنان را گر باید چنین کنند و از حضرت صادق ع بسند معتبر منقولست که ادنی اسراف آنست که جامه اندرون
و بیرون یکی باشد و در حدیث دیگر منقولست که اسحق بن عمار از حضرت پرسید که میتواند بود که مؤمن ده پیراهن
داشته باشد فرمود بلی پرسید بیست پیراهن فرمود بلی اسراف نیست اسراف آنست که جامه از برای زینت نگاه داشته بعوض
جامه که در وقت دیگر بپوشند **و در روایت دیگر از حضرت** امام موسی ع سوال کردند که کسی ده پیراهن
داشته باشد اسرافست فرمود بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامه نگاه داشتنی را بپوشد
و از حضرت صادق ع منقولست که تا کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمود که جامه پاکیزه پوشیدن
دشمن را سرکوب میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند و موجب قبولی
نماز میشود و از حضرت رسول صلعم فرمودند که لباس بپوشید باید پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن و سنگریزه انداختن ... میکند مگر و ... دان جامه

در راهها و جامه بر زمین کشیدن نماز و تکبر و بسند ها قبا و پیراهن را کشودن **و بسند معتبر منقولست که**
شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد دید که بر بدن آنحضرت جامه درشتی است انداخته نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین
میبینی گفت از پنبه جامه تعجب میکنم گفتا که در پیش آنجناب بود فرمود بجان در اینجا نوشته بود که ایمان ندارد کسیکه حیا ندارد
و مال نیست کسیکه معیشت خود را باندازه نمیکند و نو نیست هر که جامه کهنه ندارد و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که
پینه بر جامه خود زده بودم که شرم کردم از آن کسیکه بر جامه پینه میزد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که کرباس جامه
پینه زند و کفش را پینه زند و چیزیکه برای خانه خود بر دارد از تکبر ایمن است **فصل یازدهم در بیان نعلین**
و موزه و کفش و چگونگی رنگها و بهترین رنگها و نعلین و کفش رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه
سیاه رنگ سیاه است و در سفر سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند باشد
و میانش نمی باشد و همه اش بر زمین بچسبد و غیر از این مکروه هست و ظاهر اکه کفش نیز اینحکم داشته باشد که کفش
سر پائی مکروه هست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کفش نیکو پوشیدن را از بلاها نگاه میدارد و
معین است بر نماز و وضو **و در حدیث دیگر** فرمود که هر که خواهد عمرش دراز باشد چاشت را بنام داد بخورد
و کفش نیکو بپوشد و ردا را بالا پوشد را سبک کند و با زنان بسیار مجامعت نکند و حضرت صادق ع فرمود اول کسیکه نعلین
پوشید حضرت ابراهیم بود و در جمله معتبر از آنحضرت منقولست نعلین همواره پوشید که هراش بر زمین رسد فرمود
است در سید مثانیعت اطاعت بسیار وارد شده است **و در حدیث معتبر وارد شده** است که نعلین سیاه پوشیدن
چشم را ضعیف میکند و ذکر راست میکند و موروث اند وه و غم است و بر تو باد نعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را
سخت میکند و غم را زایل میکند و پوشش پیغمبران است **و در حدیث دیگر وارد شده** است که پوشیدن نعل سیاه
موجب جلا و نکر است و هر که بپوشد با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که نعل زرد را
پوشیدن آن را پوشید باشد در شادی باشد زیرا که حق تعالی در وصف بقره بنی اسرائیل میفرماید که فاقع لونها تسر الناظرین
یعنی زرد یکه شاد کرد نظر کننده گان **و بسند معتبر از** سدیر صیرفی منقولست که بخدمت امام جعفر صادق ع
رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود آیا دانسته این نعل را پوشیده پس فرمود هر که داخل بازار شود و نعل سفید بخرد
کهنه نکند از امکو آنکه کسب کند مالی از جائیکه گمان نداشته باشد را و بگوید که سدیر خبر داد که هنوز آن نعل کهنه
نشده بود که صد اشرفی از جائیکه گمان نداشتم رسید **و در حدیث دیگر وارد شده** است که هر که نعل زرد یا سفید
بپوشد او را فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد هیچ نکو نیابد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت کنید بر پوشیدن موزه که
مید هد امان از مرض سل و مرض بد **و در روایت دیگر** روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق را دیدم که در سفر موزه سرخ
پوشیده بود پس گفتم که این چیست فرمود که این از برای سفر کرده ام و برای گل و باران خوبست اما در حضر هیچ رنگ بهتر
از سیاه نیست **فصل دوازدهم** در آداب نعل و موزه پوشیدنها بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع و امام جعفر
صادق ع منقولست که چون بپوشی ابتدا بپا راست کن و در وقت کندن ابتدا بپا چپ کن و فرمودند که هر که بیک پا
کفش راه رود و در بیک پا دیگر برهنه شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود و از عبد الرحمن بن کثیر است که گفت در خدمت
حضرت صادق ع براهی میرفتم بند نعل آن حضرت گسیخت من بند دیگر از آستین خود بیرون آوردم و نعل را با صلاح
آوردم آن حضرت دست بر دوش من انداخته بود پس فرمودند هر که مؤمنی را یاری کند برای اصلاح نعل چون روز
قیامت شود از قبر بر آید خدا او را بر ناقه سرخ سوار کند تا در بهشت را بکوبد و از یعقوب سراج منقولست که
براهی در خدمت آن حضرت میرفتم که بند نعل آن حضرت پاره شد حضرت پای برهنه روان شد عبد الله یعفور
بند نعل خود را کشود و بنزد آن حضرت برد قبول نفرمودند گفتند صاحب مصیبت اولی است که بر آن صبر نماید و

و عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده است که در خدمت آن حضرت بودیم شخصی رفتیم چون داخل شد نعل را بیرون
آورد و فرمودند که نعل هارا بیرون کنید که کندن نعل راحت قدم است و منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از راه رفتن
در خواب با نعلها پیش و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که سه چیز است هر که کند بیم است که دیوانه شود غایط کردن در
میان قبرها و با یکپا موزه راه رفتن و در خواب تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مداومت بر پوشیدن موزه
مید هد امان از خوره **و در فقه الرضا** منقولست که چون خواهی موزه یا کفش بپوشی ابتدا بپا راست کن و بگو بسم الله
و بالله و الحمد لله اللهم صل علی محمد و آل محمد و طیء قدمی فی الدنیا و الآخرة و ثبتهما علی الایمان و لا تزلزلهما یوم تزلزل الاقدام اللهم وقنی
من جمیع الآفات و العاهات و الاذی و چون خواهی بکنی بگو اللهم فرج عنی کل هم و غم و لا تنزع عنی حلاوة الایمان **و در مکارم**
الاخلاق از کتاب نجاة نقل نموده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد و طیء قدمی
فی الدنیا و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و در وقت کندن ایستاده بکن و بگو بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما ابر
قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک و لا تزلهما عن صراطک السوی **باب سیم** در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان
و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول** در بیان آداب انگشتر در دست راست کردن و در بعضی
احادیث تجویز فرموده اند که در دست چپ میکنند اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا
بیرون آورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص انگشتر را در دست میکردند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول ص در دست راست میکردند انگشتر را **و از سلمان فارسی رض روایتست** که حضرت
رسول ص فرمود که یا علی انگشتر را در دست راست کن که از مقربان باشی عرض کرد که یا رسول الله کدامند مقربان فرمود جبرئیل و
میکائیل پرسید که چه انگشتر در دست کنم فرمود عقیق سرخ بدرستیکه آن اقرار کرده است بوحدانیت خداوند به پیغمبری
من و برای تو یا علی بامامت و وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو به بهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنات الفردوس
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام موسی ع سؤال کردند که بچه علت حضرت امیر المؤمنین انگشتر را
در دست میکردند فرمود که بر آن حضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامه ایشان را بدست راست میدهند
و حضرت رسول ص در دست راست میکردند انگشتر را و ابتدا علی است برای شیعیان ما که بانبعث من ثنا شد
و محافظت کردن در وقتها از نماز ها و بدادن زکوة و بقسمت کردن مال خود با برادران مؤمن و امر بمعروف
و نهی از منکر کردن **و از حضرت امیر المؤمنین** منقولست که حضرت جبرئیل بحضرت رسول ص گفت که انگشتر
در دست راست کند و شرح سنت و مشابعت تو باشد و بر بنی هاشم او را در قیامت بجلال ایستاده است یک درد
بنو حضرت امیر المؤمنین ع در نامه فرمود که هر که انگشتری در دست چپ داشته باشد که نام خدا در او باشد در وقت
استنجا در دست دیگر کند و از حضرت رسول ص منقولست که نهی فرمود انگشتر کردن در انگشت شهادت
و انگشت میان کند **و از حضرت صادق ع** منقولست که انگشتر را باید بانگشت بر باشد **و در روایتی** وارد
شده استکه ببل انگشت کردن عمل قوم لوط است **در فقه الرضا** منقولست که در وقت انگشتر در دست کردن بگو
اللهم سومنی بسیماء الایمان و اختم لی بخیر و اجعل عاقبتی الی خیر انک انت العزیز الاکرم **ابن طاوس ره نقل کرده**
که اینرا در بیرون آوردن بگو اللهم سومنی بسیما الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی
فصل دوم در بیان جنس انگشتر و آنکه سنت است که انگشتر از نقره باشد و مردان را انگشتر طلا در دست
کردن حرامست و انگشتر برنج و آهن و فولاد از زنان و مردان را مکروه هست چنانچه منقولست از حضرت امام جعفر
صادق ع بروایت معتبر بحسن رسید که انگشتر رسول خدا ص از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقولست که
حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که انگشتر غیر نقره مکنید که رسول خدا ص فرمود که پاک نیست دستی که در آن انگشتر

اهن باشد و در حدیث فرمود که پاک نیست دستی که انگشتر آهن در آن باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول منقولست که نماز نکند مرد در انگشتر آهن و نهی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق منقولست که انگشتر حضرت رسول از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش کرده بودند محمد رسول الله **فصل سیم در فضیلت** عقیق حضرت امیر المؤمنین چهار انگشتر در دست داشت یاقوت برای شرافت و زینتش و فیروزه برای نصرت و یاد دیش و حدید چینی برای قوتش و عقیق برای حرز و دفع دشمنان **و در حدیث صحیح** از حضرت علی بن موسی الرضا منقولست که عقیق فقر را زایل میکند و در دست کردن عقیق نفاق را زایل میکند **و در حدیث صحیح دیگر** از امام حضرت منقولست که هر که قرعه بانگشتر عقیق زند بهره او تمام تر بیرون میآید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از بشیر الرحال مرویست که در دست حضرت امام زین العابدین انگشتر عقیق دید پرسید که این چه نگین است فرمود که این عقیق رومیست و حضرت رسول فرمود که هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد حاجتش برآورده شود و از حضرت صادق منقولست که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر **و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست** که هر که انگشتری بکند که نگینش از عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته بنیکو باشد و در حدیث دیگر وارد شده که شخصی فرستاده بود حضرت صادق فرمود که انگشتر عقیق بوی برسانید چنان کردند مکروهی بوی نرسید **و در حدیث دیگر منقولست** شخصی بخدمت حضرت رسول آمد و شکایت کرد که دزدی ... اموال او را برد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که از هر بلائی نگاه میدارد **و بسند معتبر دیگر از آن حضرت منقولست انگشتر عقیق** ... که آن انگشتر را در دست دارد اند و هم با و نمیرسد و در حدیث دیگر فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که ... بهشت که اقرار کرده است از برای خدا بیگانگی و از برای من به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت **و در حدیث** معتبر ... دهقان ... عرض کردم که کدام یک از نگینها انگشتر خود بسازم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و ... سفید که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه رسول خدا و اما کوه عقیق ... پس مشرف است بر خانه فاطمه و اما کوه عقیق سفید مشرف است بر خانه امیر المؤمنین و همه از اینها یکجا نا است ... نهرها جاری بیشمار از برف سرد تر و از عسل شیرین تر و از شیر سفید تر و نمیخورند از آن نهرها مگر آل محمد ... نهرها از کوثر میآید و یکجا میریزد و این سه کوه تسبیح و تقدیس و تحمید الهی میکنند و از برای محبان آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته باشد نبیند مگر خیر و نیکی و فراخی در روزی و سلامتی از تمام بلاها و امان یابد از شر پادشاهان و از هر چیز که از آن میترسد و حذر میکند **و در حدیث دیگر منقولست شخصی از خدمت امام محمد باقر ع گذرانید ند** ... حضرت فرمود که انگشتر عقیق او در کجاست اگر با او میبود از این نمی ... و در روایت دیگر فرمود از صادق منقولست که دستی ... غالب نمیشود که خدا دوست داشته باشد از دستی که انگشتر عقیق باشد **و در حدیث دیگر** از حضرت امام حسین منقولست که چون حضرت موسی در کوه طور با مناجات کرد و بر زمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس خود ... نکنم بآتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر ولایت علی بن ابیطالب داشته باشد و در حدیث دیگر منقولست که جبرئیل نازل شد بر حضرت رسول و گفت یا محمد پروردگارت سلام میرساند و میگوید انگشتر بدست راست کن و نگینش را از عقیق بکن و بگو به علی بن ابیطالب که انگشتر بدست راست کند و نگینش از عقیق بکند حضرت امیر المؤمنین پرسید که یا رسول الله عقیق کدام است فرمود کوهیست

درین کوه با خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیانت به بهشت و برای دشمنانت بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که نماز کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتی که غیر از عقیق در دست داشته باشند بچهل درجه زیادتی دارد **و سلیمان اعمش روایت کند** که در خدمت امام جعفر صادق بودم در خانه منصور عباسی پس شخصی را بر روی او آوردند که تازیانه خورده بود حضرت فرمود ای سلیمان ببین که انگشتر او چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که اگر عقیق بود تازیانه اش نمیزدند گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود ای سلیمان انگشتر عقیق امان است از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود ای سلیمان انگشتر عقیق امان میدهد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود که خدا تعالی دوست میدارد که بدعا بسوی او بلند شود دستی را که در او نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که نگاه دارنده او است از بلا گفتم دیگر بفرما فرمود ... گفتم یا ابن رسول الله ... حسین بن علی را دیدم امیر المؤمنین فرمود ... **فصل چهارم و در روایت دیگر** منقولست که دو رکعت نماز با انگشتر عقیق بهتر است از هزار رکعت نماز که بی آن بباشد **فصل چهارم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا منقولست که انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانیرا زایل میکند و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که ... انگشتر ... در دست کردن و از حضرت امام موسی منقولست که انگشتر زمرد در دست کردن موجب آسانی است که در آن هیچ دشواری نباشد **و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا** منقولست که همین قسم وارد شده است اما بلفظ زبرجد فرموده که انگشتر زمرد در دست داشتن فقر را ... میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود **فصل پنجم در فضیلت** فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی بن مهران منقولست که بخدمت امام موسی کاظم رفتم در انگشتان آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه و نقش الملک لله بوده است فرمود که آن را میشناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این نگین است که جبرئیل از برای رسول خدا بهدیه آورد از بهشت و آن حضرت بحضرت امیر المؤمنین بخشید و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که انگشتر جزع یمانی در دست کنید که رد میکند مکر متمردان شیاطین را **و از حضرت امام رضا** منقولست که حضرت امیر المؤمنین فرمود که رسول خدا روزی ... بیرون آمدند و انگشتر جزع یمانی در دست کرده بودند و با ما نماز کردند و چون از نماز فارغ شدند انگشتر بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در دست راست خود کن و با آن نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میکند و ثوابش را بصاحبش نوشته میشود **و علی بن محمد حمیری** گوید که ... را خواستم و بسیار اعتقاد در دست میداشتم و فرزندان او بوجود نیامد رفتم بخدمت حضرت امام محمد بن علی النقی و این مطلب را عرض کردم پس تبسم فرمود نگین انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین چنان کردم یکسال نگذشت که از آن زن پسرم بوجود آمد **و از حضرت رسول** منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد و آن را ناامید برگردانم **فصل ششم** در فضیلت در نجف و بلور و حدید و چینی و سایر نگینها **بسند معتبر از مفضل بن عمر** منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت امام جعفر صادق رفتم و انگشتر فیروزه در دست داشتم فرمود ای مفضل فیروزه ... مردان مؤمن و زنان مؤمنه ... دوست میدارم برای هر مؤمنی که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت که آن فاخرترین همه است و عقیق و آن خالص ترین ... است برای خدا و برای ما اهلبیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد ... و چون ... را در دست کند ... حاجتش برآورده شود و حدید چینی و آن را دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن ... در دست کردن آن را در روزی که بسوی کسی رود که از او ترسد از اهل شر ... زایل میشود و حدید چینی شیاطین را دور میکند و باین سبب دوست میدارم ... باشد پنجم ... در نجف اشرف ... نظر کردن بآن خداوند عالم ...

زیاده با حج با عمره در نامهٔ عمل او بنویسند که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد واگر خدا رحم کند کسی تملیکو برشیعیان ما
هرانیت نگین ازان بقیمت بسیار میرسید ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان توانگر و فقیر ایشان توانند در دست
کرد **ابو طاهر میگوید** بخدمت امام حسن عسکری عرض کردم فرمود که بخدمت جدم حضرت صادق
گفتم شما امر میفرمائید به عقیق سرخ اختیار نمودن فرمود بلی برای فضیلت بسیار که بران وارد شده است بدرستیکه پدرم
خبرداد مرا که اول کسیکه انگشتری عقیق در دست کرد حضرت آدم بود دید که در عرش نوشته است انا الله لا اله الا الله انا
وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته باخیه علی و نصرته به تا آخر نامهای پنجکانه ال عبا پس چون حضرت آدم از درخت میوه خورد
و بزمین آمد متوسل شد بسوی خدا و باین نامهای مبارک و برکت این نامها خدا توبه اش را قبول کرد پس حضرت آدم انگشتری
از نقره ساخت و نگینش را از عقیق سرخ کرد و این نامها را بانجا نقش کرد و آن انگشتری را در دست خود کرد پس این
سنتی شد که پرهیزکاران و فرزندانش هم بستند و عمل کردند و از حضرت صادق منقولست که نگین بلور و **از حسین بن**
عبدالله منقولست که سوال کردم از حضرت امام علی نقی که آیا انگشتری کردن سنگ دیره که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود بلی اما چون
خواهد استنجا کند از دست بیرون آرند بعضی اگر در دست چپ باشد **فصل هفتم** در بیان بعضی از آداب کردن نگین نقش
کند حسین بن خالد بخدمت امام عرض کرد که جایز است شخصی استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا
الله باشد حضرت فرمود خوب نمیدانم از برای او گفت مگر رسول خدا و پدران شما با انگشتری استنجا نمیکردند فرمود بلی اما
انگشتری را در دست راست میکردند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان مبندید پس فرمود که نقش نگین حضرت آدم لا اله الا
الله محمد رسول الله بود و با خود از بهشت آورده بود و حضرت نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرمود که ای نوح چون
از غرق شدن بترسی هزار مرتبه لا اله الا الله بگو تا نجات یابی و مومنان را از غرق شدن نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد
باد شدید وزید و حضرت نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله بزبان سریانی گفت
هیلولیا الف الف یا ماریا اتقن پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود که سخنی که خدا مرا بان نجات بخشید
که همیشه با من باشد پس انگشتری خود ترجمه هزار مرتبه نقش کرده لا اله الا الله الف مرة یا رب اصلحنی **و حضرت ابراهیم** را چون در
کفه منجنیق گذاشتند که در آتش اندازند جبرئیل خشمناک شد حق تعالی باو وحی فرمود که چه چیز باعث غضب تو گردیده است
گفت پروردگارا خلیل تست و هیچکس نیست در روی زمین که ترا عبادت کند بغیر از او و دشمن خود را بر او مسلط کردی پس خدا
وحی فرستاد که ساکت باش کسی در امور تعجیل میکند که مثل تو بنده عاجز باشد که ترسد از دستش بدر رود و بیرون است بنده
من هرگاه خواهم او را بگیرم پس جبرئیل خاطرش مطمئن شد و بجانب ابراهیم ملتفت شد گفت آیا بتو حاجتی و کاری دارم
وقت هست فرمود بتو نیست حق تعالی انگشتری برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش کرده بود لا اله الا الله محمد رسول الله علی
ولی الله لا حول ولا قوة الا بالله فوضت امری الی الله اسندت ظهری الی الله حسبی الله پس وحی نمود که این انگشتری را در دست کن که آتش
بر تو سرد شود **و نقش نگین حضرت سلیمان** سبحان من الجم الجن بکلماته **و نقش نگین حضرت عیسی** دو حرف بود که
از انجیل بیرون آورده بود طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا حال بنده که یاد کرده شود خدا بسبب
او وای بر حال بنده که فراموش شود خدا از خاطر او بسبب او **و نقش نگین حضرت رسول** این بود که لا اله الا الله محمد رسول
الله **و نقش نگین حضرت امام حسن** العزة لله **و نقش نگین حضرت امام حسین** ان الله بالغ امره بود و علی بن
الحسین انگشتری پدر خود را در دست میکردند و حضرت امام محمد باقر انگشتری امام زین العابدین را در دست میکردند **و نقش**
نگین انگشتر حضرت امام جعفر صادق الله ولیی و عصمتی من خلقه **و نقش نگین انگشتر حضرت امام موسی** حسبی الله بود و بیرون
جناب امام رضا دست دران کردند و عود ندانگشتری بخوانند اگر در دست باشند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که **نقش نگین حضرت رسول** الله بود **و نقش نگین** جناب امیرالمومنین الملک لله بود و
نقش نگین حضرت امام محمد باقر العزة لله بود **و در حدیث** معتبر دیگر منقولست از آن حضرت که اکل

دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند حضرت فرمود که نقش انگشتر من الله خالق کل شیء است و نقش
انگشتر پدرم العزة لله و نقش انگشتر امام زین العابدین الحمد لله العلی بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین حسبی الله بود
و نقش انگشتر امیرالمومنین الملک لله بود **و در روایت معتبر دیگر** منقولست که نقش نگین امام جعفر صادق
است ربی فاعصمنی من النار و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم حسبی الله بود و در زیرش شکل گلی داشت و در بالایش
شکل هلالی نقش کرده بودند **و در حدیث صحیح دیگر** منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا ما شاء الله لا
قوة الا بالله بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا منقولست که نقش نگین حضرت امام زین العابدین بود خزی
وشقی قاتل الحسین بن علی و عبدالله سنان میگوید که حضرت صادق انگشتر حضرت رسول را بمن نمود نگینش سیاه داشت و در
دو سطر نوشته بود محمد رسول الله **و در حدیث معتبر** منقولست که حضرت رسول نهی فرمود از انکه صورت
جانوران بر انگشتر نقش کنند **از حضرت صادق** منقولست که عقل مردان در سر چیز امتحان میتوان کرد در
ریش و نقش انگشترش و کنیتش و در حدیث دیگر فرمود که هر که نقش کند بر انگشترش ما شاء الله لا قوة الا بالله
الله ایمن شود از فقر شدید و از جناب امام رضا منقولست که نقش نگین حضرت امام محمد باقر چنین بود ظنی بالله حسن و بالنبی
المومن و بالوصی ذی المنن و بالحسین والحسن **و در روایت دیگر** از حضرت امام محمد باقر مرویست که جناب امیرالمومنین
از نقره بود و نقش نعم القادر الله بود و در بعضی روایات وارد است که نقش نگین امیرالمومنین الملک لله بود و در روایت دیگر
انگشتری داشتند از حدید چینی سفید صاف و این کلمات را بران نقش فرموده بودند در هفت سطر و در جنگها در
دست داشتند در دست میکردند و کلمات اینست اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول ولا قوة الا بالله و لکل مصیبت
حسبی الله و لکل ذنب صغیرة و کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم فادح ما شاء الله و لکل نعمة متجددة الحمد لله ما بعلی اسطاب
من نعم فمن الله **از اسمعیل بن موسی** روایتست که انگشتر حضرت امام جعفر صادق تمامش نقره بود و بران این آیه
نقش بود یا ثقتی فی شدتی ظهیری خلفک **واز حضرت امام محمد باقر** منقولست که هر که در انگشتر خود این آیه را
نقش کند آمرزیده شود و ابن طاوس بروایت قاسم العلی نقش کرده است که ریان خادم حضرت علی النقی گفت حضرت
طلبیدم از آن حضرت که برایم حدیث امام رضا بود فرمود که آیا جویای انگشتری باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش
ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله باشد و در دو روی دیگر محمد و علی نقش کرده باشد چون این انگشتر را با خود دارد امان یابی
از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی نفس تمام زراعت و دین تو را حفظ کنند ریان خادم گفت بیرون آمدم و انگشتری بگیرکه
فرموده بود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانید چون برگشتم گفت ای ریان
گفتم لبیک یا مولای فرمود که انگشتری فیروزه هم باید داشته باشی بدرستیکه در بلاد طوس و نیشابور شیری بر خواهد
خورد بتو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن تو پیش برو و این انگشتری را بشیر بنما و بگو مولای من میفرماید که دور شو باید که
بر یک طرف فیروزه الله الملک نقش کنی و بر یک طرف دیگر الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر
امیرالمومنین الملک لله بود چون خلافت باینجناب برگشت الملک لله الواحد القهار بود و نگینش فیروزه بود و چون
چنین بکنی امان بخشد از جانوران درنده و باعث ظفر و غالب میشود در جنگها خادم گفت رفتم بسفر و بخدا قسم که
در همان مکان که حضرت فرموده بود شیری بهم رسید بعمل آوردم شیر برگشت چون در باز برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آن حضرت
عرض کردم آن حضرت فرمود که یک چیز ماند که ان را نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم عرض کردم که ای آقای من شاید فراموش
کرده باشم فرمود که شبی در طوس در روضهٔ امام رضا خوابیده بودی که گروهی از جنیان بزیارت قبر مطهر فرو آمدند نگین را
در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آن را از دست تو بیرون آوردند و بردند بنزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را
در آب شستند و آب را به بیمار خود دادند و بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست
کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی و سبب آنرا ندانستی و بر بالین تو یاقوتی یافتم

و آن را بر داشتی والحال بهمراه تست بیرون آر و آن را بهشتاد اشرفی خواهی فروخت و آن یاقوت هدیه ای جبرئیل است که برای او آورد سادم کفت یاقوت را بردم بیازار بهشتاد اشرفی فروختم **و ایضا باسند طاوسی روایت کرده است که شخصی** اهل بخدمت امام جعفر صادق ع و کفت مرا شیرینی از خاتم بهمرسانید و میترسم که دشمنان من او را بکشند او را دید و امر بجسم از کم مرا بکشند انحضرت فرمود که انکشتری بسازکه نکینش از حدید چینی باشد و بر روی نکین سه سطر نقش کن در سطر اول اعوذ بجلال الله در سطر دوم اعوذ بکلمات الله و در سطر سیم اعوذ برسول الله و در زیر نکین در سطر اول نقش کن آمنت بالله وکتبه و در سطر دوم انی واثق بالله و رسله و در زیر نکین نقش کن اشهد ان لا اله الا الله مخلصا و در دست کن آن انکشتر را در هر جا که بر تو دشوار است در وقت که آن انکشتر بتو نزدیک شود بدرستی که حاجتهایت بر آورده میشود و ترسهایت را ایمنی میدهد میشود و بنیکو داشتن بر او دشوار شود و بر او بر بندد کن بدرستی که حملش بزودی وضع حمل او میشود و هم چنین دفع میکند از چشم بد او دفع دکون نخاشی و جریحه با و برسد و با خود بحمام در جنب الخلا میر و بیکو نکه دارد از کم از اسرار خدا است و شیعیان ما میرسید بنجا خود باید که این انکشتر را داشته باشند و از دشمنان خود پنهان دارند و تعلیم سکنند مکر بکسی که اعتماد بر او داشته باشد **و او حدیث کفت کحجر بر کردم و اثر شرا نام** **و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام** روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انکشتر عقیق باشد که در دست راستکرده باشد پیش از آنکه نظر کند بیفتد نکین آن بجانب کف دست بکرداند و با او نظر کند و سوره انا انزلناه را بخواند پس بکو آمنت بالله وحده لا شریک له و کفرت بالجبت والطاغوت و آمنت بسر آل محمد و علانیتهم و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم چون چنین کند خداوند عالمیان او را نکاه دارد از شر آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه از زمین بیرون میاید و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام **و در حدیث دیگر منقول است که** هر که انکشتر عقیق بیناور دینکین او نقش کند محمد نبی الله علی ولی الله حق تعالی او را از مرک بد نکاه دارد و نمیرد مکر بدین حق

فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن زنان و اطفال پوشانیدن **در حدیث صحیح** منقول است که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که آیا جایز است پسران را با طلا زیور طلا بپوشانند حضرت فرمود که حضرت امام زین العابدین زینت میفرمودند زنان و اطفال خود را بطلا و نقره میپوشانیدند **و در حدیث صحیح** دیگر از پرسیدند از حضرت که آیا زیور کردن زنان بطلا و نقره فرمودند که باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که سر غلاف شمشیر حضرت رسول ص و دسته اش از نقره بود و دو سر حلقه ها از نقره بود در میان انجناب نقره بود در میان و دو حلقه داشت بعد **و از حضرت صادق ع** منقول است که چون ذوالفقار را جبرئیل آورد دسته اش از نقره بود **و در حدیث دیگر** فرمود حدیث حسن از آن حضرت منقول است که باکی نیست در زیور کردن شمشیر بطلا و نقره **و در حدیث دیگر فرمود** که زیور شمشیر حضرت رسول ص تمام از نقره بود حتی از دسته اش و سر دسته اش و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست کردن قرآن را و شمشیرها بطلا و نقره **بسند موثق از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که** همیشه زنان زیورها پوشند **و در حدیث معتبر** از فضل بن یسار منقول است از امام جعفر صادق ع منقول است که پرسید ذکر بیکمر زنان طلا باشد آیا میتواند که در خانه نکاه دارد حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر زیر آن فالیده باشند باکی نیست و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که مرا و او ترک زینت کردن خود را معطل بکذارد و زینت نکند اگر چه کردن بند باشد که در کردن بر بندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن حنا باشد هر چند سالدار باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که جایز نیست زنها را از طلا ببکیرند که بر بندند بالا نکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مرد را اجتناب باید اگر چه در شمشیر و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب سرمه کشیدن و در حدیث از حضرت صادق ع منقول است که حضرت رسول ص سرمه سنک بچشم میکشیدند و در وقت طاق طاق و در حدیث از حضرت ببهم منقول است که کفت حضرت امام رضا ع میل ازاهن بمن نمودند و سرمه دان از استخوان و نقره بود که این از حضرت

امام رضا بود و این میل سرمه بکش **و بسند معتبر از حضرت صادق ع** منقول است که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر از امام محمد باقر ع منقول است که سرمه سنک کشیدن دهان را شیرین میکند و مژکان را محکم میکند **و بسند معتبر** دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که سنک سرمه کشیدن دهان را خوشبو میکند و بسند موثق از حضرت صادق ع منقول است که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند **در حدیث دیگر فرمود که سرمه** مژکان را میرویاند و بینائی را زیاد میکند و اعانت میکند بر طول سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه سنک چشم را جلا میدهد و مویها را رویاند و آب دهن چشم را زایل میکند **و در روایت دیگر فرمود که سرمه کشیدن** قوه جماع را زیاد میکند و فرمود که شب سرمه سنک اکر مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هر که آب سیاه نهاد در دو **حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع** منقول است که هر که سرمه کشد باید طاق بکشد و اکر چنین هم نکنند باکی نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص پیش از خواب سرمه میکشیدند چهار میل در دیده راست و سه میل در دیده چپ **و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع** منقول است که چهار چیز است که در دو انوار افزون میکند نظر کردن در روی سبزه و در آب جاری و در سبزه و سرمه کشیدن در وقت **و از حضرت امام رضا ع** منقول است که هر که را بنیان نحذ (؟) اید در چشم را است دارد سرمه بکشد و حضرت صادق ع فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان میدهد از آب آوردن چشم **و از حضرت امام رضا ع** منقول است که هر که را ضعف دیده باشد بهم رسد هفت میل در وقت خواب بچشم کشد از سرمه منقل چهار در چشم راست و سه در چشم چپ **و از حضرت امام محمد باقر ع** منقول است که حضرت رسول در هر چشم سه میل میکشیدند در وقت خواب **و در روایت دیگر وارد شده** است که سه میل در چشم راست و دو در چشم چپ میکشیدند حضرت صادق ع فرمود بر شما باد بسواک کردن سواک چشم را جلا میدهد و بر شما باد سرمه کشیدن که دهن را خوشبو میکند زیرا که چون مسواک میکند دندانها بلغم زایل میشود از چشم و جلا میباید و چون سرمه میکشد بلغم از چشم زایل میشود و دیده ها زایل میشود و دهان خوشبو میشود **و در فقه الرضا علیه السلام** مذکور است که چون اراده نمائی سرمه بکشی میل را بدست راست بکیر و در سرمه دان و بکو بسم الله و چون مراد در چشم چپ کشی بکو اللهم نور بصری واجعل فیه نورا ابصر به حقک واهدنی الی الطریق الحق وارشدنی الی سبیل الرشاد اللهم نور علی دنیای و آخرتی **و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این** دعا را بخوانند در وقت سرمه کشیدن اللهم انی اسألک بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی **فصل دهم** در آداب نظر در آینه کردن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که رسول خدا ص فرمود که خداوند عالمیان واجب میکرداند بهشت را بر جوانی که بسیار در آینه نظر کند و حمد خدای را بسیار کند برانکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نکرده است **و در بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول ص** نظر میکردند در آینه و موی سر مبارک و ریش را شانه میکردند و از برای اصحاب و زنان خود را مهیا میساختند و میفرمودند که خدا میپسندد از بنده که چون بنزد برادر مؤمن خود رود از برای ایشان زینت کند و خود را بیاراید **و از حضرت امیر المؤمنین ع** منقول است که چون کسی در آینه نظر کند باید بکوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی فاحسن صورتی وزان منی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام **و در فقه الرضا** مذکور است که چون خواهی در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بکیر و در آینه نظر کن و بکو الحمد لله الذی بشرا سویا و زیننی ولم یشنی وفضلنی علی کثیر من خلقه ومن علی بالاسلام و رضینی له دینا پس آینه را از دست بکذارد و بکو اللهم لا تغیر ما بنا من نعمک فاجعلنا لانعمک من الشاکرین ولا بالائک من الذاکرین و

[illegible] حسن خلق و خلقنی فلقد سوّا ولدیه [illegible] اللهم کما احسنت خلقی
وصلّ علی محمّد وآل محمّد وحسّن خلقی [illegible]
القول والمهابة والرأفة [illegible]
[illegible] خضاب کردن مردان [illegible]

[illegible]

چون سلاست از حمام بیرون اید بشکر این نعمت دو رکعت نماز کند [illegible] منقولست که حضرت صادق فرمودند [illegible] که در احوال ایشان ظاهر میشود [illegible]
کنند و مشابه کنند خود را بروش زنان و ظاهر انستکه خضاب دست و پا مراد است [illegible]
[illegible] منقولست از آن حضرت است که باکی نیست در حمام [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که [illegible] زنان شوهر دار [illegible]
در کیفیت خضاب [illegible] از حضرت صادق منقولست که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه [illegible]
[illegible] منقولست که خضاب کردن بوسمه [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible] حسین کشته شد [illegible] بوسمه در ریش مبارک آنجناب بود
[illegible] خضاب بوسمه [illegible] در دل کافران [illegible]
[illegible] خضاب کردن بوسمه و حنا [illegible] منقولست که امام محمّد باقر
[illegible] خضاب سرخ [illegible] خضاب بحنا [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] باشد بحنا خضاب کند [illegible]
وامام محمّد باقر خضاب حنا و وسمه با هم میکردند و از حضرت رسول منقولست که [illegible]
[illegible] حضرت صادق منقولست که حضرت رسول رخصت فرمودند [illegible]
زنان را که سر خود را [illegible] خضاب کنند [illegible] مشهور میان علما انستکه جنب را خضاب کردن مکروهست [illegible]
جنب شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود [illegible]
[illegible] مکروهست [illegible] خضاب کردن [illegible] فصل اول
در بیان ظرفهائیکه در خوردن و آشامیدن [illegible] استعمال آنها [illegible]
[illegible] خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره [illegible]

[illegible]

پوستین از برطرف بهم رسد که او را کشته باشند یا از دست مسلمانی اخذ کرده است و خالی از قوتی نیست و احوط اجتناب است و پوست حیوان
مرطاهر که گوشتش را نخورند و فرمود [illegible] در ظرف کرده و ان شراب
مرده باشند هر چند دباغی نکرده باشد مثل شیشه و مس و شبه پاک میشود و هم چنین هر چه کاشی داشته باشد و منفذ
نداشته باشد که بمجرد آن شراب جا کند و در مثل سبو و کدو و خم بی کاشی و امثال اینها خلاف است و اشهر آنست که باب کشیدن
پاک میشود خصوصاً در اوانی [illegible] بگذارند که آب در آن سرایت کند و اثر شراب در آن نماند احوط اجتناب است و از حضرت
رسول منقولست که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظرف طلا و نقره بهشت محروم باشد و
معتبر مرویست که محمد بن اسمعیل ابن بزیع سوال کرد از حضرت امام رضا از ظرف طلا و نقره حضرت اظهار کراهت
فرمودند گفتم که روایت رسیده است که حضرت امام موسی آینه داشتند که از نقره گرفته بودند گفتند که بحمد الله چنین حلقه
داشت از نقره و آن آینه الحال نزد منست و فرمود برادرم عباس را چون ختنه میکردند برای او چوبی ساخته بودند به نقره
گرفته بودند که قبضه نقره اش نزدیک بده درهم بود که شش صد سی دینار عجمی [illegible] باشد حضرت امام موسی فرمود که
آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی منقولست که ظرف طلا و نقره متاع جماعتی است که
یقین باخرت ندارند و در حدیث [illegible] منقولست که ظرفی [illegible] بخدمت حضرت امام جعفر صادق [illegible] که
اب بخورد پاره از نقره بان ظرف چسبانیده بودند دیدم که آنجناب بدندان [illegible] از آن ظرف میکشند و در حدیث
موثق از آنجناب منقولست که کراهت دارد اب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد و روغن مالیدن از روغن دان چینی
وشانه کردن از شانه چنین مکروهست و در حدیث معتبر از آنجناب منقولست که کراهت داشت خوردن چیزی
در سفالی که از مصر آورند [illegible] باشند و در روایت دیگر از آنجناب حضرت امام رضا منقولست که طعام خوردن
در ظرفهایی که سفال [illegible] مصر آورند و از ابراهیم بن [illegible] منقولست که بخدمت امام محمد تقی آمدم دیدم که حضرت طعام
سفر [illegible] سورهٔ قل هو الله [illegible]
[illegible]
[illegible] خوابیدن [illegible] انها [illegible]
باشد و آن قدر بخورد که او را از عبادت باز دارد مانند حیوانات پیوسته همتش مصروف بخوردن و آشامیدن باشد بلکه باید
منظور او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و با بدن [illegible] صرف کند که نسبت [illegible]
که خداوند [illegible] و بسند معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق [illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر از جناب امام جعفر صادق منقولست [illegible]
[illegible]
[illegible] و ابو خالد کابلی [illegible] حضرت امام [illegible]
[illegible] بودم ولیکن بیادم آمد آنکه در کتاب خدا است [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق [illegible]
[illegible] کرده باشند و بسند [illegible]
جناب منقولست که طعام [illegible] و از حضرت رسول منقولست
[illegible] و از حضرت امام جعفر صادق منقولست [illegible]
خواب [illegible] و طعام خوردن [illegible] و از حضرت رسول

منقولست که مؤمن در یک شکم چیز میخورد و کافر بهفت شکم چیز میخورد یعنی بسیار چیز میخورد و در حدیث دیگر منقولست که
ابو حنیفه [illegible] سیر است و در دنیا [illegible]
راست پس ابو حنیفه بعد از آن طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز نزد خدا بدتر نیست از
مانند شکم پر از طعام و از جناب امیر المؤمنین منقولست که حضرت عیسی فرمود بشهری رسید که مردم آن فریاد میکردند
[illegible]
خواهم تا [illegible] حضرت فرمود که همه بگو سبب این کراهت چیست گفت [illegible]
آنکه هر شب [illegible] باشد حضرت عیسی فرمود که [illegible] و تازه شود گفت بلی فرمود که در وقت طعام خوردن سیر مخور
[illegible] و از حضرت امام
[illegible] باشند در طعام خوردن [illegible] منقولست که
که موجب برص و پیسی است توره کشیدن در روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و وضو و غسل با آبی که در آفتاب گرم شده
و در حال جنابت چیزی خوردن و در حال حیض [illegible] و در وقت سیری چیز خوردن و از حضرت امام جعفر
صادق منقولست [illegible] طعام میخورد [illegible]
فرا دهد [illegible] برای نفس وسیع میکند [illegible] فربه کردن خود چنانکه حیوانات را فربه میکنند برای کشتن و فرمود که
هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که [illegible] از بسیار خوردن [illegible]
رسد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی فرمود که ای بنی اسرائیل اگر گرسنه نشوید چیز مخورید پس هر گاه گرسنه
[illegible]
فراموش میکنید و از حضرت صادق منقولست که کفران نعمت الهی است که اینکه کسی بگوید فلان طعام را خوردم و [illegible]
انکار کرد و از حضرت رسول منقولست که [illegible] شیر و عسل نزد آنجناب آوردند که تناول فرماید و بر زمین گذاشتند گفتند
یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن آنرا فرمود که نه از راه تواضع [illegible]
[illegible] گذاشتند و فرمودند که حرام نیست [illegible]
و در حدیث دیگر وارد شده است که [illegible] و طعام
[illegible]
سرکه [illegible] **فصل سیم** در بیان بعضی از آداب ماکولات
طعام خوردن سنت است که چاشت را بامداد بخورد و در میان روز چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام خورد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در حدیث دیگر وارد شده [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل بهشت [illegible]
[illegible] منقولست که طعام خوردن [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر منقولست که طعام خوردن [illegible]

باید ... پیش از خواب چیزی بخورد که هر که بی‌خواب ... و از حضرت امام موسی

منقول است که چیز خوردن شب را ترک مکنید اگرچه ... باشد که باعث ... و از حضرت صادق

منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب ... و ... و ... دیگر

طعام شب نافع‌تر از روز است **و از حضرت صادق منقول است که** ... اگر ...

در طرف شب چیزی بخورد ... میگویید که خدا ... چنانکه ... پس البته ...

... اگرچه لقمهٔ نان باشد ... **و از حضرت صادق** منقول است که ...

از خوردن ... بخورده باشد که باعث زیادتی ... و ... هر که ...

... نان با نمک بخورد که باعث عزت ... و حاجت ... **و از حضرت امیرالمؤمنین** منقول است

طعام ... بگذارید ... که خدا ... طعام ... است و برکت در طعام ... و از حضرت امام رضا

منقول است که طعام ... برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد **و در حدیث** دیگر ... سلیمان بن خالد منقول است که ...

... حضرت امام جعفر ... در ... نان ... گوشت ...

پس ... پناه میبریم بخدا از آتش جهنم ...

... طعام ... میشود ...

پس ... از حضرت رسول ... منقول است که ... و از حضرت صادق ...

اگر ... **و از حضرت امیرالمؤمنین**

منقول است که ... طعام است ... از حضرت رسول ...

منقول است که هر گاه ... طعام ... **و در حدیث دیگر** منقول است ...

طعام را ... که هر که ... طعام ... طعام ...

حضرت امیرالمؤمنین ... طعام ... که هر که ...

صلوات میفرستاد ... **و از حضرت صادق** منقول است

در وقت طعام خوردن دو زانو ... مینشستند ... دست بر زمین میگذاشتند و با سه انگشت تناول

میفرمودند که رسول خدا ... طعام تناول میفرمودند ... و ... **و بسند**

معتبر ... از حضرت ... منقول است که هر گاه ... طعام ...

... **و از حضرت صادق منقول است** که ... حضرت ...

... طعام ...

... امیرالمؤمنین منقول است که ... طعام ...

... طعام ...

... **و بسند** ... حسین ...

... طعام ... **و بسند معتبر از حضرت**

امام حسن ... منقول است ... چهار ...

... است ...

... بسم الله ...

طعام ... **والا ادب** ... خوردن

... منقول است که ...

[illegible]

حضرت صادق ع تشنه بود و حضرت طعام تناول میفرمودند و دست چپ خود را بر زمین گذارده بودند عباد گفت مگر
نمیدانی که حضرت پیغمبر ص نهی فرمودند از تکیه کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست را برداشتند و باز
بر زمین گذاشتند باز به عادت آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمودند که والله حضرت رسول ص از این نهی
نفرمود **واز حضرت امیر المؤمنین ع منقولستکه هرگاه بخورید طعام**
بروش بنده کان بنشینید و یکپا را بر روی پا مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را خدا و صاحبش را دشمن
میدارد و ظاهر احادیث آنستکه چهار زانو که رخصت وارد شده آنستکه بروش بنده کان یکپا را بر بالای
ران گذارد **ودر حدیث دیگر منقولستکه حضرت رسول ص** بر سر خوان می نشستند و از برای
خوردن طعام میخوردند بروش بنده کان و مانند نماز می نشستند و زانوی راست بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر پشت پای
چپ میگذاشتند و میفرمودند که بنده ام بروش بنده کان میخورم و بروش بنده کان می نشینم **واز حضرت**
صادق ع منقولستکه مکروه است آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی بان بردارد و حال
انکه تواند با دست راست بردارد **ودر حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع** منقولستکه با کراهت در
حال راه رفتن چیزی بخورد و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول ص پیش از نماز صبح بیرون آمدند که
پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بمسجد میامدند و بلال اقامه نماز میگفت پس
با مردم نماز کردند **ودر حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع** منقولستکه مخور در حال
رفتن چیزی مگر انکه مضطر باشی ودر احادیث معتبره بسیار **از حضرت امیر المؤمنین و ائمه**
طاهرین ع منقولستکه هرکه خواهد خیر خانه اش زیاد شود دست را پیش از خوردن بشوید که دست شستن
پیش از طعام و بعد از طعام فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و چرک را از خانه دور میکند و درد چشم را
برطرف میکند و چشم را جلا میدهد **واز حضرت صادق علیه السلام منقولستکه**
دستها را باید یکطرف بشوید ... و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولستکه در شستن دست پیش
از طعام اول صاحب خانه بشوید تا دیگران از شستن بیاشامند **ودر روایت دیگر درست شستن**
پیش از طعام اول صاحب خانه بشوید و بعد هرکه در جانب راستش نشسته است و در روایت دیگر از طعام ابتدا بدست صاحب
خانه میکنند و خود آخر همه میشوید زیرا که او اولی است باینکه صبر کند بر آلودگی دست **ودر حدیث حسن**
از مرازم منقولستکه دیدم حضرت امام موسی ع را که پیش از طعام دست میشستند و بدستمال پاک میکردند و در حدیث
دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولستکه دست را برای طعام خوردن که بشوئی بدستمال پاک مکن زیرا که
تا تری در دست هست برکت در طعام هست و فرمودند بعد از شستن دست را بر رو مالیدن کلف
از رو برطرف میکند و روزی را زیاد میکند **واز مفضل بن عمر منقولستکه شکایت**
کردم بآن حضرت از درد چشم حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی بگو الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل
مفضل گوید که چنین کردم هرگز درد چشم ندیدم **واز حضرت امام رضا ع** منقولستکه چون حضرت رسول
بعد از طعام دست میشستند آب در دهان میگردانیدند مضمضه میکردند و حضرت صادق ع کردا شان که
دست بان میشوید سعد داخل کنید که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع میافزاید و منقولستکه چون حضرت
امام رضا ع با ایشان دست میشستند اشنان را در دهان میگردانیدند و بیرون میانداختند و دندانها را خلال میکردند و منقولستکه
امام محمد باقر ع بعد از آن چاشت تناول فرمودند و دست شستند و دستها را بر سر و رو مالیدند پیش از آنکه بدستمال
پاک کنند و فرمودند که اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجهه قتر ولا ذلة **ودر روایت دیگر**
از حضرت رسول ص منقولستکه چون دست را بعد از طعام بشوئی و بر رو و دیدها بمال پیش از آنکه بدستمال

پاک کن و بگو اللهم انی اسئلک الزینة والمحبة واعوذ بک من المقت والبغضة **واز حضرت امام رضا ع** منقولستکه
امام موسی ع ... چون طعام ... دستمال آوردند ایشان ... قبول نکردند و فرمودند که ...
... **واز حضرت صادق ع** منقولستکه ... بعد از طعام دست ... بر دیده ها
مسح کن که ایمن باشی از درد چشم **ودر روایت دیگر** منقولستکه چون حضرت رسول ص از دست شستن بعد از طعام فارغ
میشدند دست را بر رو میکشیدند و این دعا میخواندند الحمد لله الذی هدانا واطعمنا وسقانا وکل بلاء صالح اولانا **ودر**
حدیث معتبر منقولستکه حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمودند که یا علی در اول طعام و آخر طعام
نمک بخورید که هرکه در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند حق تعالی دفع کند از او هفتاد و دو نوع از بلا ...
ودر روایت دیگر ... هفتاد نوع بلا که آسانتر آنها ... خوره و پیسی باشد **ودر**
روایت دیگر از درد گلو و درد دندان و درد شکم **ودر حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع** منقولستکه در نمک شفای
هفتاد نوع از انواع بلا هست و اگر مردم بدانند که در نمک چه منفعتها است هرگز دوا نکنند مگر بان ...
... افتتاح و اختتام بنمک کنند ... ملامت نکنند مگر خود را **ودر**
روایت دیگر منقولستکه حضرت رسول ص ... نماز عصر ...
... ودر روایت دیگر ...
... **ودر روایت**
روایات معتبره وارد شده که ... ودر روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولستکه ...
... میکنیم **ودر روایت دیگر از آنجناب** منقولستکه هرکه ... باشد ... لقمه که میخورد ...
او ... و در حدیث دیگر منقولستکه آنجناب فرمودند که روزی ... عباس که سفاح بود رفتم در وقتیکه سفره
گسترده بود دست ... خود کشید ... سفره ... شد که خدا ... اگر
... **ودر روایت دیگر** ... منقولستکه طول بدهید نشستن سر سفره را ...
که از عمرها محسوب نمیشود و در حدیث دیگر منقولستکه یاسر خادم حضرت امام رضا ع گفت چون آنحضرت بر سر سفره می نشستند
هیچ کوچک و بزرگی نمیگذاشتند مگر بر سر سفره میطلبیدند **واز ابراهیم بن العباس مرویست که**
چون خلوت میشد سفره را میاوردند و غلامان خود همه را بر سر سفره میطلبیدند ...
رسول ص منقولستکه چون طعام خورید نعلین و کفش را از پا بیرون کنید که سنت ...

ذکر اخبار معتبره در آداب آنستکه چون جماعتی طعام بخورند یعنی با مهمانان بیشتر
از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند برای انکه ایشان بیشتر چیز بخورند و منقولستکه از حضرت
رسول ص ... **و باسانید معتبره منقولستکه حضرت**
رسول ص منقولستکه هرگز بر خوان چیزی نخوردند بلکه بر روی سفره میخوردند و از فحوای اخبار چنان معلوم
میشود که در آن زمان خوانها را پایه بوده ... برای طعام خوردن ... نشوند والله اعلم **ودر**
حدیث معتبر منقولستکه از سماعة بن مهران که از حضرت صادق ع پرسید که وقت نماز میشود
طعام ... است بکدام ابتدا کنم فرمود که اگر ... وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر وقت ... گذشته باشد
و بیم آن باشد که ... **فصل ... در ...**
دعا وقت طعام خوردن ... حضرت رسول ص ... چون خوان را میگذارند چهار هزار ملک بر دور آن احاطه
... اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند ... برکت ...

که برای ایشان سلطنتی نیست و بعد از طعام اگر گفتند الحمد لله ملائکه گویند که ایشان جماعتی هستند که نعمت خدا برایشان بیاد کردند شکر بجا آوردند و اگر در اول بسم الله نگویند ملائکه گویند که بیائید ای فاسقها با ایشان طعام بخورید و اگر خوان را بردارند و حمد الهی نکردند میگویند که ایشان گروهی اند که خدا نعمت فرستاده برایشان و پروردگار خود را فراموش کردند **و در حدیث معتبر از حضرت ابی عبد الله** علیه السلام منقولست که چون خوان را بگذارند بگو بسم الله و چون شروع کنی بخوردن بگو بسم الله علی اوله و آخره و چون خوان را بردارند بگو الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که نام خدا در اول طعام ببرد و حمد خدا در آخر بکند هرگز از آن طعام سؤال نکنند **و بسند صحیح و حسن از حضرت** صادق علیه السلام منقولست که هرگاه مسلمانی خواهد طعام بخورد چون لقمه را بردارد بگوید بسم الله والحمد لله رب العالمین پس از آنکه لقمه بدهانش برسد خدا گناهانش را بیامرزد و در حدیث دیگر منقولست که چون از نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله سفره میکشیدند این دعا را میخواندند اللهم انت احسنت ما اعطیتنا سبحانک ما اکثر ما تعطینا اللهم اوسع علینا و علی فقراء المؤمنین والمؤمنات **و در روایت دیگر** منقولست که چون طعام را از نزد امام زین العابدین علیه السلام میبرداشتند این دعا را میخواندند اللهم هذا منک و من فضلک و عطائک فبارک لنا فیه و سوغناه و ارزقنا خلفا اذا اکلناه و رب محتاج الیه رزقت فاحسنت اللهم اجعلنا من الشاکرین و چون خوان را برمیداشتند این دعا را میخواندند الحمد لله الذی حملنا فی البر والبحر و رزقنا من الطیبات و فضلنا علی کثیر من خلقه تفضیلا **و از حضرت صادق** علیه السلام منقولست که نام خدا را بر طعام ببرید چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان را برمیداشتند حضرت رسول صلی الله علیه وآله این دعا را میخواندند اللهم اکثرت و اطبت و بارکت فاشبعت و ارویت الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم

در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که فرمود بعد از طعام این دعا را

میخواندند الحمد لله الذی اشبعنا فی جائعین و اروانا فی ظامئین و آوانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و بعد از طعام خوردن تسبیحا میگفتند الحمد لله الذی جعلنی اشتهیه فی غایتی **و در حدیث معتبر دیگر** از آن حضرت منقولست که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که ضامنم از برای کسیکه بر طعام بسم الله بگوید که از آزارش شکایت نکند ابن الکوا گفت یا امیر المؤمنین دیشب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمودند که شاید چند رنگ طعام خورده باشی که بر بعضی بسم الله گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق **و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق** علیه السلام عرض کرد که از طعام آزار میکشم حضرت فرمود که هرگاه سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه سخن در خوردن گوئی باز بسم الله بگو و در روایت دیگر منقولست هرگاه چند ظرف طعام باشد بر هر ظرفی بسم الله بگو و اگر فراموش کنم چکنم فرمود که بگو بسم الله علی اوله و آخره **و در روایت دیگر منقولست که آنجناب بعد از طعام** این دعا را خواندند اللهم ان هذا منک و من محمد رسولک اللهم لک الحمد صل علی محمد و آل محمد **و از حضرت امیر المؤمنین** علیه السلام منقولست که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار مگوئید که آن طعام نعمت خداست برشما واجب است که در وقت صرف کردن شکر خدا را بجا آورید و حمد او بکنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ملائکه نزد ابراهیم آمدند گوساله بریان برای ایشان آورد گفتند نمیخوریم تا بگوئی قیمتش چیست حضرت فرمود که چون شروع کنید بگوئید بسم الله و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله **حضرت جبرئیل رو کرد بسوی ملائکه دیگر** فرمود که سزاوار است که حق تعالی چنین بنده را خلیل خود کرداند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمودند همه بخورید و حمد خدا بکنید و بخورید که خوش میباشد **و در حدیث منقولست** بسند صحیح که حضرت علی بن الحسین علیه السلام بعد از طعام این دعا میخواندند الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا

و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم **و در حدیث دیگر** از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که ابتدای طعام کند دیدم که هیچ لقمه را بدهان نبردم مگر آنکه نام خدا بر آن گفتم **و در حدیث دیگر منقول** است از آن حضرت فرمود که ضامنم هر که این کلمات را فرموده هیچ طعامی او را آزار نکند اللهم انی اسئلک بخیر الاسماء ملء الارض والسماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر مع اسمه داء **و در روایت دیگر** مروی است که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود که چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم مال و بگو اللهم سوغنیه اللهم امرئنیه **و در حدیث** دیگر منقولست که چون خوان حاضر شد اگر یکی از حاضران بگوید ... آداب بعد از طعام خوردن و در حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ گذار **و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین** علیه السلام مرویست که بخورید آنچه از طعام بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر دردیست بامر الهی برای کسیکه بآن طلب شفا نماید **و در حدیث دیگر** مرویست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد پهلو فرمود که بر تو باد آنچه از خوان بر زمین میافتد بخوری پس چند کس که صاحب این درد بودند اینکار کردند و زایل شد از ایشان **و در حدیث دیگر** معویة بن وهب گوید که در خدمت آن حضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتیم آنچه از طعام بر زمین افتاده بود برچیدند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها فقر را دور میکند و فرزندان را زیاد میکند **و از حضرت رسول** صلی الله علیه وآله منقولست که هرگاه پاره نانی بیابد بردارد و بخورد حسنه از برای او باشد و هر که در محل کثیفی بیابد بشوید آنرا و بخورد برای او هفتاد حسنه بوده باشد **و در حدیث معتبر دیگر** مرویست که حضرت رسول داخل خانه عایشه شدند پاره نانی دیدند که بر زمین افتاده برداشتند و خوردند فرمودند که یا عایشه گرامی دار نعمتهای خدا را که از جائیکه گریخت دیگر بسوی تو برنمیگردد **و در حدیث دیگر** از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در خانه طعامی بخورد آنچه از طعام بر زمین افتد بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برای مرغان و حیوانات بگذارد **و از حضرت امام محمد تقی** مرویست که اگر در صحرا باشد بگذارد اگر چه ران گوسفندی باشد و از عبد الله بن صالح منقولست که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم دیدم که بعد از طعام آنچه از زمین افتاده بود برمیداشت ... فرمودند که اینها را ... مگذار از برای دیگری که اینها شفای هر دردیست **و در حدیث** دیگر منقولست که خوردن ریزه‌های سفره فقر را برطرف میکند از خورنده آن تا فرزند هفتم و در روایت دیگر هرگاه بخوری ... خورده های آن ... **و در حدیث دیگر** مرویست که هر که خرمائی یا پاره نانی ببیند که بر زمین افتاده است پس بردارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت برو واجب میشود **و بسند معتبر منقولست که روزی حضرت امام** حسین داخل بیت الخلا شدند لقمه نانی دیدند که افتاده است و برداشتند بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که هرگاه بیرون آیم آنرا بمن ده چون بیرون آمدند پرسیدند که چه شد آن لقمه نان گفت خوردم فرمود که ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی پرسید که جهت آزاد کردن غلام چه بود حضرت فرمود که از جدم رسول صلی الله علیه وآله شنیدم که هر که لقمه نانی بیابد و او را پاک کند یا او را بشوید پس بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد کند من بخل نمیکنم در بنده که خدا او را از آتش جهنم آزاد کرده است **و در حدیث صحیح از حضرت صادق** علیه السلام منقولست که خورده نان مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر فرمود که من دوست میدارم طعام ... خادم من گمان میکند که از حرص است و چنین نیست بلکه ... نعمت خدا ... عطا کرده است ... از مغز گندم نان نفیس ...

... البته ... [illegible] ... حضرت صالح که شب ... از زنان بحاری عقل ...

گفت خدا را به سبب ونعمت خدا را از خود برمگردانید کفت که ما را از کرسنگی میترسانی تا این هر جا دیت ما از کرسنگی بمیریم

پس خوشم بر ایشان غضب فرمود و باران از ایشان ... [illegible] ...

کرده بودند و نیز از ودرمیان خود قسمت کردند **و بسند معتبر از یاسر خادم حضرت**

امام رضا منقولست که ... حضرت میفرمود ... [illegible] ... در وقت طعام خوردن

بر نخیزید تا نان و غذا تمام شود ... [illegible] ...

در وقت طعام خوردن ... [illegible] ... **منقولست** در بیان سوختن گوشت و

شاید بیجهت از حیوانات حاصل میشود ... **و بسند معتبر از حضرت رسول** منقولست که گرامی دارید

نان را که کار کرده در آن ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه از برای شما بعمل آمده است و بعد از

آن فرمود که روزی حضرت دانیال پیغمبر کشتی بآن زن آمد و کرده نانی باو داد که مرا از آب بگذران کشتی بان نان را انداخت

و گفت نان را چکنم ... ما این نان در زیر پای مردم افتاده است و باران ... دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد

و عرض کرد ... تحقیق که دید این بنده با نان چکرد و چه گفت پس وحی خدا نمود باسمان که باران

مبار بر ایشان و وحی فرمود ... برای ایشان تا آنکه کار بجائی کشید که از کرسنگی بکدیگر را میخوردند پس

دو زن هر یک فرزندی داشتند دو زن یکدیگر بگوید گفت که بیا امروز ... فرزند مرا بخوریم و فردا فرزند ...

تو را پس نوبت بفرزند دیگری رسید ... انخوردن فرزند ... و مخاصمه ... حضرت دانیال بردند حضرت

فرمود که کار رشما باینجا رسید ... پس دست باسمان بلند کرد و گفت پروردگارا ...

خود و عقاب مکن ما را و اطفال بیگناهان را بگناه کشتی بان پس حضرت بار ... وحی فرمود باسمان که بیبارد بر زمین که گناه

ببخشیدم برای خلق ... ایشان نوبت شده است ... بطفل صغیر ایشان

و بسند صحیح و غیر صحیح از حضرت صادق منقولست که نان را در زیر کاسه مگذارید و ...

دیگر فرمود که نان را گرامی دارید ... گرامی داشتن نان کدامست فرمود که نان چون حاضر شد بخورید و انتظار

چیز دیگر نبرید **و در حدیث دیگر از حضرت رسول** منقولست که نان را بو نکنید بروش

درندگان که نان مبارکست ... و دوزه میدارد ... خود میکنید **در روایت**

دیگر فرمود که خداوند برکت ... نان ... که اگر نان نباشد ما نماز نمیکنیم

... و روزه ... **و در حدیث** ... نان و گوشت

... منقولست که از

... **از حضرت امام رضا از حضرت رسول** فرمود که ... نان را کوچک ...

... ست و در چند ... نان را بروش عجمان ...

و در بعضی روایات ... اگر نان ... نباشد نان را ... **و در حدیث**

معتبر از حضرت امام رضا منقولست که ... نان گندم ... فضیلت ...

و هیچ پیغمبری مگر ... براو و داخل ...

شود مگر آنکه ... طعام ...

پیغمبران ... **و در**

روایت دیگر از حضرت امام ... منقولست که ...

... از حضرت منقولست ...

حضرت رسول ص نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند **و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا**

منقولست که سویق بوجهی اطلی ساخته شده است و گوشت را میرویاند و استخوان را محکم میکند و بلغم را زائل

میکند و قوت جماع را زیاده میکند و اگر ... کف سویق ناشتا بخورند ... صفرا را بر طرف میکند **و در حدیث**

دیگر فرمود که سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند هر که چهل صبح بخورد کتفهایش پر میشود از قوت **و در حدیث دیگر** فرمود

که سویق عدس تشنگی را زایل میکند و معده را قوت میدهد و صفرا را فرو مینشاند و معده را پاک میکند و هفتاد

درد را دواست و هیجان خون و حرارت را بر طرف میکند **و در حدیث دیگر از حضرت امام**

جعفر صادق منقولست که ... خون ... سویق ...

حضرت امام جعفر صادق منقولست که ... نان ... دنیا ...

نشنیده که حق تعالی در وصف بهشت میفرماید که و لحم طیر مما یشتهون یعنی گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته

باشند **و در حدیث دیگر** مرویست که عبد الاعلی و مسمع از حضرت عرض کردند که نزد ما

روایت میکنند از حضرت رسول که دشمن میدارد خانه که بود گوشت حضرت فرمود راست میگویند اما بعضی

نه دانند که ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانه که گوشت مردم را بخورند **و حضرت**

رسول ص فرمود که ما گروه قریش گوشت را دوست میداریم **و در حدیث**

حسن از حضرت صادق منقولست که گوشت خوردن گوشت را در بدن میرویاند و کسیکه چهل روز

گوشت نخورد بدخلق میشود و هر که بدخلق شود اذان در گوشش بخوانید و فرمود هر که چهل روز ...

نخورد توکل بر خدا کند قرض کند و بخورد قرضش ادا میشود **و در حدیث معتبر** منقولست که

... حضرت امام رضا عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمیخورند ...

... **و از حضرت امام محمد تقی** منقولست

...

ایشان ... گوشت ... **و از حضرت صادق** منقولست که

گوشت گاو پیه را بر طرف میکند ...

که هر یک ... گوشت ... **و از حضرت امیر المؤمنین**

منقولست که ... مرغان ...

... گوشت ...

ایشان ... **و در احادیث معتبره وارد شده** است که هر که خواهد

خشم او کم شود ... گوشت دراج بخورد **و از جناب امام موسی** منقولست که گوشت دراج ...

... **و در حدیث صحیح از حضرت صادق**

منقولست که گوشت ...

... **و از جناب امام موسی** منقولست که گوشت ...

دفع ... بر طرف میکند ... جماع **و از حضرت**

رضا منقولست که سؤال کردند از گوشت ... فرمود که ...

... **و از حضرت امام موسی** منقولست که ... گوشت

... **حضرت رسول** ... خوردن گوشت ...

[illegible]

[illegible]

مدیح ابن بن ولد شده است و آن حلوا روا بوده است که آن را در شهر بسیار نادر نشاید **و از حضرت امام**
موسی منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام طلب نمود و در خدمت آن حضرت طعام خوردیم و حلوا
آوردند گفتم چه بسیار است حلوا فرمود ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم این دوست میداریم حلوا را
و از عبد الاعلی منقول است که روزی در خدمت حضرت طعام خوردیم مرغی آوردند
که مملو بود از هلیم و روغن پرکرده بودند **و در حدیث موثق** منقول است که از بیرون زیتون
کرده بود در مدینه بودیم حضرت صادق علیه السلام ماهی فرستاد که ابراهیم بود بسیار نیکو و فرمودند که کاسه گوشت
بریان ساختند حضرت فرمودند **و در حدیث دیگر** از آن حضرت منقول است که هرگاه که ماهی
تخورده بعد از آن خرما و عسل بخورد تا مسم راند فالج در بدن از آن میکند و فرمود که حضرت رسول چون
ماهی تناول میکردند میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا به خیرا منه و [illegible]
این با عبارت و بسند معتبر **از حضرت موسی بن جعفر** منقول است که [illegible]
[illegible] **و از حضرت امیر المؤمنین** منقول است که [illegible]
[illegible] **و در حدیث دیگر** [illegible]
[illegible] حضرت امام حسن عسکری [illegible]
[illegible] **و در حدیث معتبر** [illegible]

[illegible]

روغن گاو شفاست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر چیز که میخوردند و میآشامیدند میگفتند اللهم بارک لنا فیه و ارزقنا منه بعینه [illegible] برکت ده برای ما در آنچه که میآشامیم و از این بهتر با ما عطا فرما **و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست** که شیر بز کوهی سفید بیاشامید که از شیر دو گوسفند سرخ و شیر بز کوهی سفید سرخ بهتر از دو گاو سیاه منقولست که شیر خوراک پیغمبرانست **و شخصی بخدمت حضرت صادق ع** عرض کرد که شیر خوردم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمیکند ولیکن با چیزی دیگر خورده و آزار کشیده از آن و شخصی با آنجناب عرض کرد از ضعف بدن نان حضرت فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند **و حضرت موسی ع** فرمود که هر کرا نطفه متغیر شود یعنی فرزند نیاورد و نشود شیر تازه با عسل بخورد **و بسند موثق منقولست** که شما را بشیر گاو که از همه درختی میچرد و خاصیت همه گیاه در شیرش هست و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که شیر گاو دوا دارد و در حدیث دیگر منقولست که بابت گوشت ما عادت کنید **و حضرت امام موسی ع** فرمود که بول شتر نافعتر است از شیر شتر و خوردن شیر شتر هفت است در روایت دیگر منقولست که شیر شتر دوای هر درد است **و در روایت چند معتبر** در شیر الاغ و خاصیتهای آن وارد شده است و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هر که خواهد ماست او را ضرر نرساند با زنیان بخورد **و حضرت امام باقر ع** فرمود که دوست میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده است که در طرفه چاشت مضرت ندارد و در شب نافعست و موجب تولد فرزند میشود **و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست** که خوردن کره در کار دندان سستی زیاد میکند در کار بستان ... و دندان را درد میکند و گرده را گرم میکند و سرما را دفع میکند **و در روایت چند وارد شده** ... و مغز کرده کاهان خوردن ... خود در باب نقل میشد ...

حبوب و سبزیها و میوه‌ها و ادویه از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نیکو طعامیست ... کشاده میکند و ... را قطع میکند **و در چند روایت وارد شده است** ... ما بیاد ... و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع ... شکایت کرد حضرت فرمود که برنج را ... خشک کن و آنرا ... هر صبح یک کف بخور **و در روایت دیگر منقولست** که حضرت ... بود فرمود که برنج را با سماق بپزند و بخورد تناول فرمود ... و در حدیث دیگر مرویست که حضرت امام رضا ع بخود بریان کرده پخته از طعام تناول میفرمودند **و در روایت دیگر از حضرت رسول منقولست** که هفتاد پیغمبر بر آن برکت فرستاده اند و در روایت معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس ... دل را ... اجابت میکند **و در روایت معتبر منقولست** که باقلا مغز را ... میکند و تولید خون تازه میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقولست که خوردن لوبیا بادها را ... دفع میکند و منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی ع شکایت نمود ... فرمود که ... در طعام خود داخل کن **و در حدیث معتبر منقولست** که ... طعام ... حضرت رسول ص ... بود ... **و حضرت علی بن الحسین ع** دوست میداشتند ... دوست میداشت و از سلیمان بن جعفر منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع ... حضرت با هتمام ... تناول فرمود ... بسلیمان ... و امیر المؤمنین ع و امام حسن ع و امام زین العابدین ...

و امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع و پدرم همه خرما را دوست میداشتند و من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب را دوست میدارند زیرا که از آتش خلق شده اند **و حضرت صادق ع منقولست** که هفت روز هفت دانه خرما بخورد که از خرمای اطراف مدینه است ... بخورد ... **و در حدیث دیگر** فرمود که هر که هفت دانه خرما عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث معتبره منقولست که عجوه میوه ایست که از بهشت آمده است ... سیب و انگور و رطب ... **و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست** که کراهت دارد پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که هر میوه را زهری هست پس چون بیاورند برای شما آب فرو برید و بخورید **و در حدیث دیگر منقولست** که از حضرت موسی بن جعفر ع پرسیدند از انجیر و سایر میوه‌ها دو دانه خوردن حضرت فرمود که حضرت رسول ص نهی فرمود از این اگر تنها باشی هر روش که خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان باشی چنین مکن و یک دانه یک دانه بخور **و در حدیث دیگر** فرمود که اگر خواهی دو دانه بخوری رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر ... و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت امام رضا ع دیدند که غلامان میوه را نیم خورده انداخته اند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید جمعی هستند که محتاج باشند **و در حدیث موثق** از حضرت صادق ع منقولست که دو چیز است که بایستی دو دست با ید خورد انگور و انار و حضرت امام موسی ع فرمودند که سه چیز است ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب **و در احادیث بسیار معتبره** از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت نوح ع از کشتی فرود آمد ... غم عظیمی عارض شد ... حق تعالی باو وحی فرمود که انگور سیاه بخور تا غمت زایل گردد **و در حدیث دیگر فرمود** که پیغمبری از پیغمبران بحق تعالی شکایت کرد از غم و اندوه وحی باو رسید که انگور بخورد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین ع انگور را دوست میداشتند روزی روزه بودند چون وقت افطار شد ام ولد ... حضرت خوشه انگوری بنزد آن حضرت گذاشت ... سائلی رسید حضرت انگور را باو داد ... ام ولد ... انگور را از سائل خرید و بنزد آنجناب گذاشت پس سائل دیگر رسید ... تا چهار مرتبه در مرتبه چهارم تناول فرمودند **و منقولست که** ابو ... بخدمت حضرت امام محمد باقر ع ... انگوری بنزد او گذاشتند حضرت فرمود که ... خوردن ... یک دانه یک دانه میخورند ... و دو دانه دو دانه بخورد که مستحبست **و بسند از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست** که ... بیست و یک دانه مویز سرخ ناشتا خوردن تمام مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ را و بسند از حضرت صادق ع منقولست که مویز ... بدن را محکم میکند و کلال را میبرد و نفس را خوش میکند **و در حدیث معتبر از آنجناب منقولست** که میوه صد و بیست نوعست و سید آنها انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که ... را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول ص محبوبتر از انار نبود ... **و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است** که هر انار دانه از بهشت هست ... دانه را بر ... و ... و باین سبب مستحب است که انار را تنها بخورد **و از حضرت صادق ع منقولست** که هر مؤمنی که یک انار را تنها بخورد حق تعالی شیطان را از او دور گرداند و هر که یک انار بخورد ... دل ... و هر که گناه نکند داخل بهشت میشود و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست ...

کر برشما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از ان در معده مؤمن نمیافتد مگر آنکه درد را برطرف میکند و وسوسه شیطان را از او
دور میکند و در حدیث حسن است منقولست که هر که یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش روشن باشد و در
حدیث دیگر فرمود که انار را با پیه‌اش بخورید که معده را دباغی میکند و شعور را میافزاید و فرمود که انار نوش و ترش شیرین
است و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که در روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را
روشن میکند و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد تا صد و بیست روز و وسوسه شیطان را از دور
گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند و داخل بهشت گردد و در حدیث دیگر
فرمود که دو چوب درخت خرما و انار ... زمین را بر ... و به سند معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام ... فرمود که چون در ...
نافعست برای ... استسقا ... بلغم ... و در روایات
معتبره وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف و طاعون میکند و در روایات معتبره
دیگر منقولست که میوه نیکوتر از سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که سیب چه منفعتها دارد هر اینه بیماران خود را
دوا نکنند مگر به سیب و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که خوردن به دل ضعیف را قوی میکند
و معده را پاکیزه میکند و مرد ترسنده را شجاع میکند و از حضرت صادق ع منقولست که رنگ را صاف میکند و فرزند را
نیکو میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که به ناشتا بخورد ... پاکیزه شود و فرزندش خوشرو
شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او جاری گرداند تا چهل صباح و فرمود که خدا
هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود که به غم و اندوه را برطرف میکند چنانچه دست
عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقولست که انجیر گند دهان را
زایل میکند و استخوان را سخت میکند و موی را میرویاند و ... دیگر حاجت نیست و شبیه‌ترین میوه‌ها است
به میوه‌های بهشت و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که بخورید امرود را که دل را جلا میدهد
... و درد ... را زایل میکند باذن الله و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست که امرود
دباغی معده میکند و قوت میدهد معده را و ... خوردن نافعترست ناشتا خوردن و از حضرت
امام رضا ع منقولست که انجیر گند دهان را برطرف میکند و استخوان را محکم میکند و موی را میرویاند
و درد را ... دیگر حاجت نیست و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع قولنج نافعست و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقولست که خوردن انجیر سده‌ها را نرم میکند و برای باد قولنج نافعست در روز بخورید و بسیار
بخورید و در شب بخورید و بسیار بخورید و منقولست که دفع میکند بواسیر و نقرس را و جماع را افزاید و
از زیاد رقه منقولست که ... بخدمت حضرت امام موسی ع رسیدم که در زندان حضرت طرف
گذاشته و در دستان آلو بسیار ... اند پس فرمود که حرارت ... غالب شده بود و آلوی تازه حرارت را فرو مینشاند
و صفرا را ساکن میگرداند و آلوی خشک خون را ساکن میکند و دردهای کهنه را از بدن میکشد و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت صادق ع از شخصی سؤال نمود که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج
گفتم که میگویند پیش از طعام ... و در حدیث دیگر فرمود که بخورید ترنج را که آل محمد
میخوردند ... و از حضرت ... رضا ع منقولست که حضرت رسول را خوش می‌آمد از نگاه کردن
به ترنج سبز و ... و در بعضی احادیث
مدح مویز وارد شده است و از حضرت صادق ع منقولست که ... و پوست
... و خوردن ... میکند و معده را دباغی میکند و ... بواسیر ...

بول را سلس ... میدهد و ... سنگ مثانه را قطع میکند و از حضرت صادق ع منقولست که بخورید
خربزه را که در آن ده خصلت است ... و در آن ... و خوردن ... و ... و میوه
دیگر است و اشنان است که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت جماع را زیاد میکند و مثانه را میشوید
و ادرار بول میکند و درد پشت را دفع میکند و از حضرت امام رضا ع منقولست که خربزه خوردن ناشتا موجب
فالج است و حضرت رسول صلعم خربزه را با رطب میل میفرمودند و دوست ... با شکر ... با
خربزه میخوردند و بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که میوه تازه میدید میبوسید و بر دیده مینهاد
و میگفتند اللهم کما ارینا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی خداوندا چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت بنما
آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول منقولست که هر که خواهد میوه بخورد
اول بسم الله بگوید ... و از حضرت صادق ع منقولست که هرگز ... از حضرت امیرالمؤمنین ع ...
مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که ... سبز است ... و فرمود که هر که در شب بخوابد و
برگ کاسنی در شکم او باشد در آن شب از قولنج ایمن گردد و فرمود که کسیکه خواهد مال و فرزندانش زیاد شود برگ کاسنی
بخورد و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی هیچ برگی نیست مگر آنکه قطره از آب بهشت بر آن
هست پس در وقت خوردن حرکت میدهد ... و فرمود که کاسنی نیکو سبزیها است و فرزندان را
بسیار نیکو میکند ... و فرمود که فضیلت او بر سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق
و حضرت امام رضا ع فرمود که خوردن کاسنی شفای همه دردهاست و هیچ دردی در اندرون فرزند
آدم نیست مگر آنکه کاسنی او را از بیخ میکند و شخصی را تب عارض میشد و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی
بکوبید و بر روی کاغذ پهن کنند و روغن بنفشه در آن بریزند و بر جبهه‌اش بگذارند که تب و صداع را برطرف
میکند و حضرت صادق ع فرمود که کاسنی سبزی رسول خداست و بادروج سبزی حضرت
امیرالمؤمنین ... و خرفه سبزی حضرت فاطمه است و در احادیث بسیار در تعریف
بادروج ... و آنکه باید در اول خورده شود که فتح سده میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند
و سل را میبرد ... و چون در شکم ساکن شود همه دردها را ساکن میکند
و در روایت معتبره از حضرت موسی بن جعفر منقولست که شخصی علتی ... عارض شده بود
فرمود که ... را بخورد چنانکه کرد به صحت مبدل شد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که بخورید ... را که در آن چهار خصلت است ... را برطرف میکند و بادها را دفع میکند و
بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت کند با آن ... و منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع
... را با نمک میخائیده تناول میفرمود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت
رسول ص فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و الیسع و یوشع بن نون است و از حضرت
امام موسی ع مرویست که ... سبب ... و کثرت ... و از حضرت امام جعفر صادق
مرویست که بر روی زمین سبزی بهتر و نافعتر از برگ خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه است و در
حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن کاهو که خون را صاف میکند و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که ... نماز صبح نفس ...
کشد ... خورده و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی و بادروج از ماست و ... از بنی امیه است و
در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی ع منقولست که هرگاه آن حضرت مائده ... سبزی
میفرمود ... و میفرمود که ... بعضی از مردم ... در کنار

جهنم است مبرو بد حال انکه حقتعالی میفرماید اتش افروز جهنم مردمند و سنگها بیابان سنگ کبریت پس چون تواند بود که
سنگ در کنار جهنم برو بد **واز حضرت صادق** منقولست که حقتعالی انهودان دنیکرد خوره را بخوردن
چغندر و بیرون نادردن بکنا بگوشت و حضرت امام موسی فرمود که بخورانید بر بیماران خود برگ چغندر را که ران شفا
و در ان درد نیست و مضرتی ندارد و بیمار را بخواب راحت میاندازد و اصلش سودا را بحرکت میاورد **و در حدیث**
دیگر فرمود که داخل شکم از الجنت نشده است چیزی مثل برگ چغندر و در حدیث معتبر دیگر منقولست
از حضرت رسول که در میان داخل محنت که بر بنی اسرائیل نازل شد و از برای ایشان انهشتا امده و ابن شفا بخشم است
و در چند بن حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول دوست میداشتند کدو را و در میان طعام بسیار بکنید و صیت نمود
تا صحن بر میداشتند کدو را و امیر میفرمودند زنان خود را اگر کدو را در میان طعام بسیار بکنید
واز حضرت صادق منقولست که بخورید کدو را که دماغ و عقل را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود
منقولست که در زیب سه خصلت است تحمش طعام را هضم میکند و در رشته قطع بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود
کرکش مویها ادرار بول است و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که خوردن کرز موش بجماع را زیاد میکند و اثان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و
در چند حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم را و مداومت بر خوردنش بکنید که هیچ
و در حدیث معتبر منقولست که مگر انکه در او رگ خوره است و شلغم ان رگ را میگدازد
حضرت رسول خبازی را با نمک میخوردند واز حضرت صادق منقولست خباز ما از هیش سبا کبید بخورید
کراهت نباید برکتان میشود و در حدیث معتبر از ان بجناب منقولست که بخورید بادنجان را که در دامیه
و ان درد نیست و احادیث بسیار در مدح و منافع ان وارد شده است واز حضرت صادق منقولست که
بجند بن حدیث که پاک کند دهان را میبرد و بلغم زایل میکند و منی و وامنه کیرا بر طرف میکند و بهابدن را
محکم میکند و بن دندان را سخت میکند و قوت جماعت را میافزاید و نسل را زیاد میکند و بث را میبرد
و بدن را نازک میکند **واز حضرت رسول** منقولست که چون داخل شهری شوید پیاز انشهر را بخورید
که طاعون انشهر را از شما دور میکرداند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت رسول فرمود
که هر کسی سیر بخورد باید که بمسجد نیاید و داخل مسجد ما نشود زیرا که کراهت دارد ... **و در حدیث**
احادیث در مدح اینها وارد شده است که تقویت معده میکند واگر در رسیع ناشتا بخورد رطوبت
معده را دفع میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که حق تعالی انحال افریدین خوردن
خاک بر فرزندان ادم حرام کردانیدند واز حضرت رسول منقولست که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده است
واز حضرت امام محمد باقر منقولست که بزرگترین دامها شیطان خوردن خاک و گل است و درد ها
در بدن حادث میکند و خارش بدن و بواسیر از ان بهم رسد و دردهای سودا از ان متولد میشود و قوت را از دست
و بدن میبرد و هر که چیز از قوت نسبت کم مشغول شده است واز اعمال خیر کامنه است در قیامت و او را ان حساب
وعذاب میکنند **و حضرت امام موسی** فرمود که چهار چیز است که از وسواس شیطان است
خوردن گل و ... **و در احادیث** ... خوردن کردن و ناخن را بدندان کرفتن و در دستر اخیاسدن
معتبر وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مردار و خون و گوشت خوک مگر گل قبر حضرت
امام حسین که خوردن ان بقصد شفا است که از هر دردی دوا است و امان از هر خوف **فضیلت**
در فضیلت ضیافت مومنان ادابان از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر مومنی مهمانی نمود ...

او را تکلیف خوردنی بکن اگر قبول کند و اگر قبول نکند تکلیف کرد در دست و در شستن باب وعرق
واز حضرت رسول منقولست که از جمله کرامت داشتن ادمی برادر مومن را انستکه تحفه او را قبول کند و انچه حاضر باشد
باشد از برای او تحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد بر ای ان تکلیف نکند و حضرت صادق فرمودند که هلاک شود کسی
که حقیر شمارد انچه را در حاضر از برای او روی تواند برادر مومن خود هلاک کند و هر که حقیر شمارد انچه برادر مومن
بیاورد دست حسن از ان حضرت منقولست که هر گاه برادر مومن تو طلبد بنزد تو اینا انچه حاضر دارد برای او بیاور
طلبد باشی او را برای تکلیف **و در حدیث معتبر** از هشام منقولست که نا بت ابو یعفور بخدمت حضرت صادق
رفتیم ان حضرت چاشت طلبید هشام کفت ... حضرت فرمود ... از جهت ما ... مومن ... برادر
مومن ... از طعام او بخورد ... طعام ... بخورد ... برادر ...
اسادیث ... ابسیار ... **از حضرت امام حسن** ... فرمود ... صاحب خانه ... مردم بخورد
تا مردم از طعام او بخورد و بخیل ... تا طعام او را بخورند **و حضرت رسول**
فرمود که ... چیز ... بعد ... کردن ... با ساکردن و ...
از ... نخورد ... **و در حدیث** ... دیگر ... از سفر حج برکردد و منقولست که از حضرت
... **و در احادیث معتبره**
... مومن ... مهمان براد ... تا ازان شهر بیرون رود ...
... صاحب ... طعام ... او ... و ... ابی ... سزاوار نیست
... ایشان ... طعام بخورد **و در حدیث**
معتبر از حضرت صادق منقولست که حد مهمانی سه روز است و بعد از سه روز تصدق ...
... فرمود که ... برادر مومن خود ... داشته باشد ...
... **و در احادیث** ... از حضرت امام جعفر صادق ... مهمانی ...
... خواستند ... امام ... فرمودند که حضرت رسول نهی فرموده است از خدمت
فرمودن مهمان **و در حدیث دیگر** منقولست که مهمانی ... حضرت امام رضا
دست ... که چراغ را صلاح کند ... ان حضرت ... صلاح چراغ نمودند و فرمودند که ما اهل بیت خدمت
میفرمائیم **واز حضرت امام محمد باقر** منقولست که از جمله ... سنت ... انستکه کسی بخواهد که
... فرمودن مهمان ... چون مهمانی بیاید او را اعانت ... کنید
در فرود امدن و چون که خواهد بار کند بر دیار را مدد نکنید ... نفس ...
... **و حدیث معتبر**
از حضرت رسول منقولست که از جمله حق مهمان انستکه همراه او برخیزند تا در خانه **واز حضرت**
امام محمد باقر منقولست که شخصی بخانه کسی برود هر جا که صاحب خانه امر کند بنشیند که صاحب خانه
بهتر میداند واز حضرت رسول منقولست که هشت کسند که اگر با ایشان ... نکنند
مگر خود را کسی که بر سفره حاضر شود که او را نطلبیده باشند و کسی که بر صاحب خانه حکم کند و کسیکه
طلب خیر از دشمنان خود بکند و کسیکه طلب فضل واحسان از لئیمان بکند و کسیکه ...
... و کسیکه استخفاف کند بپادشاهان و صاحبان حکم و کسیکه در مجلسی
بنشیند که سزاوار ان مجلس نباشد و کسیکه با شخصی سخن کوید که کوش بان ندهد و در حدیث دیگر فرمود ...
خود ضیافت کن کسی را که از برای خدا او را دوست داری و حضرت امام محمد باقر فرمود که ... برادر مومن ...

باران باد ... که به یک نفر من ... از کسانی که ... و فرمود که چون حضرت رسول صلعم بجائی ضیافت دهند باید که تا ...
بعد از طعام بخورد و از حضرت صادق ع منقولست که چون برادر مؤمن تو بخانه تو بیاید هر چه حاضر است نزد او بگذار و هرچه خود
خواهی برای برادر بیاور که چون خوان نشستی هر چه حاضر است در خانه حاضر بسازند **فیر حدیث دیگر**
فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعام کند و مؤمنی از آن بخورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که مهمانی که بیاید روزی خود را با خود آورد و ضیافت سبب آمرزش گناهان میشود اگر خدا خواهد **و حضرت رسول**
فرمود از جمله حق مهمان آنست که او را گرامی دارند و خلال برای او حاضر کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که مهمان
می‌باید بار و رخصت صاحبخانه بیاید و چون طعام خورد صاحبخانه را امر نکند و باید که چون بیرون میرود گناه
و عیال تو را با خود میبرد **و در حدیث صحیح** از حضرت صادق ع منقولست که یک لقمه که برادر مؤمن در دهن من
بگذارد دوست‌تر میدارم که بنده در راه خدا آزاد کنم و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که سیر کردن مؤمن بهتر است از ده درهم
از هفت بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر مؤمنی که صدای مهمان را بشنود و بآن شاد شود
کفاره گناهان او شود و اگر چه ... از دین و ایمان داشته باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر خانه که مهمان
بآن خانه نرود ملائکه داخل آن خانه نمیشود و از حضرت صادق ع منقولست که از حقوق واجبه مؤمن بر مؤمن آنست که
او را ضیافت می‌طلبند قبول کند و حضرت رسول صلعم فرمود که وصیت میکنم حاضران و غائبان امت خود را
که دعوت مسلمانان را قبول کنند هر چند از ایشان اگر چه پنج میل راه باشد که این از امور دینست که در دین لازم است و فرمود
بخیل‌ترین مردم کسی است و فرمود که اگر مؤمنی مرا بدست گوسفندی بطلبد می‌روم و فرمود که بدترین طعامها آنست که
برادرش او را بطعام بخواند و او قبول نکند **فصل نهم** در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق ع
منقولست که جبرئیل برای حضرت رسول صلعم مسواک و خلال و حجامت را آورد و فرمود که خلال کنید دندان را پاک
او رو و روزی را زیاد میکند و حضرت امام موسی ع فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت انار که کرم دو دل
خوره را بحرکت می‌آورد و حضرت صادق ع فرمود که هر که بنی خلال کند حاجتش برآورده نشود و فرمود که
حضرت رسول صلعم نهی فرمود از خلال کردن بچوب انار و مورد و نی و فرمود که بحرکت می‌آورد رگ خوره را **و از**
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خلال کردن بچوب گز موجب فقر ... و در حدیث دیگر
فرمود که ... حضرت رسول صلعم فرموده اگر چون خلال کنیم آب بخوریم تا سر نوبت مضمضه کنیم و هر آب را از حضرت رسول صلعم
منقولست که حق مهمانست که خلال برای او مهیا کنید و فرمود که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن‌تر نمیدارند
مانند آن که ببینند در دهان بنده طعامی **و در حدیث صحیح** از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
هر چه از بن دندان مانده بیندازد و از حضرت امام موسی ع مرویست که هر چه از دندان بزبان در بیاورد بخورد
بخورد و هر چه بخلال بیرون آید بیندازد و از حضرت امام موسی ع مرویست که ... بیندازد و بیرون ...
بهم میرسد و در احادیث معتبره وارد شده است که اندرون و بیرون دهان را بعد از طعام بشوید و اشنان بشوید
فصل دوازدهم در فضیلت و انواع آب در احادیث معتبره وارد شده است که بهترین
آشامیدنی‌ها در دنیا و آخرت آبست و از حضرت صادق ع منقولست که هر که خواهد طعم آب را بداند
در دنیا خدا او را طعم آب آخرت کرامت کند و شخصی از آن حضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که
مزه زندگانی ... میفرماید که آب را فرمودم هر چیزه صاحب جوهره را زنده ... و
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که در تفسیر آیه کریمه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی سؤال
کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهای بسیار ... و آب سرد است و در حدیث دیگر از حضرت ...
آب ... از روی زمین ... که در بر ...

کافران ... می‌شود در شب معذب میباشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم در دست برای هر دردی که از برای آن
بخورند **و حضرت امیر المؤمنین** فرمود که بخورید آب باران که بدن را پاک میکند و از حضرت صادق ع
نهی وارد شده است از خوردن نکرانه و در روایت دیگر وارد شده است که خوردن نکرانه برای دندان نافعست و مصادف
روایت کرده است که شخصی از باران قادر مکه بیمار شد تا آنکه بعراق افتاد بحضرت صادق ع عرض کردم حال او را
فرمود که اگر من بجای تو بودم از آب ناودان باو بیاشامید پس ما طلبکردیم نزد هیچکس نیافتم پس ابری بلند شد و رعد و
برق ظاهر شد و باران آمد نزد کسی رفتم و از آب ناودان پر کردم و آوردم بنزد بیمار و از آب آشامید در ساعت شفا یافت
و از حضرت صادق ع منقولست که کام فرزندان ما طفلان را بآب فرات بردارند مگر آنکه دوست
ما اهلبیت باشد و فرمود که سه ناودان بهشت در آن میریزد و فرمود که میان لب فرات راه باشد
برای شفا بر دوش میبریم و در حدیث دیگر فرمود که اگر لب فرات بودم دوست میداشتم که هر صبح و شام بنزد آن بروم
بیاشامم و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را از آب فرات بردارند همه با ما باشند **و از**
حضرت امام زین العابدین منقولست که ملکی هر شب می‌آید و سه مثقال از مشک در آب فرات میریزد
و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش زیاده از آب فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلعم
نهی فرمود از شفا طلبیدن در آبهای گرم که در کوهها میباشد و بوی گوگرد میدهد و فرمود که گرمی آن از گرمی جهنم است
حضرت امام حسن و امام حسین ع فرمودند که ولایت ما را بر همه عرض کردند هر آب که
قبول کرد شیرین و نیکو شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر ع کراهت داشتند از آنکه کسی طلب شفا
کند از آب تلخ و آبگرمی که از آن شنیده میشود و میفرمود که حضرت نوح در وقت طوفان آبها را طلبید همه اجابت کردند
مگر آب گوگرد که از آن شنیده میشد آب رود مصر و آب گوگرد پس نفرین و لعنت کرده هر دو را و حضرت امیر المؤمنین
ع فرمود که آب نیل مصر دلها را میمیراند و از حضرت صادق ع منقولست که آب سرد حرارت را فرو می‌نشاند و
صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده هضم میکند و تب را زایل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای هر دردی
نافعست و هیچ ضرری ندارد و حضرت امام موسی ع فرمود که خوردن آب سرد لذتش بیشتر است و حضرت
امام رضا ع فرمود که خوردن آب جوشانیده که غشیش بجوشد و از ظرفی بظرف دیگر بگردانند ...
میکند و قوت میدهد ساق و قدم را از ابن ابی یعفور منقولست که بخدمت حضرت امام موسی
حضرت نهی فرمود از خوردن آب آن حضرت فرمود که خوردن آب بعد از طعام را در معده ...
فرو مینشاند و عقل را زیاد میکند و صفرا را کم میکند و شخصی دیگر بحضرت صادق ع ...
آب بعد از آن خوردند گفت اگر آب بعد از آن بخوریم هر است و حضرت فرمود که از آن میخورم که لذت ...
بیابم **فصل سیزدهم** در آداب خوردن آب و حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر بنده که آب
بخورد و حضرت امام حسین ع و اهلبیت او را یاد کند و لعنت کند کشندهای او را حق تعالی صد هزار حسنه از برای او بنویسد
و صد هزار گناه از او بیندازد و صد هزار درجه از برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد
در دنیا و در آخرت خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر این نحو بگوید خوبست صلوات الله علی الحسین و اصحابه
و لعن الله علی قاتل الحسین و اعدائه و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که گاه باشد که شخصی یک شربت آب
بخورد و خدا او را بهمان آب خوردن ببهشت برد باینکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد که از لب بردارد که حمد
خدا بگوید پس باز بخورد و حق تعالی بسبب آن بهشت را واجب گرداند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که
حضرت رسول صلعم چون آب میخوردند میفرمودند الحمد لله الذی سقانا عذبا زلالا و لم یسقنا ملحا اجاجا
و لم یؤاخذنا بذنوبنا و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که هر گاه کسی پیش از خوردن بسم الله بگوید و ...

بخورد الحمد لله بگوید مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثواب آن برای او باشد و در حدیث فرموده هر گاه خواهی شب آب
بخوری ظرف را بردار و حرکت بده و بگو یا ماء زمزم و فرات یقرئانک السلام و در روایت دیگر وارد شده است که فرمودند که در شب آب
بخورد سه بار بگوید علیک السلام من ماء زمزم و فرات بخورد در شب با ضرر نرساند و در روایت دیگر منقولست که در وقت
آب خوردن باید بخواند الحمد لله الذی سقانی فارواني و اعطانی فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد
من حوض محمد ص و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین و حضرت صادق ع فرمود بسیار آب مخورید که هر دردی را باعث
تو میکشد و تا آب در دماده رو اخور حضرت امام جعفر صادق فرمود که بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر ندارد
و اما در غیر حال بسیار مخور و فرموده اگر کسی بعد در دکف طعام بخورد و آب بعد از آن بخورد عجب دارم که چرا معده اش شق
نمیشود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت آنست که اسراف نخورده شود و احادیث
بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوبست و آب بیکنفس خوردن خوبست و بهتر آنست که بسه نفس خورده
شود و در روز ایستاده بخورند و در شب نشسته بخورند چنانکه از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که آب ایستاده خوردن
در روز طعام را گوارا میکند و شب ایستاده خوردن آب باعث غلبه زرد آب و صفرا میشود و در حدیث دیگر فرمود
که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و ایستاده خوردن در شب باعث قوت و صحت بدن میشود و از
و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که آب ایستاده مخورید که باعث درد کمر میشود کرده اند مگر آنکه ایستاده باشد
مگر آنکه هذا غایت امد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که آب ایستاده بخورد و در
هیچ قبر مکروه باب ایستاده بود دیگر چنین کند و ملازمت نکنند دیگر
و گفتند که مراد از این احادیث آب خوردنست در شب و بعد و منقولست از حضرت صادق ع
منقولست شخصی بخدمت آنحضرت شعر ... که اگر کسی دم از آب بر ندارد تا سیراب شود
که مگر لذت هست غیر این گفت که مردم میگویند که آن شرب هیم است یعنی شتر تشنه حضرت فرمود که شرب هیم
آنستکه در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقولست که اگر کسیکه آب بخورد
بنده تو باشد به سه نفس آب بخورد و اگر آزاد باشد بیکنفس آب بخورد و از حضرت صادق ع روایت شده که حضرت
رسول ص دوست میداشتند آب خوردن در قدح شامی و میفرمود که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و بروایتی
آنحضرت قدحها از شام بهدیه میآوردند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع از کوزه سفال
آب میخوردند و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول ص گذشتند بر جماعتی که دهان بآب گذاشته بودند
و میخوردند حضرت فرمود که بدست بخورید که بهترین ظرفهای شماست و در احادیث معتبره
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که آب خوردن آنستکه اول بسم الله بگوید و چون فارغ شود الحمد لله بگوید و از
پیش دسته کوزه و از جای شکسته آب خوردن ناشته باشد نخورد که آنجا موضع نشستن شیطانست و از حضرت رسول ص
نهی فرموده اند میان بدست آب و از حضرت صادق ع منقولست که دمیدن در آب و فتی مکروه است که دیگری حاضر
باشد که خواهد آن آب بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از حضرت
سجده نهی وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم بخورید و دهان پر مکنید که باعث
درد جگر است و منقولست که حضرت رسول ص گاهی در قدحها که از شام میآوردند تناول میکردند و گاهی
در قدح چوب و گاهی در پوست و گاهی در خزف و اگر ظرفی حاضر نبود آب در کف میکردند و میآشامیدند

باب چهارم در بیان تزویج و آداب مجامعت و معاشرت و کیفیت تربیت فرزندان **فصل اول**
در فضیلت تزویج و نهی از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که از اخلاق پیغمبر
است دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی که در ایمان چیزی زیاده شود دوستی زنان او زیاده میشود

و فرمود که هر چه حب زنان در دل زیاده شود فضیلت ایمانش زیاده میشود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست
که سه چیز از سنن پیغمبرانست بوی خوش کردن و موهای بدن را زائل کردن و زنان را بسیار دوست داشتن
و با ایشان مقاربت کردن بسیار و بسند صحیح از حضرت رسول ص منقولست که فرمود بنا بر اختیار کردم زنان
و بوی خوش را و موهای زیادتی را ازاله کردن و روشنی دیده من در نماز است و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که بعضی مخنثی اختیار کرده بود و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و نامه
بحضرت صادق ع نوشت بجناب در جواب نوشتند اما زنان پس میدانی که حضرت رسول ص چند عدد
از زنان داشتند و اما طعام لذیذ پس حضرت رسول ص گوشت و عسل تناول میفرمودند و حضرت
رسول ص فرمود که هر که زنی را بعقد خود در میآورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا بپرهیزد در نصف دیگر
و فرمود که بدترین مردها عزبانند و فرمود چه چیز مانع است مؤمن را از آنکه زنی بگیرد شاید خدا فرزندی
روزی بکند که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که خواهد متابعت سنت بکند از سنت من
زن خواستن است و از حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خوشم نمیآید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم
و یک شب بی زن بخوابم و فرمود که دو رکعت نماز که کسی بکند که زن داشته باشد بهتر است از عزبی که شبها را تمام نماز کند و روزها روزه
باشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که ترک کند زن خواستن را از ترس پریشانی پس تحقیق که گمان بد برده است بخدا زیرا که
حق تعالی میفرماید ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله یعنی اگر بوده باشند ایشان فقیر ایشان را خدا بی نیاز میکند
از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که زن عثمان بن مظعون آمد
بخدمت رسول خدا ص و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه میگیرد و شبها نماز میکند و نزد من نمی آید
حضرت غضبناک نزد عثمان آمدند و فرمودند ای عثمان خدا مرا نفرستاده است برهبانیت و لیکن بدین حنیف
سهله آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که خواهد که بر فطرت من
عمل کند و از سنت من نکاح زنانست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند نزد رسول
خدا ص یکی گفت شوهرم گوشت نمیخورد و دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمیبوید و دیگری گفت که شوهرم
با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و ردای مبارک بر زمین میکشیدند تا بر منبر بالا رفتند
و ثنای الهی گفت و گفتند که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمیبویند و نزدیک زنان نمیروند
من گوشت میخورم و بوی خوش میبویم و نزد زنان میروم و هر که سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر
منقولست که زنی آمد بخدمت رسول خدا ص شکایت کرد که شوهرم نزدیک من نمیآید حضرت فرمود که خود را
خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را با او خوشبو کردم و از من دوری میکند
حضرت فرمود که اگر میدانست که ثواب نزدیک آمدن بتو چه مقدار است دوری نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود
دو ملک با او احاطه میکنند و ثواب کسی دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند پس چون با او جماع کند گناهان
او میریزد و حضرت رسول ص فرمود ... ذکر کن خدا میکند ... اعتقاد دارند
کرده بکنند **فصل دوم** در اصناف زنان و صفات پسندیده ایشان از حضرت ...
زن بهتر ... گرد ... میگیرد ... فرمود که زن صالحه و غیر صالحه
قیمت ... زن صالحه ... و نقره ... زن غیر صالحه
مبادا زد و خاک بهتر از اوست و حضرت رسول ص فرمود که زن بکفو و مثل خود بدهید و از کفو مانند خود زن
بخواهید و از برای نطفه خود زنی را پیدا کنید که شایسته آن باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست ... زنی بخواهید ... و صلاح او بخواهد ...

اولاد در بکند و حضرت رسول صلعم فرمود کردن با کره بخواهید که فرزند ایشان زیبا او دور دو و زن معقول که فرزند بیاورد بخواهید که من مباهات میکنم بشما بر امتان پیغمبران دیگر در روز قیامت میگویند که فرزندان در زیر عرش الهی زنا طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشان را نگاه داری میکند و حضرت ساره ایشان را تربیت میکند و در بالا کوهی از مشک و زعفران و عنبر و در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهانهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خشکتر و پستانهای ایشان پر شیرتر است و فرزندان ایشان زودتر [illegible] میکنم بر سبب شما در روز قیامت حتی بفرزند سقط تمام از شکم [illegible] ایستد پس حق تعالی میفرماید [illegible] بلکه کر میکرد و مادرش را بیاورد [illegible]

و از حضرت امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] چون بخواستگاری زنی میفرستاد میفرمود [illegible] باشد و غوزک پایش پر گوشت باشد امام رضا منقول است که از سعادت مرد است که زن سفیدی داشته باشد و حضرت صادق فرمود که چون خواهید زنی را خواستگاری کنید از موی سرش بپرسید چنانکه از رویش میپرسید که نصف حسن در موی است و بسند معتبر از حضرت رسول منقول است که بهترین زنان شما زنیست که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد هرچه شوهر گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه او خواهد مضایقه نکند با شوهر در بازی و تکلیف جماع کند و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهرش غایب شود زینت کند و خود را به دیگران نماید و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضایقه کند از آنچه شوهر اراده کند و عذر او را قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد

و در حدیث دیگر [illegible] حضرت رسول آمد و گفت که زنی دارم که هرگاه بخانه میروم استقبال میکند و چون بیرون میروم مشایعت مینماید و چون مرا اندوهگین بیند میگوید چه غم داری اگر از برای روزی غم میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر از برای آخرت غم میخوری خدا غم تو را زیاد کند حضرت فرمود خدا را کارکنان است این زن از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد

و در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان امت من زنیست که خوشروتر و مهرش کمتر باشد و حضرت صادق فرمود که خوبی زنان شما که مهرش کم باشد [illegible] باشد مهر او

و حضرت رسول صلعم فرمود که بهترین زنان شما زنان قریش‌اند و مهربانترین زنانند [illegible] رحیم‌ترین ایشانند بفرزندان و مانند [illegible] حدیث دیگر از حضرت منقول است که خداوند عالم میفرماید که چون خواهم جمع کنم برای مسلمانی خیر دنیا و آخرت را با او میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذاکر و بدنی صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هر وقت با او نظر کند شاد شود و چون غایب شود خود را نگاه داری کند و مال شوهر را تلف نکند و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر منقول است که در بنی اسرائیل [illegible] بود دنیا عاقل و مال دنیا داشت و فرزند بسیار داشت از زن عفیفه که در شکل و شمایل با او شبیه بود و فرزندی داشت از زن دیگر غیر عفیفه [illegible] ندامت و چون نوشاد شد گفت که تمام مال از یکی از شماهاست و چون پسران دعوی کردند که مال از ماست و نزد قاضی رفتند قاضی گفت که نزد [illegible] برادر [illegible] [illegible] نزد [illegible] چون نزد

رفتند او و او جوان باشند پیر اول سؤال کردند که بچه جهت برادر کوچک تو از همه پیرتر است و تو از همه ایشان بزرگتر و جوانتر [illegible] ایشان برادر کوچک زن دنیا بد دارد و بر بدیهای او صبر میکند که مبادا مبتلا شود که صعب تر باشد و صبر نتواند کرد [illegible] برادر میانه زن دارد که [illegible] میکند و بابن سبب بحال خود مانده است و من زنی دارم که [illegible] زنی دارم که [illegible] بسبب آن خوشحال و جوان مانده‌ام پس برادران خود را نقل کردند گفتند اول [illegible] و استخوان پهلوی خود را بیرون آورد و بسوزانید تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر کوچک شمشیر برداشت و برادرانش گفتند [illegible] [illegible] بیکام [illegible] حصه خود گذشتم مال را بشما واگذاشتم چون نزد قاضی آمدند قاضی مال را به پسر کوچک داد و بایشان گفت اگر شما هم فرزندان او بودید چنانکه برادر کوچک شفقت میکرد شما نیز از درآوردن و سوختن پدر ممانعت مینمودید

[illegible] در آداب نکاح است از حضرت صادق منقول است که هرگاه اراده خواستگاری نماید دو رکعت نماز بکند [illegible] اللهم انی ارید ان اتزوج فقدر لی من النساء اعفهن فرجا و احفظهن لی فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و قدر لی ولدا طیبا تجعله خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی و در حدیث معتبر وارد شده که تزویج در شب واقع شود و در حدیث موثق مروی است که بحضرت امام محمد باقر خبر رسید که شخصی زن خواست در ساعتی که [illegible] در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم در میان ایشان الفت بهم رسد و از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه شوال خوب است و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که عقد کند یا زفاف کند در حالتی که قمر در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند و در روایت دیگر منقول است که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بلا کند که فرزندش منعقد میشود که پیش از تمام شدن سقط میشود و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که در روز جمعه زن خواستگاری و نکاح کنید که [illegible] مؤمنان را طلبیدن و نام خدا بردن و نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول منقول است که از سنت پیغمبران است طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلعم چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود [illegible] بمردم خورانید و آن چنان بود که از خرما و روغن و کشک [illegible] و حضرت رسول فرمود که ولیمه در روز اول حق است و در روز دوم نیکست و در روز سیم ریا و سمعه است و منقول است که حضرت امام محمد باقر چون دختر مأمون را عقد کردند این خطبه خواندند الحمد لله اقرارا بنعمته و لا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته و صلی الله علی سید بریته و الاصفیاء من عترته اما بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم و سایر خطبها طولانی در کتب مبسوط مذکور است و اینجا گنجایش ایراد ندارد و در باب صیغه نکاح رساله علیحده تألیف کرده‌ام

فصل چهارم در بیان آداب زفاف کردن در وقتیکه ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتیکه حائض باشد یا خون نفاس باشد حرام است و از ناف تا زانوی ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتنابست مگر اینکه ضرورتی باشد پس امر کند زن را که فرج خود را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمال که از او میباید کرد بجا آورد با او جماع میتوان کرد در وطی در دبر زن خلاف است بعضی حرام میدانند و اکثر علما مکروه و بعضی از علما حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست و حضرت صادق فرمود که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط میشود و اگر فرزندی بهم رسد دیوانه شود یا صرع بهم داشته باشد نمی‌بینی که اکثر صرع میکند اکثر آنستکه یا در اول ماه یا میانه ماه یا در آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلعم فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی بهم رسد که مبتلا شود بجوره یا پیسی ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق فرمود که دشمن ما اهل‌البیت نیست مگر کسیکه ولد الزنا یا مادرش در حیض با او حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت

مفعول نکر چون کسی خواهد با همسر زنان خود جماع کند روغن برهان بمیرد … بعد از او دست بازه و دوش … کند و لعنه الله

جماع کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقول است که در وقت جماع سخن مگویید که بیم آنست که فرزند بهم رسد لال باشد

و در آن وقت نظر بفرج زن مکنید که بیم آنست که فرزند کور بهم رسد و کراهت … از آن حضرت منقول است که

نظر نگاه کردن بفرج زن در وقت جماع و در چند حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در وقت جماع بنگر

حنا و خضاب و غیر آن … باشد جماع نکند **و از حضرت امام موسی** پرسیدند که اگر در جماع

جامه از روی مرد و زن دور شود چون است فرمود که باکی نیست و باز پرسیدند که اگر کسی بیاید زن را ببوسد

فرمود که باکی نیست و از حضرت صادق پرسیدند که اگر کسی زن خود را برهنه کند و بآن نظر کند چونست

فرمود که مگر لذتی از این بهتر باشد پرسیدند که اگر با دست یا انگشت با زن و کنیز خود بازی کند چونست فرمود که

باکی نیست اما بغیر اجزای بدن خود چیزی در آنجا نکند پرسیدند که … در بیت الخلا جماع کند فرمود

که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت صادق پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق

فرمود که با زن و کنیز خود جماع مکنید در حضور کودکی که طفل باشد و اندازد زنا کاری بشود با فرزندی که از ایشان بهم رسد زنا

کار شود **و از حضرت رسول** منقول است که فرمود بحق خداوندی که جان من در دست قدرت اوست

اگر کسی با زن خود جماع کند و در آن خانه کسی بیدار باشد که ببیند یا نفس ایشان را بشنود فرزندی که از ایشان بهم رسد

نباشد بعد زناکار باشد و حضرت امام زین العابدین چون اراده مقاربت میکردند خدمتکاران را دور میکردند

و درها را می بستند و پرده ها را می انداختند و از حضرت صادق منقول است که کسی با کنیزی جماع کند و خواهد با

کنیز دیگر جماع کند پیش از غسل وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست که با کنیز وطی کنند

و در خانه کنیز دیگر باشد که ببیند و بشنود و مشهور میان علما آنست که باکی نیست که مرد در دو کنیز بخوابد و فرمود

که کراهت دارد مرد رو بقبله بخوابد و جماع کند و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام

موسی فرمود که دوست نمیدارم کسی که در سفر آب نمی یابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته

باشد بر خود و بعضی از علما قائل بحرمت شده اند و حضرت رسول نهی فرمود از آنکه کسی محتلم شده باشد پیش از

آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند و فرزندی بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق

فرمود که مکروهست جماع کردن در وقتیکه آفتاب طلوع کند و در وقت زردی آفتاب در وقت

فرو رفتن و حضرت امیر المؤمنین فرموده است که مستحب است در شب اول ماه مبارک رمضان جماع کردن و از

ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه وصیت فرمود بحضرت امیر المؤمنین که چون عروس داخل

خانه تو شود کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشوی و آب را در خانه بریز تا هفتاد هزار نوع برکت داخل خانه تو شود و هفتاد

هزار نوع از پریشانی از خانه تو دور کند و هفتاد هزار رحمت بر تو فرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه برکت بهر گوشه خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانه

و خوره و پیسی تا آنکه در آنخانه باشد و منع کن عروس را یک هفته از خوردن سرکه و گشنیز و سیب ترش حضرت

امیر المؤمنین گفت یا رسول الله بچه سبب منع کنم او را از اینها فرمود زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم

میشود و فرزند نمیآورد و حصیری که در ناحیه خانه افتاده است بهتر است از زنیکه فرزند نیاورد و پس فرمود

که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و در میان ماه و در آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ میآورد بآن زن و فرزندش

یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی

بهم رسد ایمن نیست که لال باشد و اگر نگاه مکن بسوی فرج زن خود و چشم بپوشد در آنحال که باعث کوری فرزند

… خواهش زن دیگر با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد با مخنث یا دیوانه باشد یا …

جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن مخوان که آتشی از آسمان بر هر دو نازل میشود و بسوزاند ایشان را یا علی جماع

مکن و دستمالی از برای خود داشته باش و او دستمالی از برای خود داشته باشد و هر دو را بیک دستمال پاک مکنید که شهوت در عقب

شهوت میآید و باعث جدائی میگردد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که آن فعل خران است و اگر فرزندی بهم رسد مانند

خران بر رختخواب بول کند یا علی در شب عید قربان جماع مکن که چون فرزند بوجود آید شش یا چهار انگشت داشته باشد

در شب عید فطر جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد … کشنده مردم با فرزند … ظالم باشد یا علی در زیر درخت

جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد یا … یا رئیس ظلم باشد یا علی در میان در خانه و …

جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید راغب باشد بخون ریختن یا علی چون زنت حامله شود بی وضو با او جماع مکن که اگر

چنین کنی فرزندی که بهم رسد کور دل و بخیل باشد یا علی در شب چهارشنبه جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد صاحب

و با … باشد و هلاک … و بر شود یا علی در پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق

کننده و صاحب بدعت باشد یا علی چون بسفری روی در آنشب که بیرون میروی جماع مکن که اگر فرزند بوجود آید مال را

صرف بناحق کند و اسراف کننده کان برادران شیاطینند و اگر بسفر روی که سه روزه باشد جماع مکن که او ظالم

باشد یا علی در شب شنبه جماع بکن که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی

در شب سه شنبه و فرزندی بهم رسد بعد از شهادتین بسعادت شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش

جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع در شب پنجشنبه کنی و فرزندی بهم رسد حاکمی از حکام

شریعت و عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه و فرزندی بهم رسد شیطان نزدیک او نرود تا پیر شود و خدا او را روزی

کند سلامتی دین و دنیا و آخرت یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزند بهم رسد خطیب و سخن گو باشد و در روز جمعه

بعد از عصر جماع کنی و فرزند بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از خفتن امید هست که آن

فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیست که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت

اختیار نماید یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه من از جبرئیل آموختم **و در حدیث منقول است که** روز

عقد فاطمه حق تعالی امر فرمود سدرة المنتهی را که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه داشت فرو ریخت از

جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوریان آن نثار را بردند و تا روز قیامت مفاخرت میکنند به آن برای یکدیگر میفرستند

میگویند این نثار حضرت فاطمه است و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند

و حضرت فرمود که فاطمه سوار شو و سلمان لجام استر را میکشید و حضرت رسول از عقب روان شد و در اثنای

راه آواز ملائکه بگوش مبارک آن حضرت رسید جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند حق تعالی ما را

بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده است الله اکبر بگویید **و در روایت دیگر** منقول است که شخصی بخدمت

حضرت صادق عرض کرد که ما طعامها بعمل آوردیم و دیبا را پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی

نمی آید فرمود زیرا که طعام عروسی نسیم بهشت میوزد چون طعام میپزند برای مجلس مهیا میشود و در احادیث

معتبره وارد شده است که سنت است عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی احادیث

وارد شده است که نثار عروسی را مهمانان برداشته تا غارت میکنند از یکدیگر میربایند کراهت دارد و علما گفته اند

که وقتی جایز است برداشتن که بقراین معلوم شود که صاحبش راضی است که مردم بردارند **و از حضرت**

امام محمد باقر منقول است که هرگاه شما را بعروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما میآورد

و چون شما را بجنازه بطلبند زود بروید زیرا که آخرت را بیاد شما میآورد و در حدیث … حضرت رسول

نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و حضرت رسول فرمود بیاموزید از کلاغ

سه خصلت را جماع پنهان و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المؤمنین فرمود که

هرگاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها است پیش از جماع کار فرما است و هرگاه کسی زنی ببیند و خوش
آید و نیز برود با او و خود جماع کند که این هم با این هست و شیطان را بر دل خود راه ندهد و اگر زنی نداشته باشد دو رکعت
نماز بکند و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند البته با و عطا میفرماید
و اجتناب از حرام بی نیاز گرداند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند
دو خر بیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور میشوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سال تمام شود پس اگر چنین بکند و عیبی بان برسد ضامن است و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که جماع کردن پیش از طلوع صبح مکروهست تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن سرخی طرف
مغرب و در روزیکه در آن روز آفتاب بگیرد و شبی که در آن شب ماه بگیرد و در روزیکه در آن روز باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد
شود یا در شب یا روزیکه زلزله حادث شود والله که هر که جماع کند در این اوقات پس او را فرزندی بهم رسد که ببیند در آن فرزند
چیزی که دوست نداشته باشد زیرا که غضب خدا را سهل شمرده است و در فقه الرضا ع منقولست که چون اراده غسل داری
پیش از آنکه غسل کنی خواهی جماع کنی وضو بساز و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که بسا هست که درد
بهم رسید یا حادث بر مزاج بیش غالب شود با زن خود جماع کند فرزندی که بهم رسد مخنث باشد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
[illegible] جماع مکن [illegible] جماع کردن [illegible] و در حدیث صحیح دیگر از حضرت
امام رضا ع منقولست که حضرت صادق ع بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع میکردند وضو میساختند
و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده باشد جماع نکند **فصل**
پنجم در آداب نماز و دعا در شب زفاف و هر وقت مقاربت زنان و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که چون عروس را بخانه تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو او هم [illegible] کنند
که [illegible] نماز بگذارد پس حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس اشاره کن آن زنان را که با او آمده اند [illegible] بگو
اپس دعا بخوان اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها وارضنی بها واجمع بیننا باحسن اجتماع وانس وایتلاف فانک
تحب الحلال وتکره الحرام و بعد از آن فرمود که بدان الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطانست [illegible]
انچه خدا حلال کرده اند مکروه طبع مردم گرداند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که چون در شب زفاف
بزم عروس بروی [illegible] بگیر [illegible] و بگو اللهم بامانتک اخذتها وبکلماتک احللتها فان قضیت لی منها
ولدا فاجعله مبارکا تقیا من شیعة آل محمد ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا و در حدیث معتبر از آن حضرت
منقولست که دست بر بالای پیشانی بگذار و بگو اللهم علی کتابک تزوجتها وفی امانتک اخذتها وبکلماتک استحللت
فرجها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا ولا تجعله شرک شیطان [illegible] چگونه شریک
شیطان میشود فرمود که اگر وقت جماع اسم خدا را ببرد شیطان دور میشود و اگر نبرد ذکر خود را با ذکر او شیطان
داخل میکند [illegible] راوی پرسید که به چه چیز میتوان دانست که
شیطان در کسی شریک شده است [illegible] **و از**
حضرت امیرالمؤمنین منقولست در وقت زفاف این دعا بخوان اللهم بکلماتک استحللتها وبامانتک
اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا لا تفرک تاکل مما راح ولا تسأل عما سرح **و در روایت معتبر دیگر**
از حضرت صادق ع منقولست که این دعا بخواند بکلمات الله استحللت فرجها وفی امانة الله اخذتها اللهم
ان قضیت فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا واجعله مسلما سویا ولا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث دیگر از آن حضرت
منقولست که حضرت [illegible] شیطان را [illegible] باید که بگوید
فرمود که هرگاه اراده [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] الا الله رب السموات والارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة [illegible] فلا تجعل للشیطان فیه شرکا
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که چون
[illegible] بسم الله وبالله اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون اراده جماع کنی [illegible] این دعا بخوان اللهم
[illegible] **فصل ششم**
در بیان حق زن بر شوهر [illegible] از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
[illegible]
[illegible] و در حدیث [illegible] از حضرت رسول ص منقولست [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که زنی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت یا رسول الله
[illegible] فرمود که لازم است که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند [illegible]
[illegible]
[illegible] **و در حدیث دیگر**
[illegible] منقولست [illegible] حضرت رسول [illegible] سؤال کرد که حق شوهر بر زن چیست [illegible]
[illegible]
[illegible] **فرمود**
[illegible]
[illegible] **و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع فرمود** [illegible]
[illegible]
[illegible] **فرمود** [illegible]
[illegible]
[illegible] **و در حدیث معتبر** [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در حدیث صحیح از حضرت امام ...
دار سکرچ با نکوه یا بنکی و بید یا فادر با صلد ... اشیوستان
منقولست که هر زنی شوهر خود بگوید که هرگز ... کردند ثواب عملهایش هر طرف میشود و در احادیث معتبر بسیار
وارد شده است که حق شوهر زیادتر است ... و او را بپوشاند و اگر بدی کند ببخشد و عفو کند و در حدیث
دیگر منقولست که روز قیامت ... نکند تر او بکر و غن ... برای بدن مالیدن با او بدهد و هر
روز یکبار شیر گوشت برای او بیاورد و رنگ مانند حنا و سه هر شش ماه بیکبار باو بدهد و در هر سال چهار جامه باو بدهد
دو تا از برای زمستان دو تا از برای تابستان و باید که نان خالی نگذارد و از روغن مالیدن سر و از سرکه و زیت و روغن
بکن کسه باو و زیت بدهد و میوه ها که همه کس خورند باو خورانند و در عیدها زیاده از او قات دیگر خوب بدهد
او بکبرد و از حضرت صادق منقولست که بترسید از خدا در حق دو
ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول فرمود که ...
و حضرت صادق فرمود که موجب هلاک صاحب عرو شتکه دو شهرت باشد بد و در خانه
دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین فرمود و صیت حضرت امام حسین
که زنها را از زنان مشورت مکن که رای ایشان ضعیف و عزم ایشان سست ...
... ایشان را در پرده بدار ...
ایشان و حسن و جمال ایشان ...
قبول مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول ... منقولست که زنان را
در غرفه و بالا خانه جا مدهید و چیز نوشتن با او یاد مدهید و سوره یوسف را باو
تعلیم مکنید و سوره نور را تعلیم ایشان بکنید و حضرت ... فرمود
فرمود که زنان را بر زین سوار نکنند و فرمود که در بسیاری اطاعت زنان نکنید تا آنکه بطمع نیفتند و در اینها
کردن ... بپوشانید و بیکاری ایشان در حذر باشید و حضرت امام محمد
باقر فرمود که راز خود را با ایشان مگوئید ... اطاعت نکنید و حضرت
امیر المؤمنین فرمود که هر مردی که کار خود را او رازی تدبیر کند ملعون است و حضرت رسول
... با زنان مشورت میکردند ... میکنند ...
رسول فرمود که هر که اطاعت کند خدا او را سرنگون بدوزخ اندازد گفتند یا رسول
الله این اطاعت کدام است فرمود که او رخصت طلبد که برای سیر حمامها و عروسیها و عیدها و عزا برود
او رخصت بدهد ... و در حدیث دیگر فرمود که
... زنان ... اگر او را بحال خود میگذارد منتفع میشود و اگر خواهد راست کند می
شکند ... و بدانکه از جمله حقوق زن بر شوهر آنست که در چهار ماه یکمرتبه
با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجبست اگر چند زن داشته باشد ...
... و جمهور العلماء آنست که ...
چهار شب یکشب ... و اگر زیاده از یکی داشته باشد ...
... و در بعضی اخبار وارد است
... شوهر ...
... و اگر ...
دیگر بخواهد ... تا هفت شب ... و اگر ... تا سه روز فصل بعضی
... فرزند ... منقولست که ... از کلها بهشت

و فرمود که از سعادت مرد است فرزند صالح و فرزند نیک باعث سعادت در دنیا و آخرت میگردد و
حضرت امیر المؤمنین فرمود که بیماری طفل بفرزند میرسد کفاره گناه پدر و مادر است و در حدیث صحیح
منقولست که روزی جبرئیل نازل شد و حضرت رسول و امیر المؤمنین نشسته بودند جبرئیل از بسیاری پرسید
حضرت رسول دو طفل ما آزار داشتند و بگریه ایشان سازی شدیم جبرئیل گفت یا محمد
حق تعالی برای فرزندان شما شیعه چند برابر ... که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله
الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد گریه ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر و چون بحد بلوغ برسد
پدر و مادر در ثواب ایشان شریک باشند و در گناهان شریک نباشند و از حضرت رسول
منقولست که زن از روزی که حامله میشود تا روزی که وضع حمل میشود و تا فرزند از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی
دارد که سرحد کافران مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این ما بین بمیرد ثواب شهیدان دارد
در حدیث صحیح از حضرت رسول منقولست که حضرت عیسی بقبری رسید که صاحبش را
عذاب میکردند پس در سال دیگر بهمان قبر رسید که صاحبش را عذاب نمیکردند از این حال سؤال کرد از پروردگار
خود وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته او بحد بلوغ رسیده و راهی را اصلاح کرده و یتیمی را جا داده باین سبب
این میت را که پدر او بود بکرده فرزندش بخشیدم و آمرزیدم پس حضرت فرمود که میراث خدا از بنده
مؤمن فرزند است که بعد از او عبادت خدا کند و در روایت دیگر منقولست که بی فرزند میرد گویا هرگز
در میان مردم نبوده است و کسیکه بمیرد و فرزندی از او بماند گویا نمرده است و در حدیث معتبر
از حضرت رسول منقولست که حق تعالی بر دختران مهربانتر است از پسران و هر مردیکه شاد گرداند زنی که
خویشی با او داشته باشد و محرم او باشد حق تعالی او را در قیامت شاد گرداند و حضرت صادق
فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمت و خدا بر حسنات ثواب میدهد و از نعمت سؤال میکند
و آن حضرت بیکی از اصحاب فرمود که شنیده ام دختری بهم رسانیده و نمیخواهی او را چه ضرر دارد گلیست بو
میکنی او را و روزیش با خدا است و حضرت رسول پدر دختران بود و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود سؤال کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ او بر او گریه کند
و فرمود که هر که او را دوی مرگ دختران داشته باشد و بمیرد ثواب نداشته باشد و در قیامت نزد خدا
عاصی باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول نشسته بود
خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود زمین او را برمیدارد و آسمان
بر او سایه میاندازد و خدا روزیش میدهد و گلیست او را میبوئی پس رو باصحاب خود کرد و
فرمود که هر که یک دختر دارد بارش گرانست هر که دو دختر دارد بخدا قسم بفریادش برسید و کسیکه سه دختر
دارد جهاد و آزار از او بر داشته اند و کسیکه چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری ... ای بندگان
خدا او را قرض بدهید ای بندگان خدا باو رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر از حضرت
منقولست که هر که دختر یا خواهر را نفقه دهد بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که هر گاه کسی فرزندی بهم رساند باید که بخواند اللهم لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین وحیدا
وحشا فیقصر شکری عن تفکری بل هب لی عاقبة صدق ذکورا و اناثا آنس بهم و حده و اسکن الیهم من الوحشة
و اشکر لک عند تمام النعمة یا وهاب یا عظیم یا معظم یا معطی ثم اعطنی فی کل عافیة شکرا حتی تبلغنی منها رضوانک
فی صدق الحدیث و اداء الامانة و وفاء بالعهد و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند در سجده
بسیار این را بخوان رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین

ودر روایت دیگر آمده است که هرکه میخواهد زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بکند و رکوع و سجود
طول دهد پس بگوید اللهم انی اسألك بما سألك به زکریا رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین اللهم هب لی من لدنك ذریة
طیبة انك سمیع الدعاء اللهم باسمك استحللتها وفی امانتك اخذتها فان قضیت فی رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا
زکیا ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ونصیبا ودر روایت دیگر منقولستکه ابو بصیر بخدمت امام محمد باقر عرض کرد
که مرا فرزند نمیشود فرمود که هر شب یا هر روز صد مرتبه استغفار بکن و هرگاه نسیان کنی استغفر الله را قضا
آنرا بگوید ودر حدیث دیگر از آنحضرت منقولستکه هر صبح وشام هفتاد مرتبه سبحان الله بگوید وده
مرتبه استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید پس نه نوبت سبحان الله پس یکنوبت استغفر الله ربی واتوب الیه
بگوید داودی میگوید که جمع کثیره باینعمل مداومت کردند و فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در
هم بابانانها بگفتن استغفر الله اکتفا میتوان کرد ودر روایت دیگر از حضرت صادق منقولستکه
از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه استغفر الله بگوید واگر فراموش کند در وقت دیگر قضا کند و
شخص دیگر بآنجناب شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که چون اراده مجامعت کنی بگو اللهم ان رزقتنی ذکرا سمیته محمدا
ودر حدیث دیگر منقولستکه شخصی بخدمت حضرت امام رضا شکایت کرد که زنهایشه
بیمار و فرزند نمیشود فرمود که در خانه خود صدا باذان بلند کن چنان کرد بیماریش صحیح شد و فرزند بسیار بهم
رسانید **ودر حدیث دیگر** از حضرت امام جعفر صادق منقولستکه شخصی شکایت کرد
که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود چون خواهی نزد زن خود بروی واین آیه را بخوان انشاء الله تعالی خدا
ترا فرزندی روزی میکند وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین وزکریا
اذ نادی ربه رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین **ودر حدیث دیگر فرمودکه**
هرکه را فرزند نشود نیت کند که اگر مرا فرزند بشود علی نام خواهم کذاشت واگر چنین حذ اورا
فرزندی پسر روزی بکند واز حضرت امام زین العابدین منقولستکه هرکه اینه عا را بسیار بخواند هرچه
خواهد از مال وفرزند وخیر دنیا وآخرت خدا باو عطا فرماید رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
واجعل لی من لدنك ولیا یرثنی فی حیوتی ویستغفر لی بعد موتی واجعله خلفا سویا ولا تجعل
للشیطان فیه نصیبا اللهم انی استغفرك واتوب الیك انك انت الغفور الرحیم واز برای فرزندان هفتاد
مرتبه این دعا را بخواند واز حضرت صادق منقولستکه هرگاه زنی حامله باشد وچهار ماه برآید بگذرد رو
او را بقبله کن ودست بر شکم زن بزن وبگو اللهم انی قد سمیته محمدا یعنی اورا محمد نام کردم چون
چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اورا محمد نام کند مبارك باشد واگر نام بکند خدا خواهد
از او بگیرد واگر خواهد باو ببخشد **ودر چند حدیث معتبر وارد شده** استکه اگر زنان حمله
داشته باشد عزم کند اورا محمد نام یا علی نام کند اورا پسر شود ودر حدیث دیگر استکه اورا علی
نام کن که عمرش دراز باشد ودر کتاب نوادر الحکمه روایت کرده استکه شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر آمد
کرد از کمی فرزندان حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه سبحان الله بگوید وهفتاد
مرتبه استغفر الله بگوید وبعد از آن این آیه را بخواند استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم
مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا پس در شب سیم بازن خود
جماع کن که خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا فرماید ودر کتاب نوادر الحکمه روایت
کرده استکه شخصی نزد امام جعفر [illegible] و گفت یا بن رسول الله هشت دختر بهم رسانیده‌ام

دو پسر ناخال ندیدم امام حضرت فرمود وقتیکه دو پای زن بنشینی دست راست خود را بر جانب راست زن
بگذار وسوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخوان آن مرد گفت چنین کردم هشت پسر در پی هم آوردم و از حضرت امام
حسن منقولستکه هرکه فرزند خواهد باید استغفار بگوید **فصل هشتم** در احکام ایام ولادت و آداب روز ولادت
ونام نهادن طفل از حضرت صادق منقولستکه حضرت رسول فرمودند که اول چیزیکه زن زائیده باید بخورد باید
رطب باشد چنانچه حقتعالی بحضرت مریم فرمود که نزد آن درخت خرما بعد از زائیدن خرمای تازه بخورد گفتند اگر وقت رطب
نباشد چکنند فرمود که دانه خرما از خرماهای مدینه بخورد اگر نباشد نه دانه از خرماهائیکه باشد بخورد بدرستیکه
حقتعالی میفرماید که بعزت وجلال خودم سوگند که هر زنی نه دانه رطب بخورد فرزند او را برد بار کردانم ودر حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولستکه زنان بعد از ولادت خرمای برنی بخورانید تا آنکه فرزند بردبار شود
ودر حدیث دیگر از حضرت رسول منقولستکه بزنان حامله بهی بخورانید بدرستیکه چون طفل در شکم مادر که
غذای او شود دلش محکم میشود وعقلش زیاد میشود واگر پسر باشد شجاع میشود وسرپنجش بزرگ میشود ونسبت آن نزد
شوهر عزیز میشود ودر حدیث معتبر دیگر منقولستکه حضرت علی بن الحسین چون ولادت زنی نزدیک میشد میفرمودند
که زنانرا از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر بر عورت طفل نیفتند ومنقولستکه چون بآنحضرت بشارت فرزند
میدادند نمیپرسیدند که پسر است یا دختر بلکه اول میپرسیدند که خلقتش درست است پس اگر میگفتند که درست است و عیبی در خلقتش
نیست میفرمودند که الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها بعد خداوند را بسیار شکر میکردند که فرزندی بمن داد که تمام خلقت
معیوب باشد واز حضرت صادق منقولستکه چون فرزندی متولد شود بفرمائید که آب زمزم یا آب فرات در دهانش
بچکانند وقطره در بینی راست طفل ویکقطره در بینی چپش بریزید ودر گوش راستش اذان بگو ودر گوش چپش اقامه
بگو پیش از آنکه ناف ببرید که اگر چنین کنند هرگز ام الصبیان باو ضرر نرساند **ودر حدیث دیگر**
فرمود که قابله یا یکی دیگر را بگو که اقامه در گوش راستش بگویند هرگز جنیان باو ضرر نرسانند وحضرت امام محمد
باقر فرمود که کام او را بآب فرات بردارند واقامه در گوشش بگویند ودر روایت دیگر وارد شده استکه کام طفل را
بآب باران بردارید اگر آب فرات نباشد بآب باران بردارید **واز حضرت امیر المؤمنین**
منقولستکه کام فرزندان خود را بخرما بردارید که حضرت رسول چنین کرد با امام حسن وامام حسین وحضرت
رسول فرمود که هرکه فرزندی از او متولد شود باید اذان در گوش راست او واقامه در گوش چپ او بگوید که نگاه
دارنده او است از شر شیطان واز ولادت امام حسین ظاهر میشود که مکروه است طفل را در ابتداء ولادت
در جامه زرد پیچیدن وسنت استکه در جامه سفید بپیچید واز حضرت صادق منقولستکه کام طفل خود را
بتربت امام حسین بردارید که امان میشود از دردها وبلاها واز حضرت صادق منقولستکه
شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده گفت رزقك الله شکر الواهب وبارك لك فی الموهوب
وبلغ اشده ورزقك بره یعنی خدا روزی کند ترا شکر خداوند یکه فرزند ترا بتو بخشیده است وبرکت
برای تو در آنچه بتو بخشیده است و او را بنهایت قوت برساند و روزی بکند ترا نیکوکاری او بعنی نیکوکار باشد ونزد
بسند صحیح از حضرت امام حسن منقولستکه ابن ادریس در کتاب سرائر از حضرت جعفر صادق روایت کرده استکه
هرگاه بر زنی دشوار شود زائیدن بنویس این آیه را بر ریسمانی ببند بر ران راستش وچون وضع حمل شود باز کن بسم
الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذا زلزلت
... کتاب طب الائمه روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت امام
باقر [illegible] گفتند زن ما زود دشوار شده است فرمود بر [illegible] بنویس [illegible]
المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا فناداها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربك تحتك سریا

دیگر باشد ما صلها و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که اول سر تراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده
است که سر تراشیدن و عقیقه را کشتن و موی سر را بطلا یا نقره کشیدن و تصدق کردن در یکجا و یکوقت میباید کرد و در سر تراشیدن
سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایت وارد شده است که طفلی را نزد حضرت رسول آوردند که از
برای او دعا کند و آن طفل کاکل داشت حضرت دعا برای او نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند و در روایت وارد شده است که
رسول خدا برای امام حسن و امام حسین دو گیسو در جانب چپ سر ایشان گذاشتند و در روایت دیگر [illegible]
که ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا اینکه در سر تراشیدن اول فراموش شده باشد و در روایت وارد شده است که
زعفران بر سر او بمالند و بعد از سر تراشیدن و در احادیث بسیار نهی وارد شده است که از [illegible]
[illegible] علما اهلبیت است و در روایت معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق [illegible]
[illegible] دعا را بخوانند بسم الله و بالله و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول الله و العصمة لامره و الشکر لرزقه و المعرفة
بفضله علینا اهل البیت پس اگر پسر باشد بگوید اللهم انت وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و کلما
صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة نبیک و رسولک صلی الله علیه و آله و اخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک
و الحمد لله رب العالمین اللهم لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان
و بجای فلان بن فلان نام طفل و پدرش را بگوید و در حدیث موثق دیگر فرمود که [illegible]
انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا
شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله و الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل من فلان بن
فلان و نام فرزند و پدرش را ببرد بعد از آن بکشد **فصل دهم** در ختنه کردن پسران و دختران و سوراخ کردن
گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است ختنه کردن پسران [illegible] در روز هفتم اگر [illegible]
[illegible] سنت است و مستحب است بعد از آن تا بالغ شود و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته‌اند که [illegible] بلوغ بر
ولی طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحب است [illegible] و سوراخ کردن [illegible]
راست و بالای گوش چپ او برای پسران سنت است **و در حدیث** معتبر از حضرت صادق منقولست که ختنه
کنید فرزندان خود را در روز هفتم که بیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت زودتر میروید و زمین کراهت
دارد از بول کسیکه ختنه نکرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز هفتم ختنه کردن
از سنت است **و از حضرت** رسول منقولست که زمین نجس میشود از بول کسی که ختنه نکرده باشد [illegible]
و در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح وارد شده است که ختنه کردن
در مردان و در زنان سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز از این بهتر باشد و در
روایت دیگر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که ختنه نکنند زنان را مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر
منقولست که چون زنان بخدمت حضرت رسول هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیب میگفتند و زنان را ختنه
میکرد حضرت فرمود ای ام حبیب آن کاری که داشتی هنوز داری عرض کرد بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمائی و منع
کنی حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون ختنه کردی [illegible]
[illegible] میکند و [illegible] شوهر [illegible]
[illegible] زنان را مشاطه [illegible] حضرت فرمود زنان را مشاطه [illegible] پارچه جامه [illegible]
[illegible] **و از حضرت**
[illegible]
امام جعفر صادق منقولست که در وقت ختنه کردن پسران این دعا را بخوانند [illegible]
میشود تا وقت بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود این دعا را بخوانند [illegible]

دفع میکند [illegible] اللهم ان هذه سنتک و سنة نبیک صلواتک علیه و آله و اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک
و بارادتک و قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته و اذقته حر الحدید فی ختانه و حجامته بامر انت اعرف
به منی اللهم فطهره من الذنوب و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی و ادفع عنه الفقر
فانک تعلم و لا نعلم و از حسین بن خالد منقولست که از حضرت امام رضا سؤال کردم که تهنیت مبارک فرزند را
در چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن متولد شد جبرئیل برای تهنیت بر حضرت رسول
نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارند و سرش را بتراشند و عقیقه از برای او بکنند و گوشش
سوراخ کنند **و همچنین در وقت** حضرت امام حسین در روز هفتم جبرئیل آمد و باینها
امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست در نرمه گوش سوراخ کردند و در گوش چپ
در بالای گوش سوراخ **و از جناب صاحب الامر** منقولست که اگر پسر را ختنه کنند و باز غلاف
بروید و سر حشفه را پنهان کند میباید بار دیگر ختنه بکنند زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول
کسیکه ختنه اش در غلاف باشد و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که کسیکه ختنه نکرده باشد [illegible]
نکنند و گواهیش مقبول نیست اگر چه پیر باشد [illegible] نکنند زیرا که ترک یکی از سنتهای پیغمبر را کرده است مگر آنکه
از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول زنی که ختنه کرده هاجر مادر اسمعیل بود
که ساره مادر اسحق او را بغضب ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را
ختنه کنند **فصل یازدهم** در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزند و رعایت ایشان بدانکه منتهای
شیر دادن فرزند دو سال است و مشهور میان علما آنست که [illegible] زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر
[illegible] مضطر باشد و از بیست و یکماه کمتر ندهند مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا مادر [illegible]
[illegible] و مادر شیر نداشته باشد و از جمله علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند از شیر اول که بر پستان [illegible]
و گفته اند که اگر این شیر را ندهد طفل باقی نمیماند یا قوت نمی یابد و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که [illegible]
[illegible] هیچ شیری برای فرزند بهتر از شیر مادر نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق
دید که مادر اسحق فرزند خود را شیر میداد فرمود که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از دو پستان شیر بده که
یکی بعوض آب و دیگری بعوض طعام است و فرمود که هر که کمتر از [illegible] شیر بدهد بفرزند ظلم کرده
و در حدیث دیگر فرمود که [illegible] شیر بدهد بفرزند [illegible] و نصرانی [illegible] توان گرفت اما بفرزند [illegible]
[illegible] بخانه خود ببرند و منع میباید کرد ایشان را از خوردن و آشامیدن شراب و گوشت خوک و سایر چیزها
که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در احادیث معتبره نهی کرده اند [illegible]
[illegible] باشد و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که دایه نیکو بگیرید که نیکو صورت و نیکو سیرت باشد زیرا که شیر در طفل
تأثیر میکند و طفل بدایه شبیه میشود در صورت و سیرت و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که
فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی بکند و بعد از آن تا هفت سال سعی کن در تربیت او و اگر [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال بگذار که بازی بکند و هفت سال خط
و سواد [illegible] بیاموز و هفت سال حلال و حرام [illegible] **و از حضرت امیر المؤمنین** منقولست
طفل را هفت سال [illegible] هفت سال ادب باید آموختن و هفت سال
دیگر خدمتش میباید کرد تا بیست و سه سالگی قدش بلند میشود و تا سی و پنج سالگی عقلش زیاد میشود و بعد
از آن [illegible] حاصل میشود و در روایت دیگر وارد شده است که چون پسر شش ساله شد [illegible]
دیگر در یک جا نخوابند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران ده ساله شوند باید که [illegible]

خواب ایشان را جدا کنند و حضرت صادق ع فرمود که فرزندان خود را از احادیث بیاموزید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که فرزندان خود را بمحبت علی بن ابیطالب ع بخوانید اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادر ایشان یعنی علامت فرزند زنا است که قبول محبت امیرالمؤمنین ع نمیکند و حضرت ع فرمود که هر که اهلبیت را در دل خود بیابد مادر را دعا کند که به ما خیانت نکرده است و از حضرت رسول منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را نام نیکو بگذارد و نیکو ادب کند و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد و گفت من غمگینم فرمود سبب غم تو چیست گفت خدا به دختری داده است فرمود که باری که زمین او را برمیدارد و روزی او را خدا میدهد و در زندگانی تو [illegible] بغیر عمر تو روزی تو را نمیخورد پس فرمود که او را چه نام کردی گفت فاطمه حضرت فرمود آه آه و دست بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که رسول خدا ص فرمود که حق فرزند بر پدر آنست که اگر پسر باشد مادر او را گرامی دارد و نام او را نیکو کند و قرآن باو بیاموزد و او را ختنه کند و شنا کردن باو یاد دهد و اگر دختر باشد مادر [illegible] و قرار دهد نام او را نیک قرار دهد و سوره نور باو یاد دهد و سوره یوسف را باو نیاموزد و در بالاخانها جا ندهد و او را زود بخانه شوهر فرستد پس فرمود چون فرزند خود را فاطمه نام کردی او را دشنام مده و لعنت مکن و مزن و از امیرالمؤمنین ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که بفرزندان خود بیاموزید شنا کردن و تیر انداختن را و حضرت امام موسی ع فرمود که [illegible] علامت است که در بزرگی [illegible] و حضرت رسول [illegible] فرمود که [illegible] و مادر را بر گناه عقوق و فرزند بد باشد و عاق فرزندان میشوند و فرمود خدا رحم کند بر پدر و مادری که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که خدا رحمت کند کسی را که اعانت کند فرزند خود را بر نیکی [illegible] اعانت کنند فرمود که آنچه از او بعمل آید قبول کند و کار بر او دشوار باشد نکند [illegible] ننگی باو نکند و در حدیث دیگر منقول است شخصی بخدمت حضرت صادق ع [illegible] کن فرمود که باید رو مادرت گفت ایشان مرده اند فرمود که بفرزند خود نیکی کن و در حدیث دیگر [illegible] حضرت رسول ص فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید با ایشان و اگر وعده کنید وفا کنید زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مثل آنکه غضب از برای ظلم بر زنان و طفلان میکند و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقول است که هر که فرزندان خود را ببوسد حق تعالی حسنه از برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در روز قیامت شاد کند و هر که قرآن بیاموزد بفرزند در قیامت [illegible] و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن روی اهل بهشت روشن گردد و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت رسول خدا آمد و گفت هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که این مرد در نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد باید که با او طفلی نماید و حضرت صادق ع فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را [illegible] بسیار دوست [illegible] فرزند خود را و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص دید شخصی را که دو پسر داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی [illegible] در میان فرزندان زیاده قرار ندهد مگر آنکه [illegible] و صالح تر باشد [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون پسر سه ساله شود او را بگویند هفت مرتبه بگو لا اله الا الله و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد او را بگویند که هفت مرتبه بگو محمد رسول الله و چون چهار سالش

تمام شود او را بگویند که هفت مرتبه بگو صلی الله علیه و آله پس چون پنج سالش تمام شود وضو را باو یاد دهند و او را یاد دهند که خدا را سجده کند پس چون شش تمام شود نماز باو یاد دهند و چون هفت سالش تمام شود وضو را باو یاد دهند و امر میکنند او را بنماز و چون نه سالش تمام شود وضو و نماز را خوب بیاموزد و برای نماز و وضو او را بزنند پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادر را میآمرزد و در روایت دیگر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ع نهی فرمود از آنکه [illegible] اطفال [illegible] بپوشانند باید سفید بایشان بدهند و در حدیث معتبر [illegible] فرمود که کثافت و دست و روی اطفال را پیش از خواب بشوئید که شیطان میآید و ایشان را بو میکند و در خواب میترسند و ملائکه نویسنده [illegible] میشوند و از حضرت رسول ص منقول است که هر که ببازار رود و تحفه بیاورد برای عیال خود چنانست که تصدق بر جمعی فقرا برداشته و بایشان رسانیده است و اول باید که بدختران بدهند پیش از پسران [illegible] هر که دختری را خوشحال کند چنان است که بنده از فرزندان اسمعیل را آزاد کرده باشد و کسی که دیده پسری را روشن کند و گریاند چنان است که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت صادق ع منقول است که اطفال [illegible] در [illegible] ایشان صبر [illegible] میکند و در حدیث دیگر منقول است [illegible] و در کتاب طب الائمه از حضرت امیرالمؤمنین ع روایت کرده است که اطفال که گریه بسیار کنند [illegible] در خواب بترسند [illegible] فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختر که شش سالش شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش سالش تمام شد مادر او را برهنه در پیش خود نخواباند که بمنزله زنا است و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش ساله شد پسران او را نبوسند و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نفقه عیال خود را ضایع گذارد و خرج ایشان را ندهد ملعون است [illegible] و حضرت امام موسی ع فرمود که عیال [illegible] اسیران [illegible] پس کسی که خدا نعمت باو کرامت کند باید بر اسیران خود توسعه کند اگر نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود و حضرت صادق ع فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو خاله یا دو عمه بکشد حاجب و مانع او از آتش و حضرت رسول ص فرمود در بهشت درجه هست که بآن درجه نمیرسد مگر کسی که امام عادل [illegible] یا کسی که احسان بخویشان کند و صاحب عیال که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق ع منقول است که [illegible] نفقه دادن [illegible] واجب است فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و فرزندان جد و جده پدر و مادر هست هر چند بالا روند **فصل در ذکر** [illegible] در بیان حق پدر و مادر از جمله شرایع دینست و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از جمله شرایع دینست و ایشان را از خود آزردن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده است که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شو [illegible] اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا بآتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگوئی و دلت بر ایمان ثابت باشد و ترا وصیت میکنم باطاعت پدر و مادر و نیکی هر چند با تو بدی کنند با ایشان نیکی بکن خواه زنده و خواه مرده باشند هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذر اطاعت ایشان بکن که از جمله ایمانست و در حدیث دیگر منقول است شخصی از آن حضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود آنکه نام او را نگوید و [illegible]

نگوید و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند و نه نشیند و کاری نکند که مردم دشنام به مادرش بدهند و حضرت صادق ع فرمود که چه مانع است شما را که احسان کنید به پدر و مادر خود خواه زنده باشند خواه مرده باشند تا آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و حج به نیابت ایشان بکند و روزه ایشان بدارد و آنچه میکند همه از ثواب برای ایشان باشد و هم بخودش نسبت بآن نیکی که با ایشان کرده است خدا ثواب بسیار میدهد و در حدیث حسن فرمود که مردی بحضرت رسول ص آمد و گفت یا رسول الله بکه نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید حضرت چنین فرمود در مرتبه چهارم فرمود که با پدرت و در حدیث دیگر شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی خواهی یافت و اگر بمیری مزدت با خداست و اگر زنده برگردی از گناهان بدر میآئی مانند روزی که از مادر متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که با پدر و مادر خود باش بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که انس ایشان یک شبانروز با تو بهتر است از یک سال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ کس رخصت نداده در ترک آنها ... دو چیز نیکی با پدر و مادر ... و در حدیث دیگر فرمود که ...

... فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ کس رخصت نداده است ادای امانت ... خواه نیکوکار و خواه بدکار ... وفای بعهد ...

و در حدیث دیگر فرمود که ...

[illegible]

[illegible]

کبسکه بنماز شب برخیزد باید که مسواک کند و او بخواند که مسواک هم رسانید حضرت فرمود اگر برسد صبح شود باک نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع در سال پیش از فوت ترک مسواک کردند بسبب آنکه دندانهای ایشان بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول ص منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند و درد را زایل میکند خائیدن و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خانه کعبه شکایت کرد بخدا از نفسهای بد بوی کافران حق تعالی وحی فرمود با و که ایکعبه قرار بگیر که بعوض ایشان جماعتی را بسوی تو خواهم فرستاد که دهان های خود را بچوب درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول ص مبعوث شد جبرئیل مسواک و خلال از برای آنحضرت آورد و در حدیث معتبر دیگر شخصی از حضرت امام جعفر صادق ع سؤال کرد که آیا مسواک کردن بعد از وضوء حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضوء باید کرد و اگر کسی فراموش کند پس بعد از مضمضه کند بعد از آن مسواک کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملکی حاضر شود و دهان بر دهان او میگذارد و آنچه میگوید بخواطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند ملک نزد او میایستد و قرآن خواندن او میشنود و از حضرت رسول ص منقولست که دو رکعت نماز با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک و از حضرت صادق ع منقولست که هر که مسواک کند باید که دهان را مضمضه کند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص مسواک را بعرض دندانها میمالیدند و حضرت امام موسی ع فرمود که مسواک کردن در بیت الخلاء موجب گند دهان است و منقولست که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که مسواک کردن در حمام دندانها را ضایع میکند و فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگر چه یک مرتبه باشد و فصل دوم

در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی ع منقولست که سه چیز است هر که آنها را بیابد نزدیک میکند مو را از سر گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان کردن و حضرت صادق ع فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن بهم نرسد و گردن کنده شود و دیدها جلا یابد و بدن را آسایش یابد و حضرت صادق ع فرمود که من هر جمعه سر میتراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پیش سر را تراشیدن ... میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نور را کم میکند و موی سر را ازاله کردن دیده را جلا میدهد و در فقه الرضا منقولست که چون خواهی سر تراشی ابتدا کن از پیش سر از پیشانی و بتراش تا استخوان گردن و هر دو طرف بلند شده است و در وقت شروع ابتدا کن بخوان بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله و سنته حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین اللهم اعطنی بکل شعرة نورا ساطعا یوم القیامة پس چون فارغ شوی بگو اللهم زیّنی بالتقوی و جنّبنی الردی و جنّب شعری و بشری المعاصی و جمیع ما تکره منه فانّی لا املک لنفسی ضرّا و لا نفعا و در روایت دیگر منقولست در وقت شروع ابتدا کن بخوان بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیامة چون فارغ شوی بگو اللهم زیّنی بالتقوی و جنّبنی الردی

فصل سیم در آداب

موی سر نگاه داشتن مردان و زنان را نگذارند که زنان را جایز نیست و عقده موی سر را تراشیدن حرام است و مردان را نیکو اندو چیز است اما آنکه موی سر را نتراشند و این بهتر است تا آنکه موی را نگذارند و ترتیب کنند بایشان که بشویند و شانه کنند و پیش سر را و صحه کنند که در میان موی سر ظاهر شود و چون در اول اسلام سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر و امام میبایستی کاری بکنند که در نظرها عیب نیاید حضرت رسول ص موی سر را چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره میتراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که موی سر را بلند بگذارد بیکو دهانت و بر بشیش بکند یا آنکه از بیخ ببرد و بلند نگذارد و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا حضرت رسول ص موی بلند میگذاشتند و میان سر را شانه میکرد فرمود

و فرمود که آن حضرت موی را بجد بلند نمیگذاشتند که احتیاج باین شود بلکه آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمه گوش میرسید و پیغمبران موی سر را نمیگذاشتند و در حدیث دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند بگذارد و میان سر را شانه نکند حق تعالی در قیامت بیاره از آتش بکشاید و در حدیث وارد شده است که حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه زن بجد بلوغ رسیده باشد بروش مردان تمام موی سر را در پیش باد دهند یا سر را از اطراف سر بزنند و بتراشند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از کاکل گذاشتن و موی را در پیش سر که گذاشتن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند از آنکه موی سر را در پیش سر گره میزدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب آن باشد که متعارف در میان زنان باشد که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در میان سر میکنند و احتمال دارد که نقشها بحنا هم شامل باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از حضرت صادق ع پرسید که بعضی از زنان موی دیگران را بسر خود وصل میکنند برای زینت یا آنکه کسی خود را بکیس دیگر میبافند فرمود که باک نیست و در حدیث دیگر منقولست که اگر پشم یا موی حیوانات یا موی زن بیابد که بست باموی زن دیگر بیافند و موی زن خود پیوند نکنند و بدانکه اگر با موی جوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد باید در حالت نماز آن را بیافشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه از پشم و موی باشد که پیش مذکور شد که نماز در آن میتوان کرد فصل چهارم در فضیلت کوتاه کردن شارب و گرفتن ناخن بدانکه گرفتن بعنی موی لب بالا از آن کوتاه کردن سنت مؤکد است و هر چند از آن بگیرد بهتر است و از حضرت رسول ص منقولست که شارب خود را دراز مکنید که شیطان در آن جا میکند و پنهان میشود و از حضرت صادق ع منقولست که شارب گرفتن دفع غم و وسواس میکند و از سنت حضرت رسول است و حضرت رسول ص فرمود که سنت است شارب گرفتن تا آنکه برسد بدم لب بالا و از حضرت صادق ع منقولست که شارب و ناخن گرفتن از جمعه تا جمعه امان میدهد از خوره و حضرت صادق ع شارب را آنقدر میگرفتند که بن مو میرسید و در حدیث دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت آن حضرت عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد در وقت گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد ص بعدد هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کردن با و عطا فرماید و از حضرت رسول ص منقولست که هر که در روز شنبه و پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد عافیت یابد از درد دندان و درد چشم و در حدیث دیگر منقولست که فرمود شارب را بتراشید که و ریش را بلند بگذارید و بیهودان و گبران خود را شبیه نکنید که از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد فصل پنجم در آداب ریش بلند کردن بدانکه سنت است ریش را میانه گذاشتن نه آنچنان بلند نه بسیار کوتاه و زیاده از قبضه گذاشتن مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است ما بر رود و طرف لب پایین را تراشیدن بنظر آمده است و احوط آنست که اصلاح ریش باشد که شبیه تراشیدن باشد نکنند و از حضرت صادق ع منقولست که آنچه از ریش زیاده از یک قبضه است در آتش است و در حدیث دیگر منقولست که دست بر ریش بگیر و آنچه زیاده از یک قبضه است ببر و از محمد بن مسلم منقولست که دیدم مصلحی اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر ع میکرد حضرت فرمود که ریش را مدور کن و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص شخصی گذشت که ریش دراز داشت فرمود که چه میشد اگر این ریش خود را اصلاح میکرد چون این خبر باو رسید ریش را میانه ساخت بخدمت آنحضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریش را و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع پهلوهای ریش را تنگ میکردند و موی را میگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع پرسید که آیا موی ریش میتوان کرد حضرت فرمود که از عارض بعضی از پهلوها و بلی از پیش روی نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام

المؤمنین ع فرمود که در زمان پیش گروهی بودند که ریش را می‌تراشیدند و شارب را می‌گذاشتند حق تعالی ایشان را مسخ کرد و از حضرت رسول ص منقولست که چون حق تعالی توبه آدم را قبول کرد سر بسجده گذاشت و چون سر برداشت دو بار الله اکبر گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاد کن پس بعد از آن ریش سیاهی بر رویش رویید و پیش از آن ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست وحی رسید که این زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت **فصل ششم در بیان فضیلت** موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که پیش از زمان حضرت ابراهیم ع موی سفید در سر و ریش هیچکس بهم نمیرسید پس گاه بود که کسی بمجلسی می‌آمد پدر و فرزند داخل مجلس [illegible] و فرق نمیکردند میپرسیدند که کدام پدر است پس چون زمان حضرت ابراهیم شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس سر و ریشش سفید شد و از حضرت صادق ع مرویست که اول کسی که موی سفید بهم رسانید حضرت ابراهیم بود نظر کرد موی سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا این چیست خطاب رسید که این وقار است گفت پروردگارا وقار مرا زیاد کن **و از حضرت امام محمد باقر ع** منقولست که چون حضرت ابراهیم ع موی سفید در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندی را که مرا باین سن رسانید و در یک چشم زدن معصیت او نکردم و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که موی سفید را مکنید که آن نور مسلمانیست و هر که موی سفیدی در ریشش پیدا شود در اسلام نوری باشد برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که خداوند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و نظر رحمت بسوی ایشان نمی‌افکند و اعمال ایشان را نمی‌پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیاست کسیکه موی سفید خود را بکند و کسیکه خود را اخته کند و کسیکه [illegible] و کسیکه با او لواطه کنند [illegible] این حدیث محمولست بر آن باشد که بغرض فاسد موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که باکی نیست موی سفید را برچیدن [illegible] **و در حدیث دیگر هم** وارد شده است که کندن و برچیدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ع بچیدن موی سفید [illegible] مکروه میدانست و از حضرت امام رضا ع مرویست که چون حضرت رسول ص فرمود که موی سفید در پیش سر میمنت است و مبارکست و در عارضها سخاوت و جوانمردیست و در [illegible] علامت شجاعت است و در پشت سر شوم است و ظاهرا ابتدا سفید شدن است **فصل هفتم** در کندن موی بینی و کردن باریش و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که باید هر کس موی بینی را بگیرد [illegible] که اینها باعث زیادتی جمال اوست و از حضرت صادق ع منقولست که موی بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از حضرت امام موسی ع مرویست که چهار چیز است که از وسواس شیطانست گل خوردن و کلوخ ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خاییدن و از حضرت صادق ع منقولست که دست بر ریش مگذار که رو را معیوب و بدنما میکند

فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن از حضرت صادق ع منقولست که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را دفع میکند و روزی را فراخ میکند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که بر اینها امر کرده اند بناخن گرفتن که چون ناخن بلند شود شیطان در آنجا منزل میکند و موجب فراموشی است و حضرت صادق ع فرمود که سنت مؤکد است ناخن گرفتن و در حدیث منقولست که حضرت رسول ص مردان را امر فرمود که ناخن را از ته بگیرند و زنان را امر فرمود که اندکی بلند بگذارند که زینت شماست و در روایت دیگر وارد شده است که چند گاهی وحی بر رسول خدا ص نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود چگونه وحی نازل شود و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتان را زایل نمیکنید **فصل نهم در بیان فضیلت آداب و اوقات ناخن گرفتن** منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و کوری اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشد باید که اندک تراشی بزند و در چند حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب

ظهور حضرت قائم

بگیر [illegible] سنت و طهارت باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود [illegible] ناخن و شارب گرفتن سر را بخطمی شستن در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر منقولست که یاران حضرت عرض کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب [illegible] روزی زیاده [illegible] فرمود که میخواهی ترا خبر دهم بچیزی که از آن افزون باشد گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب را در روز جمعه بگیر [illegible] **و در حدیث معتبر** منقولست که حضرت امام رضا ع [illegible] **و در حدیث معتبر** وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت کوچک [illegible] ختم کند و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که [illegible] **و در روایت دیگر** وارد شده است که در روز پنجشنبه ابتدا کند از انگشت کوچک دست راست و بانگشت مهین [illegible] بانگشت [illegible] و در حدیث دیگر منقولست که هر که ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد [illegible] و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد [illegible] از سر انگشتانش بیرون کند و درد [illegible] و کسیکه در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد **و از حضرت امیرالمؤمنین** منقولست که ناخنها [illegible] گرفتن [illegible] برطرف میکند و در پنجشنبه روزی را فراخ میکند و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امام موسی ع عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخن را در روز جمعه باید گرفت فرمود که اگر خواهی در روز دیگر و اگر خواهی در روز جمعه [illegible] اگر بلند باشد و احتیاج بگرفتن داشته باشد صبر ننماید که تا جمعه شود چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است که هرگاه بلند شود بگیر و از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه در روز جمعه ناخن بگیر [illegible] **و از حضرت امام محمد باقر ع** منقولست که هر پنجشنبه ناخن بگیرد [illegible] درد چشم نه بیند و اگر کسی خواهد [illegible] پنجشنبه و جمعه را در یابد در روز پنجشنبه بگیرد [illegible] جمعه [illegible] در روز جمعه سوهان بر آن بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد ص چنانچه در شارب گرفتن گذشت و مشهور است که در ناخن گرفتن اول از دست راست انگشت شهادت میگیرد و بعد از آن انگشت مهین و بعد از آن انگشت [illegible] و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ از انگشت کوچک ابتدا کند پس انگشت میانه پس انگشت کوچک پس انگشت شهادت و در اخبار اهل سنت وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم از اخبار شیعه است و عمل بان کردن اولی است

فصل دهم در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که باید دفن کرد از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در تفسیر آیه کریمه الم نجعل الارض کفاتا احیاء و امواتا یعنی آیا نگردانیدیم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتی که زنده اند و در حالتی که مرده اند حضرت فرمود که مراد از این دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص امر فرمود ما را که چهار چیز است که باید در خاک پنهان کنیم مو و ناخن و دندان و خون و از حضرت رسول ص منقولست [illegible]

چیزهائی که از آدمی جدا میشود همه را دفن میباید کرد مو و ناخن و خون حیض و بچه‌دان و دندان و نطفه که پاره خون شده باشد
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ؑ
فصل پانزدهم در فضیلت شانه کردن مو و ریش در حدیث معتبر منقول است که شانه کردن مو و ریش را باعث برطرف میکند و سر را شانه
منقول است که شانه پاکیزه بوشیدن دشمن را منکوب میکند و دوغن بوئیدن ماندن بدحالی و پریشانی را برطرف میکند و دردهای بدن و تب را دور
کردن دندانها را محکم میکند و از حضرت رسول ؐ منقول است که شانه کردن فقر را برطرف میکند و موها را نیکو میکند و حاجت را روا میکند
میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر فرمود که کردن و نیرا زیاد میکند و موها را نیکو میکند
و در روایت دیگر موجب زیادتی فرزند میشود **و در حدیث**
و ریش را محکم میکند و بلغم را قطع میکند و شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه کردن پائین ریش طاعون را دور میکند
دیگر فرمود که شانه کردن سر بلغم را قطع میکند **فصل دوازدهم** در آداب
شانه کردن زلف رسول است بستر را میبرد و شانه کردن سر را از حضرت امام جعفر صادق ؑ
واو فات شانه کردن و انواع شانها است و در حدیث معتبر منقول است که در میان جامها از حضرت امام جعفر صادق ؑ
شانه بود که هر گاه از نماز فارغ میشدند شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی ؑ منقول است که در تفسیر آیه
خذوا زینتکم عند کل مسجد یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که از این زینت شانه کردن پیش از
هر نمازی **و در حدیث دیگر** فرمود که هر نماز واجب و سنتی و از حضرت صادق ؑ منقول است که هر کسی که
رو بدوید و سنابل و در حدیث دیگر فرمود که کسی که الله تعالی
نوبت ریش خود را شانه کند و بشمارد یکی یکی شیطان را چهل روز نزدیک او نیابد و در حدیث دیگر فرمود و ریش را از
کردن دامنه باشد شانه را بدست راست بگیرد چاپلیکه نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند
و بگوید اللهم حسن شعری و بشری و طیبهما و اصرف عنی الوباء پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللهم لا تردنی علی عقبی
الشیطان ولا تمکنه من مبادی فیزیغ علی عقبی پس ابروها را شانه کند و بگوید اللهم زینی بزینة الهدی پس دستها را
بالا شانه کند و شانه را بر سینه بمالد و بگوید اللهم سرح عنی الهموم والغموم ووحشة الصدر و وسوسة الشیطان
از پائین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناه را بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که چون خواهی ریش را
شانه کنی از پائین بطرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناه را بخوان و از طرف بالا بیابی پائین هفت مرتبه شانه کن و بعد
نی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه و سوره انا انزلناه را بخوان و از طرف بالا بجانب پائین هفت مرتبه بر سر و ریش
والعادیات را بخوان پس بگو اللهم سرح ... و از حضرت امام رضا ؑ منقول است که هر که شانه را هفت مرتبه بر سر و ریش
و از حضرت امام موسی ؑ منقول است که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف
و سینه بکشد درد دل نزدیک او نیابد و در حدیث دیگر وارد شده است که درد دفع
دل میشود و نشسته شانه کن که دل را قوی میکند و پوست را میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که در وقت
شانه کردن ریش سنت است که این دعا را بخواند اللهم صل علی محمد وال محمد والبسنی جمالا فی خلقک وزینتی فی عبادک
وحسن شعری و بشری ولا تبتلنی بالنفاق وارزقنی المهابة بین بریتک والرحمة فی عبادک یا ارحم الراحمین و از حضرت صادق ؑ
منقول است که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ؐ ریش
ازطرف پائین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که ذهن را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند
و از سماعه منقول است از حضرت صادق ؑ پرسیدند از روغن دادن و شانه کردن استخوان
باشد فرمود که باکی نیست و از حسن بن عاصم منقول است که گفت بخدمت حضرت امام محمد باقر ؑ رفتم دید که شانه کردن
شانه از استخوان فیل در دست داشتند و بان شانه میکنند گفتم فدای تو شوم جماعتی در عراق هستند که شانه کردن
از استخوان فیل را حلال نمیدانند فرمود که چرا پدرم یک شانه یا دو شانه از این داشتند فرمود که شانه کنید با استخوان
فیل که بیماری وبا را میبرد **و در احادیث بسیار وارد شده است** که **باب ششم در آداب**
میکردند و در روایات از حضرت صادق ؑ منقول است که شانه کردن مکروه است
بو بیرون کردن و کل بوئیدن و در دفع امراض بدن **فصل اول** در شانه سنت بدانکه عنب و ها و قطع است بدر مین
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ؑ منقول است که چون آدم ؑ بر کوه

مصافحه کرد و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون بدر بهشت بو بوی خوش از گیسوی خود را شانه کرده بود
و بستر بود چون بر زمین آمد گفت ای پروردگار امید دارم نه باشم از این طال که در بهشت که بدام و هالا محروم شده از
نعمتهای بهشت پس گیسوهای خود را گشود پس آن بوی خوش از گیسوهای در بهشت آمد و در دنیا بسیاری بوی خوش در زمین
بهشت این سبب اکثر بوهای خوش ازهند است **و در حدیث دیگر** از آن حضرت منقول است که
حضرت آدم از آن درخت که خورده بود از بهشت بیرون آمد برگهای بهشت بودند که از او بر درخت پیش برگ از
برگهای بهشت را گرفت و عورتهای خود را بان پوشانید چون بر زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگها را به هندوستان
رسانید و در درختان و گیاههای هند را خوشبو گردانید و باین سبب گیاههای خوشبو در هند میباشد و اولاد او
از آن برگهای بهشتی خورد آهوئی که بوی چون از آن برگ خورد در گوشت و خونش جا در شد تا آنکه جمع شد در ناف
و از آن مشک بهم رسید **فصل دوم** در فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبر وارد شده است که
عطر و بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است و از حضرت امام رضا ؑ منقول است که سزاوار نیست مرد را
که ترک بوی خوش را در هر روز و اگر نتواند یک روز نه یک روز و اگر نتواند در هر جمعه و این را البته ترک نکنند
بوی خوش از حضرت امیرالمؤمنین ؑ منقول است که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و کرامی
داشتن ملائکه است دعوای ... بوسند بسبب آنکه ایشان را میبوسند بجهت بوی خوش و از حضرت امام جعفر
صادق ؑ منقول است که هر که هر روز بوی خوش بخود بمالد عقلش زیاد میشود و فرمود که کسی که بوی خوش
... بوی خوش ... پیغمبران را ... که ... بوی خوش ... و بوی خوش را
... **در حدیث دیگر** فرمود که بر هر بالغی لازم است که در هر شب جمعه شارب و ناخن
بگیرد و چیزی از بوی خوش بزند و حضرت نبود و بالنفاق را طلبید که بوی خوش شد و تو میکرد و بوروی سی
خود میمالید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق ؑ بر موضعی که سجده میکردند بعد از آن
میشناختند آن موضع را از بوی خوش آن حضرت و حضرت رسول ؐ فرمود که جبرئیل مرا گفت بکن روز در میان خود را
خوشبو کن ... و در جمعه البته ترک آن مکن و میفرمود که در روز جمعه خود را خوشبو کنید اگر چه از
خوش زنان باشد و روزی عثمان بن مظعون بخدمت آن جناب عرض کرد که بوی خوش و چیزی از لذتها را ترک کنم
حضرت فرمود ... که ... بوی خوش ... و در جمعه البته ترک مکن و فرمود که هرچه
صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ؐ بوی خوش زیاده از طعام صرف
میکردند و فرمود که بوی خوش زنان آنست که رنگش ظاهر و بویش مخفی و از حضرت امام موسی ؑ منقول است که ناخن
بگیر در روز سه شنبه و حمام برو در روز چهارشنبه و حجامت بکن در روز پنجشنبه و بهترین بوهای خوش
خود را خوشبو کنید **و در روز جمعه از حضرت امام رضا ؑ** منقول است که چهار چیز است
که دل را گشاده و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سوار شدن و سبزه نظر کردن و از حضرت
امیرالمؤمنین ؑ فرمود که بر مرد مسلمان لازم است که خود را خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر ؑ
منقول است که حضرت رسول ؐ سه خصلت بود که دیگری را نبود اول آنکه آن حضرت را سایه نبود دوم آنکه هیچ
راهی ... ... آن حضرت ... ... تا ... روز ... بوی خوش او ... میدانستند که آن حضرت از آنجا گذشته ... سوم
آنکه بوی خوش ... ... و در ... ... مشک ... ... سوم ...
... ... حضرت رسول ؐ ... بوی خوش ... ...
بر که ... ... حضرت صادق ؑ منقول است که ... ...
کرده ... بوی خوش ... ... فرمود که ... ...

دیگر فرمود که نیز حضرت امیر المؤمنین ع آوردند روغن خوشبوی حضرت اگر بشما و برخود مالید بعد از آن رو
روغن مالیده بودند و بعد از آن فرمودند که هرگز بوی خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که برای آنجناب میآوردند و از حسن بن جهم منقولست که گفت دیدم بخدمت امام
رضا ع برایم ظرفی که در آن مشک بود آورد و فرمود که بردار بخود بمال قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار
و در پای گریبان خود بمال برداشتم مالیدم و بعد فرمود که اینرا هم بردار بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت
که حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدام است فرمود که بوی خوش
بالشی که برای نشستن و تکیه کردن تواضع کنند مانند آن **فصل چهارم در فضیلت**
مشک و عنبر و زعفران و عود از حضرت امام رضا ع و جعفر صادق ع منقولست که بوی خوش مشک و عنبر و زعفران
و عود بپیرید حدیث معتبر دیگر از حضرت امام زین العابدین ع مشکدانی از قلعه داشتند و هر وقت که اراده رخت
پوشیدن میکرد بدان را مطلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که انقدر
مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقولست که حضرت رسول ص
مشکدانی داشتند که هرگاه وضو میساختند بادست تر از او میگرفتند و چون بیرون میآمدند از بوی خوش مردم
میدانستند که آن حضرت ع آمد و در حدیث دیگر منقولست که جناب امام رضا ع حقه بر وقت نداز آبنوس و در آن
حقه‌ها بود که در هر خوانی بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت
امام رضا ع سؤال کرد که آیا مشک بر روغنیکه بر خود میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من داخل میکنم و باکی نیست
و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول ص خود را بمشک و زعفران و عنبر خوشبو میکردند و احادیث
در مدح خلوق وارد شده است که آن بوی خوشی بوده است که از چند چیز بعمل میآوردند که بیشتر زعفران
بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که مداومت بر آن نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب
تا صبح بر بدن نگذارند و دور نیست که این بهتر آن باشد که رنگش بر بدن بسیار نماند **فصل پنجم در**
فضیلت غالیه بسند معتبر منقولست که اسحق بن عمار نقل نمود به حضرت صادق ع عرض کرد که من آنجناب را بوی
[illegible] غالیه بر خود میمالیدند [illegible] حضرت فرمود که غالیه کم و بسیار [illegible]
اندک نیکو کار بر خود بمالد که نیستا او را اسحق گفت که من بعرض رسانیدم حضرت عمل کردم و [illegible]
و تمام سال از آن خوشبو میشوم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین ع شبی از خواب بیرون آمدند
جبّه خز و عمامه پوشیده بودند و ریش را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنجناب که در این وقت با این
هیئت برای چه بیرون آمده‌اید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حور العین بهشت را خواستگاری کنم بغیر رابعه باید
زینت و بوی خوش کردن سنتست **وارد حدیث صحیح منقولست که امام رضا ع**
فرمود که روغنی برای آنجناب بعمل آورده بودند که مشک و عنبر داخل کرده بودند و فرمود که در کاغذی آیة الکرسی و
آیة الکرسی و سوره حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیه چند از آنچه حفظ نوشتند و در میان
غلاف و شیشه آن روغن گذاشتند و نیوسته بر ریش خود میکشیدند میمالیدند و در روایت دیگر منقولست
جناب امام رضا ع فرمودند غالیه بامشک از برای آنجناب بعمل آوردند هفتصد درهم را صد **و فضیلت**
[illegible] مامون بخدمت آن حضرت نوشت که مردم شمارا در این باب عیب میکنند حضرت
در جواب نوشتند مگر نمیدانید که یوسف ع پیغمبر خدا بود و جامه دیبا طلاباف میپوشیدند و بر کرسیها
مینشستند و با اینها چیزی از حکمتش کم نمیشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار درهم **فصل**
ششم در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که روغن مالیده

ظهور حضرت قائم

بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را بدحالی و شکوه را برطرف میکند
و رو را نورانی میکند **و از حضرت** صادق ع منقولست که روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره
سیراب میکند و درد را ساکن میکند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه مؤمنی روغن بمالد حقتعالی برای او بعدد هر مومی
[illegible]
[illegible] اسألک الزین والزینة والمحبة واعوذ بک من الشین والشنآن والمقت پس کف دست بر بالای سر بگذارد
[illegible] روغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن بر کف بریزی بگو اللهم انی اسئلک الزین والزینة
في الدنیا و اعوذ بک من الشین و الشنآن في الدنیا والآخرة و در چند حدیث نهی وارد شده است از آنکه
روغن [illegible] در ماهی یکبار بمالند و در روایت دیگر هفتهٔ یکمرتبه یاد
مرتبه از آن را هر روز مالیدن بد نیست **فصل هفتم در فوائد روغن بنفشه** و در حدیث
از حضرت صادق ع منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهاست و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت
روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت شیعیان ما
بر سایر خلق و در روایت دیگر فرمود که فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که نیکو روغنیست روغن
بنفشه [illegible] بمالید که درد را از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما چه چیز مانع که ما دوست داریم
[illegible] روغن بنفشه [illegible]
[illegible]
که حقتعالی روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنک است و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما
خشک است و اگر مردم فضیلت آنرا بدانند [illegible] حضرت امیر المؤمنین ع
[illegible]
[illegible] در حدیث دیگر فرمود که [illegible] روغن بنفشه و در حدیث دیگر منقولست
در سر را برطرف میکند و دماغ را باصلاح میآورد **فصل هشتم در فوائد روغن** و روغن
زنبق بدانکه بان قسمی هست که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق ع منقولست که نیکو روغنیست روغن
بان و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنجناب شکایت کرد از بسیاری درد دست و پا حضرت فرمود که بینه را
بگیر و روغن بان بر آن بریز و بر ناف بریز [illegible] چنین کرد زایل شد و بسند معتبر از حضرت رسول ص
منقولست که بر خود بمالید روغن بان که [illegible]
[illegible] منقولست که بر خود بمالید روغن بان که امانست از هر دردی و پیغمبران آنرا استعمال میفرمودند و
[illegible] رسول ص منقولست که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر از حضرت رسول
منقولست که در روغن زنبق منافع بسیار است و در آن شفای هر درد است و از حضرت صادق ع مرویست که
[illegible] روغن زنبق شفای هفتاد درد است و ظاهر آنست که مراد از زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز گویند
[illegible] در بعضی وارد شده است که زنبق یاسمن [illegible]
فصل [illegible] و روغن نهاست و منقولست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود یا علی
روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که روغن زیت بمالد بخود شیطان چهل صباح نزدیک او نیاید و در بعضی
اخبار وارد شده است که روغن کنجد روغن طبیعی است و در روایت وارد شده است که حضرت [illegible]
بر خود میمالیدند و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول ص و غیر آن که صداع میگرفتند روغن
[illegible]
[illegible]

بخور کانند **فصل ششم** در فضیلت بخور و انواع و آداب آن از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار است

مرد را که هرگاه قادر باشد جامهای خود را بدبو و خوش‌بو کند و از حضرت امام رضا ع منقولست که مردی بوی بخور شنید میفرمود

و مرا ازین روایت کرده است که با حضرت امام موسی ع بحمام رفتم چون حضرت بیرون آمدند در رخت کن عود سوز طلبید

بخور فرمودند و من نیز ... و در روایت دیگر وارد شده است که چون بنا در حضرت

امام ... [illegible]

... [illegible] ... انداختند

... [illegible] ... امام جعفر صادق ع

عود خالص ... [illegible] ... با بوهای خوش دیگر ... باشند

... منقولست که جناب امام رضا ع با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از آن

... [illegible] ... که حضرت رسول ص بخور ... میکردند و در

... [illegible]

... [illegible] ... و مخصوص روزه دار است که

... [illegible] ...

... [illegible] ... اللهم طیب ...

واجعل التقوی زادنا والجنة معادنا ولا تفرق بیننا و بین عافیتك ایانا و کرامتك لنا انك علی کل شیء قدیر

... [illegible] ... الحمد لله ... اللهم ...

... [illegible] ... ولا تجعل ... اللهم طیب ذکری ...

... **فصل ... [illegible]** در فضیلت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

حضرت صادق ع منقولست ... روز اول ماه مبارک رمضان کف گلاب بر رو بزند از روزها ایمن گردد از

خواری و پریشانی و هرکه در آن روز یک کف گلاب در سر خود بریزد در آن روز در امان از مرض سرسام و ...

الجنان ... و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص هر دو کف را از گل سرخ

کرده ... بنزدیک مشام ... فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل سوسن

حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که چون مرا بمعراج بردند ...

و گل سرخ از آن روئید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست بردارد ... بیرون آب ...

ربکم داریان خواست که بردارد ... ایشان نزاع افتاد پس حق تعالی ملکی فرستاد که در میان ایشان ...

... دو ثلث گل ماهی است که از هر طرف ...

... **و در روایت دیگر منقولست** که چون حضرت را بمعراج بردند

... و گل سرخ در آن روئید و ...

کسیکه خواهد بوی پیغمبر ص را ببوید گل سرخ ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول ص

... گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق ...

... و چون حضرت ابراهیم ع را

... در میان آتش ...

روئید و از آن روز گس در میان مردم ... و از حضرت امام موسی ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود نیکو

گلیست گل سرخ و گل نرگس و ... و در زیر عرش ... جشم است و در روایت دیگر منقولست

... بوی خوش را ... و از حضرت صادق ع منقولست که گل ... نیکوئی است و ...

... **فصل دوازدهم** در آداب گل بوئیدن و در حدیث صحیح معتبر از ...

روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق ع دادند گرفت و بوئید و بر هر دو دیده گذاشتند فرمود که هر کس گلی را

بگیرد و بو کند و بر هر دو دیده گذارد و صلوات بفرستد هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و از

حضرت امام محمد علی النقی منقولست که هر که گلی را بوید و بر دو دیده گذارد و صلوات بفرستد حق تعالی برای او حسنات بعدد

بیابانهای عالم که در میان مکه و شام و عراق کشیده است بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ بیابانها محو نماید **باب هفتم**

در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آب بعضی از غسلها **فصل اول**

در فضیلت حمام منقولست که گفت بد خانه است حمام عورت را ظاهر میکند و پرده را میدرد و حضرت امیر المؤمنین

فرمود نیکو خانه است حمام جهنم را بیاد او میدهد و چرک را از بدن میبرد و از حضرت امام موسی ع منقولست که حمام یک

روز نه یک روز گوشت بدن را زیاد میکند و هر روز رفتن پیه بدن را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از امام

جعفر منقولست که گفت بیمار شدم تا آنکه گوشتم همه را بیطاقت بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم

فرمود که میخواهی گوشت بدنت برگردد گفتم بلی فرمود که یک روز نه یک روز بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند

... که باعث ... میشود **و در حدیث دیگر فرمود** کسیکه خواهد

... یک روز بحمام رود و یک روز نرود و کسیکه گوشت زیاد داشته باشد و خواهد لاغر شود هر روز بحمام رود

و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بهترین دواها حقنه و حجامت کردن و دارو در بینی کردن

و حمام است و در حدیث دیگر وارد شده است که دوای بلغم حمام است و در چند روایت وارد شده است که هرکه ایمان

بخدا و روز قیامت دارد باید که زنان را بحمام نفرستند و علما تاویل کرده‌اند بر وجه اول اینکه در بلادیکه در آن بلاد

اعتبار کرده ... زنان را بحمام رفتن ... مرا ... که ... خود را رخصت دهد که برای ... کردن بحمام رود

فصل دوم در آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاهای آن و در احادیث معتبره وارد شده است که

هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که بی لنگ

داخل حمام شود حق تعالی گناهانش را بر پرده ستر خود بپوشاند **و در حدیث دیگر فرمود** که هر که بلطف

حمام شود ... خود را از نظر کردن بد ... حق تعالی او را از جهنم ... و حضرت رسول ص نهی فرمود

از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن بی لنگ ... کرد ...

از داخل شدن بی لنگ **و از حضرت صادق ع منقولست** که داخل حمام مشو مگر بعد از آن

که اندک چیزی در معده تو باشد که حرارت معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام

مشو در وقتیکه معده پر باشد از طعام **و در حدیث دیگر منقولست** که هرگاه

آن حضرت اراده حمام رفتن میکردند اندک چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن

بهتر است فرمودند که ... اندک چیزی ببایدت خورد که صفرا را فرو نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند

و در روایت دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را زائل میکند و بعد از چیز خوردن صفرا

و سودا را زائل میکند و فرمود که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاد شود بعد از چیز خوردن بحمام برو و اگر خواهی

کم شود گوشت بدنت ناشتا برو **و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست** که در وقتیکه در رخت

کن حمام جامها را از خود میکنی بگو اللهم انزع عنی ربقة النفاق وثبتنی علی الایمان پس چون داخل خانه اول حمام شوی بگو

اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی واستعیذ بک من اذاه و چون طلا مالیده خواند دعا شود بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس وطهر جسدی وقلبی و بگیر از آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز اگر توانی جرعه از آن بخور که مجوف جرا بول را پاک میکند و در دخول در دوم سنای صبر کن پس داخل خانه سیم شو و بگو اعوذ بالله من النار و بسئله الجنه و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از آن بخوانند که موسی نهار کرد آب سرد و خربزه در حمام بخور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر سر خود میریز که معده را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا بریز که درد را از بدن میکشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی التقوی وجنبنی الردی پس چون بنهار آنچه گفتم ایمن از هر دردی باشی **و از حضرت امیر المؤمنین** ع منقولست که چون بعد از بیرون آمدن از حمام برادر مؤمن بتو بگوید طاب حمامک و حمیمک در جواب بگو انعم الله بالک و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام حسن ع از حمام بیرون آمد شخصی بآن حضرت گفت که طاب استحمامک آنحضرت منعکرد او دانیش طاب حمامک ما را و منعکرد ندا و کفت چه بگوییم فرمود که بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک بعیدت یا گفته مرد گر انیکه معنی لیس معفرة گناهان و توفیق طاعات بجهة پاک شده است در حمام ان اعضائیکه تو پاک کرد از آن لوث گناهان و جهالت و ضلالت اینجا پاک مزه و بنکو مشارده کردن دل و نفس و عمل و ... واعضا شریعه باشد **و در روایت دیگر** منقولست که حضرت ابراهیم امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع هرگاه از حمام بیرون میآمدند در زمستان و تابستان عمامه بر سر میپیچیدند و میفرمودند که امانست از درد سر و در روایتی وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غالب شود و غلبه کند آب سرد بر سر خود بریزد تا حرارت تسکین یابد و از حضرت امام موسی ع وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام بروید **فضیلت در** ... در حمام بنا بر کردن ایجز نجویز شده است منقولست که از حضرت صادق ع که حضرت امیر المؤمنین ع مکروه فرموده است در حمام بر پشت خوابید که سپه کرده را میگذارد و اجر و سفال بر پاهای خود مسایید که موروث خوره است و حضرت صادق ع فرمود که مردی با پسر خود بحمام برود که نظر کند بعورتش و فرمود که پدر روا نباشد که بجانب پشت نظر کنند بعورت فرزند خود و فرزند را جانب پشت که نظر کند بعورت پدر روا نباشد و فرمود که حضرت رسول صلعم لعنت فرموده که نظر کند بعورت کسیکه در حمام بی لنگ رود که دیگران بعورتش نظر کنند **و در حدیث دیگر** فرمود که در پهلو مخواب که سپه کرده را میگذارد و لاغر میکند اما پیر و در حمام شانه مکن که مو را ... میکند و حضرت امام ... و سفال بر بدن مال که ابرو را میبرد و ابن بابویه گفته است که مراد حضرت سفال شام است و در **حدیث دیگر منقولست** که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام چونست فرمود باکی نیست و در روایت حسن از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که آیا حضرت امیر المؤمنین نهی میفرمودند از قرآن خواندن در حمام و از حضرت صادق ع منقولست که فرمود نهی میفرمود که کسی برهنه باشد ولیکن لنگ بسته باشد باکی نیست **و از حضرت صادق** ع منقولست باکی نیست مرد را در حمام قرآن بخواند اگر غرض رضای خدا باشد نه خوش خوانی و در حدیث صحیح دیگر منقولست در دعای آنحضرت میخواستند بحمام روند جماع کنند اگر خواهی حمام را برای تو خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن کار وی آسان تر است که حمام را برای او خلوت کنند **و حضرت امام رضا** ع فرمود که هر که از سفال بردارد و بر بدن خود بمالد خوره و پیسی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه کند از آبیکه از غسل مردم جمع شده بوده باشد در حمام خوره و پیسی باو برسد ملامت نکند مگر خود را **و در حدیث موثق** از حضرت صادق ع منقولست که نهاد در حمام بر پهلو خوابید که پیه کرده را آب میکند و بر پشت خواب که درد اندرون بهم میرساند و شانه مکن که مو را میبرد و سوال مکن که دندانها را میبرد و سر را با گل مشو که رو را قبیح و بد میکند ولیکن اگر بسر در و بمال که ابرو را میبرد و گفت اما نشسته مشا که باعث پیسی میشود و از آبیکه در خوضهای کوچک در حمام است ... مشو از غسل مردم غسل مکن که در آن

گفتار ... و بعضی از عمیدها شکر و گرد و پیش جمیع را بر ... از امیر المؤمنین ع و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بولکردن در حمام موروث فقر و پریشانیست **و در حدیث دیگر فرمود** که نباید که هیچ مرد با کنیز ان بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند و مانند حیوان برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند و در روایتی دیگر وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در صورتیست که لنگ بسته نباشند زیرا که **در احادیث بسیار وارد** شده است که ایشان سلام کردند در حمام بر مردم **فضل پنجم در فضیلت شستن سر و تن و دفع بوها** از بدن و کردن آن از حضرت رسول صلعم منقولست که شستن سر بخطمی برطرف میکند از چشم را دفع میکند و چرک و غم و اندوه را میبرد و پاکیزه کیست برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید از بوهای بد که مردم از آن متأذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید بدرستیکه خدا دشمن میدارد بنده کثیف را که کند به داکه پهلوی او نشیند از او متأذی شود و فرمود که از بوی خود کم باشید **و از حضرت امام رضا** ع منقولست که حضرت عیسی عضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر و منکر ایشان را اهل مصر کرد و راضی شد از ایشان او وقتیکه ایشان را از مصر بیرون کرد **و حضرت رسول صلعم فرمود که** سر را بگل مشوئید که از کوزه که در مصر بسیار زند آب بخورید که خواری و مذلت میآورد و غیرت را میبرد و از حضرت **امام محمد باقر** ع منقولست که دوست نمیدارم سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل کرداند و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقولست که شکایت کردم بحضرت امام محمد باقر ع از آنکه گرمی در سر هست بسیار میرزد و جایش را ضربان میکند فرمود که مو در آیکه بر سر کراء از شراب بعمل آورده باشند و بسیار سنید باشد بریزید که کف کند پس سر و ریش را بفوت تمام بمال و بشوی پس بروغن شیره تازه سر و ریش را چرب کن که آن علت را زایل میکند **فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی** و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن فقر و درویشی را زایل میکند و روزی را زیاد میکند **و در حدیث موثق دیگر فرمود** که شستن سر با خطمی در هر جمعه امانست از پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد که بنده در راه خدا آزاد کرده باشد و در روایت دیگر فرمود که شستن سر با خطمی دلرا میگشاید و وسوسه را و اندوه را برطرف میکند **و در حدیث موثق از حضرت امام موسی** ع منقولست که شستن سر با سدر روزی را زیاد میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی ع و موثق معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حق تعالی حضرت رسول را امر فرمود که اسلام را ظاهر کرداند و آن حضرت کم مسلمان داشت و کافران را بسیار دید غمین شد جبرئیل نازل شد با برگ سدری از درخت سدرة المنتهی آورد که سر را با آن بشوید پس با آن شستن اندوه آن حضرت برطرف شد **و در حدیث معتبر از حضرت صادق** ع منقولست که شستن سر با خطمی امانست از درد سر و برطرف میکند از پریشانی و سر را پاک میکند از کرم و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم سر خود را با برگ سدر میشستند و میفرمودند که هرکه بشوید سر خود را با برگ سدر که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل او را بپاکی یاد کرده است و هر که سر را با آن بشوید حق تعالی از او وسوسه شیطان هفتاد روز دور گرداند و هر کرو وسوسه شیطان هفتاد روز دور شود معصیت خدا نکند و داخل بهشت شود **و از حضرت امیر المؤمنین** ع منقولست که شستن سر با خطمی چرک و شپشها را برطرف میکند فصل ششم در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نوره کشیدن پاک کننده بدنست و در حدیث صحیح منقولست که عبدالرحمن ابن ابی عبدالله گفت با امام جعفر صادق ع بحمام رفتم فرمود که نوره بکش گفتم که چند روز است که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کننده

... و در حدیث دیگر منقول است که تخفیف موی تکلیف دارد
... فرمود ... که باز بکش که ... گرداند تو را و از حضرت امیرالمؤمنین ع
... و کشیدن ... و از حضرت امام موسی ع منقولست که موی
زیر بغل را ... بیندازید که نجس و کثیف است و در حدیث صحیح از حضرت منقولست که موی بدن چون بلند میشود آب
... را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و پیه ها را سست میکند و ضعف و تنبلی می آورد و نوره کشیدن
... بیشتر زیاد میکند و بدن را قوی میگرداند و پیه گرده ها را زیاد میکند و بدن را فربه میگرداند و از حضرت
امام رضا ع منقولست که چهار چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره
[illegible]
شیطان در آنجا ... پنهان میشود [illegible]
... میکند موی زیر بغل را که شیطان در آن پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام جعفر
صادق ع زیر بغل را دارو میکشیدند ... موی زیر بغل ... میکند و در حدیث
دیگر منقولست که دارو کشیدن زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر
... موی زیر بغل بحمام میرفتند و همان موضع را دارو ...
بیرون می آمدند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که موی زیر بغل کندن ...
... سنت رسول است **فصل هشتم در رعایت نوره کشیدن**
... و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که هر مرد که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید
موی پشت ظهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت دارد ...
کند موی ظهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص در هر جمعه دارو میکشید
و موی پشت ظهار را ... و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که سنت در نوره کشیدن آنست
که هر پانزده روز یکمرتبه بکشند **و در روایتی دیگر** بیست روز ...
قرض کند از جهت خدا و نوره بکشد و کسیکه چهل روز بگذرد و نوره نکشد مؤمن و مسلمان نیست
... از حضرت رسول ص منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی ظهار را زیاده از چهل
روز نگذارد ... باید قرض کند ... **و حضرت امیرالمؤمنین ع**
فرمود که دوست میدارم از برای مؤمن که پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق ع منقولست که باید پشت
ظهار ... نوره را زیاده از ... ترک کند نمازش مقبول نیست **فصل نهم**
در دعاها و وقت نوره کشیدن ... از نوره بردارد و ببوید و بر سر بینی گذارد و بگوید صلی الله علی سلیمان بن داود
کما امرنا بالنورة ... از حضرت امام حسن ع منقولست که هر که وقت نوره کشیدن بر بینی ... بخواند خدا
او را ... و از گناهان ... عوض آن موی بآن کرامت فرماید ... گناه نکند و بعد
هر موئی از بدنش ملکی خلق کند که از برای تسبیح الهی کند تا روز قیامت و بدرستیکه یک تسبیح ...
... برابر است با هزار تسبیح اهل زمین و دعا اینست اللهم طیب ما طهر منی وطهر ما طاب منی وابدلنی شعرا طاهرا
لا یعصیک اللهم انی تطهرت ابتغاء سنة المرسلین وابتغاء رضوانک ومغفرتک فحرم شعری وبشری علی النار و
طهر خلقی وطیب خلقی وزک عملی واجعلنی ممن یلقاک علی الحنیفیة السمحة ملة ابراهیم خلیلک ودین حبیبک ... صلی الله علیه وآله
ورسولک عاملا بشرایعک تابعا لسنة نبیک صلی الله علیه وآله آخذا به متأدبا بتأدیبک وتأدیب رسولک
صلی الله علیه وآله وتأدیب اولیائک الذین ... [illegible]

علیهم **فصل** ... در اوقات نوره کشیدن ... از حضرت صادق ع منقولست ...
... نوره ... در زمستان بکشند ... و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که
... نوره مالیدن در روز چهارشنبه ... در روز چهارشنبه خلق شده است و از
حضرت رسول ص منقولست پنج چیز است که مورث پیسی است در روز جمعه و چهارشنبه نوره مالیدن و وضو و غسل
با آبیکه در آفتاب گرم شده باشد و در حال جنابت چیز خوردن و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در
[illegible]
... اهل سنت است ... حدیث که گذشت که حضرت پیغمبر ص در روز جمعه نوره میکشیدند **و در**
حدیث معتبر دیگر منقولست که جمعی از حضرت صادق ع عرض کردند که مردم میگویند که
نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود چنین نیست که تو گمان کرده ای چه چیز پاک کننده
تر است از نوره در روز جمعه و در حدیث دیگر منقولست که ...
... در حال جنابت میتوان که دارو بکشد ... نوشتند که پاک کننده
نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنابت است **و از حضرت صادق ع** پرسیدند فرمودند که باکی
نیست و در حدیث حسن منقولست ... شود
... با حضرت امام محمد باقر ع بحمام رفتند حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو ...
... بالا و پایین لنگ بود دارو مالیدند بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو ... کشیدند ...
گفتند که هرگاه دارو بکشی چنین کن **در بعضی احادیث** ...
دیگر بمالد ... منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که ...
... بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را ببرد فرمود که باکی نیست **و در حدیث دیگر**
... که حضرت امام موسی ع چنین میکردند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند
که آرد را بعد از نوره میتوان مالید فرمود که باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود
در چیزیکه اصلاح بدن کند اسراف نیست ... روغن ... مخلوط میکنند
و بر بدن ... اسراف ... ضرر ... **فصل ... در ...**
... بعد از نوره حسین بن موسی روایت میکند که پدرم موسی بن جعفر ع هرگاه
... بحمام ... نوره ...
... بعد از آن ... از حمام بیرون ...
... دست ... دست شما است فرمود که رنگ حنا
... از رسول خدا ص روایت کرده است که هر که بحمام برود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او
امان ... **و در حدیث دیگر** منقولست که حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق ع حنا
بر دست داشتند و بر ناخنها خود گذاشته بودند پس فرمود که ای حکم چه میگوئی در این باب گفت چه توانم در کاری که شما
بکنید ... حضرت فرمود ... بعد از نوره ... میشود ...
... و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد تقی ع از حمام بیرون آمدند ... سر تا پای
... فرمود حنا مالیدن بوی بدن را میبرد و ... زیاد میکند و ...
... هر که بعد از دارو سر تا پا را حنا بمالد ...
فصل ... در ... غسل ...

غسل است جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت ... [illegible]

بخواند اللهم طهّر قلبی و زک عملی و تقبل سعیی و اجعل ما عندک خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

باب هشتم

فصل اوّل

[illegible]

... وارد شده است که اگر نماز بکند و ذکر و تعقیب بخواند و پیش از برآمدن آفتاب باکی نیست ... بعد ...
است که جناب امام ... فرمود که ... بعد از طلوع آفتاب ... اگر ... نماز صبح ... بکنم و از ...
منقولست که شخصی فرمود که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخوابی باکی نیست و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که خواب اول روز سفاهت است و خواب بعد از عصر حماقت است و خواب
میان نماز شام و خفتن ... روزی ... میکرداند از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ... پیش از ... برادران ...
از حضرت ... و در روایت دیگر منقولست که شخصی خدمت حضرت رسول ص آمد و ... که ...
زیاد داشتم اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز
خواب قیلوله بکن چنانکه کرد باز حافظه اش برگشت **و در روایت دیگر وارد شده است** که قیلوله
کنید که شیطان قیلوله نمیکند ... بیدار ... تعبیر ... خواب ...
ساختن پیش از خواب از حضرت صادق ع منقولست که هر که وضو بسازد و بر رخت خواب برود رخت خواب برای او
مسجد باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد در لحاف خود تیمم کند اگر با وضو باشم ...
تا بیدار خدا است چنانکه نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ... مسلمانیکه در حالتیکه جنب است
نخوابد مگر با وضو اگر آب نیابد غسل و وضو تیمم کند بجا آید زیرا که روح مؤمن در وقت خواب بسوی آسمان میبرند
حق تعالی او را قبول مینماید و برکت بر او میفرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود ...
اگر نرسیده است با امینان خود از ملائکه ... بر میکرداند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که روزی
حضرت رسول ص با اصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارید سلمان گفت که من فرمود که
کدام یک از شما همه شب را احیا میکنید سلمان گفت که من ... خشم آمد و گفت ... میخواهد بر ما فخر کند
فخر کند و دروغ میگوید در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شب خوابیست و در اکثر روزها ...
حضرت ... فرمود ... مانند ... لقمان حکیم است ... سؤال کن ... گفت ...
... روز روزه میدارم و حقتعالی میفرماید که هر که حسنه بکند ده برابر ثواب میدهم این برابر روزه سال میشود و با
روزه ماه شعبان را میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و ... شب هر شب را ... اکر ... باشم
ختم قرآن ... هر روز سه مرتبه قل هو الله احد میخوانم **و از حضرت رسول ص منقولست** که حضرت
امیر المؤمنین ع میفرمود که یا علی ... در میان امت تو مثل قل هو الله احد است هر که سورهٔ قل هو الله احد
یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را خوانده است و هر که دو بار بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده
است و هر که سه بار بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است و هر که ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان او
کامل است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان دارد و کامل است و ... تمام ایمان
در او کامل شده است یا علی بحق خداوندیکه مرا براستی فرستاده است سوگند که اگر تورا اهل زمین دوست
داشتند چنانکه اهل آسمانها دوست میدارند خدا هیچکس را باتش جهنم ... نمیکرد
فصل ... در ... ... پیش از ... مشهور ...
است که مکروه است در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا ص ... وارد شده ...
وارد شده است که رسول خدا ص سه کس را لعنت کرد کسیکه تنها چیزی بخورد و کسیکه تنها ...
تنها بخوابد ... است که دیوانه شود **و از حضرت امام موسی ع** منقولست که هر که در خانه
تنها بخوابد بگوید اللهم ... و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول ص ... فرمود ... بر بامی ... باشد ...

پوشیده که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون نشستن فرمود بلکه هر چهار طرف میباید دیوار داشته باشد و در
بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار دو زرع است و در بعضی احادیث بقدر یکذرع وارد شده است
و حضرت امیر المؤمنین ع نهی فرموداند از خوابیدن بر سر راه و حضرت رسول ص نهی فرموداند که با دست چرب
بخوابد که اگر چنین کند شیطان او را دست یابد یا دیوانه شود سلامت نکند مگر خود را و فرمود اطفال خود را در
وقت خوابیدن دست و دهان بشوئید که اگر نکنید شیطان ایشان را ببوید و در خواب میترسند و در حدیث
از حضرت رسول ص منقولست که هر که بخواهد بجامهٔ خواب داخل شود کنار جامهٔ خود را بر رختخواب بازکند که اگر
جانوری داخلشده باشد بدر رود و قضیه رسانند **و از حضرت امیر المؤمنین ع** وارد شده
است که باید پیش از خواب سه بسم الله ... بر ... **فصل** چهارم در بیان آداب خوابیدن سنت است که بر دست
راست رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خواب رود و بر رو خوابیدن مکروه است
چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیده هاشان
بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود میباشند و مؤمن بر دست راست میخوابد رو بقبله و فرزندان ایشان
بر دست چپ میخوابند که ... خورده اند گوارا باشد و شیطان و برادران او و هر دیوانه و مستان بر رو در افتاده **و در**
حدیث معتبر دیگر فرمود که ... بر رو بخوابد که هر که او را ببیند بر رو خوابیده است او را بیدار کنید
و مگذارید بر آن حال و فرمود که هر گاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را زیر رخسار راست بگذارد
... میداند که از این خواب بیدار نخواهد شد یا نه و احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست و
سنیت خوابیدن بر دست چپ وارد شده است **فصل پنجم** در آداب و ادعیه که پیش از خواب باید
خوانده شود در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر کسی دست راست در زیر سر گذاشته
بخوابد بگوید اللهم انی اسلمت نفسی و وجهت وجهی الیک والجات ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة
الیک لا ملجأ و لا منجا الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت و بعد از آن تسبیح حضرت
فاطمه بخواند و در حدیث صحیح از آنحضرت دیگر فرمود که ترک نکنید در رختخواب ... اعیذ نفسی و ذریتی و
اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة که این تعویذ میفرمود حضرت
رسول ص امام حسن ع و امام حسین را و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که سورهٔ قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون پیش از خواب بخواند که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرک است و قل هو الله احد نسبت پروردگار
است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن در رختخواب سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و
... والحمد لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان بیرون آید مانند روزیکه
از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که آیة الکرسی را پیش از خواب بخواند از فالج ایمن گردد
و از حضرت رسول ص منقولست که هر که سورهٔ یس را پیش از خواب بخواند حقتعالی هزار ملک باو موکل گرداند که او را از
شر شیاطین و هر بلائی نگاه دارند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که سورهٔ اذا وقعت الواقعة را هر شب پیش
از خواب بخواند در قیامت رویش مانند ماه شب چهارده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که سورهائیکه
اول آنها سبح لله و یسبح لله است پیش از خواب بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر برسد و هر گاه بمیرد
در همسایگی حضرت رسول ص او را جا دهند و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر شب ... بخواند تا صبح از دزد
و هیچ گزنده ... اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر کل دابة انت
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت امام رضا ع منقولست که در وقت خواب این آیه را بخواند
... ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان

ساینها غمو را و از حضرت صادق ع منقولست که چون کسی بر خواب رود بگوید اللهم انی احتسبت نفسی عندک فاحتبسها
فی محل رضوانک و مغفرتک وان رددتها فاردد ها مؤمنة عارفة بحق اولیائک حتی تتوفاها علی ذلک و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت رسول ص دایم وقت ابه الکرسی میخواندند و بعد از آن میگفتند بسم الله امنت وکفرت بالطاغوت اللهم
احفظنی من مشاغلی فی یقظتی و بهتر است که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و در حدیث دیگر فرموده که چون بر خواب
رفتی تسبیح حضرت فاطمه را بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده آیه از اول سوره و الصافات بخواند
و در حدیث صحیح منقولست که آن حضرت فرمودند که این دعا را در وقت خواب بخوان اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا
عبده و رسوله اعوذ بعظمة الله و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بسلطان الله ان الله علی کل شیء قدیر
و اعوذ بغفران الله و اعوذ برحمة الله من شر السامة و الهامة و من شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار و من شر فسقة الجن
و الانس و من شر فسقة العرب و العجم و من شر الشیطان و البرد اللهم صل علی محمد و آل محمد خبیث بدل الاطاهر بیت و در
حدیث دیگر فرمود که هر که صد نوبت سوره قل هو الله را در وقت خواب بخواند گناهان پنجاه سال اش آمرزیده شود
و در حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یک مرتبه آیة شهد الله و آیة سخره و آیه آخر سوره حم سجده
بخواند ... خدا ملکی را موکل گرداند که شیاطین را از او دور کنند و ... ملکوا امر فرماید که ... تسبیح و تهلیل ... بگویند
و استغفار کنند تا بیدار شدن او و ثواب همه از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کسی که
اراده خواب دارد پهلو را بر زمین نگذارد تا این دعا را بخواند اعیذ نفسی و دینی و اهلی و مالی و خواتیم عملی و ما رزقنی
ربی و خولنی بعزة الله و عظمة الله و جبروت الله و سلطان الله و رحمة الله و رأفة الله و غفران الله و قوة الله و قدرة الله
و جلال الله و صنع الله و ارکان الله و بجمع الله و برسول الله و بقدرة الله علی ما یشاء و من شر السامة و الهامة و من شر
الجن و الانس و من شر ما یدب فی الارض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر کل دابة انت آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و هو علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسند معتبر ...
حضرت رسول ص از ابو الحسین ... بخوانند فرمود که چون کسی اراده خواب کند باید ...
دامن را بر ... بگذارد و بگوید و جهت وجهی لله علی ملة رسول الله ابراهیم و دین محمد ... فرض الله
طاعته ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن هر که این دعا را بخواند سالم باشد از دزد و غارت و خانه فرود آمدن و ملائکه از برای او
استغفار کنند و فرمود که هر که قل هو الله را در وقت خواب بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک را موکل گرداند که در آن شب او را
پاسبانی کنند و از حضرت صادق ع منقولست که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
حق تعالی خانه در بهشت از برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانچه برگ از درخت
از درختان میریزد و از حضرت رسول ص منقولست که سوره الهیکم التکاثر را در وقت خواب
بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که یازده مرتبه سوره قل هو الله
احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اللهم
انی اشهدک انک افترضت طاعة علی بن ابیطالب ع و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد
و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین
اگر در آن شب بمیرد داخل بهشت شود و در روایت دیگر منقولست که فرمود هر که
در وقت خواب یازده مرتبه انا انزلناه را بخواند حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان نگاه دارند
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث دیگر از حضرت علی ع

جزای اعمال

الحسین ع منقولست که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از او برطرف شود و هیچ گزنده با و ضرر نرساند
اللهم انت الاول فلا شیء قبلک و انت الظاهر فلا شیء فوقک و انت الباطن فلا شیء دونک و انت الآخر فلا شیء بعدک
اللهم رب السموات السبع و رب الارضین و رب التوراة و الانجیل و الزبور و الفرقان الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة
انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت رسول ص منقولست که هر که در وقت رفتن بر رختخواب
خواب سوره تبارک الذی بیده الملک را بخواند پس چهار مرتبه بگوید اللهم رب الحل و الحرام و البلد الحرام بلغ روح
محمد منی التحیة و السلام حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که بنزد حضرت رسول ص روند و بگویند که فلان شخص ترا
سلام میرساند پس حضرت فرماید که بر او باد سلام من و رحمت پروردگار فصل ششم در
دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و دفع محتلم شدن از حضرت صادق ع منقولست که هر که در خواب
بترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و هو حی لا یموت پس تسبیح
حضرت فاطمه را بگوید و در طب الائمه روایت کرده است که آیة الکرسی و قل هو الله نیز بخواند و از حضرت
امیر المؤمنین ع مرویست که چون کسی در خواب بترسد باز در خوابگاه برگرد ... رحمنا علی ... فی الکهف
سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اگر در خواب بسیار گریه کند این را بخواند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در خواب بترسد در وقت خواب سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقولست که برای ترسیدن در خواب ده مرتبه بخواند این دعا را
اعوذ بکلمات الله و من شر عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین و ان یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید
اذا بیتکم النعاس امنة و جعلنا نومکم سباتا و در حدیث معتبر منقولست که شهاب بن عبد ربه
بحضرت امام جعفر صادق عرض کرد که زنی دارم در خواب می ترسد و مرا هم میترساند فرمود که تا جو
بردار تسبیح و در رختخواب سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله بگو و ده
مرتبه بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت و یحیی سبحان الله ...
اللیل و النهار و هو علی کل شیء قدیر و ظاهر آنست که در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب بهتر است ابتدا کند بسبحان الله
بگوید پیش از الحمد لله یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که هر که ترسد که محتلم شود چون بر
خواب رود این دعا را بخواند اللهم انی اعوذ بک من شر الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظة و المنام و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست اگر کسی خواب پریشان ببیند
از آن پهلو که خوابیده است به پهلوی دیگر بخوابد و بگوید انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس بضارهم شیئا
الا باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء المرسلون و عباده الصالحون من شر ما رأیت
و من شر الشیطان الرجیم و در روایت معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که
چون خواب پریشان ببیند و بیدار شود بگوید اعوذ بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء المرسلون
و عباده الصالحون و الائمة الراشدون المهدیون من شر ما رأیت و من ان یضرنی من الشیطان الرجیم پس سه
جانب چپ خود سه نوبت آب دهان بیندازد و در روایت دیگر منقولست که شخصی
بآن حضرت شکایت کرد که دختری دارم در خواب بسیار میترسد فرمود که فصد شریکی و در روایت دیگر
منقولست که شخصی شکایت کرد که دختر من در خواب بسیار میترسد و کاهی بسیار النفس صعب میشود و اعضا
سست و بی حس میشود و میدمیدند از تصرف جن است فرمود که فصد اش بکن و آب شبت را با عسل بجوشان سه
روز بده بخورد چنین کرد شفا یافت و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق شکایت کرد که
در خواب میترساند و مرا میترساند حضرت فرمود که مکرر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود که بمستحق نمیدهی

فصل هفتم در دعا

بعد از آن زکوة را بدهد پس آن حضرت فرمود آن خال را دو برطرف شد. در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در وقت خواب این
های برای بیدار شدن در آخر شب. در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در وقت خواب این
آیه را بخواند قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة
ربه احدا هر وقت از شب خواهد بیدار شود و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت رسول ص فرمود که
هر که خواهد شب برخیزد چون برخت خواب رود بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین
اقوم ساعة کذا وکذا یعنی در فلان ساعت برخیزم و چون اینها را بخواند حق تعالی ملکی را موکل سازد او را در آن
ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که هر که خواهد در شب بیدار شود
در وقت خواب فتنی بگوید اللهم لا تنسنی ذکرک ولا تؤمنی مکرک ولا تجعلنی من الغافلین وبنبهنی لاحب الساعات الیک
ادعوک فیها فتستجیب لی واسئلک فتعطینی واستغفرک فتغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت یا ارحم الراحمین کریم
اینها را بخواند حق تعالی ملکی بفرستد که در آن ساعت او را بیدار کنند و در حدیث صحیح از حضرت صادق
منقولست که هر که بی خوابی او را عارض شود و خوابش نبرد اینها را بخواند سبحان الله ذی الشان دائم السلطان
کل یوم هو فی شان و در روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت فاطمه شکایت کرد بر رسول خدا ص از بی خوابی فرمود
اینها را بخوان یا مشبع البطون الجائعة ویا کاسی الجسوم العاریة ویا مسکن العروق الضاربة ویا منوم العیون
الساهرة سکن عروقی الضاربة وائذن لعینی نوما عاجلا

فصل هشتم در بیان دعاهای ونماز

برای بخواب دیدن واطلب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که خواهد حضرت
رسول ص را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل بکند بعمل آورد و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامه پاکیزه
بخوابد که بر روی آن جامه با حلال و حرام جماع نکرده باشد و دست راست جانب راست رو بگذارد و صد مرتبه
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس صد مرتبه بگوید
ما شاء الله چون چنین کند آن حضرت را در خواب ببیند و در روایت دیگر منقولست که هر که
خواهد حضرت امیر المؤمنین را در خواب ببیند چون بجای خواب رود اینها را بخواند اللهم انی اسئلک یا من لطفه خفی وایادیه
باسطة لا تنقضی اسئلک بلطفک الخفی ما الطفت به لعبد الا کفی ان ترینی مولای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
فی منامی و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد کسی یکی از مردگان را در خواب ببیند با وضو بر جانب
راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه زهراء بگوید پس بگوید اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان یعرف
منه منک بدت الاشیاء والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجا ولا منجا منک
الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم وبحق حبیبک محمد سید النبیین
وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذین جعلتهما سیدی شباب
اهل الجنة علیهم اجمعین السلام ان تصلی علی محمد وآله وان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و منقولست که

حضرت رسول ص برخت خواب میرفتند میفرمودند باسمک اللهم احیی وباسمک اموت و چون بیدار
میشدند میفرمودند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور و از حضرت صادق ع منقولست که چون
کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین واله المرسلین ورب المستضعفین والحمد لله الذی یحیی
الموتی وهو علی کل شیء قدیر چون بگوید حق تعالی میفرماید که راست گفت بنده من وشکر کرد مرا و در حدیث
دیگر منقولست که چون آن حضرت در آخر شب برمیخاستند دست بزمین میگذاشتند اللهم اعنی علی هول المطلع
ووسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولست که

... بگو سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت انی ظلمت نفسی
فاغفر لی ... انت التواب الرحیم الغفور و از حضرت صادق ع منقولست که هر که هر وقت که از خواب بیدار شود
بگوید لا اله الا الله الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب النبیین واله المرسلین وسبحان الله رب
السموات السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و در روایت
دیگر که چون از خواب برخیزد بگوید الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده و دعاء نظر کردن در آسمان در
اول تکبیر ... سابقا در باب دعاها گذشت چون نماز شب ... در کتاب عبادات بیان
خواهد شد انشاء الله ... دعاها وقت خواب وابن رساله گنجایش زیاده از این نداشت

فصل نهم در

خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که چه سبب
دارد که مؤمن گاهی خوابی میبیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خوابی میبیند و اثری از آن ظاهر نمیشود فرمود
که چون مؤمن بخواب میرود روحش ابتداء حرکت میکند پس آنچه روح در ملکوت آسمان میبیند در محل
تعبیر و تاویل است ... وآنچه در زمین و هوا میبیند خواب پریشانست ... که
روحش همراه آن ... اگر ... اگر از بابدر ... آسمان
...

و در روایت دیگر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر مؤمنی که بخواب رود روح او را بجانب عرش پرواز
میدهند ... آنچه در وقت برگرداندن در هوا میبیند خواب پریشانست
اضغاث احلام است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که شیطانی ...
... خواب پریشان میبیند

و در روایت دیگر منقولست که دو نفر یهودی نزد ابو بکر آمدند و از او مسئله
چند سؤال کردند و عاجز شد پس حضرت امیر المؤمنین ع ایشانرا جواب گفت از جمله از آن حضرت پرسیدند که خواب
راست است و دروغ فرمود چه سبب دارد فرمود که حق تعالی خلق کرده است و برای آن سلطانی مقرر ساخته است
و سلطانش نفس است چون آدمی بخواب رود سلطانش در بدن میماند پس روح میکند و بعضی از ملائکه و گروهی
چند از جن پس هر چه خواب راست است از ملائکه است و هر چه خواب دروغ است از جن است

و در روایت دیگر منقولست که خواب مؤمن صحیح است زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون
روحش بلند میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر
منقولست که بعد از حضرت رسول ص وحی منقطع شد اما خوابها بشارت دهنده است و در حدیث دیگر
وارد شده است که خواب های راست یک جزو از هفتاد جزو از وحی پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا
منقولست که چون صبح میشد حضرت رسول ص با صحاب میگفتند که آیا کسی از شما بشارتی دیده است

و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که شخصی از آن حضرت تفسیر این آیه را سؤال کرد الذین آمنوا وکانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة یعنی آنانکه ایمان آوردند و پرهیز
کار بودند ایشان را بشارت هست در زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارتی که در زندگانی دنیا
هست خوابهای نیکوست که مؤمن در دنیا میبیند و بدان بشارت مییابد و در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقولست که خواب بر سه قسم است ... بشارت ... مؤمن ... خوابهای
پریشان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت ... دروغ ... ظاهر میشود ... که در دل ...
دیده میشود که وقت سلطنت شیاطین ... است و آن ... است که ... صورت ...

[illegible] شیاطین و اصل [illegible] خواب [illegible] است که در وقت [illegible] دیده شود و [illegible]
[illegible] است مختلف میشود [illegible] خوابش [illegible]
ایند **و از حضرت علی بن موسی الرضا** منقولست که رسول خدا فرمود که هر که مرا ببیند
در خواب بیند [illegible] مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان به مثل نخواهد شد بصورت من و نه از یکی
از اوصیا و نه از یکی شیعیان خالص ایشان و بدرستیکه خواب صادق جزویست از هفتاد جزو پیغمبری و از حضرت
رسول [illegible] منقولست که در آخر الزمان خواب [illegible]
[illegible] بمقام ایستکه چون [illegible]
داده است و در عالم ارواح ایشان محشور بوده است چنانکه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح
لشکرها بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنا بیکدیگر بودند در عالم ابدان
آشنا میشوند و آنها که در عالم جدائی و تفرقه داشتند در این عالم نیز یکدیگر را نمی‌شناسند و از یکدیگر نفرت میکنند
[illegible] ارواح [illegible] اکثر [illegible]
[illegible] خیالات شیطانی متبدل ساخته اند باین سبب [illegible]
[illegible] ارواح ایشان بملا اعلی [illegible]
جسمانی ایشان را از این عالم دور نینداخته بلکه ببدن با مردم محشورند و ارواح ایشان پیوسته با ذات [illegible]
مکالمه رافع میان آمنست و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از اشقیا [illegible]
این عالم [illegible] نشاه [illegible] چیزی بخاطر میگذرانند جمعی از ایشان از کثرت شقاوت نشاه
[illegible]
اند و باه تمامی سعادت را بر ایشان بسته اند **و جمعی دیگر هستند با وجود نسبت**
[illegible]
[illegible]
باشند [illegible] مشغول فسق و فجورند گاه ملوث گناه خودرا مبتلا میکنند و گاه باب تقوی و توبه خود را [illegible]
[illegible] چون روح ایشان را باعتبار اشتغال و تعلقات و خطاو سیئات نسبتی عظیم [illegible]
[illegible]
[illegible] حاصل شده و خیالات [illegible] داخل میشود [illegible]
[illegible] زبان میکرد **اما جمعی دیگر از اول** شب یاد [illegible]
بیداری [illegible] هنوز در هوای تعلقات [illegible] میکنند [illegible] عالم [illegible]
پس [illegible] شیاطین بر او مستولی میشود [illegible]
و هر چند از اول شب دور تر میشود [illegible] بیداری بیشتر محو میشود [illegible]
[illegible]
[illegible] استیلای شیاطین ضعیف میشود و لطف ربانی [illegible]
خواب غفلت [illegible] شیاطین [illegible]
را افاضات [illegible] بر ارواح مؤمنان فایض میشود و ایشان را برای [illegible] و توبه و پشیمانی [illegible]
اند [illegible] بیدار میکنند و باین سبب [illegible] شب را [illegible] اِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ
[illegible] مضمونش اینستکه [illegible] کرده

[illegible] دل باز [illegible] بیشتر و گفتار در آن درست تر است پس زهی سعادتمندی که فرد را نوفر [illegible]
[illegible] باندازه [illegible] و وساوس شیطانی [illegible] گردانند و روح [illegible]
از آن آلودگیهای تعلقات دنیه پاک گردانند و بساحت قرب پروردگار خود رسانند در آن وقت مبارک که هنگام راز و نیاز
[illegible] خود را [illegible] اصل خود [illegible]
و آن [illegible] بهنگام نفر و شد و آن طایر عرش [illegible] در قفس علایق محبوس نگردانند وفقنا الله تعالی و سایر المؤمنین
المقربین و لنبه به الغافلین **و بدانکه بعضی** از [illegible] تعلقات جسمانی [illegible]
[illegible] در وقت خواب [illegible] بر او عروج [illegible]
[illegible]
[illegible] صورتها [illegible] امثال [illegible] ایشان خود را
معقولات [illegible] ایشان [illegible] در لباس معقولات بایشان [illegible]
فرموده اند که دنیا مانند مار است که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بان فریفته میشود [illegible]
چنانچه علم باعث حیات دلها است تشبیه کرده اند باب که باعث حیات [illegible] چنانچه [illegible]
[illegible] علم را [illegible] تشبیه کرده اند [illegible]
[illegible]
و سر اینها اینستکه مذکور شد لهذا در عالم خواب [illegible] ایشان [illegible]
باین سبب خواب محتاج بعبارت و کار تعبیر [illegible] از آن صورتهای [illegible] صورتها [illegible] چنانکه کسی
خوابی ببیند که [illegible] افتاده است [illegible] شده است معبر [illegible] که این صورت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **و در حدیث دیگر**
از حضرت امام رضا منقولست که فرمود که [illegible] خوابی میبینم و تعبیرش [illegible] و خواب
[illegible] **و در حدیث معتبر** [illegible] زمان حضرت
رسول شوهرش در سفر بود خوابی دید که ستون خانه اش شکست بحضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهر
[illegible] پس چنان شد باز دیگر شوهرش بسفر رفت چنین خوابی دید حضرت باز چنان تعبیر فرمود
شوهرش آمد باز مرتبه سیم شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید و به مردی برخورد و خواب را برای او
نقل کرد و گفت که شوهرت میمیرد چنان شد چون این خبر بحضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب برای او
نکرد **و از حضرت امام محمد باقر** منقولست که حضرت رسول فرمود که [illegible]
[illegible] برای خود [illegible] از برای او [illegible]
[illegible] غافل باشند [illegible]
[illegible]
[illegible] **و در حدیث حسن** [illegible]
[illegible] خوابی دیدم که آفتاب بر سرم تابید [illegible] حضرت فرمود که [illegible]
[illegible] بر تو [illegible]

میکند حضرت فرمود که کدام بلند زیر دان تو پادشاه بودند که توانید زوال میکند دیگر ایام پادشاهی بنی امیه هزار ماه است به حق کرامند
به سیرابی **و در روایت معتبر دیگر منقول است که** محمد بن مسلم بخدمت حضرت عرض کرد که خواب دیدم
که داخل خوانه شدم و در آمد و گروه گروهان شکست و بر سر من ریختند حضرت فرمود که شنیدم خواهم کرد و زنی مطلع شد
شد و رختهای نو که پوشیده باشد بر بدنت پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست کردگان نیز لباس است محمد بن مسلم گوید
چون نصف جمعه شد رختهای نو که در عید ها می پوشیدم در بر کرده بر در دخول داشتم شخصی گذشت و از عیانه طلبیدم
و بیگانه بودم و منع کردم زنی مطلع شد زنها آمده بر سر او ریختند و گریبان من را گرفتند رختهایم را پاره پاره کردند
که شخصی دیگر بان حضرت عرض کرد که خوابی دیدم و بیست و پنجم باد داشتم که مرده است خواب دیدم که دست کرده
منکر و منبر هم **حضرت فرمود که انتظار بکش** هر صبح و شام و از مرتبه کبری این مثل امامت
مردمان باز گذار شد حسب طول عمر است بگوید ایام توپیر نام داشت گفت حسین فرمود زیارت حضرت امام حسین
نصیب خواهد شد زیرا که هر که معانقه با هم نام آن حضرت در خواب بیند توفیق زیارت آن حضرت می یابد و در
حدیث صحیح از حضرت منقول است که هر که در خواب ببیند که در حرم است اگر حج نکرده
و شخصی دیگر عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آهن بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن
داشت خدا پسری بتو میداد چون آهن نداشت خدا دختری بتو خواهد داد پس ساعتی صبر کردند بعد از آن پرسید
کمان نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود دوازده دختر هم میرسانی **محمد بن یحیی**
میگوید که من این حدیث را نقل کردم از آن کمن که فرزند یکی از آن دختر هایم و یازده نواده دارم و در حدیث معتبر
منقول است که حضرت امام رضا فرمود که من در شب دولت خواب دیدم که طایر بین داد دو بار کرد
سفید بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خزانه آمد **و در حدیث دیگر منقول است که**
یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا عرض کرد در خواب دیدم که هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه از قفس
افتاد و شیشها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت راست است بیابد شخصی از اهلبیت و خویشان هفده
روز پادشاه شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفده روز مرد و در
دیگر منقول است که حضرت رسول فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر بدست من دادند و آنقدر خوردم که دیدم
از میان ناخنهایم بیرون می آید پرسیدند که چه چیز تعبیر کردی فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی
بخدمت حضرت صادق عرض کرد که دیدم که از شهر بیرون رفتم بموضعی معروف در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر او
چوبی سوار بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من او را مشاهده میکردم و متحیر بودم حضرت فرمود
که تو اراده میکنی که فریب دهی شخصی را از روزی خود بترس از خدا که ترا آفریده و میمیراند چنین بکن
شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ کرده بدرستیکه شخصی از همسایگان
من زمینی دارد و گفتند که بفروشد چون دیدم که مشتری بغیر من ندارند و عزم کردم که
از او بخرم **فصل دوم** در اداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول منقول است که بسیار
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که بسیار خواب کردن و بسیار خوابیدن در زمان و طلب
منقول است که شب بیداری داشتن خوبست مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن خواندن و در
علم و جوالعروس که بخانه شوهر برند **و از حضرت صادق** منقول است که بیست کس اند که بنا
هر روز کسی که قصد کشتی کسی را داشته باشد و کسیکه مال دنیا داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد
کند و کسیکه در دو عیب آن نسبان کرده باشد و کسیکه مال دنیا را از و خواهند و مال نداشته باشد و کسیکه
طبیب را حاضر نماید و علیه الرحمة والرضوان فرمود که ممکن است که این بیست است

مردم را که خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که هر کس میباید در پی کشتن نفس اماره خود باشد که دشمن اند رونست و
پیوسته در پی کشتن انکس است و سر فاتحه ایمان و طاعات دارد و امینی بداند و نفس و شیطان و هوا و هوسها همه اتفاق
کرده اند بر غارت نهاده و دروغ و بهتان گفتن است هر کس و از هر کس طاعات و بندگی بسیار خواهند و انچه باید
تحصیل نکرده اند و چون خدا عفو دارند و بخواب غفلت قرب و دل از دست میدهند پس کسیکه اینها بسیار در
در او باشد چگونه خواب کند **و از حضرت صادق منقول است که** فرمودند عجب دارم از کسیکه
عمر بسیار میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که از شب بسیار خواب کند
بایدکه کم خواب کند و منقول است که چهار چیز است که کشنده است آتش و خواب بسیار و دشمنی و از حضرت رسول
منقول است که مادر حضرت سلیمان باو میگفتند که زنهار در شب بسیار خواب مکن که بسیاری خواب در شبها در قیامت
فقیر میگرداند **و حضرت صادق فرمود که** سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بدون
بیداری کشیده باشد و خندیدن بی عجب و بسیار چیز خوردن و فرمود که ... دشمن بداند که خدا از کرده نفرت
میکند بیتا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت راحت **و از حضرت امام**
محمد باقر منقول است که شیطان را سرمه هست که در دیده مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق میکند
و سعوطی هست که در بینی مردم میکند سرمه اش بسیار خواب است ... و سعوط تکبر است و
امیر المؤمنین فرمود که مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی پادشاهی و از حضرت
امام موسی منقول است که **حضرت موسی بن عمران** گفت پروردگارا کدام بنده را دشمن تر
دشمن میداری خطاب رسید که انکسیکه شب تا صبح مانند مردار افتاده است و روز را بباطل بشب میرساند و از
حضرت امام موسی منقول است که بنده خود را بخواب عادت مده که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند
و حضرت صادق فرمود که خدا دشمن میدارد بسیار خواب کردن و بسیار بیکار بودن را و فرمود که بسیار
خواب دین و دنیا را می برد ...
... کراهت دارد ...
برد بیداری ... و با آفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد
چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقول است که کسیکه در آفتاب نشیند پشت را بآفتاب کند و رو بآفتاب ننشیند
... دیگر فرمود که رو بآفتاب نشستن ...
و جامه را کهنه و درد ... از حضرت رسول منقول است ... در آفتاب
خصلتست رنگ را متغیر میکند و لباس را بد بو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها میشود **فصل**
باز دهم در اداب بیت الخلاء چون داخل بیت الخلاء شوی سر را بپوشاند و اگر ردا باشد چیزی بر سر کرده باشد
و بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان بسم الله وبالله اللهم انی اعوذ بك من الخبیث المخبث الرجس النجس الشیطان
الرجیم و دیگر بگوید بسم الله وبالله ولا اله الا الله رب اخرج عنی الاذی سرحا بغیر حساب واجعلنی لك من الشاکرین فیما
تصرفه عنی من الاذی والغم الذی لو حبسته عنی هلکت لك الحمد اعصمنی من شر ما فی هذه البقعة واخرجنی منها سالما
وحل بینی وبین طاعة الشیطان الرجیم و چون داخل شود پای چپ را مقدم دارد بنا بر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده
است و چون عورتش باز شود بسم الله بگوید تا شیطان چشم برهم نهد و نظر ... و چون ... نشیند
بگوید اللهم اذهب عنی القذی والاذی واجعلنی من المتطهرین ... نگاه
کند و پای راست را گشاده تر کند و مستندش بنظر نرسیده است و چون غایط یا بول بدشواری بیرون آید
... اللهم اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة و در حدیث است که ...

ملکی موکل است که سر او را بزور ... در بیت الخلا که نظر بمحل ... کند پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم انظر
... ببین که سعی بسیار بجهت ... کردی ... بکجا رسانیدی و عاقبت بکجا رسید سزاوار است که
در این حال ... اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام و چون نظر بآن ... الحمد لله الذی جعل الماء
طهورا ولم یجعله نجسا و چون خواهد استنجا کند بگوید اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار
ووفقنی لما یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام و چون برخیزد دست بر شکم بمالد و بگوید الحمد لله الذی هنانی طعامی وشرابی
وعافانی من البلوی و چون خواهد که بیرون آید پای راست مقدم بدارد بنابر مشهور دست بر شکم بمالد و بگوید الحمد لله الذی
عرفنی لذته وابقی فی جسدی قوته واخرج عنی اذاه یا لها نعمة لا یقدر القادرون قدرها و در بعضی کتب یا لها نعمة
سه مرتبه وارد شده است و سنت است که بعد از انقطاع بول استبراء و اکثر واجب میدانند و طریق استبراء
آنستکه انگشت میانه ... از مقعد ... بکشد تا بیخ ذکر سه مرتبه پس انگشت شهادت را بر زیر ذکر
گذارد و انگشت ابهام را بر بالای آن و بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علماء گفته اند که سر ذکر را سه مرتبه بفشارد
و این سنت ... و سنت است استنجا با آب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است
و منقولست که حضرت لقمان ع فرمود که در بیت الخلاها نوشته اند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود
و استنجا با استخوان و سرگین کردن مکروه است زیرا که اجنه بمجلس حضرت رسول ص آمدند از برای خوردن چیزی
خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان را برای ایشان و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد باین سبب استخوان را
پاک کردن خوب نیست و همچنین استنجا با مطعومات کردن خصوصا نان کراهت شدید دارد و استنجاء بچیزهای
محترم مثل تربت امام حسین ع و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا پیغمبر یا ائمه ع یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام
اگر بروجه استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مکروه است و بدست چپ کردن هم مکروه است
در صورتیکه در آن انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده اند علماء اسماء انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام را بآن
هرگاه قصد ایشان ... کرده باشد و مکروه است با خود بردن در بیت الخلا انگشتری را هر چند در انگشت نباشد ...
با خود بردن تعویذ و دعا همچنین با خود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مسواک کردن در
بیت الخلا که باعث گند دهان میشود و سخن و حرف زدن در آن حال مگر بذکر خدا و آیة الکرسی
و حمد خدا کردن و ... موذن ... چنانچه منقولست حضرت موسی ع در مناجات گفت که خداوندا گاهی
... میکند که ترا ازان بزرگتر میدانم که ترا در آن احوال یاد کنم فرمود که ای موسی در همه حال مرا یاد کن که یاد من
نیکو است ... و اگر اسم حضرت رسول ص بشنود صلوات بفرستد بنابر قول جمعی ... اگر عطسه
کند حمد بگوید و صلوات بفرستد و جایز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود باشاره
و دست زدن اعلام نتواند کرد سخن بگوید ... منقولست که هر که در بیت الخلا سخن بگوید حاجتش روا نشود و
مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول یا غائط و ... استنجا کردن ... متغیر شده باشد ... مگر آنکه
... فصل ۱۳ در بیان احوال و ... واجب است که ...
... و ... ذکر ...
... بپوشاند ... در خواب ... صحرا باشد ... کسی ...
و اکثر علما برآنند که حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول یا غائط خواه در صحرا باشد و خواه در بنا و احوط
اجتناب است ... از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که برابر قبله بول کند ... پس بخاطرش آید ... از برای تعظیم
قبله بگرداند ... در وقت استنجا ... قبله نکند ...
... احوط آنستکه ...

... باشد که ... چنانچه منقولست که حضرت رسول ص از همه کس بیشتر احتراز از بول میفرمودند تا آنکه هرگاه
اراده بول میکردند ... بجای بلند میرفتند یا جائیکه خاک نرم بسیار بود که ... بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده
است که بیشتر عذاب قبر از بول است ... و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده بول کردن ...
بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است که تجویز بول کردن در آب روان وارد شده است که در آب ایستاده بول
کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود و موجب دیوانگی و فراموشی است و بهتر آنستکه غائط را هم در میان آب نکند و
ایستاده بول کردن مکروه است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ایستاده بول کند بیم آنستکه دیوانه شود و از جای
بسیار بلند بزیر بول کردن مکروه است و مکروه است بول کردن در سوراخ جانوران و بول و غائط کردن در مجرای
آب هر چند ... و همچنین در کنار راهها و کنار نهرها و در مسجد ... و در خانها
جائیکه مردم بسبب آن دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان که میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در آن
وقت بآن درختان ... میوه ... و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است
... کسیکه غائط کند در سایه ... و کسیکه منع کند مردم را ...
... باشد ... و هر روز و هر شب ...
... و کسیکه ... کند ...
... نکردن ... و معالجه ...
... و صبر کردن بر آن ... حضرت صادق ع منقولست که روزی
حضرت رسول ص ... فرمودند ... سوال کردند حضرت فرمود که ...
که ... و بنده مومن صالح ... طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند و ...
... و گفتند پروردگارا فلان بنده ... طلب کردیم نیافتیم او را ...
... فرمود ... از ...
و در حدیث ... حضرت رسول ص منقولست که مومن ... پیر ...
... میکرده است برای او بنویسند و همچنین ملکی ... که برای مومن بیمار بنویسد آنچه در حال صحت
میکرده است ... در حال صحت ... کرده است و در حدیث ...
... حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ... ملک ... که مومن ...
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ... یک شب بیمار ... در چنین ...
... برابر است با عبادت ... شب برابر است با ... هفتاد سال و از حضرت ...
رسول ص منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که یک شب بیمار کشد ... از عیادت کنندگان شکایت نکند بدل
میکنم ... گوشتی بهتر از گوشتش و خونی بهتر از خونش و پس اگر او را عافیت دادم از گناهان پاک میکنم او را و اگر
او را ... رحمت خود ... و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که یک شب بیمار بکشد و ...
و آنچه شرط قبول کردن است ... و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی ...
خود ثواب عبادت شصت سال ... و در حدیث ... از حضرت ... منقولست ...
مرا خواب ... داشتم ... بگوید ... که هیچکس ...
... است و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که ... رسول ... در زمین ...
جهنم است و ... مومن از جهنم ... و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که فرمودند ...
... بلا ... در ... بیمار نشود ... که

که مؤمن چون تب میکند گناهان او میریزد چون برگ از درختان و اگر بر تخت خواب بیفتد ناله‌اش ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر میزند و از حضرت امام رضا ع منقولست که بیماری برای مؤمن پاک کننده است او را از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو و از برای کافران عذاب و لعنتست فرمود که یکشب درد سر گناه را بر طرف میکند مگر گناهان کبیره و از حضرت صادق ع منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه از برای او میفرستد یا تب یا درد چشم یا درد سر و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که بلای پیغمبران از همه کس شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیاء ایشان ع هر که نیکوتر است بلایش عظیم‌تر است و مؤمن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرسد پس هر که ایمانش صحیح‌تر و اعمالش نیکوتر است بلایش بیشتر است و هر که ایمانش ضعیف و عملش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که ثواب عظیم با بلای عظیم است و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را مبتلا میگرداند بسوی [illegible] ایشان و هیچ بلائی نمیفرستد مگر آنکه [illegible] و بروایت معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و میریزد بر او بلا را ریختنی پس اگر خدا را بخواند در آن بلا بخواند حق تعالی میفرماید که لبیک ای بنده من اگر زود بدهم آنچه طلبیدی بران قادرم اگر ذخیره کنم برای تو بهتر است از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که مؤمن چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه امری او را در میدهد که اندوهگین میشود تا سبب آن متذکر شود و در حدیث معتبر از آن حضرت منقولست که در بهشت منزلی هست که هیچکس به آن منزل نمیرسد مگر آنکه بلا در بدن او برسد و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثوابها دارد هر آینه آرزو کند که بدن او را بمقراضها پاره پاره کنند حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مؤمن را به تحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود میفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزها که باو ضرر میرساند و از حضرت صادق ع منقولست که شخصی حضرت رسول ص را بخانه خود طلبید چون حضرت داخل خانه او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد بر میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرمودند آن شخص گفت تعجب میفرمائید بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخواستند و طعام او را تناول نفرمودند که هر که نقصانی باو نرسد خدا امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مؤمن را بهر بلائی گرفتار میکند و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را برطرف نمیکند نمی‌بینی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که بعقلش خدا را یگانه بشناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر نه آن بود که مؤمن در دل خود چیزی بیابد از ستم هر آینه عصابه‌ای از آهن بر سر کافر می‌بستم که هرگز درد سر باو نرسد

فصل پنجم در فضیلت و آداب حجامت کردن بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که دوا چهار چیز است حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر میکردید تا شب دوشنبه که درد را از بدن بیشتر میکشد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت کردند و باجرت حجام گندم دادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص در روز سه‌شنبه حجامت کردند و فرمود که حجامت کردن آخر روز دوشنبه درد را از بدن بیرون میکشد و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت در روز جمعه حجامت میکردند گفت آیا در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هر گاه خون زیادتی کند در هر وقت که خواهد در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول ص منقولست که هر که حجامت کند در روز سه‌شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه خدا او را شفا دهد از دردهای سال و شفای او باشد از درد سر و درد دندان و درد

و دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام علی النقی ع در روز چهارشنبه حجامت میکرد گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول ص روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند کسی پیس میشود که مادرش در حیض باو حامله شده باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که خواهد حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند در آخر ماه و اول درد و [illegible] میکند و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه [illegible] بسم الله و اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص هر ماه سه مرتبه حجامت میکردند و دیگران را امر میفرمودند و دیگر فرمود که بعضی فرزندان سیده زنان [illegible] از بدن بیرون آورد و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع در روز چهارشنبه حجامت میکردند و تب بر طرف شد پس روز جمعه حجامت کردند تب بر طرف شد و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای رد بلا پس باید که عافیت یابد از بلاها و در امان باشد از هر دردی و محل حجامت ضرری نرسد و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت کردن در روز چهارشنبه روز خون گرفتن است و در روایت دیگر از حضرت رسول ص نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی ع منقولست که در روز پنجشنبه حجامت بکنید و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که فرمودند اگر در چیزی شفا هست در شیشه حجام و خوردن عسل است که نیکو علاجی است حجامت دیده را جلا میدهد و دردها را میبرد و حضرت صادق ع فرمود که جبرئیل ع برای حضرت رسول ص مسواک و حجامت را آورد و در فقه الرضا منقولست که چون اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی من العین فی الدم و من کل سوء و اعلال و امراض و اسقام و اوجاع و اسئلک العافیة و المعافاة و الشفاء من کل داء و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت صادق ع عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت را در روز شنبه و چهارشنبه که از اول ماه و بیست که اول آنها است حجامت کند باعث صحت بدن او میشود و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که حضرت رسول ص هیچ از دردی بهم نمیرسید مگر آنکه پناه بحجامت میبردند و در حدیث دیگر فرمود حجامت سر شفای هر دردها است بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند باول محجمه که از خون او بیرون میآید ایمن باشد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت رسول حجامت میکردند تا حرارت خون را فرو نشانند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص اول در پشت گردن حجامت میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آن حضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع حجامت کردند و بعد از حجامت سه پارچه شکر با نبات طلبیدند و تناول فرمودند که خون صالح را متولد میکند و حرارت را قطع میکند و از حضرت امام علی النقی ع که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن میکند و از حضرت صادق ع منقولست که حجامت کردن روز شنبه باعث ضعف میشود و در روایت دیگر مرد نسیانی بود که حضرت امام رضا در ماه مبارک رمضان بعد از آنکه خون زیاد شده باشد در وقت حجامت میکردند و از حضرت صادق ع منقولست که در ماه مبارک رمضان بهتر است که حجامت در شب بکند و فرمود که حجامت در روز یکشنبه است و حجامت باید در روز دوشنبه است و فرمود که زنهار حجامت مکن تا آنکه چیزی بخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود و فرمود که بعد از اکل حجامت کن که خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون رود و خون فاسد در بدن میماند و نبیل حجام میگوید که بخدمت حضرت صادق ع بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو بعد از آن طلبیدند و تناول فرمودند چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند که خوردن انار در این وقت صفرا را فرو مینشاند و حضرت امام محمد باقر ع از آبی بهره میرسیدند که برده

بعد از حجامت چه چیز بخورند گفت پرکاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی مرویست که کسیکه خواهد حجامت
در روز شنبه حجامت کند و فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفای هر دردی است و در روایتی وارد شده است که
حجامت نکنید در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت صادق ع منقولست که در روز سه شنبه خون در
حجامت جمع میشود پس ظاهر شد در بدن متفرق میشود حجامت پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر فرمود از حجامت
در روز جمعه و از حضرت امام موسی ع منقولست که در هفتم ماه حزیران دو میکنند و اول تابستان است حجامت کن
و اگر نشود در چهاردهم یکی و حضرت صادق ع فرمود که حجامت در آخر روز بجا آورید و از حضرت رسول مرویست که
حجامت کردن در پشت سر موجب غلبه فراموشی است و از حضرت صادق ع مرویست که حجامت سر هر بیماری رسنده است بغیر
هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس هر دو طرف ابرو را اشاره کردند و بجانب پشت و با آنجا که انتهای در رسید نشان دادند که اینجا
حجامت چه باید کرد و در روایتی دیگر منقولست که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون
بند نمیشود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و پیسی با برص بهم رسد ملامت نکند مگر خود را
و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان در هر روزی که خواهی حجامت بکنی و فرمود که حجامت سر نافع است برای
دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم و درد سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه
شود بگیرید او را حجامت کنید در گودی پشت سر که لعاب را خشک میکند و حرارت را از سر و بدنش میکشد و منقولست که حضرت
امام محمد تقی ع طبیب را طلبیدند و فرمود که رگ کف دست را بگشاید و منقولست شخصی بخدمت حضرت صادق ع شکایت کرد از
درد جگر حضرت او را امر بفصد پا فرمودند شخصی دیگر شکایت کرد از خارش بدن فرمود که سه مرتبه هر دو پا را حجامت
کند در پشت پا در میان کعب و سند پا و شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از جرب فرمود که پای راست یکی دو بفصد
دو درهم روغن بادام شیرین بر رگ آب نمک بریزد و بخورد و ماهی و سرکه بخورد و شخصی دیگر بحضرت صادق ع شکایت
کرد از جرب فرمود که کحل را بگشاید ... در بنا انواع ندارد که ... وارد شده در بنا جواز رجوع اطبا
از حضرت رسول ص منقولست که درد سه است و دوا سه است پس درد مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای
خون حجامت و دوای مره مسهل و دوای بلغم حمام است و از حضرت صادق ع مرویست که از دوای پیغمبران
حجامت کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بهترین دواها حقنه است
و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن است و در حدیث دیگر فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه است و آخر
دوای ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طب عرب در هفت چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام
رفتن و قی کردن و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ است و از حضرت صادق ع منقولست که حقنه از جمله دواهای عظیم است
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و داروها ... و قی کردن و حقنه کردن فرمود که طب عرب
حجامت و حقنه و حمام رفتن است و قی کردن است و آخر دوا داغ سوختن است و از حضرت امیر ع مرویست که رسول خدا ص
بهتر چیزی که با مداومت کنید حقنه است شکم را فربه و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که
روغن بنفشه در بینی بچکانید و در فقه الرضا مذکور است که ... سر همه دواهاست و معده خانه دردهاست و ...
... و فرمود که اجتناب کن از دوا تا بدنت تاب درد دارد و هرگاه که گرسنه شوی بخور و هرگاه بول باید ...
... و حمام مکن و هرگاه خواب ... همیشه سالم باشد و فرمود که ...
... کردن ... معتقد شده ... وقت باشد ... و در رخصت ...
... دعا ... و فرمود که عسل دوای
هر دردیست و هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد بلغم را قطع میکند و سودا را ... میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را
قوی میگرداند و هرگاه با کندر خورده شود ... و حرارت و صفرا را فرو می نشاند و طعام را هضم میکند و ...

در ... بدن را فربه میکند ... و فرمود که ... بدن را فربه میکند ...
و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر ... کنند زنده شود ...
محکم ... فرمود بیمار ... مانند دعا و تصدق و ... و فرمود که ... پرهیز و امساک و پرهیز ...
کنند بخورد صحت و مرض ... در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقت که صحت غالب ... بیمار نشود
و اشتهای طعام هم میرساند پس هرگاه طعام بطلبد بدهید که شاید شفا بیش در آن باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآن
است پس بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا کنید بقرآن و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که دردها در
خود یابد و حرارت بر مزاج خود غالب بیند با زنان خود جماع کند که حرارت را فرو مینشاند از حضرت صادق ع منقولست که
عامه دردها و بیماریها از غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم زیاد میباشد پس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند
پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت امام رضا ع عرض کرد
... فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق و چیز بهتر از تصدق نیست و بسند معتبر از حضرت
صادق ع مرویست که شخصی بیمار شد بخدمت امیر المؤمنین ع ... فرمود که از زن خود یک درهم مهر بگیرد ... بطلب ...
و عسل بخور ... چنین کرد شفا یافت از سبب آن پرسیدند حضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود ...
... بخورید ... و در باب عسل میفرماید که در آن شفا است از برای مردمان ...
... آب مبارک ... پس در اینجا گوارا و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد و در
حدیث دیگر فرمود که ... خداوند فرموده است که همه چیز بآب زنده است گفت بلی ...
... فرمود چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان گردانیده است گفت بد میشوم ... فرمود که چرا شیر نمیخوری
که گوشت و استخوان بدن ... پرورده است گفت با طبع موافقت نمیکند فرمود که میخواهی ... حضرت
شراب ... که هرگز نکنم و در حدیث معتبر دیگر از حضرت منقولست که شخصی باین حضرت عرض کرد که بیماران
که نزد ما بیمار میشوند اطبا ایشان را امر بامساک میکنند فرمود که ما اهلبیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا
میکنیم بسیب و ... پرسید که چرا از خرما امساک میکنند فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر ص حضرت امیر المؤمنین ع را از
در بیماری امساک فرمود و در روایتی دیگر از آن حضرت پرسیدند که تا چند روز میباید پرهیز و امساک نمود فرمود تا ده روز
و در روایت دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفع ندارد و از حضرت
امام موسی ع منقولست که پرهیز آن نیست که در اصل هیچ چیز نخوری بلکه آنست که بخوری و کم بخوری و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که حضرت موسی بن عمران مناجات کرد که پروردگارا درد از کیست فرمود که از من پرسید که دوا از کیست
... پرسید که پس چه امر مینمایی مردم را بحکیمان ... خطاب رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح مرویست که
علی بن جعفر از حضرت موسی ع سؤال کرد از داغ کردن بیماران و عودها را و نشانها بر ایشان خواندن فرمود که باکی نیست
در داغ کردن و افسونی که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقولست که شخصی از آن حضرت پرسید که محتاج میشوم بطبیب
... و مرا معالجه میکند ... و او دعا میکنم فرمود باکی نیست دعا و سؤال تو نفع باو نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود
... رجوع بمعالجه اطبا میکنند ... و از حضرت امیر المؤمنین
ع منقولست که مسلمانان باید مداوا نکنند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق ع منقولست که هر که صحتش
بیماریش غالب باشد ... دوا کند ... و در حدیث دیگر مرویست که از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند
معالجه طبیب ... عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع پرسیدند
شخصی دوا میخورد و گاه هست که او را میکشد و گاه هست که شفا می یابد ... فرمود که حق تعالی دوا را فرستاده
... و هیچ دردی را خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است و نام خدا را ببر در وقت خوردن

وازحضرت امام موسی [illegible] کردن با مردم [illegible] وداطا [illegible] چشم [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] بخوابی وحرکت نکنی [illegible] بحال نماز با بیمار بکند [illegible] وازحضرت صادق ع
منقولست که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت که دوا نمیکنم تا انکه دهد [illegible] داده است شفا بدهد حقتعالی وحی فرستاد
که دوا نکنی من شفا ندهم ودر حدیث دیگر وارد است که شخصی بان حضرت شکوه کرد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فرمود که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرمود [illegible]
که کاه هست [illegible] فرمود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] شد ودر حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
وگاه منقطع میشود ومبتلا است که اوبدرد مبتلا شد فرمود که بکند ودر حدیث دیگر عرض کرد [illegible] [illegible]
دربدن وگاه هست که میکشد که در زمان حضرت پیغمبر شخصی را غسل زده بود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که همه دوائی نیست مگر انکه در بدن درد را بر می انگیزاند و هیچ چیز در بدن نافع
[illegible] [illegible] [illegible] **فصل** [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
تا مدوا میکنیم برای مکو بر جنابت ببرد در بدن وخوردن سیب [illegible] منقولست که جمعی از حضرت ع رفتند [illegible]
تابستان وان حضرت شدند دید که طبیبی [illegible] [illegible] [illegible] عرض کرد که مردم [illegible] [illegible]
فرمود که این سیب را [illegible] وحرارت را فرو مینشاند ودر حدیث دیگر که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] وازحضرت امام رضا ع منقولست که روزی رسول خدا ص نزد حضرت امیر المؤمنین ع آمد [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وازحضرت امیر المؤمنین ع [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ودر حدیث معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع از شخصی
پرسیدند که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید گفت [illegible] [illegible] فرمود که هر گاه کسی از شما بیمار شود [illegible]
بگوئید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شفا میدهد [illegible] [illegible] شفا دهد ودر حدیث
دیگر فرمود که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وازحضرت امام محمد باقر ع
که علاج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منقولست که شخصی [illegible] حضرت صادق ع
[illegible] [illegible] فرمود که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امام موسی ع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
وازحضرت امام علی النقی ع منقولست که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زعفران
[illegible] [illegible] [illegible] وازحضرت امام رضا ع منقولست که این تعویذ [illegible] [illegible] [illegible]
ارسلنا یا الله یا رب الارباب یا سید السادات یا اله الالهة یا ملک الملوک یا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شفا دهد [illegible] [illegible]
روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول ص [illegible] عارض شد جبرئیل آمد واین عوذه را [illegible]
خواند [illegible] بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله
خذها فلتهنئک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله ودر چند حدیث دیگر منقولست
که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در روایت دیگر
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دیگر او بنشند حضرت فرمود که بنده [illegible] خود را بگشا و سر دیگر [illegible] داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه
سوره حمد بخوان الشخص چنین کرد شفا یافت ودر حدیث دیگر منقولست که یکی از فرزندان ان حضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه
یا الله بگو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود را بگو ودر حدیث دیگر فرمود که هر که [illegible]
شود هفتاد مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند [illegible] [illegible] ودر حدیث معتبر
دیگر وارد شده است که داود [illegible] گفت ناخوش شدم [illegible] ناخوشی شد که چون بخدمت امام جعفر صادق ع
رسید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بخوان [illegible] اللهم انی اسئلک باسمک الذی
سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد
وال محمد وعلی اهل بیته وان تعافینی من علتی پس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شفا
یافتند ودر حدیث [illegible] منقولست که چون [illegible] هفت مرتبه اعیذ بالله العظیم [illegible]
[illegible] [illegible] بگو ودر حدیث دیگر فرمود که سوره قل هو الله وانا انزلناه وایة الکرسی بخوان [illegible] [illegible]
[illegible] اللهم ارحم جلدا الرقیق وعظما الدقیق من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت امنت بالله والیوم الاخر فلا تاکل
اللحم ولا تشربی الدم ولا تنهکی الجسم ولا تصدعی الراس وانتقلی عن فلان بن فلان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible] [illegible] [illegible] فرمود که بیمار [illegible] [illegible] [illegible]
بگوید سوره حمد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وسه مرتبه قل هو الله احد بخواند وبگوید اعیذ نفسی بعزة
الله وقدرة الله وعظمة الله وسلطان الله وجمال الله وبجمع الله وبرسول الله وبعترته وبولاة امر الله من شر ما اخاف واحذر
واشهد ان الله علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد واله اللهم اشفنی بشفائک وداونی بدوائک
وعافنی من بلائک **ودر روایت دیگر** منقولست که شخصی بان حضرت شکایت کرد [illegible] [illegible]
فرمود که ایة الکرسی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منقولست که از برای [illegible]
بنویسند [illegible] [illegible] سوره [illegible] تا اخر و بعد از ان بنویسد بسم الله وبالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها
التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما خلق وبرء ومن شر الطامة والسامة والعامة واللامة [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الجن والانس ومن شر الشیطان وشرکه ومن شر کل ذی شر ومن شر کل دابة انت اخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا
فانصرنا علی القوم الکافرین حسبی الله لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ما شاء الله لا
قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله هم المفلحون ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم
واز سلمان فارسی رحمه الله روایتست که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه ص بعد از ده روز از خانه بیرون
امدم در راه حضرت امیر المؤمنین ع را ملاقات کردم فرمود که برو نزد حضرت فاطمه زهرا ع که تحفه از بهشت برای
او امده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
در خوابگاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منقطع شدن وحی [illegible] [illegible] [illegible]
که در گشوده شد و سه دختر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
چون ایشان را دیدم برخواستم وسؤال کردم که شما از اهل مکه یا از اهل مدینه اید گفتند ما دختر [illegible] [illegible]
ما از اهل زمین نیستیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

بزرگتر از ایشان منهود پرسیدم که تو چه نامی گفت مقداده گفتم چه سبب تو را این نام کرده اند گفت از برای انکه
از برای مقداد بن اسود خلق شده ام پس از دیگری پرسیدم که تو چه نام داری گفت ذره نام دارم از سبب نام او پرسیدم گفت
از برای انکه ابوذر غفاری خلق شده ام از سیم پرسیدم که چه نام داری گفت سلمی گفتم چه سبب گفت از برای انکه از برای سلمان فارسی
خلق شده ام حضرت فاطمه زهرا فرمود که از برای من چیزی اورده اند پس چند برگ خرما اورد دیدم مانند گرده های نان بزرگ
و بسیار سفید تر و از مشک خوشبوتر سلمان گفت که حضرت فاطمه یکی از ان رطبها را بمن داد فرمود که امشب بان
افطار کن و فردا هسته اش را برای من بیاور پس ان رطب را گرفتم و بیرون امدم بر هر جمعی از اصحاب حضرت رسول که میگذشتم
می پرسیدند که ای سلمان مگر مشک همراه داری میگفتم بلی چون وقت افطار شد تناول کردم هیچ هسته نداشت روز
دیگر بخدمت حضرت فاطمه رفتم و عرض کردم که هسته نداشت فرمود که چگونه هسته باشد و حال انکه این رطب
از درختی بهم رسیده است که حق تعالی در دار السلام غرس فرموده است بسبب دعائیکه پدرم بمن تعلیم کرده است صبح
و شام میخوانم سلمان گفت که ای سیده زنان این دعا را تعلیم من فرما فرمود که اگر خواهی در دنیا تب نیابی بر این دعا
مداومت کن این است دعا بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله النور علی کل نور بسم الله الذی هو
مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور
علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء والضراء مشکور و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
سلمان گفت که این دعا را زیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم و همه از تب شفا یافتند
و در حدیث حسن مرویست که بعضی از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام بیمار شدند حضرت فرمود که این دعا را بخوانند
اللهم اشفنی بشفائک وداونی بدوائک و عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک و از برای تب ربع منقولست که این آیه را
بنویسد و بر او ببندند یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و در روایت دیگر است که از برای تب ربع [illegible] ببندد بسم الله الرحمن
الرحیم ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی و بالحق
انزلناه و بالحق نزل باسم فلان بن فلان و نام او و نام مادرش را بنویسد بسم الله و بالله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله
و از برای تب [illegible] بنویسد و بر بازوی بیمار ببندد بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان و جعل بینهما برزخا و
حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون
و ان جندنا لهم الغالبون فصل [illegible] در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هر دردی
که داشته باشی دست بر موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو الله الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها
عنی و در روایت دیگر فرموده که بگو بسم الله و دست مال بر آن موضع که درد میکند و بگو اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ
بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف
علی نفسی هفت مرتبه میگوید و در روایت دیگر فرمود که دست بر آن موضع میکشی و در روایت دیگر فرموده است دست بر محل درد
بگذار هفت مرتبه [illegible] بگو یا ایها الوجع اسکن بسکینة الله و قر بوقار الله و انحجز بحاجز الله و اهدأ بهدوء الله اسکن ایها
الوجع [illegible] الله بعرشه و ملائکته [illegible] و در روایت دیگر فرمود که برای هر دردی [illegible] بخوانی یا منزل الشفاء
و مذهب الداء [illegible] شفاء و از حضرت امیر المومنین منقولست که هر که المی باو برسد در بدنش [illegible] بخواند [illegible] اعوذ بعزة الله
و قدرته علی الاشیاء اعیذ نفسی بجبار السماء اعیذ نفسی بمن لا یضر مع اسمه داء اعیذ نفسی بالذی اسمه برکة و شفاء و از حضرت صادق
منقولست که هر کس دردی بهم رساند دست بر موضع درد بگذارد و با اخلاص بخواند و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمومنین و لا
یزید الظالمین الا خسارا البته عافیت یابد از هر دردی باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که را سوره حمد و قل هو الله احد
شفا ندهد چیزی دیگر او را شفا نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که از دردی شکایت داشته باشد بگوید بسم الله
و بالله و صلی الله علی رسول الله و اهل بیته و اعوذ بالله و اعوذ بعزة الله و قدرته علی ما یشاء من شر ما اجد

در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آن حضرت رفت شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که بگو لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن
له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که حضرت موسی بن عمران شکایت کرد از غلبه رطوبت
حق تعالی امر فرمود که هلیله و بلیله و املج [illegible] بخورد [illegible] حضرت فرمود این است که شما اطریفل میگویید
و در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام علی النقی آمد و عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را
عقرب گزیده است [illegible] فرمود که بخورانند [illegible] از حضرت امام رضا [illegible] رسیده است
که سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید هر یک مساوی بگیرند و فرفیون برابر
هر یک [illegible] بکوبند و از حریر بیرون کنند و بعسل [illegible] اگر [illegible] باشند [illegible] عقرب گزیده باشد
[illegible] بخورانند که در ساعت شفا یابد و از حضرت امام [illegible] منقولست که از برای [illegible]
باب [illegible] و از حضرت امام محمد نقل کرده است که از برای سردی معده و خفقان قلب نافع است
که [illegible] باشند بخورند و در حدیث از حضرت امام رضا منقولست که از برای [illegible]
[illegible] و در روایت دیگر از حضرت امام رضا نقل کرده اند که از برای درد پهلوی راست [illegible]
[illegible] بخورند و از برای درد پهلوی چپ [illegible] باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود که
از برای اسهال [illegible] بخورند و از حضرت رسول منقولست که اگر مردم بدانند که در سنا چه منفعت است
[illegible] مثقال [illegible]
و اگر [illegible] هلیله کابلی و هلیله [illegible] زرد و هلیله سیاه [illegible] اجزاء مساوی [illegible]
[illegible] **و در طب**
الائمه روایت کرده است [illegible]
[illegible]
[illegible] فلفل و دار فلفل و زنجبیل [illegible]
[illegible] مثقال [illegible]
در سه روز هر روز دو مثقال از ان ناشتا بخورند و از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده [illegible]
[illegible] و درد شکم و درد جگر و حرارت [illegible] و [illegible] و درد شانه و ذکر نافع است و بعد از ان تا
پرهیز کنند از خرما و ماهی و سرکه و سبزیها و غذا اش اماج باشد با روغن کنجد **و در فواید دیگر نقلست که**
هلیله سیاه و هلیله زرد [illegible] از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و [illegible]
سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از [illegible] و قاقله و سنبل و [illegible] و چوب [illegible]
مفتر و [illegible] از هر یک دو مثقال مجموع دواها را با یکدیگر بکوبند و بیزند و [illegible]
جدا بکوبند و بیزند و پنج مثقال [illegible] کنند و [illegible] عسل [illegible] اجزا را با انها معجون سازند
و در وقت حاجت دو مثقال ان ناشتا و دو مثقال در وقت خواب بخورند نافع است برای [illegible] جماع و سردی [illegible]
بدن [illegible] فایده میبخشد برای درد [illegible] و بادها و [illegible] بول و [illegible] دل و [illegible] نفس و [illegible]
و کرم معده و دل [illegible] طعام [illegible] درد سینه و زردی رنگ و [illegible] و غلبه تشنگی [illegible]
[illegible] و درد سر [illegible] نافع است و [illegible] روایت کرده است که در زمان فرعون بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] طعام ایشان [illegible] ایشان را هلاک کند حق تعالی [illegible] حضرت موسی فرمود [illegible]
[illegible] کفت [illegible] بکوب و در [illegible]

کاو وان قند برابر بکوبد بیو شانند عادات آتش نرم اقنند برابر فروند که ازان سبزه هم چیزی نماند پس ثمان فی سلسل ... کرموش

رفته باشد و بپاشد برافتد رایش نسوزات کران هر بخورد پس از سیاه دانه ده درهم وان فلفل و مرزنکوش هر یک پنج درهم

بگیرد تمام بکوبد و در پاتیل بریزد و مرهم بزن تا مخلوط شود بان سیر پس ظرفی را بگیرد و اندرون را روغن کاو چرب کند و دوا را بریزد

در سیرنجو تا خاکستر چهل روز پنهان کن و هر چند هفته نو شود بکوبه بشود و فرمود که نافعست برای دفع لقوه مکنه و تازه

دراند ... و سرفه کهنه و تازه و کسی اگر سرمازده باشد و برای سبل چشم و درد پا و ضعف معده و صرع و غش اطفال و

زنان در خواب و درد ... بلغم و دفع سم کژدم و مار و عقرب و فرمود چون یکماه برابر بکند رد برای درد دندان و

[illegible]

فصل شکایت کرد بخدمت حضرت صادق ع از درد و قراقر معده و اینکه طعام در معده هضم نمیشود حضرت فرمود که چیز میکند

از نبیذ برای که ما میخوریم باعث هضم طعام میشود و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود که یک صاع از مویز بگیرد و

دانه اش را بگیرد و ... در ظرفی کن و ... آب بر نزد کرم را بپوشانند در زمستان سه شبانه روز ...

یکشبانه روز پس صاف کن و آب صاف شده را در دیگ کن و ... بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس ...

در دیگ بریز و ... عسل ... پس ... زعفران و ... مصطکی ...

و هم را بکوب و در ... کن ... چند جوشی بزند پس ... کذار تا سرد شود و صاف کن در

... فصل ششم در معالجه

درد سر و شقیقه ... دعاء و دفع ... از حضرت امام محمد باقر ع منقول است

برای درد سر و صفرا ... بنویسد و برا ... میکند بنام و ... اللهم انت لست باله استحدثناه ولا برب

نبید ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله ندعوه ... ولا اعانک

[illegible]

[illegible]

فرمود که حجام بر ... بخون ... سوره ... بسر ... بسم الله ... منقولست که

شخصی به حضرت امام رضا ع شکایت کرد که درد سر عظیم دارم ... بگو ... اگر ... ان شاء الله ...

عن روغن زنبق بعد از طعام خوردن ... دماغ ... و در حدیث ... صادق ع منقولست ... از فرزندان آدم

نیست مگر آنکه او را ... هست ... سر ... بحرکت ... در ... بدن ...

پس آن رگ سر که بحرکت ... زکام را بر او مسلط ... کند ... میکشد پس ... زکام ...

... روایت دیگر فرموده است که زکام لشکری است از لشکرهای خدا ...

بدن را بو ... و چند روایت وارد شده که زکام را علاج نباید کرد ... از حضرت وارد شده

است در معالجه زکام پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب در مقعد خود گذارد و در روایت دیگر

فرمود که ... زکام را بر طرف میکند

هفتم در معالجه درد چشم و گوش و دندان و سایر امراض

و درد سر و گلو در حدیث معتبر دیگر منقولست که از حضرت امیر المؤمنین ع که هرگاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیة الکرسی بخواند با اعتقاد درست که البته شفا می یابد و در

دیگر منقولست که حضرت صادق ع بشخصی فرمود که میخواهی دعائی بتو تعلیم نمایم که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد ...

[illegible]

[illegible]

بنفشه هفت مرتبه بخواند کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا پس ان درد عز اهد کوش

انجا نند ... برای قطع رعاف منقولست که بر پیشانی او بنویسد وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت

علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین و در روایت دیگر وارد شده ... منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم

تارة اخری یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا یا ارض ابلعی ماءک ... وقیل بعدا للقوم

الظالمین ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل

شیء قدرا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت

کرد از درد دهان فرمود که دست بر دهان بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ... اعوذ بکلمات

الله التی لا یضر معها شیء ... باسمک ... المقدس المبارک ...

بالله بالله ان تصلی علی محمد واهل بیته وان تعافینی مما اجد فی ... وفی راسی وفی سمعی وفی بصری وفی بطنی وفی ظهری

وفی یدی وفی رجلی وفی جمیع جوارحی کلها و ابو بصیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع از درد دندان و ...

[illegible]

واو بند فرمود که تا درد چشم را دارید بر پهلوی چپ [illegible] و خرما خورید و حضرت صادق ع فرمود که ماهی خوردن برای چشم زیان دارد و دست بر چشم مالیدن بعد از دست شستن بعد از طعام خوردن نافع است و شستن دندان ورم چشم و در پنجشنبه و جمعه شارب کرفتن امان میبدهد از درد چشم و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم می‌آید [illegible] ... در گوش بچکند درد ساکن میشود و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که [illegible] ... و قطره از آن در گوش بچکانند و پنبه در گوش بگذارند و سر و روی خود را بپوشند شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول ص منقول است که سداب برای درد گوش نافع است و از حضرت صادق ع منقول است که برای درد گلو چیزی نافعتر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که حضرت عیسی ع بشهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر چشمهای ایشان کبود است و روهای ایشان زرد و از نسیاء مرض با حضرت شکایت کردند حضرت فرمود که شما گوشت را شسته نپزید و هیچ جانوری از دنیا بدر نمیرود مگر آنکه با او جنابتی هست بعد از آن گوشت را شستند و بیماری ایشان بر طرف شد و حضرت عیسی ع بشهری گذشتند دندانهای ایشان ریخته بود و روهای ایشان باد کرده بود و فرمود که در وقت خواب دهان را باز کنید و بر هم مگذارید چنان کردند علتهای ایشان زایل شد و از حضرت امام موسی ع منقول است که برای درد دندان سعتر را بر آن بگذارند و فرمود سرکه از شراب تعل ورده باشند بر دندان محکم میکند

و در حدیث معتبر منقول است که حمزة بن طیار بخدمت آن حضرت آمد و بود داه میکشید حضرت پرسیدند که چه میشود گفت دندانم درد میکند فرمود که حجامت کن چنانکه کرد ساکن شد بعد از آن حضرت فرمود که هیچ دوائی بجا نمیکردن و عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود برای درد دندان حنظله بگیر و پوست آنرا بکن پس روغنش را بگیر اگر دندانش را کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بریزد و پنبه را بروغن آلوده کند در میان دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند و اگر دندان درد کند در آن گوش که در جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه قطره بچکانند و باز فرمود که هر که درد داشته باشد و دندانش باد کرده باشد یا دندانش جوشیده باشد و ریش بهم رسیده باشد یک حنظل تازه دارد اگر رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را بتراشد و بهم زند و سوراخ نشود پس سرکه بسیار تند از شراب تعل آورده باشند و در آن سوراخ بریزند و بر روی آتش بگذارند که بسیار بجوشد پس بردارد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی بگیرد و بر دندان او دندان بمالد و بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است در شیشه یا ظرفی بکرخالی کند و هر چند ایش بطرف شود سرکه بر روی آن بریزد و هر چند کهنه شود نفعش بیشتر است و بحدیث بگیرد و [illegible] ابراهیم بن نظام گفت دندانهای راه داه که چند روز بود که درد داشتم گریه میکردم از درد دندان ابراهیم از برو کرم از من پس دندانهایم تمام ریخت پس حضرت امام رضا ع را در خواب دیدم که فرمود سعد در دهانت کن که دندانهایت بروید بعد از چند گاه شنیدم که حضرت امام رضا ع بمعل قاو دست داه است و بخراسان رفت بخدمت آن حضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان را فرمود که در خواب فرموده بود چنانکه کردم دندانهایم روئید

فصل هشتم در معالجهٔ خنازیر و قروح و جروح و ثالول و ثبور و خوره و پیس و امثال اینها از علی بن ابی‌حمزه منقول است که بخدمت امام رضا ع عرض کردم که ثالول بسیاد زیر نم بهم رسیده است و بار میبیند پس [illegible] هر دو کران برای هفت جو بگیر و بر هر جو هفت سوره بخوان [illegible] ... بهال دیگر بر هر ثالول [illegible] ... بعد از سه روز بر طرف شد و از حضرت صادق ع منقول است [illegible]

الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم افتح بحق ما احد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است که شخصی در خانهٔ آنحضرت بود که درد شکم بهم رسید شخصی در خواب بر گفت هر بخوانید غار امکور مجوانه یا رفق یا نجیم یا سبک و در حدیث مرویست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که کنده فانه ندیدن منظارین فرمود که روز چهارشنبه در روز چهارم در وقت زوال غسل کن و بصحرا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بکند و هر سوره که خواهی بخوان و کره و تضرع و حضور قلب چون نماز فارغ شوی جامهای خود را ببند و جامهٔ کهنه پاکیزه بعد بپوش و بر خاک بسجده و پهلوی راست و خود را بر خاک بگذار و با زاری و خشوع بگو یا واحد یا احد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد واکشف ما بی من مرض [illegible] ... کرا کر چنین کند از درد بزودی شفا یابد و در کتاب مکارم الاخلاق از برای دفع اسهال و کم بیرون آمدن نقل آورده است که این را بنویسد

۱۳	۳		۲
۸	۱۱	۱۰	۱
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

عدد بنویسند [illegible] ... و از حضرت صادق ع منقول است که برای بواسیر بزرگ که درد میکند و بیرون می‌آید [illegible] ... اکثر اینها بوقت بگذارد و در روایت دیگر فرمود که بنوشند دفعها شود اکثر که در وقت طلب ثار از بدن بیرون میکنند پس کسیکه درد داشته باشد بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلمات التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر [illegible] ... ذلیل تا از اینها و پا پر درد [illegible] ... منقول است که برای درد و کرم و قولنج این آیات را بخواند و بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار [illegible] ... و منها نخرجکم تارة اخری الله اکبر و انت لا تنکر و الله تبع و انت لا تبتغی و انه علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر منقول است که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق ع که [illegible] ... بهم رسیده بود [illegible] ... یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سامع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اصرف عنی من شر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اذهب عنی هذا الوجع [illegible] ... من اسقام و [illegible] ... حضرت شکایت کردند فرمود که وضو بسازید و دو رکعت نماز بکنید و حمد [illegible] ... بالحمد [illegible] ... یا رب العالمین [illegible] ... یا اسمع السامعین [illegible] یا سامع الدعوات یا منزل البرکات [illegible] ... الاخرة واذهب [illegible] ... و در روایت دیگر فرمود که سورهٔ قلم را با عسل بنویس و بخورد و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای پیسی و خوره این آیات را بنویس و بخور بآب خورنکاه دار بسم الله الرحمن الرحیم بحمد الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات و الارض [illegible] ... و از برای [illegible] ... الاعند تا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون و در روایه معتبر منقول است [illegible] ... و همان قبر [illegible] ... ببرند [illegible] ... و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتان را مثل [illegible]

جراحت بگذارند در حدیث معتبر منقولست که ...

که بیشتر بزنند فتح بن خاقان وزیر متوکل ...

اینهمه فائده میکند وزیر متوکل گفت که ...

باب باران بخورد و بران موضع بمال و فرمود که ...

فرمود از یک بکه خورده یا پیسی داشته باشد ...

[illegible]

... دهان کن و با بجوشان و پنج دانه بپز ... بگذار تا سرخ شود و پیه فلوه تازه بگیر بر بادِنجان ...
ها در میان کاسه دیگر بر سرش بکذار ... ده کشته تا آن سیاه شود پس بگیر ... بیرون ...
بپز و بخورد و در روایت دیگر ... شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع فرمود که اذربیجان بگیر و بردار انرا ...
ملایم بپز و سفوف کن ... و در روایت دیگر منقولست که فرمود بل رقطونا و صمغ عربی و ... سفوف کن
کن بخور ... و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا ع شکایت کرد از درد پیچش شکم
فرمود که کرد کانرا بگیر و بریان کن ... بپز ... شود پوستش را بگیر ... و در حدیث دیگر ...
شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه با عسل بخورد و در حدیث دیگر منقولست که
شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از ضعف معده ... فرمود ...
کوبید ... و در حدیث ...
و در حدیث دیگر منقولست که ... بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد فرج فرمود که عود ... بخور ...
کشاده ... بسم الله و بالله ...
بسم الله ... فلا اجره عند ربه ... یوم نجمعهم ... ملک الیمین ... عمر ... البلد ...
ولا مبیا مبلنا البلد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد دندان ...
بکی ... الی الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین ع شکایت
کرد از درد پا فرمود که اول سورهٔ انا فتحنا ... و کان الله عزیزا حکیما و در روایت دیگر ...
امام محمد باقر ع شکایت کرد از درد ... فرمود که بعد از نماز ... بالجود ...
... و در روایت دیگر منقولست که ... شکایت کرد
بحضرت صادق ع از درد ساق ... فرمود که این آیه را هفت مرتبه بخواند ...
ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا و در روایت دیگر منقولست که بحضرت امام حسین ...
کرد از درد پا فرمود که دست بر آن موضع بگذار و بگو بسم الله و بالله والسلام علی رسول الله ص ...
جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
صادق ع شکایت کرد از درد مثانه فرمود که این آیه را در وقت خوابیدن سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم
ان الله له ملک السموات والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
... امام ... ع ... که ... است ... در جواب نوشتند که ... دیبا ...
... تا آخر سوره سه مرتبه ...
... و در روایت دیگر منقولست که شخصی بان حضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود
ابید ... اللهم انی اسئلک باسمائک ... ودعوة ... المکین عندک ...
... اهل الجنة ... یا اله العالمین ...
خواند در آن ساعت ... و در حدیث ... شخصی بحضرت صادق ع ... بسم الله الکبیر
... الرحمن الرحیم بسم الله و بالله اعوذ ...
واعوذ بالله العظیم من شر ...
... حضرت صادق ع ...
حضرت ... بسم الله و بالله ...

علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و موسی نجیا و خلق عیسی من روح القدس لما هداه و لطفت کما لطفت نار ابراهیم لطفتنی
باذن الله دو مرتبه چنین کرد عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای عرق مدینی که بفارسی رشته میگویند
پشم شتر را بدست بکیرد ببکار دو مقراض و بنا بد هفت گره بر آن بزند و بر هر گره سه مرتبه سورهٔ حمد را بخواند پس
بران رشته با بر انشخص ببندد یا بخواند بسم الله الابد المحصی العدد العزیز لما ابعد الطاهر عن الولد العالی ان یولد المتجبر الماء عد
العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد باخلاق الخلیفة باعالم السر والخفیة یا من السموات والارض بنده
مرساه یا منتجابه صاحب العرق من کل آفة و بلیة صل علی محمد خیر خلقک واشف اللهم فلان بن فلان شفائک و عافه بقدرتک
و عافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که بخواند تا نیزد عابرای دفع بواسیر یا فعامت یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا بارئ یا راحم صل علی محمد
و آل محمد واردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا ع
شکایت کرد از بواسیر فرمود که سورهٔ یس را با عسل بنویس و بخورد و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که
هر که را ورمی یا جراحتی بهم رسد کارد را بکیرد و بران موضع بمالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد و الحدید و من اثر العود
والحجر الملبود من العرق الفاتر و من ورم الاحواز من الطعام و عفرق و من الشراب و برده امضی الیک باذن الله الی اجل مسمی
فی الانس والانعام بسم الله فتحت و بسم الله ختمت پس انکارد را بر زمین فرو برد و در حدیث دیگر
دیگر فرمود که چون حضرت رسول ص و سلم را اندکی باد در سر عارض میشد دست میکشودند سورهٔ حمد و قل
هو الله احد و معوذتین میخواندند و دست بر رو میکشیدند و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام رضا ع که برای
قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون ملک شنبلیله را با یک کف انجیر خشک بگیرند و نقده کرده آب
بران بریزند که پوشیده شود در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و بگوید بخورند تا انکه مجموع دو روز ها بعد بکنند جوی را نخورند
شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که بادی از سر تا پا مرا گرفته است فرمود
که عنبر و روغن زنبق را گرفته یاشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر منقولست که صباح بن محارب بحضرت امام موسی کاظم
عرض کرد که شخصی را باد لقوه در دادی بهم رسیده است و رو و چشم شل بهم رسیده است فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیرد
و در شیشه بکند و سرش را محکم ببندد و کل بمالد و در آفتاب بگذارد بعد دیگو بند تابستان و در زمستان پس از
شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط کند و بر پشت بخوابد و بران طرف بدن که کشته است بمالد و بران حال
خوابیده باشد تا آن قرنفل خشک شود چون چنین کند آن مرض برطرف شود و در حدیث دیگر منقولست که
شخصی بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از انکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از او میاید فرمود که اسفند را بگیرد
و شش نوبت با آب سرد بشوید و بکنوبت با آب گرم بشوید و در سایه خشک کن پس با روغن کل چرب کن و سفوف کن و بخورد و در روایت دیگر
منقولست که برای ریک مثانه هلیله و بلیله و آمله و فلفل و دار فلفل و دار چینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان
اجزا را مساوی بگیرد و بکوبند و بیزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و در برابر تمام آنها عسل صاف کرده با شکر بیز را خلط کرده و هر روز
بقدر فندقی بخورد و در چند روایت وارد شده که انگور خوردن ثره بر طرف میکند بواسیر را و در
روایت دیگر فرمود که بر انجیر و خرمای فارس بواسیر را زایل میکند و در روایتی دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع این
دوا را برای دفع بواسیر فرمود هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا را مساوی بگیرند و بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از دقیق را
در آب تره بجوشانند و بسرشانند و آنها را در میان آن دیگچه خمیر کنند و دست را بروغن بنفشه چرب کرده آنرا بقدر عدسی
حب کرده و در سایه خشک کنند و اگر در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورد و اگر زمستان باشد بقدر دو مثقال
بخورد و در آن ایام کرانه بپرهیز و از ماهی و سرکه و سبزی اجتناب کنند و در حدیث منقولست که شخصی
بحضرت امام علی النقی ع شکایت کرد از کند دهان فرمود که خرمای برنی بخورد و بکیرد شکایت کرد از بیوست مزاج و فرمود که

خرمای برنیرا ناشتا بخورد و آب بر بالایش بخورد چنانکه دفع سرد و رطوبت بر مزاجش غالب شده باشد از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای
برنیرا ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور چنانکه مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق ع منقولست که برای دفع زیادتی بلغم بگیرد قند را
روی و کندر و اشنه و زنیان و سیاه دانه اجزا مساوی بکوبد و همه را نرم بکوبد و بیزد و با عسل خمیر کند و در هر شب در وقت خواب
مثقال بخورد و از حضرت امام رضا ع منقولست که یکی از هلیله زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال و
بسیار نرم بکوبد ناشتا بر دندان بمالد که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق
منقولست که ناشتا بحمام رفتن صفرا و سودا را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا و سودا را دفع میکند و حضرت امام محمد
باقر ع فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را دفع میکند

فصل یازدهم در بیان قلیلی از تعویذات از برای دفع سحر و سموم و گزنده کان

و دعای آنها در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود
که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسند و با خود نگاهدارند بسم الله و بالله و ما شاء الله بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله
قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک و
انقلبوا صاغرین و در روایت دیگر فرمود که اگر از ساحری یا از ظالمی ترسی بعد از نماز شب پیش از شروع در نماز صبح دو بیان
خوانا و بگو و هفت مرتبه بگو بسم الله و بالله سنشد عضدک باخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما
و من اتبعکما الغالبون و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل ع خبر داد حضرت رسول ص و سلم را که لبید اعصم یهودی
سحر برای آن حضرت کرده است پس حضرت رسول ص حضرت امیرالمؤمنین ع را طلبید و فرمود که برو و در فلان چاه سحر را
بیرون آور و حضرت امیرالمؤمنین ع بآن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و آن آب چشمه بیدا آوردند و بنزد حضرت
رسول ص آوردند و در آن چاه زه کمانی بود که یازده گره بر او زده بودند پس جبرئیل ع سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب
الفلق را آورد از آسمان حضرت رسول ص فرمود که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند
یک گره گشوده میشد و سحر برطرف شد پس موافق این حدیث و احادیث معتبره دیگر این دو سوره را در دفع سحر تأثیر عظیم است

و در احادیث

معتبره وارد شده است که چشم بد را تأثیر میباشد و فرموده اند که بسا باشد که چشم بد آدمی را بقبر و شتر را
بدیگ داخل میکند پس کسیکه خوف از چشم بد او داشته باشد چیزی از کتاب باید و در روایت دیگر وارد شده که نام خدا ببرد و در روایت
دیگر از حضرت صادق ع منقولست که چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او اثر کند سه مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة
الا بالله العلی العظیم و فرمود که هرگاه کسی با جامه نیکو از خانه بیرون رود سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند
تا بیرون رود تا چشم بد او را اثر نکند و در روایت دیگر فرمود که هر که را اثر چشم در رسد باید که دستها را برابر رو بلند کند
و سوره حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند دست بر پیش سر بکشد و از حضرت رسول ص و سلم
منقولست که هر که از شیاطین و جادوگران ترسد این آیه سحر را بخواند ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی
علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین
ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمة الله
قریب من المحسنین

و در روایت دیگر

منقولست که شخصی به حضرت صادق ع شکایت کرد از بسیاری خیالات
فاسده و وسواس شیطانی که برو او دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار سه مرتبه بگو بسم الله و بالله اللهم منت
علی بالایمان و اودعتنی القرآن و رزقتنی صیام شهر رمضان فامنن علی بالرحمة و الرضوان و الغفران و تمام ما اولیتنی من النعم
و الاحسان یا حنان یا منان یا دائم یا رحمن سبحانک و لیس لی احد سواک سبحانک اعوذ بک بعد هذه الکرامات من الهوان
و اسألک ان تجلی عن قلبی الاحزان پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست

و در روایت دیگر منقولست

که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی ظاهر و چون بمیان مردم میآیم برطرف میشود
فرمود که دست بر دل بگذار و بگو بسم الله بسم الله بسم الله پس دست بمال بر دل و بگو اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله

و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی
نفسی هفت مرتبه این دعا را میخوانی و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از بسیاری
وسوسه ها سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله و بالله محمد رسول الله ص و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم اللهم امسح عنی ما احذر پس دست بر سینه بکش و بگو بسم الله بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این دعا را ان شاء الله چنین
کرد و آن حالت از او برطرف شد و شیخ احمد بن فهد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن کسیکه او را بسته باشند بر زن
این دعا نقل کرده اند که بنویسند و با خود نگاهدارد بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم
من ذنبک و ما تاخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت
الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا
الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل
عقدة من لسانی یفقهوا قولی و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض و نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا کذلک حللت فلان بن
فلان علی فلانة لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا
فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و در حدیث از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست
که چون بنی هاشم گوسفندی زهر آلوده بهدیه بنزد حضرت رسول ص فرستادند گوسفند بزبان فصیح در آمد یا رسول الله
مخور از من که مرا بزهر آلوده اند جبرئیل نازل شد و گفت پروردگار تو را سلام میرساند و میفرماید که این دعا را
بخوان و بخور که زهر بتو اثر نرساند پس حضرت امر فرمود اصحاب را که همه این دعا را خواندند و از آن گوسفند خوردند
و ایشان را اثر نکرد پس امر فرمود که ایشان را حجامت کردند دعا این است بسم الله الذی یسمیه کل مؤمن و به عز کل
مؤمن و بنوره الذی اضاءت به السموات و الارض و بقدرته التی خضع لها کل جبار عنید و انتکس کل شیطان مرید
من شر السم و السحر و اللمم بسم الله الملک الحق الذی لا اله الا هو و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید
الظالمین الا خسارا

و در حدیث دیگر از حضرت امیرالمؤمنین منقولست

که کسیکه از شر حیوانات درنده بر خود و بر گوسفندان خود بترسد بر دور خود خطی بکشد و بگوید اللهم رب
دانیال و الجب و رب کل اسد مستاسد احفظنی و غنمی و فرمود که اگر کسی از شیر بترسد این آیات را بخواند سلام علی
نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع بشخصی گفت
که چون شیر را دیدی در روی او بگو عزمت علیک بعزة الله و بعزیمة محمد رسول الله ص و بعزیمة سلیمان بن
داود و بعزیمة امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ع و الائمة من بعده الا تنحیت عن طریقنا و لم تؤذنا فانا لا نؤذیک راوی
گفت که شیری بر خورد و این دعا را خواندم سر بزیر انداخت و دم را در میان پاهای خود کشید و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت امام موسی ع عرض کرد که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب در صحراها و جاهای هولناک
بسر میبرم فرمود که چون داخل خرابه شوی پای راست را پیش گذار و بسم الله بگو و چون بیرون آئی پای چپ را پیش گذار و بسم الله
بگو آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام رضا ع منقولست که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه بگو الله اکبر الله اعز و اکبر
و اجل من کل شیء و اعوذ بالله مما اخاف و احذر و چون سگ بر تو حمله کند این آیه را بخوان یا معشر الجن
و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که برای دفع ضرر جانوران زمین این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد
رسول الله ص اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر کل هامة تدب باللیل و النهار ان ربی علی صراط
مستقیم و از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه از عقرب ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره

فضیلت صلوات در جمعه

ودوم بنات النعش است و سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم و سلمنا من کل ذی شر وا بکف تا خالی کند
بخواندم عقرب بدان شهر اگر زند ودر حدیث دیگر فرمود که کسی از مار و عقرب بترسد دوا و لبند بخواند
بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین العقارب والحیات کلها باذن الله رب...
اسماعها وابصارها و قوا ما عنی و غن احببت اصحوة النهار و در روایت دیگر فرمود ابند عا را بخوان بسم الله و
بالله و توکلت علی الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی کنفک و فی جوارک و اجعلنی فی
حفظک و اجعلنی فی امنک **و در روایت دیگر** فرمود از حضرت امام موسی ع منقولست که اصحاب حضرت
رسول ص در بعضی از جنگها بان حضرت شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت خواب ابند عا را بخوانید
ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی و اصحابی الی ان یذهب اللیل و یجیء الصبح
بما جاء واز حضرت صادق ع منقولست که هر که غضب مستولی شود اگر ایستاده باشد بنشیند تا ساکن شود
و در حدیث دیگر فرمود که در وقت غضب ابند عا بخواند اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی
من مضلات الفتن اسالک رضاک و اعوذ بک من سخطک و اسالک جنتک و اعوذ بک من النار و اسالک الجنة
کلها و اعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب واجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال و لا مضل **و در**
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که چون چیزی از شیطان و خواطر تو محو کرده باشد و خواهی
بیاد آوری دست بر پیشانی بگذارد و بگو اللهم انی اسالک یا مذکر الخیر و فاعله والامر به ان تصلی علی محمد و آل محمد و در
احادیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که از برای ادای قرض ابند عا را بخوانند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک
عمن سواک و شخصی بخدمت حضرت امام نقی ع نوشت که قرض دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبان از
بیاد بخواندن سوره انا انزلناه فی لیلة القدر و در روایت دیگر فرمود که برای دفع پریشانی هر روز صد مرتبه انا انزلناه
بخوان و از حضرت امام موسی ع منقولست که برای دفع پریشانی که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم
و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که فقر بسیار برو
رو آورد بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بدرستیکه این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن شفا
هفتاد و دو درد است که کمترین آنها اندوه است **و در حدیث** بسیار معتبر وارد شده است که هر که هر روز صد مرتبه
لا حول و لا قوة الا بالله بگوید هفتاد نوع از بلا را دور گرداند که سهل ترین آنها غم و اندوه باشد و در حدیث معتبر وارد شده
که هر که هزار مرتبه ما شاء الله در یک دفعه بگوید در آن سال او را حج نصیب گردد و اگر در آن سال نشود زنده بماند تا توفیق
حج بیابد و در احادیث بسیار وارد شده است که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم رفع اندوه میکند و در احادیث
معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که هر گاه ابند عا را بخوانم پروا ندارم اگر جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن
بمن بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت نفسی والیک وجهت وجهی والیک فوضت امری و
احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی و من فوقی و من تحتی و ادفع عنی بحولک و قوتک و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق ع را نزد منصور دوانقی بردند و او قصد
قتل حضرت داشت چون حضرت داخل شد ابند عا را خواندند غضب او ساکن گردید و اعزاز و اکرام حضرت نمود
شد و غضب بود حضرت در وقت داخل شدن و از حضرت صادق ع منقولست که برای بر گشتن غلام گریخته بر
کاغذی بنویسد اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان بن فلان و نام غلام را بر سر بنویسد جلد جلد و این را بر نظرف برد ابند عا را بخواند
شبها در جای خواب او دفن کند و چیزی سنگینی بر بالایش بگذارد و در حدیث دیگر فرمود که گریخته را اگر خواهی که برگردد ابند عا را بخواند
اللهم انت الرب فی السماء والرب فی الارض و عدل فیهما و انت الهادی من الضلالة ترد الضالة رد علی ضالتی

و عطیتک اللهم لا تفضحنی بها و لا تعذبنی بها اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و علی اهل بیته و از حضرت امام رضا
منقولست که برای گم شده بگوید و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر والبحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی
ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین اللهم انک تهدی من الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد و آله
و رد ضالتی و صل علی محمد و آله و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که برای گمشده دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از
حمد سوره یس بخواند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللهم راد الضالة والهادی من الضلالة صل علی محمد و آل محمد
واحفظ علی ضالتی و ارددها سالمة و در روایت منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که تعویذ با خود دارم و جنب میشوم چون
است فرمود باکی نیست اما چون حایض میشود باید تعویذ را با خود نگاه ندارد مگر آنکه در میان پوست باشد و فرمود که هر چه
از دعا و قرآن تعویذی که خواهید برای کودکان و دردها بخوانید اما افسونها اگر معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیار
از تعویذها و افسونها کفر است **فصل چهارم در فواید تربت حضرت امام حسین و خواص**
بعضی از ادعیه ماثوره در احادیث بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین ع شفای هر دردیست و امانست
از هر بلا و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که هر علتی که حادث شود بتربت آن حضرت مداوا کنید البته شفا
یابد مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که شفا بخشید از هر درد... اطفال خود را از تربت
و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت آن حضرت بردارید که امانست از بلاها **و در روایت دیگر**
منقولست که حضرت امام رضا ع متاعی بجائی میفرستادند مگر آنکه تربت در میان آن میگذاشتند و میگفتند محفوظ
میماند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق ع سوال کرد که بعضی از مردم از تربت حضرت امام
حسین ع میگیرند و منتفع میشوند و بعضی نفع نمیابند فرمود والله که هر که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع بابد و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بان حضرت عرض کرد که در ... معظم بدهم که شفا ...
معظم... و در ... حضرت غسل و زعفران و خاک قبر حضرت امام حسین ع ... و ... یاران ...
غسل ... بیماران ... و در روایت دیگر فرمود که هفتاد ذرع از قبر ... شفا
... و در حدیث معتبر دیگر فرمود که تربت شفاست ... از اطراف قبر ... برداشت و فرمود که
چیز مثل آن ... شفا ... گل ... بکنند ... ناشناس ... اعتقاد ... است
میخورد ... که نمیداند که آن شفاست هر چند که معالجه کنند با آن البته او را بدل ... نفع ... کنند
دکم میکنند نفع تربت را ... و چنانکه کافر که خود را بر آن میمالند ... که میکنند ... بوی بد و شیاطین و کافرها
و شکسته ... فرزندان ... خود را بر آن میمالند ... و نفعش را کم میکنند و هر تربتی که از حایر بیرون میآید ... انفد نمیشود ...
شیاطین ... که داخل حایر نمیشوند در بیرون ... باشند که از حایر بیرون ... خود را بر آن میمالند و
تربت را ... بسیار ... شفا ... بیماری ... تربت را ... و نام خدا را بسیار بر آن بخوان
... ندام ... و ... بیدار ... و ... و ... ما ... و ... بیان ... در ... و ...
از چیزهایی که شفای آن بایده بدرستیکه صاحب این تربت با سیر... ماده ... موجب ... اوست ... عمل
خود را فاسد میکرداند و ... هشام ... که شخصی بان حضرت عرض کرد که ... بیمار ...
که خوردم نفع نکرد فرمود که چرا تربت حضرت امام حسین ع ... که در آن شفای هر درد و امان از هر بیم است و چون
میخوری تربت را بگو اللهم انی اسالک بحق هذه التربة الطاهرة و بحق الملک الذی اخذها و بحق النبی الذی قبضها و بحق الوصی الذی
حل فیها صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی فیها شفاء ... و امانا ... ... که شفای هر درد ...
... بیش از ... ... که ... ... از حضرت ...
باشد و در آن وقت که حوالی ... بردارد بگو اللهم هذه طینة قبر الحسین ع ... ولیک ... اخذها ... الخ

... الاخلاف ... ابو حمزه ثمالی منقولست که حضرت صادق ع فرمود که چون خواهی تربت امام حسین ع بر داری سوره حمد و قل یا ایها الکافرون ... و انا انزلناه ... بخوان و بگو اللهم بحق هذه التربة ...

علی بن ابیطالب عبدک واخی رسولک و بحق فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیک و بحق الحسن و الحسین ع و بحق الائمة الراشدین ...

... و بحق الملک الموکل ... و بحق الوصی الذی حل فیها ... [illegible]

... اوجاع کلها انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیگر فرمود که درد و غمی که از آن بترسی ... اول سوسن ... [illegible]

و زیاده از یک نخود نخورد که هر که زیاده بخورد چنانست که گوشت ما را خورده و فرمود که ... بگو اللهم انی اسئلک

بحق الملک الذی قبضها و اسئلک بحق النبی الذی خزنها و اسئلک بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعله

شفاء من کل داء و امانا من کل خوف ... [illegible]

معتبر دیگر فرمود که هر که تربت را بقصد شفا خوردن بگوید بسم الله و بالله اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب النور

الذی انزل فیه و رب الجسد الذی سکن فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله شفاء من داء کذا و کذا و نام دردرا ذکر کند پس ...

بخورد و بگو ... اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و سقم چون چنین کند ...

میشود ... در خوردن ... از درد و بیماری و غم و اندوه و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن ... بگوید بسم الله

و بالله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر اللهم رب التربة المبارکة و رب الوصی الذی واراه

... و اجعل هذا الطین شفاء من کل داء و امانا من کل خوف ... از حضرت امام موسی ع منقولست ... [illegible]

دفن کنند در برابر روی ... از خاک قبر امام حسین ع بگذارد و در حدیث دیگر فرمود که باید از هیچ چیز خالی نباشد

... [illegible] ... از حضرت صادق ع منقولست که ...

... استغفار ... [illegible]

... استغفار ... [illegible] ... دیگر فرمود که هر که ... امام ...

... [illegible] ...

... بعضی احادیث ... ظاهر میشود ... از عدس ... فاخوا اصول دیگر از حضرت ...

که هر که ... کند و در شب ... [illegible]

روایتی منقولست از ابی الخصیب ... که ... حضرت امیر المؤمنین ع در خواب دیدم فرمود

... عناب ... [illegible]

دیگر فرمود که ... حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که عناب ... [illegible]

... منقولست که ... [illegible]

... [illegible] ...

... فرمود ... [illegible]

... [illegible] ...

... تازه کنند و در روایت

... [illegible]

دیگر از حضرت صادق ع منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد ... فرمود که ... [illegible]

و فرمود که ... در ... چشم و درد سر ... درد شکم و جمع ... و از

حضرت رسول ص منقولست که ... [illegible]

... [illegible] ...

... منقولست که ... [illegible] ... شیطان تا هفتاد خانه از آن خانه دوری میکند ... [illegible]

آن ها خورده است و در روایت دیگر منقولست که پیغمبری از پیغمبران ... شکایت کرد بحق تعالی ... وحی برو نازل شد که امر کن امت

خود را که اسفند بخورند که باعث شجاعت میشود و فرمود که ... پیغمبران است و ... [illegible]

... امام حسین ع منقولست ... [illegible]

... از حضرت امام رضا ع منقولست ... [illegible]

و فرمود ... دندان را ... [illegible] ... و از حضرت

رسول ص منقولست که ... [illegible]

و حضرت صادق ع فرمود ... [illegible] ... حضرت امام رضا ع

... [illegible] ...

منقولست که ... و از حضرت رسول ص منقولست

هر که ... بخورد ... [illegible] ... منقولست از حضرت

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

بد بو میکند ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

و حقوق و اصناف ایشان فصل اول

در بیان صله رحم و حقوق خویشان و غلامان و کنیزان در احادیث معتبره وارد شده است که رحم در روز قیامت چنگ در عرش الهی میزند و میگوید ... [illegible]

... [illegible] ... و در احادیث بسیار

منقولست که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاده میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را زیاد

... [illegible] ... حضرت رسول ص منقولست ... [illegible]

... [illegible] ...

میکند ... [illegible] ... قطع صله رحم ... [illegible]

... حضرت صادق ع ... صله رحم کردن ... [illegible]

آبادان میکند و حضرت رسول ص منقولست که ... صله رحم ... [illegible]

صادق ع منقولست که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را زیاد کند مانند صله رحم تا آنکه ... عمرش ... مانده

بسبب صله رحم عمرش ... سال میشود ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

گناهان نگاه میدارد ... صله رحم ... [illegible]

میرساند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که را میسر نباشد باری بکوی نیکی کند با ایشان بدرستی که ایشان را امید میدارند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که سرعت تر است از نیکی که عمر زیاد شود بجز از صله رحم و عقوبتی نزدیکتر نیست از ظلم و قطع رحم و در حدیث دیگر فرمود که صله رحم اعمال را پاکیزه میکند و مال را زیاده میکند و بلا را دفع میکند و فرزندان ایشان زیاده میشوند و هم در حدیث دیگر فرمود که صله رحم ...

از اهل خانه خالی میکند و قطع رحم خانه ها را خالی میکند و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که بپا خیزد و بسعی خود برود بسوی خویشان بدیدن ایشان با برای انکه مالی با ایشان برساند حق تعالی ثواب صد شهید باو کرامت فرماید و بعد هر گامی که بر دارد چهل هزار درجه در بهشت برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال عبادت خدا با خلوص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی که داخل بهشت نمیشود کسی که همیشه شراب بخورد یا همیشه سحر کند یا قطع صله رحم کند و فرمود که هر که رعایت حق خویشان کند ... بهشت او هزار درجه ... و هم چنین از ... بهشت که خدا بنا کرده در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که در شب معراج دیدم مهر ... و اوراحم دیگر شکایت میکند پیر و دیگار خود پرسیدم که در چند پیش نیست تو او هم میرسد گفت در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که من ضامنم برای کسی که صله رحم کند انکه خدا او را دوست دارد و روزیش فراخ کرداند ... که در ... بهشت از ... صد ساله راه ... بشنوند عاق پدر و مادر و قاطع صله رحم و پیر زناکار **و در حدیث صحیح** از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که غلامی یا کنیزی بغیر حقی از حد و طاقت زیاده بزند یا انکه چون آزاد و شاد در شده باشد که بجسب شرع مستحق آن شده باشد کفاره نیست گناه او را بغیر از آزاد کردن او و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام علی النقی ... پرسیدند که بنده فروختن ... اوفرمودند که اگر موافق طبع باشد نگه دارد و اگر نه او را بفروش بارها کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که دو نادیب غلامان و کنیزان پنج تا شش تازیانه بیشتر مزنید و ان را هم بر موضع واحدی بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست که راوی از آن حضرت سؤال کرد از زدن بنده که هرچیز در دست او تلف میشود بی تقصیر او و بر او چیزی نیست اما اگر ... بفرمانی تو کند میتوانی زد او را گفت چه مقدار بزنم او را فرمود که سه تا چهار تازیانه **و از حضرت رسول صلعم** منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت میکرد در باب غلام و کنیز تا انکه گمان کردم برای ایشان حدی مقرر خواهد کرد که چون بان حد برسند آزاد شوند و از حضرت صادق منقولست که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند آزاد میشود ... بعد از ان خدمت فرمودن حلال نیست و علما حمل کرده اند این حدیث را بر اینکه سنت مؤکد است که بعد از هفت سال آزاد کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که چهار صفت که در هر که باشد حق تعالی او را ساکن گرداند در اعلی علیین ... و کسیکه رحم کند ... باشد ... و کسیکه مال خود را صرف پدر و مادر کند ... و کسیکه ... **و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم** منقولست که هر بلائی که بر خدمتکاران میرسد ... باصحاب خود فرمود بلکه ... شما ... که با ایشان ظلم نکنید ... در نان و ... و در حدیث ... دیگر منقولست که روزی غلام حضرت صادق ... تا انکه ... بر بالین او نشستند ... پس فرمود که تو را لذت که شب و روز هر دو خواب باشی شب خواب کن و روز خدمت کن و در احادیث ... غلام را ازاد کنند ... تا انکه ...

تسلیم نماید و کسیکه بپشماند کرده کند که با او راضی نباشد و زنیکه شوهر از او خشمناک بخوابد و دو ببند معتبر از حضرت صلعم منقولست که اول کسیکه داخل بهشت میشود شهید است و غلامیکه نیکو عبادت پروردگار را بجا آورد و خیر خواه آقای خود باشد و مرد عیالدار بکه از حرام و شبهه عفت ورزد و احادیث معتبره از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که بنده را آزاد کند بهر عضوی از آن بنده عضوی او را از آتش دوزخ آزاد کند و حضرت صادق فرمود که مستحبست که در شب عرفه و روز عرفه ... بنده آزاد کردن و بضد فکردن **فصل دوم در حقوق همسایگان** و بیان و عشیره و قبیله از حضرت رسول صلعم منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت میفرمود در رعایت همسایگان تا انکه گمان کردم که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام گرداند و ماوای او در جهنم باشد و فرمود که هر که از همسایه اش بقدر یک وجب زمین خیانت کند حق تعالی آن زمین را تا طبقه هفتم طوق کرداند در گردن او تا روز قیامت و در روز قیامت با آن طوق در گردن او باشد مگر انکه توبه کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق منقولست که سه چیز است که مبدونی بلاهاست پادشاهی یا صاحب حکمی که اگر احسان با و کنی شکر نکند و اگر بدی با او کنی نگذارد و همسایه که چشمش بسوی تو باشد و دلش مراقب تو است اگر نیکی ببیند بپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی بر بیند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنیکه اگر حاضر باشی تو را شاد نکرداند و اگر غایب باشی خاطر تو از او مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را هم بهمسایه برساند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلعم پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوه هست فرمود بلی نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بد کنند و احسان کردن بهمسایه مسلمان نیست بمن ایمان ندارد کسیکه شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق ... ملعون است که حقتعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه منع نماید ... و آن قرضی است که بایکدیگر بایشان کند یا چیزی خواهند که بایشان عاریه دهند راوی بعرض کرد که ما همسایگانی داریم که اگر چیزی بایشان عاریه دهیم میشکنند و ضایع میکنند در این صورت بر ما گناهی هست که اگر بایشان ندهیم فرمود که هر گاه چنین باشد گناهی بر شما نیست اگر بایشان ندهید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان **و از حضرت رسول صلعم** منقولست که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان حقتعالی منع کند از او خیر و احسان خود را در روز قیامت و او را بخود واگذارد و هر که را خدا بخود واگذارد وای بر حال او و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق منقولست که منع میکند قرض کردن چیزی را ... اگر این امور باعث زیادتی دوستی میشود با اهل خانه با انکه از جمله مکارم الاخلاق است و از حضرت امام محمد باقر منقولست که بسیار منتشر حقوق مشوید که بر خود لازم کنید و ... اگر ... کسی شما را طلب کند تکلیف کنید که ضرر ... بشما زیاده از نفع باشد ... و در حدیث دیگر منقولست حضرت امیر المؤمنین در بیماری ... اصحاب ... از آن حضرت ... بکنید ... از قوم و قبیله خود و با ایشان محتاج است و اگر ... ایشان نکنی یک بار از ایشان منع کرده و ... ایشان را از خود دور کرده ... پس ایشان را در حال خوبی ... ایشان بگو برای انکه اگر ... بگذار و بابد که با دیگری شما بگذ بگو را در طاعت خدا باشد بدرستیکه همیشه بان رفاهیت و دوستی خواهید بود ... بگوید در طاعت خدا و باز ایستند از معصیت خدا **و در حدیث معتبر منقولست** اسیری چند را از برای حضرت رسول صلعم آوردند که ... پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند ... جبرئیل نازل شد و گفت با محمد این اسیر را که میخواهی گردن بزنی بمردم طعام میخورانید و مهمانداری میکرد ... در میان قبیله ... و ... اهل خود را ...

کر موقع چیس ... حضار داست و ... زاده کرم از کشتی ... حصلتها انا سیر گفت که برود دکان ... حصلتها را دو
مبادا فرمود که بلی ... برکت کرده ... و حدانیت خدا و به پیغمبری تو ایمان آورند یکی از ایشان فرزند داده است که برکت
از مال خود ... و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن مال یتیم ... جمیع گناهان کبیره است و
در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که ... کند یتیم را و از نفقه دهد ...
... باشم ... شهادت ... فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را بدهد تا او مستغنی شود از او خدا بهشت را بر او واجب گرداند چنانچه برای خورندهٔ
مال یتیم جهنم بر او واجب گردانیده است و در روایت معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر مرد مؤمن
و زن مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشد از روی ترحم حق تعالی برای او بعدد هر موئی که دستش بر آن میگذرد حسنه برای او
بنویسد **و در روایت دیگر** منقولست که هر مؤمنی حقتعالی نوری کرامت فرماید در قیامت **و در حدیث**
دیگر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد دلش نرم شود یتیم را نزد خود بخواند
و با او مهربانی کند و دست بر سرش بکشد و از روی شفقت دست بر سرش بمالد بدرستیکه بر مردم یتیم را حق عظیم
هست و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیم بگرید عرش الهی برای او بلرزه در آید پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه گریه
آورده است بندهٔ مرا که پدر و مادرش را گرفتم بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که هیچ بندهٔ او را ساکت نگرداند
مگر آنکه بهشت را بر او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی در قرآن مجید برای
کسیکه مال یتیم را بناحق بخورد دو عقاب مقرر ساخته یکی عقاب جهنم در آخرت یکی آنکه در دنیا بعد از او با یتیمان او کنند آنچه
با یتیمان دیگر کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که حقتعالی در قیامت جماعتی را از قبر محشور گرداند که از دهان
های ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند که مال یتیم را خورده باشند چنانکه حق تعالی میفرماید بدرستیکه آن
کسانیکه مال یتیم را بظلم میخورند نمیخورند در شکم خود مگر آتش و بزودی داخل آتش افروختهٔ جهنم گردند و بدانکه ولی یتیم که تصرف
در مال وی تواند نمود پدر است و جد پدری و وصیکه ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع امام
و کسیکه آن حضرت تعیین کرده باشند و اگر امام ع حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد آنستکه مجتهد جامع الشرائط میکند
یا کسیکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط
اموال ایشان میتوان شد که بجهت صرفه و غبطهٔ ایشان در آن باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند ... در مال یتیم
قائم ... ایشان باشند بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوان کرد بهتر آنستکه رعایت کنند زیاده از اجرت
متعارف عمل بر ندارند و هم چنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت در صرفهٔ ایشان بکنند و اگر نقد مالی نداشته
باشند که وفا بقرض کنند از مال ایشان قرض بر ندارند و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند بقدر نفقهٔ ضروری خود از مال ایشان
میتوانند برداشت و اگر ... یتیم باشند ... از مال یتیم میتوانند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کنند و با نفقهٔ خود هم
کنند و با هم چیزی بخورند باکی نیست **فصل پنجم** در حقوق صدقا و اخوان و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر
المؤمنین در وقت فوت وصیت بحضرت امام حسن ع کردند که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار صالحان را از
برای صالحان و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که برادر مؤمنی برای خدا بگیرد خانهٔ در بهشت یافته باشد و در حدیث
و از حضرت رسول صلعم منقولست که کسی بعد از اسلام فایدهٔ نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا گرفته باشد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که ... و ... میشوم بی سببی
که اهل و یاران من اثر آن را در روی من مشاهده میکنند فرمود که حقتعالی مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت
خود در ایشان جاری کرده پس از اینسبب مؤمنان برادر یکدیگرند ... پس چون بروح یکی از مؤمنان اندوهی
رسد مؤمنان دیگر ... اندوهناک میشوند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که نظر کردن بر ...

... است و نظر ... عالم عبادت است و ... [illegible]
... برادر ... از امیر المؤمنین ع ... برادران ... [illegible]
[illegible]
... ایشان ... [illegible]
[illegible]
... ایشان ... [illegible]
[illegible]
... در حدیث دیگر ... [illegible]
[illegible]
... حضرت صادق ع منقولست ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... در حدیث دیگر فرمود ... [illegible]
... و از حضرت امام رضا ع منقولست ... [illegible]
محبت ... سال خویشاوندیست و علم و اهلش را ... میکند و ربط میدهد ... و از حضرت
[illegible]
... از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ... [illegible]
... و از حضرت صادق ع منقولست ... [illegible]
دوستان خود ... [illegible]
[illegible]
... و از حضرت صادق ع منقولست ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... از برای ... [illegible]
... و از حضرت امام رضا ع منقولست که اگر خواهی تمام شود ... [illegible]
[illegible]
[illegible]

یاری میکنند و یاری ... باشند ... که هر چند ... باشد که بعد ...
عزیز ... کرده و منتفع نشود ... کنند

فصل چهارم در بیان حقوق مؤمنان

بیکدیگر و بسند معتبر منقول است که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق ع پرسید که حق مسلمانان بر مسلمانان چیست فرمود هفت حق است که هر یک از آن واجبست و اگر یکی را از آنها ترک کنند از دوستی و طاعت خدا بدر رود پرسید که آنها
چیست فرمود که ... ترین آنها ... آنست که دوست داری از برای
او دوست داری و آنچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از غضب او و پیروی خشنودی او بکنی و آنچه
فرماید اطاعت کنی سیم آنکه یاری کنی بجان و بمال و بزبان و بدست و پا چهارم آنکه دیده و راهنما و آینه او باشی پنجم آنکه تو سیر
نباشی و او گرسنه باشد و تو سیراب باشی و او تشنه باشد و تو پوشیده باشی و او برهنه باشد ششم آنکه اگر تو خدمتکار
داشته باشی و او نداشته باشد واجبست که خادم خود را بفرستی و جامه اش بشوید و طعامش را بپزد و رختخوابش
بگستراند هفتم آنکه ... سوگندش را ... دعوتش را اجابت کنی و اگر بیمار شود به عیادتش بروی و اگر بمیرد
بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیش از آنکه از تو سؤال کند حاجتش را برآوری پس چون چنین کنی پیوند کرده
محبت خود را بمحبت او و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت
صادق ع منقولست که ... وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذریست که کفاره ندارد ... مخالفت ...
او ابتدا بخلف وعده خدا کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث حسن از حضرت رسول ص منقول است که
هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود و بسندهای معتبر از حضرت رسول
منقول است که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجب است اول آنکه او را تعظیم نماید در حضور و غیبت دوم آنکه ... باشد دوستی او
برادر ... و غیبت او را بر خود حرام کند و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه اش حاضر شود
و بعد از مرگش بغیر از نیکی چیزی نگوید و بسند حسن از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که دوست دار برادر مسلمان
خود را و بخواه از برای او آنچه برای خود میخواهی و مخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او
سؤال کن و هرگاه از تو سؤال کند باو عطا کن و نیکی او را ذخیره مکن تا او هم ذخیره نکند و یاور او باش تا او یاور تو باشد
و اگر غایب شود در غیبتش ... نگاهدار و چون بیاید بدیدنش برو و او را گرامی بدار ... او از تست و تو از اوئی
و اگر ... در مقام عتاب باشد از او جدا مشو تا کینه از سینه او بدر کنی و اگر نیکی باو برسد ... و اگر بلائی باو برسد یاور او
باش و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که مسلمان را بر برادر مسلمانش حق است هرگاه باو برسد سلام کند و هرگاه که بیمار
شود بعیادتش برود و هرگاه عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بر او نماز کند و هرگاه که او را دعوت کند قبول کند
از برای او دوست دارد آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه را از برای خود دشمن میدارد و بسند
معتبر از حضرت رسول ص منقول است که هر که صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست
و کسیکه بشنود که کسی فریاد میکند ای مسلمانان بفریاد من برسید و او را یاری نکند مسلمان نیست و فرمود که ...
... بهشت ... فرمود که ... حق ... دفن کند بهشت او را واجب
شود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که حق مؤمن بر مؤمن آنست که او را
... و اگر ... بر او ظلم کند ... یاری
نماید و اگر ... بمسلمانان دهد و او غایب باشد حصه او را برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او
ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند و برو روی او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان
برطرف میشود و اگر بگوید تو دشمن منی یکی از ایشان کافر میباشند زیرا که اگر دروغ گفته باشد خود کافر است
و اگر راست گفته باشد دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است و چون او را متهم ... ایمان در دل او ... بگداز

همانچه آب در نمک میگدازد و در حدیث دیگر فرمود که باید برای برادر مسلمان خود بخواهد آنچه برای خود میخواهد در دوستی
او با خلوص کرداند ... با آنکه در شادی او شاد باشد و در اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند که غم او
زایل گرداند و دعا کند که خدا اندوه او را زایل گرداند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بر حضرت صادق ع وارد شد و پرسید ... برادران
خود را بچه حال گذاشتی گفت بسیار خوب حالی گذاشتم ایشان را فرمود که توانگران ایشان چگونه بحال فقیران میرسند گفت
کم فرمود که توانگران چه قدر دیدن فقیران میرسند گفت کم فرمود توانگران چه قدر احسان بفقیران میکنند
گفت چیزی نیست که در پیش ما اینها نمی باشند فرمود که پس چگونه ایشان دعوی شیعه میکنند و در حدیث
دیگر فرمود که برادران شیعه کار کنان باشید و از برای خدا با یکدیگر دوستی کنید و به یکدیگر ببخشید و با یکدیگر
... بنشینید و ... کنید و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که واجبست از برای مؤمن
که ... در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که ... که هیچ نزد خدا ... بهتر

فصل ششم در قضای حاجت مؤمنان

و سعی نمودن در کارهای ایشان و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقولست که هر که مؤمنی را شاد کرداند مرا شاد کرداند و هر که مرا شاد کرداند خدا را خشنود کردانیده است
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که تبسم کردن بروی برادر مؤمن حسنه است و خاشاکی از او برداشتن
حسنه است و هیچ عبادتی نزد خدا دوست تر نیست از شاد کردانیدن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که در مقام خطاب
فرموده بحضرت موسی ع که بدرستیکه مرا بندگانست که بهشت را برای ایشان مباح میکردانم و ایشان را حاکم
میکردانم در بهشت حضرت موسی ع گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود کسیکه مسرور کند برادر مؤمن را پس حضرت
فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در صدد آزار آن مؤمن بود و او گریخت و بشهر کفار رفت
... و ... بود ... آن ... کافر ... چون ... فرمود که ... خود سوگند
میخوردم که اگر ... بهشت ... بود هر آینه ... بهشت ... ولیکن بهشت حرامست بر کسیکه کافر بمیرد پس خطاب
نمود باتش ... او را ... اما مسوزان و ... فرمود که ... اول و آخر روز ... برای او ... و بسند حسن
از حضرت ... منقولست که ... خداوند ... داود ع که ... از بندگان من حسنه ... بهشت را
از برای او مباح میکردانم حضرت داود ع پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بر بنده مؤمن خوشحالی گرداند اگر چه بیک خرما
باشد داود ع گفت پروردگارا سزاوار است کسیکه ترا شناسد ... امید ... و در حدیث دیگر فرمود
کسیکه مؤمنی را شاد کرداند ... ما ... بلکه ... حضرت رسول ص را شاد
کردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون آید ... بیرون میآید و
میگوید که خدا ترا ... و ... میکند ... از ... است
او را چنین بشارت میدهند تا آنکه بمقام حساب برسد پس چون امر کنند که او را به بهشت برند او میگوید که بشارت
باد ترا که خدا فرمود ترا به بهشت برند مؤمن میگوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا بشارت دادی و مونس من بودی ... دنیا
... خبر ... که ... کردی ... از آن ... کرده ... بشارت دهم ترا
در تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد کرداند حق تعالی هزار حسنه برای
او بنویسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک حاجت برای برادر مؤمن برآورد حق تعالی در قیامت
صد هزار حاجت او را برآورد که یکی از آنها بهشت باشد دیگر آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند
اگر ناصبی نباشند و بسند معتبر دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد
هزار درهم خرج کند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بیکی هزار است از ده هزار بنده
آزاد کردن و ... و ... از مسلمانان ... و ... ایشان را

سؤال کرد پس حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که طواف
شود طواف در دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار درجه برای او بلند کند و شش
هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرموده که هر مسلمانی که حاجت
مسلمانی را برآورد حق تعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نشوم برای تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرموده که هر
کسی برای برآوردن حاجت مؤمن براه رود حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که از جانب راست و چپش که استغفار کنند و دعا
کنند که حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از جناب موسی بن جعفر ع منقول است که هر که برادر مؤمن
او نزد او بیاید برای حاجتی او رحمتی است که خدا بسوی او فرستاده است اگر قبول کند پس پیوند کرده است آنرا بولایت
ما و وصل شده بولایت خدا و اگر او را رد کند با وجودی که قادر بود که حاجت او را برآورد حق تعالی بر او مسلط
گرداند در قبرش ماری از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه خدا او را بیامرزد خواه عذاب کند او را و از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی نزد او بیاورد و او قادر باشد بر برآوردن حاجت او و دلش نخواهد که برآورد
آن خدا بهشت را بر او واجب گرداند و از حضرت صادق ع منقول است که مؤمنی که در حاجت برادر خود راه رود ده حسنه از برای
او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از
اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت امام رضا ع منقول است که خدا را بنده گانی هست که سعی میکنند در حاجت مردم
ایشان ایمنانند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی روز قیامت دل او را شاد کند و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که هر که راه رود در برآوردن حاجت برادر مؤمن خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستند که او را سایه
کنند هر قدمی برای او حسنه بنویسند و گناه او را محو کنند و درجه او را بلند کنند و چون از کار او فارغ شود ثواب
حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق ع فرمود که هر که چون راه رود در حاجت برادر
مسلمان خود را از برای رضای خدا حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان و همسایگان و آشنایان
او را بیامرزد و در قیامت خطاب رسد که داخل جهنم شو و هر که در دنیا نیکی کرده است او را از جهنم بیرون آور
و داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهلبیت رسول خدا ص باشد و فرمود که حق تعالی فرموده است که خلق عیال منند
محبوبترین ایشان نزد من کسیست که با ایشان مهربانتر باشد و سعی در برآوردن حاجات ایشان بیشتر کند و فرمود
هر که بفریاد رسد برادر غمگین مضطر خود را در هنگام شدت و سختی پس غم او را بردارد و حاجت او را برآورد حق تعالی واجب
گرداند از برای او هفتاد و دو رحمت که یکی را در دنیا باو بدهد که کار معاش او باو ساخته شود و هفتاد و یکی دیگر رحمت برای
او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای آخرت را از او بردارد
و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن باشد و هر که مؤمنی را طعام دهد حق تعالی او را از میوه های بهشت طعام دهد و هر که
مؤمنی را آب دهد حق تعالی از شراب سر به مهر بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد حق
تعالی حاجت دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق تعالی عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشاند
و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا یاور او است و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقول است که
هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که غمی از مؤمنی
بردارد حق تعالی غمهای آخرت او را بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن بر صراط در
وقتی که قدمها بلغزد و هر که حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول ص را شاد کرده
باشد و هر که مؤمنی را آب دهد در وقت تشنگی حق تعالی از شراب بهشت او را سیراب کند و هر که مؤمنی را جامه به
پوشاند در وقتی که عریان باشد خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در غیر عریانی
پیوسته در ضمان خدا باشد و از بلاها تا از آن جامه بر آن مؤمن تاری باقی باشد و هر که خادمی باو بدهد خدا

از حوران بهشت او را خادم دهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را در قیامت بر ناقه از ناقه های بهشت سوار کند
که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از فوت کفن بپوشاند بر مؤمنی چنان باشد از هنگام ولادت تا وقت مرگ
او را پوشانیده باشد هر که زنی بمؤمنی بدهد که با آن انس بگیرد حق تعالی در قبر ملکی را مونس او گرداند بصورت محبوبترین اهل
او نزد او و هر که در بیماری عیادت او بکند ملائکه او را از هر جهت فرو گیرند و گویند خوشحال تو و گوارا باد بهشت از برای
تو والله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام و از حضرت
امام موسی کاظم ع منقول است که حق تعالی در روز قیامت سایه ندارد مگر سایه عرش خود را و در آن روز سایه نیست مگر سایه پیغمبر ص یا مؤمنی که
بنده مؤمنی را آزاد کند یا مؤمنی که مؤمنی را که خدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که مؤمنی در
روز قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که او را بجهنم برند خطاب کند مؤمن را که ای فلان بپرس که در دنیا
من بتو نیکی میکردم و حاجت تو را برمی آوردم که مؤمن بملک گوید که دست از او بردار حق تعالی گوید که چون بنده مؤمن شفاعت
او را کرد او را بگذارند و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقول است که بگردان مسلمانان را نزد خود بمنزله اهل خانه خود
و پیران ایشان را بمنزله پدر خود بدان و خورد ایشان را بمنزله فرزندان خود و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود بدان پس کدام
یک از اینها اگر میخواهی ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگری
بهتر دانی اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان و اعمال شایسته از من پیشی گرفته پس از من بهتر است و اگر خورد تر
از خود ببینی بگو که من پیشتر از او گناه کردم پس او از من بهتر است و اگر همسال خود را ببینی بگو که یقین بگناه خود دارم و در گناه
او شک دارم پس چرا یقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی مردم ترا تعظیم و تکریم میکنند بگو این نیکی ایشان است که بجا
آورده اند و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت ندارند بگو این گناهی است که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی
بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان شاد شوی و از بدی ایشان دلتنگ نشوی بدانکه
گرامیترین مردم کسیست که خیرش بایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سؤال نکند از ایشان و بعد از آن گرامیترین کسی که
محتاج باشد و سؤال نکند از ایشان زیرا که اهل الدنیا مهر که از پی مال میروند هر که با ایشان در مال مزاحمت نکند عزیز است
نزد ایشان و هر که مزاحمت نرساند و از مال خود هم پاره بایشان میرساند عزیزتر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت عیسی ع بیکی از اصحاب خود فرمود که آنچه نمیخواهی با تو بکنند با هیچکس مکن و اگر کسی طپانچه بر جانب راست رویت
بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقول است که هر مسلمانی که مسلمان دیگر نزد او بیاید برای
حاجتی و او قادر باشد بر برآوردن حاجت و بر نیاورد حق تعالی او را در قیامت سرزنش و تعییر نماید و بگوید که برادر تو بنزد تو آمد که حاجت
خود را طلب کند برای او و اگر ما خواسته بودیم بر برآوردن آن و تو برای آنکه ثواب آنرا تحصیل نمائی بعزت خودم سوگند که بسوی تو
نظر رحمت نکنم در هیچ حاجت خواه ترا بیامرزم خواه ترا عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که منع کند
از مؤمن چیزی را که او بآن محتاج باشد و او قادر باشد باو بدهد از نزد خود یا از نزد دیگری بآو برساند حق تعالی او را با روی سیاه و دیده های
کبود و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس بگوید این خائنی است که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بفرماید که او را به
جهنم برند و از حضرت امام موسی ع منقول است که در قیامت سه کس در سایه عرش الهی باشند در روزیکه سایه غیر از آن
نباشد کسیکه برادر مسلمان خود را زنی بدهد و کسیکه او را خدمت کند و کسیکه راز او را پنهان دارد **فصل ششم در زیارت**
مؤمنان و عیادت ایشان در حدیث معتبر وارد شده است که از حضرت صادق و باقر ع که هر که بدیدن
مؤمن برود از برای رضای خدا حق تعالی هفتاد هزار ملک را موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانه خود برگردد و گویند که
خوشحال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص فرمود که جبرئیل ع مرا خبر داد که
حق تعالی ملکی را بزمین فرستاد آن ملک رسید به مردی که بر در خانه ایستاده بود از صاحب خانه رخصت طلبید که داخل
خانه شود ملک از او پرسید که با صاحب خانه چکار داری گفت برادر مسلمان من است از برای خدا بدیدن او آمده ام ملک

مطلب ... [illegible] گفت رسول پروردگارم درود و سلام میرساند و میگوید بهشت را واجب کردانیدم برای تو و پیغمبر پدر که هر مسلمان بدیدن مسلمانی برود چنانستکه بزیارت من آمده است و ثوابش بهشت است و در حدیث دیگر منقولستکه هرکه بدیدن برادر مؤمن خود برود بجا نیاورده حقتعالی او را خطاب میفرماید که تو مهمانی و زیارت من آمده و مهمان داری تو بر من است و بهشت را بر تو واجب کردانیدم بسبب آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولستکه مؤمنیکه بیرون میاید بعزم دیدن برادر مؤمن خود خداوند عالم ملکی با و موکل گرداند که یک بالش در زمین میگذارد و یک بال دیگر سایه بر سرش میافکند پس چون داخل خانه مؤمن شود خداوند جبار او را ندا میکند که ای بنده که تعظیم حق من کرده و متابعت آثار پیغمبران نموده لازم است بر من که ترا تعظیم کنم از من سؤال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت تو بکنم و اگر خواهش ساکت شوی من ابتدا کنم ... و چون بر کردد ملائکه او را مشایعت میکنند و بال بر سر او داشته باشند تا بخانه خود بر کردد پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر من که ترا گرامی دارم بهشت را بر تو واجب کردانیدم و تو را در حق بندگان من شفاعت دادم و از امام جعفر صادق ع منقولستکه بدیدن برادر مؤمن خود رفتن از برای خدا بهتر است از ده بنده آزاد کردن و هرکه بنده مؤمن آزاد کند حقتعالی بهر عضوی از او عضوی از او را از آتش جهنم آزاد کرداند و در حدیث معتبر از آن حضرت منقولستکه بداود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان و بگو که خدا رحمت کند بنده را که با دیگری ... یاد کند احادیث ما را که سیم ایشان ملکیست که از برای ایشان استغفار میکند و هرکه با یکدیگر ... و سبب ... و مذاکره شما احادیث ما را برای شما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسیست که مذاکره احادیث ما بکند و مردم را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولستکه بدیدن یکدیگر بروید و در خانهای خود ذکر ما بکنید و ... دین ما را زنده بدارد و از حضرت رسول ص منقولستکه خوشا حال آنها که در دنیا میکنند یکدیگر را ... برای ایشان در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را برای کسانیکه دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر روند و از برای خدا و از حضرت صادق ع منقولستکه هرکه قادر نباشد بر احسان بکند بصالحان و شیعیان ما احسان کند ثوابش ... و در نامه عملش نوشته شود و هرکه قدرت بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن صالحان و شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث دیگر منقولستکه از حضرت صادق ع هرکه عیادت کند برادر مسلمان بیمار برادران روزه هفتاد هزار ملک ... برای او صلوات بفرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که هرکه عیادت کند بیمار را هفتاد هزار ملائکه او را مشایعت میکنند و برای او استغفار کنند تا بخانه خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولستکه هرکه مؤمنی را عیادت نکند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت با و احاطه کند پس چون برگردد حقتعالی هفتاد هزار ملک با و موکل گرداند و از برای طلب آمرزش کنند و بر او ترحم کنند گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت ... و از حضرت صادق ع منقولستکه هر دیگر ... و باد عطا فرماید ... در بهشت که سواره در آن چهل سال راه باشد و از برای او ... مؤمنیکه مؤمنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا ملکی که در قبر او را ... کند و از برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که هرکه عیادت کند بیمار را حقتعالی موکل گرداند با او هفتاد هزار ملک که ... همیشه بخانه او آیند و در خانه تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب ایشان از او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار نیست کسیکه بیمار شود برادران مؤمن را اعلام کند که بعیادت او بیایند ... او تواب یابند بجهة کردن او اگر چنین کنند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود و در حدیث ... حضرت امام رضا ع منقولست ... چون بیمار ... رخصت دهند که بعیادت ... او رسیده ...

منقولستکه کسیکه بعیادت برادر مؤمن خود برود از بیمار برای خود طلب دعا کند که دعای او مانند دعای ملائکه است و از حضرت صادق منقولستکه در درد چشم عیادت نمیباشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید بعد از آن یکروز نه یکروز پس چون بیماری بطول بکشد او را و عیالش را باید گذاشت و عیادت نمیباید کرد و در حدیث دیگر فرمود چون بدیدن بیمار روید ... با خوشبو باید که بیمار از آن استراحت یابد و در حدیث دیگر فرمود که از تمام عیادت آنستکه دست بر روی بیمار بگذاری و در وقت دعا کردن ... که عبادت معنای دشوار است بر بیمار از دعا و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولستکه از عیادت کننده آنکسی ثوابش بیشتر است که زود برخیزد مگر آنکه بیمار دوست داشته باشد و خواهش کند که بنشیند

فصل هفتم در اطعام مؤمنان و آب دادن ایشان و بر آوردن حاجتهای ایشان

و سایر اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق ع منقولستکه هرکه مؤمنی را سیر کند بهشت بر او واجب شود و هرکه کافری را سیر کند بر خدا لازمست که شکم او را از زقوم جهنم پر کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه سه نفر از مسلمانان را سیر کند حقتعالی او را از سه بهشت طعام دهد جنة الفردوس و جنت عدن و شجره طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هرکه مؤمنی را طعام دهد تا سیر شود هیچ یک از خلق خدا نداند که او را چه ثواب است در آخرت نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهائیکه آمرزش را واجب کرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول ص منقولستکه هرکه شربت آبی بمسلمانی دهد در جائیکه آب بهم رسد حقتعالی هفتاد هزار حسنه با و عطا فرماید و اگر آب دهد در جائیکه آب بهم نرسد چنان باشد که ده بنده آزاد کرده باشد از فرزندان اسمعیل ع و در حدیث حسن دیگر منقولستکه هرکه طعام دهد برادر مؤمن خود را از برای خدا چنان باشد که صد هزار کس از دیگران طعام داده باشد و در حدیث حسن دیگر فرمود بصرافی که آنچه مانع میشود هر روز یکبنده آزاد کنی گفت مال من وفا نمیکند فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب برای تو باشد پرسید که مالدار باشد یا پریشان فرمود که مالدار هم که هنگامیکه خواهش طعام داشته باشد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اگر برادر مسلمان خود را درمی بدهم بهتر است از اینکه بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که مالدار را طعام بدهد برابر است با یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل ع که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هرکه یکی از آنها را بجا آورد داخل بهشت شود کسیکه تشنه را سیراب گرداند یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول ص منقولستکه بهترین اعمال نزد حقتعالی چهار چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمان را ادا کردن یا غمی از دل او برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن طعام داده میشود زودتر میرود از رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین ع منقولستکه هرکه جامه زیادی داشته باشد و داند که برادر مؤمنش با و محتاج باشد و با و ندهد حقتعالی او را سرنگون در آتش جهنم اندازد و هرکه سیر بخوابد و بداند که مؤمن گرسنه باشد حقتعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر این بنده که من او را امر کردم و نافرمانی کرد و اطاعت دیگران کرد ... باید که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت صادق ع منقولستکه هرکه خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج باشد که در آن خانه ساکن شود و او ضایع نشود حقتعالی بملائکه فرماید که بنده من بخل ورزید بر بنده من بسکنی دنیا کسی که در خانه او در دنیا بعزت خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نکردانم و از حضرت رسول ص منقولستکه هرکه دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان باشد حقتعالی ثواب خواندن چهار صد آیه برای او بنویسد بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل بهشت شد بسبب خاری که از سر راه مسلمانان برداشت و از حضرت صادق ع منقولستکه نیکو چیزیست هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت خود را بگوئی که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینها را از سینه ها میبرد و فرمود که دوام کرامت هدیه را بر پس دادن ظرفها هدیه و فرمود که هدیه بر سه قسم است ... و هدیه که برای رشوه ... و هدیه که از برای خدا ... و عوض ... نداشته باشد

فصل هشتم در حقوق فقیران و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب

فلطیبه مفاخرت با ایشان ورد شد بحدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که فقرای مؤمنان چهل سال پیش از توانگران ایشان به
بهشت متنعم میشوند پس فرمود که برای تو مثلی بزنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که بعشار بگذرند کشتی خالی زود روانه
روانه میکنند و نگاه نمیدارند و کشتی پر از بار را از برای تجسس نگاه میدارند و در حدیث فرمود که هر چند ایمان بنده زیاده میشود
تنگی روزیش بیشتر میشود و فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعا طلب روزی میکنند هر آینه ایشان را از حال
تنگ تر از آنچه دارند میبرد و از حضرت رسول ص منقول است که فقر و درویشی امانتهای خدا است نزد خلقش پس هر که آنها را
پنهان کند حق تعالی او را مثل ثواب کسی بدهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنها را اظهار کند نزد
کسیکه قادر باشد بر بر آوردن حاجتش و نکند تحقیق که آن فقیر را کشته است نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که در دل او
کرده است و از حضرت صادق ع منقول است که حق تعالی در روز قیامت خطاب میفرماید با فقرای مؤمنان مانند کسیکه
معذرت طلبد و گوید بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نکردم برای خواری شما نزد من و امروز
خواهید دید که با شما چه خواهم کرد و هر که در دنیا بشما نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان
گوید پروردگارا اهل دنیا زنان نیکو داشتند پس بامر نمودند مثل ایشان عطا فرما و جامهای نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند
و در خانهای نیکو مسکن کردند و بر اسپان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل آنچه ایشانرا عطا فرمودی عطا فرما پس حق تعالی فرماید که بهر یک
از شما دادم مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا داده ام از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که مردی مالدار بکه
جامهای پاکیزه پوشیده بود آمد به پهلوی [illegible] نشست [illegible] حضرت فرمود آیا ترسیدی که از
توانگری تو چیزی باو برسد گفت نه فرمود ترسیدی که جامهایت چرکین شود گفت نه فرمود که چرا چنین کردی گفت یا رسول
الله مرا همنشینی هست از نفس و شیطان که هر بدی را برای من زینت میدهد و هر نیکی را در نظرم بد میکند و من بدل این
کردم نصف مال خود را بخشیدم حضرت بدرویش خطاب کرد که قبول میکنی گفت نه گفت چرا قبول نمیکنی گفت میترسم
منهم مثل او شوم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت بشخص پریشانی فرمود آیا بازار میروی و میوهها و چیزهای نفیس میبینی
که قادر بر خرید آن نیستی [illegible] برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیگر از آن حضرت مرویست که در روز
قیامت گروهی از مردم برخیزند [illegible] تا در بهشت پس ملائکه گویند که شما کیستید گویند ما فقیرانیم گویند پیش از
حساب آمده اید که بهشت روید جواب گویند که چیزی بما ندادید که ما را بر آن حساب کنید حق تعالی فرماید که راست میگویند
بروید بهشت و از حضرت امام موسی ع منقول است که حق تعالی میفرماید که من غنیان را توانگر نکرده ام برای آنکه ایشان
گرامی بودند بر من و فقیران را بیچیز نکرده ام برای خواری ایشان نزد من ولکن توانگران را امتحان کرده ام بفقیران
و اگر فقیران نبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمیشدند و از حضرت صادق ع منقول است که هر که ذلیل و حقیر کند
مؤمنی را برای پریشانی او حق تعالی او را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که
حق تعالی میفرماید که مهیای جنگ من باشد کسیکه آزار کند بنده مؤمن مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد بغیر
با امام عادل هر آینه بعبادت ایشان مستغنی میشوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین [illegible]
بر پا باشد و میگردانم از برای ایشان از ایمان ایشان انسی که محتاج نبوده باشند بدیگری و در احادیث معتبره بسیار منقولست که
میفرماید که [illegible] اعلام جنگ با من کرده است [illegible]
خود را و از حضرت رسول ص منقولست که ذلیلترین مردم کسی است که مردم را خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی
ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس هر که بر او
طعن کند یا سخن او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حق تعالی شما را بضعیفان [illegible]
خود و اگر هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با او در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول ص منقولست که
بسیار ژولیده موی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد خدا قسمش را رد نکند و حضرت

در حقوق والدین

صادق ع فرمود [illegible] با مردم استهزاء کند [illegible] و فرمود هر که حقیر شمارد مؤمن فقیری را استخفافا
کند خدا او را حقیر شمارد و پیوسته او را دشمن باشد تا توبه کند و از حضرت امام رضا ع منقولست که حلال نیست مسلمان را
که مسلمانی را بترساند و از حضرت صادق ع منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مسلمانی به یک کلمه در روز قیامت در میان دو چشم
او نوشته باشد که نا امید است از رحمت الهی و از حضرت رسول ص منقولست که هر که [illegible] مسلمانی را [illegible]
یا حاجت او را بر آورد یا غمی از او بردارد پیوسته در رحمت الهی باشد تا [illegible]
پس فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در [illegible] و مال خود از او ایمن باشند و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست
و زبان او سالم باشند و مهاجر کسی است که از گناهان هجرت کند و هر که مؤمنی را سیلی بزند که او را باین سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی
او بزند یا چیزی بگیرد بخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کند و توبه کند پس زنهار که تعجیل
مکن در آزار مردم شاید که او مؤمن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و هموارگی بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی
و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که طپانچه بر روی مسلمانی زند حق تعالی در روز قیامت استخوانهای او را
از هم بپاشد و در گردن غل کرده محشور شود تا داخل جهنم گردد مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام دادن
مؤمن گناه بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او کردن نافرمانی خدا است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که هر که بترساند مؤمنی را بصاحب حکمی که آزار باو برساند و نرساند او در آتش است و اگر برساند او در آتش با
برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقولست که هر که بکشد کسی را
که قصد کشتن او نکند و بزند کسی را که قصد زدن او نکند ملعون است و بلعنت خدا گرفتار شود و در حدیث دیگر
فرمود که بحق خداوندی که جانم در قبضه قدرت او است که اگر اهل آسمانها و زمین جمع شوند بر کشتن مؤمنی یا راضی شوند
بکشتن او هر آینه حق تعالی همه را داخل جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم بدست قدرت او است که هیچ کس کسی را تازیانه
نمیزند بظلم مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را بخورد و فرمود که هر که نظر تندی کند بمؤمنی که باین نظر او را بترساند در روزی که
جزا [illegible] باشد [illegible] محشور گرداند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که [illegible]
[illegible] اگر صاحب شرعی باید [illegible] و اگر [illegible] در حدیث دیگر فرمود
که هر که طعنی بکند بر روی مؤمنی [illegible] سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث منقولست که
شخصی بآن حضرت عرض کرد که چه میفرمائی در امر مسلمانی که مسلمان دیگر اذن نکند و او در خانه باشد پس رخصت نطلبد
داد و رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی بیاید یا بکاری بنزد او بیاید و او
در خانه باشد و رخصت ندهد و بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند و از حضرت صادق
منقولست که هر که [illegible] بیاید [illegible]
[illegible] امام رضا
منقولست که [illegible]
آمد [illegible]
[illegible]
دیگر [illegible] که ایشان [illegible] بر ایشان سلام کرد و گفت
من با شما بیایم گفتند بلی [illegible] زیرا که [illegible] پریشان و محتاج بود [illegible] ناگاه
ابری پیدا شد [illegible]
[illegible] از جانب خدا آمد [illegible]
[illegible] پس [illegible] حضرت [illegible]

برایشان غضب کرده بجای آنکه از ایشان راضی بودند و آن غضب را بر ایشان نقل فرموده اند که گفت که ساکت حلال کردم و درگذشتم از کرده ایشان بو شعر گفت که اگر پیش از عذاب اگراهند بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند شاید در قیامت ایشان را نفع دهد حلال کردن نو و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که مومنی را آزار کند و فاد بر بار بکرد نا نباشد خدا او را در دنیا و آخرت باره نکند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حاضر نشود احدی از شما در موضعیکه حاکم ظالم کسی را که زنده بکشد یا ستم بر او کند یاری مومن بر مومن واجب است هر گاه حاضر شود و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که شخصی از نیکان را در قبرش نشاندند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم تا آنکه رسید تا یک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این یک تازیانه را میزنید گفتند باین سبب که یکروز بی وضو نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم میشد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کسند که حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمیکند شخصی که از او چیزی خریده باشد پشیمان شود و پس بدهد و او قبول نکند و کسیکه بغیر برادر مضطر برسد و کسیکه بنده آزاد کند و کسیکه عدل بر آنکه خدا کند و از حضرت رسول منقولست که کسی که بفریاد برادر مومن خود که او را غمی یا اندوهی باشد برسد حقتعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه از برای او بلند کند و ثواب ده بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب از او بردارد و ده شفاعت از برای او در قیامت مهیا کند و از حضرت امام حسن عسکری منقولست که هر که بر بنده بیچاره در دامی که جهاد یا آتش افتاده باشد رحم کند یا بر او ستم کند عبرت پس بفریاد او برس و او را بر چهارپای خود سوار کند و باد شتر او برپا کند حقتعالی باو خطاب فرماید ... و نهایت سعی کرده ... از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک از آن قدر قوت باشد که تمام ... آسمانها و زمینها را بنا کنند برای تو در بهشت وضعها خواهد بلند کنند و کسیکه رفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را که خواهد ضرر برساند حقتعالی خلق کند ... هر حرفی که گفته است او و بعد هر حرکتی که کرده است او و در یکی از درجات او صد هزار ملک که دفع کنند شر شیاطین را که قصد کنند که او را اکراه کنند ... صد هزار خدمتکاران بهشت و صد هزار از حورالعین بهشت باو عطا فرماید که او را احترام کنند و کرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر نفع کردن تست از فلان ... و از حضرت رسول منقولست که هر که حرمت پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای بزرگی سن او حقتعالی او را از ترس روز قیامت ایمن کند و فرمود که تعظیم کردن خدا است تعظیم کردن پیر ریش سفید و فرمود که از ما نیست کسیکه خوردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که کفایت کننده ... از حاجتهای برادر او برای او در حاجت راه رود و سعی کند تا حاجت او را روا کند حقتعالی او را از ... دوری نفاق و از آتش جهنم و حاجتهای او را بر آورد و میسر در بهشت الهی باشد ... و از حضرت صادق منقولست که ... و از حضرت امام حسن عسکری منقولست که حضرت امیرالمومنین فرمود که هر که تا بالا کوره شود چهل روز ... سرسوزنی از آتش اگر تمام دنیا ... و هر که ... و از حضرت رسول منقولست که ... و در حدیث فرمود که ... و از حضرت صادق منقولست که چون ایشان را ... و از حضرت رسول منقولست که ...

نمیکنند که در همه حال از ایشان احتیاط میباید کرد کسیکه خورده داشته باشد و پیش ولد الزنا و غیر ایشان بنشیند و در حدیث دیگر فرمود که نظر کنید باهل بلا و شکر کنید ... و چون بایشان بگذرید ... که بشما نرسیده است و در حدیث و ثقه از حضرت امام رضا یا امام محمد باقر منقولست که چون شخصی را ببینی که مبتلا شده ... بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق تفضیلا ... و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که مبتلا ... الحمد لله الذی عدل عنی ما ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته ... بگو اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لکن احمدک علی نعمائک علی ... و از حضرت منقولست که ... و بایشان مشنوانید که ...

فصل هشتم در رعایت حقوق مومنان از غیبت ایشان

در حدیث معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام زین العابدین عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق ... نگاه نداشتی ... در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه در قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد ... غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که هر که ایمان بخدا و رسول دارد در مجلسیکه امام را دشنام یا غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت مسلمانی بکند ثواب روزه و وضویش برطرف میشود و در روز قیامت بوئی از دهان او بر آید که از بوی مردار بدتر باشد که اهل محشر همه از آن آزار یابند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده باشد چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند با برادر مومن در مجلسیکه غیبت او کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حقتعالی هزار نوع بلا را از دنیا و آخرت از او دور گرداند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق منقولست که هر که مومنی را ... گناه کند و دو گواه عادل باو گواهی دهند که گناه نکرده است و از اهل عدالت است گواهی مقبول است ... گناهکار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در او باشد از دوستی و یاری خدا بیرون است و در دوستی و یاری شیطان داخل است ... و از رسول خدا که هر که غیبت کند مومنی را بچیزیکه در او باشد خدا در میان ایشان در بهشت اجتماع نیندازد و هر که غیبت کند مومنی را بچیزیکه در او نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در جهنم باشد و در حدیث دیگر فرموده که هر که در حق برادر مومن خود بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده باشد از آنان خواهد بود که حقتعالی میفرماید بدرستیکه آنان که میخواهند که شایع شود گناه بد مومنان ایشان را عذابی دردناک است در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر مومن عیبی و گناهی بگوئی که بر او پوشانیده است و بهتان آنست که در او چیزی بگوئی که در او نباشد و در حدیث دیگر فرموده که هر که غیبت کند برادر مومن خود را اگر دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز بر او لازم میشود کسیکه چون سخن گوید دروغ نگوید و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعده خود وفا کند واجب است عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان مردم هویدا باشد و غیبت او بر ایشان حرام است و اخوت او بر ایشان واجب است و از حضرت رسول منقولست که غیبت بدتر از زنا است زیرا که زنا کار توبه میکند و خدا توبه او را قبول میکند و غیبت کننده را تا آنکس او را حلال نکند و از حضرت صادق منقولست که برادران خود را یاد کنید هر گاه ... باشند ... و در حدیث دیگر فرمود ...

گناه کند و بر او نکند او را حرمت نیست و غیبتش حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر منقولست که سه کس‌اند که ایشان
حرمت نیست کسیکه صاحب بدعت باشد و امام و پیشوائی که ظلم کند و فاسقیکه علانیه فسق کند و از حضرت رسول
منقولست که هر که رد کند حرف بد برادر را در عوض برادر مسلمانش گویند برای او بنویسند هزار هزار حسنه و در حدیث دیگر وارد
حضرت امام محمد باقر مرویست که هر که نزد او غیبت کنند برادر مؤمنش را یاری و یاوری و نصرت کند خدا او را یاری نکند
و اگر قادر باشد که دفع غیبت از او بکند و یاری او نکند و بکند حق او ابست کند او را در دنیا و آخرت و از
حضرت امام حسن عسکری منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی که در آن مجلس یکی در عرض برادر آن مؤمن
افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او رد کند بر آن ظالم عرض برادر مؤمن را نکاهدارد حق تعالی
برانگیزاند ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و آنها نصف ملائکه آسمانها بند در ایشان که حج کنند
ایشان نصف ملائکه همچند که ایشان هم او را مدح و ثنا میکنند و از برای او استغفار و طلب رحمت میکنند و بلندی مرتبهٔ او را
سؤال کنند پس حقتعالی فرماید که من واجب کردانیدم برای او بعدد هر یک از ایشان که دعا کرده‌اند قصرها
شما از رحمات بهشت و قصرها و باغها و بستانها و درختان آنچه خواهم که عقل مخلوق بادراک آن نتوانید رسید
و از حضرت صادق منقولست که هر که نقلی بکند در مذمت مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت او را درهم شکند
و او را از نظر مردم بیندازد خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و شیطان نیز
مطلعاً او را قبول نکند و از حضرت منقولست که هر که دو رو و دو زبان داشته باشد در دنیا دو روی مردم را و مدح ایشان کند و در غیبت
ایشان که بدگوی و خواهد روز قیامت محشور شود در قیامت با دو زبان از آتش یکی در پیش رو و یکی در پشت سر و حضرت رسول فرمود
که دو رو و دو زبان داشتن بد نیست و منقولست که جبرئیل حضرت امام محمد باقر فرمود که
از برادران مؤمن چیزی از او بتو رسد که خوشت نیاید پس از او سؤال میکند او انکار میکند و اگر چیزی از او بتو
انتقام را بر نقل کرده‌اند حضرت فرمود چشم و گوش خود را تکذیب کن و برای او چیزی را اشکن که موجب نقصان
او باشد و از حضرت رسول منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنان است که آن گناه را خود کرده باشد و هر که
مؤمنی را بچیزی سرزنش کند نمیرد تا آنرا خود بکند و از حضرت علی بن الحسین منقولست که سخنی را که
از بد گوئی در عرض مسلمانان نگاه دارد خدا گناه او را در قیامت بیامرزد و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که
منقولست که هر که در شأن مؤمنی بگوید آنچه مؤمن با او نمیر تعبیر نکرد آنچه را او ببیند خدا او را در قیامت بر آنچه فرموده زناکاران که
در دیگهای جهنم جوشند نگاه دارد تا از گناه عهده گفتن خود بدر آید و از حضرت امام منقولست که کسیکه برای کسی
چیزی بگوید که مردم ان را دانند غیبت نیست و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که ظاهر کردن شماتت
و شادی مکن در بلای برادر مؤمن خود تا آنکه خدا او را رحم میکند و او را دفع میکند و بر تو میفرستد
آن بلا را و فرمود هر که شماتت کند در مصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن مبتلا شود و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آنست که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزشها و گناهان او
را در خاطر نگاه دارد که روزی او را سرزنش کند بانها و از حضرت رسول منقولست که فرمود کرد ای جماعتیکه بزبان مسلمان شده‌اند
و ایمان بدلهای شما نرسیده است مذمت مسلمانان نکنید و تفحص عیبهای ایشان نکنید که هر که تفحص عیبهای مردم کند اگر چه
در میان خانه خود کرده باشد و از حضرت رسول منقولست که باز بر در دوغها کان بد مردم بودند آمیخت و از حضرت
صادق منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمن را ایمان در دلش گداخته شود چنانکه نمک در میان آب گداخته
شود و از حضرت رسول منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود
آنها که در میان مردم بسخن چینی راه میروند و در میان دوستان جدائی میاندازند و از برای بیعیبان عیب جویند و حضرت
امام محمد باقر فرمود که بهشت حرام است بر سخن چینان و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که دو چیز را باید دمید

و احسان بجا آورد و در کن دولت حضرت رسول منقولست که چون سنت شیطان در میان دو کس بیفتد
اند در جمعیکنند و چون نام خدا را یاد کنند زانوهایش بهم میخورد و بند هایش از هم میشود و فریاد میکند و او چه بلا نازل شد
بسر من آمد و از حضرت رسول منقولست که هر که دو مسلمان از هم دوری میکنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر
و میان ایشان دوستی ایمانی بر طرف میشود پس هر یک که سبقت کند بسخن میکوید در قیامت زودتر ببهشت میرود

فصل

در بیان احوال معاشرت با ظالمان و تقلید از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی
بن جعفر منقولست که حقتعالی فرمود که ای گروه شیعه کردن خود را خوار مکنید بترک اطاعت پادشاه خود و اگر پادشاه
عادل باشد بکنید که او را باقی دارد و اگر ظالم باشد ستمکار باشد از خدا طلب کنید که او را باصلاح آورد و بدکردن صلاح شما در اصلاح پادشاه شما است
و پادشاه عادل بمنزلهٔ پدر مهربان است و از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که
خدا رحمت کند کسیرا که یاری بکند پادشاه خود را بر نیکی کردن او و از حضرت صادق منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی
و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حقتعالی میفرماید و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار
یعنی میل مکنید بسوی آنانکه ظلم میکنند پس مس کند شما را آتش و فرمود که هر که راه نمائی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با هامان وزیر
فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت کند یا یاری او نماید در وقت مردن ملک الموت نزد او آید و گوید بشارت باد ترا بلعنت خدا
و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گرفتن در نزد پادشاه ظالمی که پادشاه حقتعالی آن تازیانه را در قیامت اژدهائی از آتش
کرداند و او هفتاد ذرع باشد و مسلط کرداند در جهنم و فرمود که هر که مسئلهٔ بپرسد از فاسقان و حضرت امیر المؤمنین
در وقت رفتن به صفین فرمود بحضرت امام حسن که دوست بدار صالحان را برای اصلاح ایشان و مدارا کن با ظالمان و فاسقان
در دل دشمن ایشان باش و از حضرت صادق منقولست که هر که بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت
کنند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت کنند با خدا دشمنی کرده است و در حدیث دیگر فرمود که حضرت علی بن الحسین
کسانی که یاری میکنند ظالمان را بر ظلمش که قصد ایشان اطاعت شود و از حضرت رسول منقولست که چهار خصلت است که دل را فاسد
میکنند و نفاق را در دل میرویاند چنانکه آب درخت را میرویاند شنیدن سازها و خواندن غناها و فحش گفتن و بدر خانهٔ پادشاهان
رفتن و از پی شکار رفتن و از حضرت صادق منقولست که نگاه دارید دین خود را و حفظ کنید دین خود را بپوشیده کردن از مخالفان
در چیزی که از مرتبات و قوت دهید دین خود را بپوشیده کردن از مخالفان و مستغنی شدن بخدا از طلب کردن حوائج از پادشاهان
و بدانید هر مؤمنیکه خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسیکه مخالف او باشد در دینش از برای طلب آنچه در دنیا
که در دست او است خدا او را گمنام کند و دشمن دارد او را و بخود واگذارد و اگر چیزی از دنیا بدستش بیاید خدا برکت از آن بردارد
و او را ثواب ندهد و اگر خرج کند در حج یا عمره یا بنده آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که
چون روز قیامت شود منادی از جانب حق ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران ایشان و آنانکه دوات ایشان را لیقه
کذاشته‌اند یا سر کیسه برای ایشان بسته‌اند یا مدد قلمی بایشان داده‌اند اینها هم با ظالمان محشور کنید و در حدیث دیگر
فرموده که هیچ بندهٔ بپادشاهی نزدیک نمیشود مگر آنکه از خدا دور میشود و هیچ بندهٔ مالش زیاد نمیشود مگر آنکه
حسابش زیادتر میشود و هیچ بندهٔ اتباعش بیشتر نمیشود مگر آنکه شیاطینش بیشتر میشود و فرمود دوری نمائید از
در خانهٔ پادشاهان و از ملازمت پادشاهان مباشید که نزدیکترین شما بایشان اگر دوری شما بنده از خدا و هر که پادشاه را
بر خود اختیار کند خدا پرهیزکاری را از او برداشته و او را حیران کرده است و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که هر که معذرت
دارد ظالمی را بر ظلم او خدا مسلط کرداند بر او کسیرا که ظلم بر او کند و اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را بر این
کرم میکند و ثوابش ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی پادشاه ظالمی بود که حاجت مؤمنی را
بشفاعت بندهٔ صالحی بر آورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح هر دو در یکروز مردند و همه مردم جنازهٔ آن پادشاه جمع شدند
و در دکانها و بازارها بستند برای مردن او و آن مرد صالح در خانه‌اش ماند و سه روز ... اگر ...

پس حضرت موسی ع بعد از سه روز از مرده مرد صالح را با بحال مشاهده کرد و گفت پروردگارا این شمر نیکو بود که بان
اعزاز و اکرام او را برداشتند و بند و بست نشسته با بنیان قائم است حق تعالی فرستاده او که ای موسی این بنده [illegible]
حاجتی سوال کرد و او آن را بر آورد و را مکافات دادم برای بر آوردن حاجت مؤمن و کرد محمد بن [illegible] مسلط کردانید
[illegible] سوال کرد از ان جبا کرد و در حدیث دیگر فرمود که سلیمان بن جعفر جعفری گفت از امام رضا ع عرض نمودم که چه میفرمائی
در کار ایشان که مردم منکر میشوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری کردن
ایشان و سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عمداً نظر بسوی ایشان کردن گناه کبیره است و از حضرت امیر
المؤمنین ع منقولست که هر که برود نزد توانگری او دو ثلث دینش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر که برود بسوی پادشاه ظالمی و او را امر بپرهیزکاری بکند و پند و نصیحت بکوید او را مثل ثواب جن و انس بوده باشد
و از علی بن ابی حمزه منقولست که گفت دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه از من خواهش کرد که از حضرت صادق ع اذن
و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه کار میکردم و مال بسیار بهم رسانیدم حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای
ایشان کتابت کنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند [illegible] حق ما را غصب نمیکردند گفت آیا
چاره هست حضرت فرمود که اگر بکویم خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هرچه کسب کرده در دیوان ایشان از صاحبش
میشناسی پس بده و آنچه نمیشناسی تصدق کن و اگر چنین کنی ضامن بهشت میشوم برای تو آن شخص ساعتی سر بزیر افکند
پس گفت چنین میکنم علی بن حمزه گفت آن جوان بکوفه باز آمد و تمام مال خود را داد حتی [illegible] پوشیده بود
وفاداری [illegible] خود مالی جمع کردیم و جامها برای او خریدیم و خرجی برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون بعیادت
رفتم در حال جان کندن بود پس چشم کشود و فرمود حضرت صادق ع بضمانی خود وفا کرد [illegible]
دفن کردیم و در [illegible] بخدمت حضرت رفتم چون نظر حضرت بر من افتاد فرمود که والله برای رفیق تو بضمانی خود وفا
کردیم و از مفضل بن یزید [illegible] منقولست که بخدمت حضرت صادق ع عرض نمودم که [illegible]
[illegible] که من نزد این خلفاء میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم میرسد از شیعیان بده [illegible] کناهانت [illegible]
و در حدیث دیگر منقولست که صفوان شتردار بخدمت حضرت امام موسی ع آمد حضرت فرمود هر چیز تو خوبست بغیر از
آنکه شترهای خود را بهرون الرشید کرایه میدهی صفوان گفت والله من شتر خود را باو کرایه ندادم برای کار بدی یا شکار یا لهو
و لکن از برای راه مکه باو کرایه داده ام و خود با او نمیروم نوکران و غلامان خود را با او میفرستم حضرت فرمود که آیا میخواهی
زنده باشند که کرایه تو را بدهند گفت بلی فرمود هر که زندگی ایشان را خواهد از ایشان است و هر که از ایشان است
از اهل جهنم است و در حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن القسم از حضرت امام محمد باقر ع و حضرت صادق ع پرسید که
چه میفرمائید در باب قرب پادشاه فرمود که [illegible] برای تو [illegible] بسیار است که بشام میروم و مرا از [illegible]
[illegible] حضرت فرمود که [illegible] پادشاه [illegible] باعث سه چیز است [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
حضرت [illegible] فرمود و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی و اعانت او کند از دوستان
او خواهد بود و از حضرت رسول ص منقولست که دو صنف اند از امت من که صلاح ایشان صلاح تمام امت است و فساد ایشان موجب فساد امت
فقیهان و پادشاهان و حضرت صادق ع فرمود که [illegible] برای هر که اعتقاد با مامت [illegible] داشته باشد از این
[illegible] صاحب استبداد که حکم کند بر رعیت خود [illegible]
[illegible] کسی که هر که با ایشان منازعه کند ذلیل [illegible] پادشاه [illegible] و از حضرت رسول ص [illegible]
[illegible] هر کس پادشاه [illegible] و در حدیث حسن از ان حضرت منقولست که هر که حکومت مردم را اختیار
کند و عدالت نکند و در خانه خود [illegible] بکشاید [illegible] و بحوائج مردم نرسد [illegible]

لازم است که [illegible] در قیامت [illegible] باطل [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] بر ایشان مسلط [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست
که خداوند عالمیان میفرماید که منم پروردگاری که بجز من خداوندی نیست [illegible] پادشاهان [illegible] دلهای ایشان بدست من است پس
هر گروهی که اطاعت من بکنند دلهای پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و هر گروهی که معصیت من بکنند دلهای پادشاهان
را بر ایشان غضب [illegible] خود را بدشنام دادن پادشاهان [illegible] توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما
مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان [illegible] و اگر ظلم بر ایشان کرده باشند و از حضرت صادق ع منقولست که
[illegible] مسلمانان شود و ایشان را ضایع کذارد و با حوال ایشان [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین ع منقولست [illegible] اگر مردم [illegible] خود را باو عرض کنند حقتعالی [illegible]
[illegible] اگر چیزی [illegible] چنانچه از غنیمت دزدی کرده است [illegible] و اگر رشوه بکیرد [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حقتعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران که در
مملکت پادشاه جباری بود که برو بان پادشاه بکو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم را بریزی و مالهای ایشان را بکیری برای این
پادشاه کردم [illegible] مظلوم [illegible] باز [illegible] اگر [illegible] ایشان شود [illegible] کافر باشند
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در جهنم کوهی هست که از اسعدان میکویند و در انکوه وادی هست که آن را سقر میکویند و در آن
وادی چاهی هست که آن را هبهب میکویند هر گاه پرده آن چاه را بر دارند اهل جهنم از کرمی او بفریاد آیند و آن چاه جای جباران است
و در روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا ع فرمود که خدا را در درخانه پادشاهان جماعتی هست که
[illegible] خود را با ایشان عطا فرموده و ایشان را [illegible] در شهرها [illegible] ایشان از دوستان [illegible]
کند و برکت ایشان [illegible] امور مسلمانان [illegible] بایشان پناه میبرند و محتاجان [illegible]
و با ایشان خدا [illegible] مؤمنان را [illegible] در مملکت ظالمان ایشانند مؤمنان [illegible]
خدا در زمین [illegible] ایشان [illegible] اهل آسمان [illegible] اهل زمین [illegible]
ایشان [illegible] برای بهشت خلق شده اند [illegible] ایشان [illegible]
از [illegible] و در خبر معتبر از [illegible] منقولست که هر که برساند بپادشاه حاجت [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر منقولست [illegible]
[illegible] حلال [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible]
[illegible] مظلوم [illegible] ظالم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

مؤمنرا حبس کند حقتعالی در قیامت او را پانصد سال بپای دارد تا آنکه از عرق بدن او [illegible]

کرسوی را حبس کرده است پس چهل روز و او را سرزنش کنند پس او را بجهنم برند و از حضرت [illegible] منقولست که [illegible]

کسی که صبح کند و ظلم بر کسی ننموده باشد [illegible] **فصل یازدهم** در آداب معاشرت [illegible]

صادق ع منقولست که سزاوار نیست مؤمنرا که با کافران و اهل ذمه شرکت کند یا امانتی با ایشان بدهد که برای او چیزی بخرند

یا چیزی با ایشان بسپارد و شیئی با ایشان بکند و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که مسلمانان نباید که با کافر در

یک کاسه چیزی بخورند یا با او در یک فرش بنشینند یا با او مصاحبت کنند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اگر محتاج باشی به طبیب

ترسا [illegible] که بر او سلام کنی [illegible] و از حضرت رسول ص منقولست که ابتدا باهل کتاب سلام مکنید و چون

[illegible]

[illegible]

با ایشان [illegible] خواهد شد [illegible] در قیامت پیش [illegible] خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که دعا از

برای یهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگوئید بارک الله لک فی دنیاک یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو

و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی در زیر جامه مصافحه کن و اگر دست بدست او برسد دست را بشو و در حدیث

دیگر فرمود که اگر [illegible] مصافحه [illegible]

مصافحه کنی دست را بخاک یا بدیوار مال [illegible] مسلمانان با ایشان [illegible]

تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که با کبری مصافحه کند دستش بشوید و در حدیث معتبر دیگر از

حضرت رسول ص منقولست که [illegible]

و بمحمد نبیا و بعلی اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبه قبلة [illegible] در جهنم جمع نکند و در حدیث دیگر از

حضرت صادق ع منقولست که تقیه سپر [illegible] ایمان ندارد کسی که تقیه ندارد [illegible]

و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که تقیه [illegible]

دفع ضرری از خود بکند برای او گناهی و کفاره نیست و حضرت [illegible] فرمود که [illegible]

[illegible]

هر شما [illegible] کنند و حضرت امام رضا ع فرمود که کسیکه تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کند [illegible]

در بلاد مخالفان و [illegible] باشد تا آنکه ظاهر دین خود کنند بلکه دین ایشان را [illegible]

وقتیکه مطلع باشند [illegible] وضو و نماز [illegible] عبادات [illegible]

کرد [illegible] و تقیه لازم است [illegible] **فصل**

خوف [illegible]

دوازدهم در [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کوید که بر کسی [illegible] از اعمال شایسته خواهم از مال خود بکنم و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر

ثلث مال خود را برای خویشان و بقصد ثواب و خیرات و آنچه مطلب خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث اختیار ندارد پس برائت ذمه از برادر

مؤمن خود طلبد و هر که را عهدی کرده باشد یا امانتی یا اراده یا وسایلی باشد اگر حاضر باشد بایشان تسلیم کند که بر ذمه

برائت الذمه بخواهند پس امور عیال و اطفال خود را بعد از توکل بر جناب اقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید

پس کفن خود را مهیا کند و از شهادتین و عقاید حق و اذکار و ادعیه و [illegible] که در کتب مبسوطه مذکور است و آنرا رساله کتابت

ذکر [illegible] بتربت حضرت امام حسین ع بر کفن بنویسند [illegible] بهتر از اول شده باشد و کفن را مهیا کرده

باشد و اگر نه مؤمن باید که همیشه کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که کفنش

با او باشد تا در خانه اش باشد او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظر کند بان کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر یاد زن و

فرزند و مال نباشد و متوجه جناب اقدس ایزد و بیاد او باشد و تفکر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و بغیر از لطف حق

[illegible] در دنیا و آخرت چیزی بهر او نمیرسد و بداند که اگر خود باقی نماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمی تواند رسانید

و ضرری از ایشان نمیتواند دفع کرد و آن خداوند که ایشان را آفریده است از او بایشان مهربانتر است و باید که در آنحال [illegible]

و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا ص و حضرت ائمه ع امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم

شریف ایشان باشد و بداند که همه در آن وقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک الموت را سفارش میکنند

و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقصان عقل و مروت او است

گفتند یا رسول الله چگونه وصیت فرموده که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید الحمد لله اللهم فاطر السموات

والارض عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا ص عبدک

ورسولک وان الساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث من فی القبور وان الحساب حق وان الجنة حق وما وعد الله فیها من

النعیم من الاکل والشرب والنکاح حق وان النار حق وان الایمان حق وان الدین کما وصفت وان الاسلام کما شرعت وان

القول کما قلت وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا وبالاسلام

دینا وبمحمد نبیا وبعلی اماما وبالقرآن کتابا وان اهل بیت نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی

ورجائی عند کربتی وعدتی عند الامور التی تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی والهی واله آبائی صل علی محمد وآل محمد ولا تکلنی الی نفسی طرفة

عین ابدا وآنس فی قبری وحشتی واجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول ص فرمود که این عهد و پیمان میت

است روز یکه خواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمانی پس حضرت صادق ع بعد از نقل این حدیث فرمود

که تصدیق این سخن در سورهٔ مریم است که حقتعالی میفرماید لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی در قیامت مالک

شفاعت نیستند مگر کسی که کرده باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این عهد است و حضرت رسول ص بحضرت امیرالمؤمنین

فرمود که این وصیت را یاد گیر و یاد اهلبیت خود و شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل ع تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را

پیشتر درست نکرده باشد و جمعی از مؤمنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باین نحو بگوید بسم الله

الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله ص وان الجنة حق وان النار حق وان الساعة آتیة

لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد بر پارچهٔ کاغذی بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم

فی الله عز وجل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود بنویسد اشهدهم واستودعهم واقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله ص وانه مقر بجمیع الانبیاء والرسل ع وان علیا ولی الله وامامه صلوات الله وسلامه علیه وان

الائمة من ولده ع ائمته وان اولهم الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی

والقائم الحجة ع وان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور وان محمدا ص رسوله جاء

بالحق وان علیا ع ولی الله والخلیفة من بعد رسول الله ص واستخلفه فی امته مؤدیا لامر ربه تبارک وتعالی

وان فاطمة بنت رسول الله و ابنیها الحسن والحسین ابنا رسول الله وسبطاه وامام الهدی وقائد الرحمة وان علیا و محمدا و جعفرا و موسی و علیا و محمدا و علیا والحسن و الحجة ائمه و قاده و دعاة الی الله عز وجل و حجته علی عباده پس بگوید ای گواهان که نوشته در این صفحه نوشته خواهد شد بافلان بن فلان و نام شخص را بگوید اشهدوا الی هذه الشهادة عندکم حتی تشهدوا بها عند الحوض پس گواهان باو گویند یا فلان نستودعک الله الشهادة والاقرار والاخاء و موعود معنا رسول الله و نقرء علیک السلام ورحمة الله وبرکاته پس صحیفه را بپیچید و مهر کنند و بمهر شخص و مهر گواهان و جابر از سمت چپ بیکارند و از حضرت رسول منقولست که هر شخصی را تلقین کند در وقت جان کندن ناخوشی شد نزد او و پرسید انکه خود را چون می یابی گفت امید از رحمت الهی دارم و از گناهان خود می ترسم فرمود که این دو خصلت در این وقت در دل کسی جمع نمی شود مگر آنکه خدا امید او را میدهد و از آنچه میترسد او را ایمن میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول حاضر شد نزد شخصی که در حال احتضار بود فرمود که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من طاعتک واما ایمن بیشان و برا در موت نشست باید که او را در چنین حالی تنها نگذارند و نزد او دعا و قرآن بخوانند سوره یس و والصافات بخوانند و تلقین اعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول و امامت ائمه معصومین و سایر اعتقادات حقه را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقایص مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و حدیث شریف اگر عربی نداند بر او القا کنند و پاهای او را بسوی قبله کنند و در آن وقت حایض و جنب نزد او نباشند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد برای اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که بیاد شیرین رود ایشان بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بر جانمازی که بیشتر بر آن نماز میکرده است بار و جانماز بجهت او نماز میکرده است او را بخوابانند که اگر او بمیرد شفا هست شفا بیابد و اگر نه جانش بآسانی بیرون رود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول داخل شد بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال احتضار بود و متوجه قبله نکرده بودند فرمود که پاهای او را بسوی قبله کنید تا ملائکه متوجه باو روند و رحمت الهی متوجه او گردد و از حضرت امام رضا منقولست که نهادن دست بر او نکذارید که او را بنحال در نهایت ناتوانی و هر که دست بر او میگذارد بجا نستنکر او را کشته است و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که تلقین کنید مرده گان خود را که لا اله الا الله بگوید که هر که آخر سخنش لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرموده که منقولست که لا اله الا الله را تلقین ایشان بکنید که گناهان را منهدم میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که هرگاه کسی را در حال جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید که او بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه امیر المؤمنین محتضر میشدند حضرت این کلمات فرج را تلقین ایشان میفرمود که بخوانند چون میخواندند فرمود که برو و دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث حسن از حضرت رسول منقولست که نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شد در حال جان کندن فرمودند که این کلمات را بخوان یعنی کلمات فرج را چون خواند فرمود الحمد لله که او را از دوزخ نجات داد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطانی از شیاطین را موکل میگرداند بر او در وقت مردن که او را بشک اندازد در دین خود تا جانش بیرون رود و مقارفت نماید و اگر کسی مؤمن باشد نمیتواند او را بشک اندازد پس در آن حال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه یکیک را تا از سخن گفتن باز مانند و در حدیث دیگر فرمود که شخصی از انصار در مسجد و حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جماعتی از اصحاب و او بیهوش بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از او سؤال کنم پس آن شخص بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیک تر است گفت سیاهی حضرت فرمود که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک واقبل منی الیسیر من طاعتک پس آن شخص بیهوش شد باز ملک الموت فرمودند که دست از او بردار

تا از او سؤال کنم پس بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سفیدی پس حضرت فرمود و او را رحمت کرد [illegible] پس حضرت صادق فرمودند که هرگاه نزد او حاضر شوید در آن حال که [illegible] حدیث منقولست که حضرت رسول نزد جوانی حاضر شد در وقت مردن او گفت بگو لا اله الا الله [illegible] شد و نتوانست که گفت پرسید که آیا این جوان مادر دارد زنی گفت که من مادر اویم خوشنود باش از او غضبناکی گفت شش سالست که با او سخن نگفته‌ام فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت باز فرمود که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شد و بود و گفت حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت مرد سیاه بد روئی بد بوئی که جامه‌های چرکین پوشیده [illegible] الکثیر من معاصیک واقبل منی الیسیر من طاعتک [illegible] چون این دعا را بخواند حضرت فرمود [illegible] الشخص وقت شد [illegible] بگذارند [illegible] و باید که [illegible] قرآن نزد او بخوانند [illegible] حضرت صادق منقولست که [illegible] مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و ثواب ببرد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که چون مؤمن را بقبرش گذارند ندا میکنند او را که اول عطائی که بتو دادیم وان آنکه بجنازه تو آمدند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر این است که هر کس که با جنازه او بوده است [illegible] و در حدیث دیگر فرموده که هر که با جنازه مؤمنی برود تا او را دفن کنند هفتاد هزار ملک با او بگمارند که همراه او کنند و استغفار از برای او کنند تا از قبرش [illegible] و بهتر آنست که اول پای [illegible] کبیره از گناه کبیره و گناهان او آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید [illegible] کجا این چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش چپ راست بردارد پس پای چپ را بدوش چپ بردارد پس دست چپ میت را بدوش چپ بردارد پس چون بخواهد که دیگر تربیع کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از عقب پیش بیاید جنازه بر گردد و باز بهمان روش تربیع نماید بهتر آنست که پیش جنازه نرود ظاهر احادیث آنست که اگر جنازه مؤمن باشد پیش از راه رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب پیش از آن نباید رفت زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول منقولست که هر که جنازه ببیند و این دعا بخواند [illegible] مثل ایشان نمایند مگر ایشان که گریه کنند از برای او هم با حوالی او الله اکبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت و از حضرت رسول منقولست که هر که تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بردارد صد هزار حسنه از برای او بنویسند و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه برای او بلند شود و اگر بر جنازه او نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتی که دفن شود و اگر بماند تا وقت دفن شدن هزار ملک را حق تعالی مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که مؤمنی را غسل دهد چون او را بپهلو دیگر گرداند این دعا بخواند گناهان یکساله او آمرزیده شود مگر گناه کبیره اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرقت بینهما فعفوک عفوک و در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل بدهد و امانت را از او ادا کند [illegible] مثل روزی که از مادر متولد شده است گناهانش آمرزیده شود و در حدیث فرمود حضرت موسی از پروردگار خود پرسید چه ثواب دارد کسی که مرده را غسل دهد پرسید که او را از گناهان مطهر میگردانی مانند روزی که از مادر متولد شده است و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که هر که مؤمنی را غسل دهد در وقت غسل دادن مکرر بگوید رب عفوک عفوک تا او را باز گرداند حق تعالی او را عفو کند و در فقه الرضا از حضرت رسول در وقتیکه دست و شکمش بمالند باید این دعا بخوانند اللهم انی سلکت سبیلهم والمهتدین علیهم السلام [illegible] رحمتک و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را [illegible] تا روز قیامت و هر که بکند قبری از برای مؤمنی چنان باشد که او را در خانه موافقی ساکن گرداند تا روز قیامت [illegible]

رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر جنازه مؤمنی نماز کند [illegible] نماز کنند [illegible] شود [illegible]
کنند تا او را دفن کنند [illegible] قیراط [illegible] باشد و در حدیث دیگر
که هر که بر جنازهٔ مؤمنه نماز کند بهشت بر او واجب گردد [illegible]
صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمن بمیرد در جنازهٔ چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا
و انت اعلم به منا [illegible]
شما را قبول کردم [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
چیزی که در عنوان نامهٔ مؤمن می‌نویسند بعد از مرگش آن چیزیست که مردم در حق او میگویند اگر نیک بگویند [illegible]
اگر بد بگویند بد می‌نویسند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون میت را بقبر رسانی [illegible]
قبر داخل کن پس چون در قبرش گذاری آیة الکرسی بخوان و بگو بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله
[illegible]

حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحاب خود را امر فرمود به هفت خصلت [illegible]
[illegible]
ضیافت کردن [illegible] و در حدیث معتبر [illegible]
[illegible]
که مردم [illegible] باشند پس فرمود که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از مسلمانان بر خورد [illegible]
که هر مؤمنی که [illegible] از مؤمنان سلام کند [illegible]
[illegible]

سلام میکنند و کسیکه نشسته باشد بر ایشان سلام میکنند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام میکنند و در حدیث دیگر فرموده
که سواره بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام بکند و اسب سوار بر استر سوار سلام بکند و ایستاده بر نشسته
سلام بکند و در چند حدیث معتبر از آن حضرت ع منقولست که چون بر جماعتی بگذرد یکی از ایشان سلام کند از آنها کافی
بس است و اگر کسی بر جماعتی سلام کند یکی از آنها اگر جواب بگوید از دیگران مجزی است و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که
رسول خدا ص بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند و حضرت امیر المؤمنین ع بر زنان پیر سلام میکردند و کراهت
داشتند بر زنان جوان سلام کردن و میفرمودند که میترسم خوش آید مرا آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابیکه از سلام
کردن طلب میکنم و امثال اینها را برای تعلیم دیگران میفرمودند و خود از امثال اینها معصوم و منزه بودند و از امام
جعفر صادق ع منقولست که ابتدا نکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان ابتدا بسلام کنند در جواب ایشان سلام
کنند بگوئید علیک و بعد از آن بگوئید ... و چون ... با نصرانی ... سلام کنند بگو علیک
و باید که از جمله سنتها سلام و صحت است که چون خواهند که داخل خانه کسی شوند ... سه مرتبه
خوانند سه مرتبه سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند ... بسلام واجب ... از حضرت صادق ع منقولست
که رخصت طلبیدن سه مرتبه است اول ... و در مرتبه دوم ... و در مرتبه سیم اگر خواهند رخصت
میدهند و اگر نه ... و حقتعالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانهای
تا استیناس بکنید و سلام بر اهل آن بکنید و حضرت صادق ع فرمود که استیناس کفش بر زمین زدن و سلام کردن است
که ایشان خبر شوند

فصل دوم در فضیلت مصافحه

دست بیکدیگر دادن و معانقه
دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن دست و امثال اینها در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که از تمام تحیت
و سلام کسیکه در حضر باشد مصافحه کردن است و تمام سلام کردن کسیکه از سفر آمده باشد دست در گردن
یکدیگر کردن است در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که از تمام محبت و سلام کسیکه در حضر باشد مصافحه کردن
و تمام سلام کردن کسیکه از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردن است و در حدیث معتبر از ابو عبیده
که گفت من هم کجاوه حضرت امام محمد باقر ع بودم منزل اول بکجاوه میرفتم پس آن حضرت بکجاوه میرفتند چون هر دو بکجاوه در
می نشستیم حضرت بر من سلام میکردند و احوال از من میپرسیدند مانند کسیکه بیکدیگر را ندیده باشند و با من مصافحه میکردند
و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول آن حضرت ع پائین می آمدند چون هر دو بر زمین قرار میگرفتند سلام میکردند
و احوال میپرسیدند مانند کسیکه مدتها یکدیگر را ندیده باشند من گفتم یابن رسول الله شما کاری چند میکنید که مردم
نزد ما نمیکنند چنین میکنند حضرت فرمود که نمیدانی مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه دو مؤمن با یکدیگر ملاقات
کنند مصافحه نمایند پیوسته گناهان از ایشان میریزد چنانکه برگ از درخت میریزد و حقتعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند
تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث دیگر از ابو عبیده منقولست که گفت هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر ع چون با ودا
فرود آمدیم حضرت ابتدا فرود آمدند ... گفتم فدای تو شوم ... چرا چنین کردی
کجاوه حضرت فرمود مگر نمیدانی که مؤمن چون ابتدا کند بکند ... دست برادر مؤمن خود را بگیرد ... نظر لطف
بسوی ایشان میکند و دست رحمت خود را بجانب ایشان میکند و گناهان میریزد ... تا آنکه از یکدیگر
جدا شوند هیچ گناه از ایشان نماند است و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که حد مصافحه آنست که دو
مؤمن دست دست ... و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که سزاوار آنست که دو مؤمن
از یکدیگر پنهان شوند اگر چه درختی باشد که در میان ایشان فاصله باشد پس ملاقات کنند باید که مصافحه کنند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که دست را در ... ثواب او بیشتر باشد و حضرت صادق ع فرمود که با یکدیگر مصافحه بکنید که
کینها از دلها برد و فرمود که مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون برادر مؤمن ملاقات نما

با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان بکنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناهی بر شما نمانده باشد و با دشمن
خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد که خدا چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او میشود و در حدیث دیگر از اسحق
صراف منقولست که گفت من در کوفه بودم و شیعیان بسیار نزد من می آمدند و من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که
مرا بخواهد بگو اینجا نیست پس در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت حضرت صادق ع رفتم آنحضرت را نخود متغیر یافتم گفتم ...
تو شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم حضرت فرمود که ای اسحق ملال بهم مرسان
از بسیار آمدن برادران مؤمن بدیدن تو که چون مؤمن با برادر مؤمن خود برخورد بگوید مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت
مرحبا پس چون با او مصافحه میکند حقتعالی میان ایشان صد رحمت میفرستد که نود و نه از آنها از آنکس است که دیگری را
دوست میدارد و در رحمت بیشتر دوست او است پس چون دست در گردن یکدیگر کنند رحمت ایشان را فرو میگیرد
چون از برای خدا با یکدیگر بایستند و غرضی دنیوی نداشته باشند با ایشان خطاب میرسد که آمرزیده شدید عمل را از سر بگیرید
پس چون با یکدیگر احوال بپرسند و سخن گویند ملائکه با یکدیگر گویند که دور شوید که ایشان با یکدیگر رازی دارند بگویید که خدا
بر ایشان پوشانیده است اسحق گفت پس حرفی که میگوئیم نمی نویسند حضرت آهی کشیدند و گریستند آنقدر که آب دیده ایشان
بر روی ریش ایشان روان شد و فرمودند که ای اسحق حقتعالی ملائکه را امر فرموده است که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند
از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی نویسند خداوند عالم مطلع است بر احوال ایشان و رازها و آنچه در
سینها پنهانست نزد او آشکار است میدانند چه میگویند پس ای اسحق از خدا بترس چنانچه گویا او را میبینی و اگر تو او را نمی
بینی او ترا میبیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمیبیند کافر میشوی و اگر میدانی که او ترا میبیند و گناهان را از مخلوقین
پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از هر کس سهلتر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را در مصافحه کردن
مثل ثواب آنها است که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع منقولست که هر مؤمنی که
بیرون رود بقصد مؤمن برادر خود و حق او را شناسد ... هر گامی حسنه برای او نوشته شود و گناهی از او محو کنند
و درجه برای او بلند کنند پس چون در خانه مؤمن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات نمایند
و دست در گردن یکدیگر بکنند حقتعالی رو به رحمت خود بسوی ایشان گرداند پس حقتعالی با ایشان بملائکه مباهات کنند
و فرماید که نظر کنید بسوی این بنده مؤمن که بدیدن یکدیگر دوستی کردن بر من لازم است که عذاب ایشان را عذاب نکنم
پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملائکه چند که بعدد نفسها و گامهای او و نگاه او را حفظ کنند از بلاهای دنیا
و آخرت تا روز قیامت دیگر ... و اگر در شب برگردد ... و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او را شناخته باشد
او را نیز همین ثواب باشد و از حضرت صادق ع منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی است که بان نور شما در دنیا
شناخته میشوید و چون یکدیگر را ببینید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن فرمود که دیگر نمیبایست
سر و دست کسی را مگر رسول خدا ص یا کسیکه مراد از بوسیدن سر و دست آن حضرت رسول ص باشد و محتمل است که
مخصوص ائمه ع باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که تعظیم ایشان از برای آن میکنند که فرزندان
حضرت یا حافظ علوم و مروج دین آن حضرتند و احوط آنست که غیر از دست پیغمبر ص و امام را نبوسد چنانچه در حدیث
دیگر از حضرت صادق ع منقولست که شاید نبوسد دست کسی را مگر پیغمبر ص را یا کسیکه پیغمبر را اراده کند و در حدیث
از حضرت امام موسی ع منقولست که کسیکه خویش خود را برای خویشی ببوسد ضرر ندارد و برادران مؤمن را ... ایشان را ببوسند و امام ... و چشمش را ببوسند و از حضرت صادق ع منقولست که دهان را نبوسند ... ببوسند
از برای زن و فرزند خود

فصل سیم در آداب نشستن مجالس

از حضرت رسول ص منقولست که ...
فرمود حضرت امیر المؤمنین ع که هشت کسند که اگر خوار شوند ملامت نکنند مگر خود را کسیکه ... بر سر سفره که او را بخوانده باشند و کسیکه حکم کند بر صاحب خانه و کسیکه طلب خیر کند از دشمنان ...

بود احسان کنند ایشان و بخیل آن وکسیکه خود را در میان دو کس در آورد بیکه میان دو کس بر خیزد ایشان وکسیکه استخفاف
کند بپادشاه وکسیکه در مجالس در جائی به نشیند که سزاوار آن نباشد وکسیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او نکند و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که کسیکه تمام این سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد در صدر مجالس بر نشیند احمق است اول
آنکه هرچه پرسند او جواب تواند گفت دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد سیم آنکه راه نمائی برای کسیکه
صلاح او علم دران باشد تواند کرد و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار نیست مؤمن را که بر نشیند بعد از آنکه
که نشستن او برای مردم ... و از حضرت رسول ص
منقولست که ... است که ... هر مجلسیکه ... باشد ... سزاوار است
و هر که برسد سلام کند و ... هرچند که با او ... کار ... کنند در حدیث
دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند ... اگر کسی ... او را ...
آن کرامتیست نسبت باو کرده است برادر او و اگر کسی جا از برای او بگشاید هر جا که گشاده تر است آنجا به نشیند و
در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی ... بیاید ... و بر ... خود را بهتر میداند و
حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که ... حق او ... دیگر فرمود که باید در مجالس ... و دشنام
دهند با او دران خود و ... کنند و از حضرت امام حسن عسکری ع مرویست که هر که راضی شود به نشستن در جائی که پائین
تر جای او باشد ... از حضرت صادق ع منقولست که
چون رسول خدا ص داخل مسجدی یا مجلسی میشدند هر جا که بود که نزدیکتر بود می نشستند و در روایت معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که ... نشستند ... دستها را ... میگذاشتند
ساعدها یکدیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می نشستند و گاهی یکپا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز
چهار زانو نمی نشستند و در حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین ع نشسته
بودند یکپا را بر بالای ران دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند ...
و در کار است حضرت فرمود که من برای ... که ... باشند ...
باشد جسم ... و از حضرت صادق ع ... بوده
و پا را ... در زانو ... گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص ...
حاجتی با کسی یکجا بنشیند در ... تا ... هر طرف ... دیگر ...
نگذارند که از کرامت او ... و از حضرت صادق ع منقولست که آدم ... اگر ... چهار زانو بر نشستند
در حدیث ... است که ... است و ... که ... پرده ...
... نقل کند ... و اگر نزدیک ... باشد ...
... و در حدیث ... از حضرت صادق ع ... فرمود که اگر ...
نکنید و در حدیث دیگر فرمود که ... کسی ...

در آداب صاحبت انبیا است با کسیکه شرعی صحبت او ...

... و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که برخواستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسیکه بهتر دین باشد مانند علم و صلاح و شرف
و تعظیم او کنند و از حضرت رسول ص منقولست که کسیکه داخل خانه برادر مسلمان خود شود ...
داخل شد ... بیرون رفتن یا ... که چون کسی داخل خانه شود حاکم است تا بیرون آید
گوید باید صاحب خانه اطاعت کند و از حضرت ص منقولست که کسیکه ... مؤمنی ... بالش ...
یا طعامی یا بوی خوشی با اسلام کند ... بلند شود ...

بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر پیغمبر با وصی پیغمبر پس چون دوزخیان مشوند خطاب به بهشت رسد که امروز بنما کافران بخیل
ایشان را بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقها که بر دوش ایشان ... و ... بیایند تا ... نشوند ...
چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهوال آن و بهشت و ... عمل ایشان ... و از آن طبقها بخورند پس ... بر ...
ایشان را ... کند که ... حرام کرده است جهنم را بر کسیکه از ... دست دراز کنند بخورند و در حدیث
معتبر منقولست که دو شخص بخدمت حضرت امیر المؤمنین ع آمدند حضرت از برای هر یک از ایشان بالشی انداخت یکی بر بالش
نشست و دیگری ... فرمود که ... بعد از آن فرمود که رسول خدا ص فرمود که هر که
بیاید بسوی شما کسیکه نزد قوم خود گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست
که کسی جاهل ... نیست مگر ... که در اسلام ریش سفید شده وکسیکه حامل لفظ یا معنی قرآن بوده باشد
و امام ... فرمود که از تعظیم خداست تعظیم ... و از حضرت رسول ص منقولست که اگر ...
باید که او قبول کند و رد نکند ... و در حدیث از حضرت امام رضا ع پرسیدند که کدام
اکرام است ... مثل آنکه ... از برای او بگشاید یا ... از برای ...
اینها از کرامتها ... از حضرت امام حسن عسکری منقولست که اکرام مکن کسیرا ... بیشتر باشد و از حضرت رسول ص
... از بهشت با و کرامت فرماید و حضرت
صادق ع فرمود که هر که برادر مؤمن ... و اگر او ... و از حضرت رسول ص
منقولست که هر که ... برادر مؤمن خود ... حق تعالی ... بهشت کرامت فرماید و در حدیث دیگر فرمود
که هر که اکرام کند برادر مؤمن خود را بیک کلمه که از روی لطف با او بگوید ... رحمت الهی باشد تا
مشغول این اکرام باشد

فصل پنجم در بیان آداب مجالسی است که در آنجا داخل شدن روا نیست

... و در حدیث ... از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ...
... و در مقام ... و از حضرت رسول ص منقولست که ...
...
... از حضرت صادق ع فرمود که
... که ... از مصاحبت ...
... و حضرت امیر المؤمنین
...
... مردم ...
... از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ...
خود ... و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی
فرمود که مصاحبت ... کند پس نظر کن که با که
... و از حضرت صادق ع منقولست که ... ثوابیست برای نیکان ... بدان با نیکان ...
برای نیکان ... و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که با پنج کس مصاحبت
... مصاحبت مکن ...
... مصاحبت مکن با فاسق که او ترا ...
نزد ... و با بخیل مصاحبت مکن که ...
... مصاحبت مکن که ... قطع رحم کند مصاحبت مکن که

هفتم در سه موضع در قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت صادق ع فرمود که سزاوار نیست مسلمانان را که با فاجر
و احمق و دروغگو برادری کنند و حضرت رسول ص فرمود که سه کسند که هم نشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم دنی
و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان نزدیک مرو چندانکه
باعث جدائی میشود و از ایشان هم دوری مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی کن که خواهان آن باشد چنانچه میان گرگ
و میش دوستی نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی نباشد هر که نزدیک [illegible] رود [illegible] چسبیده هم چنین
هر که با بدکردار معاشرت کند از بدیهای او آموزد و هر که با مردم مجادله میکند دشنام میشنود و هر که در جای
بد داخل میشود متهم میشود و هر که با هم نشین بد نشیند سالم نمیماند و هر که زبان خود را نگاه ندارد پشیمان
میشود و از حضرت صادق ع منقولست که [illegible] بدعت [illegible] که نزد مردم
مثل ایشان خواهد بود و حضرت رسول ص فرمود که [illegible] در دین و مصاحب خود [illegible]
با احمق مصاحبت مکن [illegible] و از حضرت رسول ص منقولست که
حکیم [illegible] مردم کسی است که از صحبت جاهلان بپرهیزد و از حضرت صادق ع منقولست که کسی برادران مؤمن
[illegible] کرده است در برادری او [illegible]
که اجتناب نکند از مصاحبت احمق [illegible] و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که [illegible]
چنان نیکو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت میدهد و فرمود که هم نشینی با بدان [illegible]
است در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که نظر کن که هر که نفع دینی تو [illegible]
و از اعتنا ایشان [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که [illegible]
با کسی [illegible] باشد و نیکی با کسی که شکر تو نکند و علم که بکسی بیاموزی که [illegible]
بکسی بسیار که نگاه داری نکند و از حضرت امام موسی ع منقولست که در [illegible] با عالم [illegible]
بزرگ فرشتها [illegible] و از حضرت رسول ص منقولست که [illegible] بر حضرت عیسی ع گفتند که با که [illegible]
با کسی که خدا را یاد شما آورد و در علم شما بیفزاید سخن گفتن او و شما را [illegible] عمل او [illegible]
دیگر فرمود که با اهل دین نشستن شرف دنیا و آخرتست و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که [illegible] نشستن با کسی که اعتماد برادر
داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت [illegible] و در حدیث دیگر فرمود ع که با توانگران منشین که بنده او که با ایشان
می نشیند چنان میداند که خدا بر او نعمت [illegible] کمان میکند که خدا [illegible]
نداده و از حضرت رسول ص منقولست که چهار چیز است که دل را میمیراند گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار
سخن گفتن و با احمق بسیار مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و [illegible] و هم نشینی با مردگان گفتند یا رسول الله
مردگان کدامند فرمود توانگری که خدا او را فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که [illegible]
[illegible] فرمود که با اهل دین و معرفت هم نشینی کنید و اگر [illegible]
مصاحبت [illegible] و اگر [illegible] پس با صاحبان [illegible] که ایشان در مجالس [illegible]

و از حضرت امام موسی ع منقولست که سزاوار است که [illegible]

بد خود را نگاه دارد که [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که حضرت لقمان با پسر خود [illegible]
که [illegible] نظر کن که در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا میکنند با ایشان بنشین زیرا که اگر تو
عالم [illegible] علم تو زیاد میشود و اگر جاهلی ترا علم میاموزند و شاید که [illegible]
[illegible] با ایشان [illegible] و اگر [illegible] که یاد خدا نمیکنند با ایشان منشین که اگر عالمی
[illegible] زیاده میشود و شاید عذابی بر ایشان نازل شود و [illegible] با ایشان [illegible]

[illegible] باشی [illegible] و در حدیث دیگر منقولست که [illegible] خدا را یاد کنند و در حدیث دیگر [illegible]
[illegible] بر تو [illegible] هر [illegible] که [illegible] خدا از برای [illegible]
[illegible] و [illegible] ایشان باطاعت خدا [illegible] و نفعشان عظیم
و [illegible] فضیلت ایشان [illegible] استغفار [illegible] اهل جود و بخشش
که [illegible] ایشان [illegible] در خواهند [illegible]
با ایشان [illegible] ششم در خواهش [illegible] ایشان همتم در درگاه جمعیکه نزد ایشان
[illegible] ایشان [illegible] با ایشان هشتم در خانه ایشان
[illegible] ایشان واجب و حق ایشان لازم است [illegible] ساکن میشود
[illegible] ایشان [illegible] جمعیکه [illegible] ایشان [illegible]

هشتم در [illegible] و جواب [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] از حضرت صادق ع منقولست که مسلمانان را بر برادر [illegible] لازم است [illegible] سلام کنند و چون
[illegible] عطسه کند [illegible] و باید که عطسه میکند بگوید
[illegible] الحمد لله رب العالمین لا شریک له [illegible] بگوید یرحمک الله [illegible]
[illegible] منقولست که چون کسی عطسه کند [illegible] از حضرت امام رضا
[illegible] منقولست که [illegible] و در حدیث دیگر منقولست که [illegible]
[illegible] و در هنگام [illegible] فراموش میکند که خدا [illegible] شکر کند
[illegible] و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که [illegible]
[illegible] از حضرت منقولست که چون کسی عطسه
[illegible] الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بیته و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند با او بگوید
یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و در حدیث دیگر فرمود که [illegible] عطسه کند بگوید الحمد لله
[illegible] و از حضرت صادق ع منقولست که [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت صادق ع عطسه کردن [illegible] الحمد لله رب العالمین [illegible] گفتند رغم انف الله و عباد
[illegible] و از حضرت امیر المؤمنین ع [illegible] عطسه کردن بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال درد گوش و درد دندان نباید
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که عطسه [illegible] حمد الهی کند و صلوات بر محمد و اهل بیتش فرستد درد چشم
و درد دندان باو نرسد و فرمود [illegible] و در حدیث دیگر فرمود برای دفع درد دندان
و درد گوش که چون کسی عطسه کند حمد خدا بکند و در حدیث دیگر منقولست که [illegible] عطسه کرد آن حضرت با او گفتند
[illegible] و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت نماند [illegible] ملائکه
[illegible] و میگوید و اگر او بگوید الحمد لله رب العالمین ملائکه [illegible] و فرمود که عطسه [illegible] علامت
[illegible] و از حضرت صادق ع منقولست که عطسه نفع میبخشد [illegible] زیاده
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند و دست راست بر روی بینی گذارد و بگوید
الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم از سوراخ بینی چپ مرغی بیرون آید از ملخ کوچکتر
[illegible] عرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود کسی که عطسه

ما قوی اللهم لا تعذبنی و از حضرت صادق منقولست که مزاح کردن تا آبرو را می‌برد و مهابت را از مرد زائل میکند و در حدیث دیگر فرمود که مزاح
مکن که خشم را می‌برد و خوش طبعی مکن که بسبب آن مردم بتو جرأت میکنند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی منقولست که مزاح
کردن را بانی امیر و مردن میرساند آنرا که میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست و نمیخندید و حضرت
عیسی میگریست و میخندید و آنچه عیسی میکرد بهتر بود از آنکه یحیی میکرد و در حدیث دیگر مرویست که حضرت داود
بحضرت سلیمان میگفت که ای فرزند زنهار که خنده بسیار مکن که بسیار خندیدن آدمی را فقیر میکند در روز قیامت و
رسول خدا فرمود که تعجب دارم از کسیکه ایمان بجهنم دارد چگونه میخندد و حضرت صادق فرمود چه بسیار کسیکه بسیار خندد
از روی لعب و بازی در روز قیامت گریه‌اش بسیار باشد پس از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که مؤمن باید
عبوس و کرفته نباشد و کشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست اما بسیار خندیدن و بسیار خوش طبعی کردن
مذموم است [illegible] **فصل هشتم در بیان آداب عطسه و حمد و تسمیه‌ات**
[illegible] از حضرت رسول منقولست که [illegible] تا مؤمن با سیری و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان
[illegible] از حضرت صادق [illegible] که حضرت [illegible] در راه کسی که [illegible]
[illegible] فرمود که [illegible] که چه [illegible]
[illegible] سؤال میکند در قیامت و از حضرت رسول منقولست که [illegible] عیب مردم [illegible]
چند بینی که از خود چشم پوشیده مردم را سرزنش کند بر چیزیکه خود ترک آن نتواند کرد و آزار کند هم نشین خود را بچیزیکه
[illegible] از حضرت امام محمد باقر فرمود که مردم با مؤمن [illegible] جاهل [illegible] و اکر نه مثل او خواهد بود
و از حضرت صادق [illegible] منقولست که [illegible] کسیکه نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند
[illegible] خوارهی که نکند [illegible] کسیکه نان خورد با او و نیکی همسایگی نکند با کسیکه با او همسایگی کند و از حضرت
امام [illegible] منقولست که [illegible] زبان خویش [illegible] دعا خالص کردن برای مؤمنان و اکر نبود
[illegible] کنند [illegible] و حضرت رسول فرمود [illegible] مردم تا [illegible] دوست دارند و در حدیث فرمود
که سه چیز است که [illegible] برای برادر مسلمانش صاف و خالص میکرداند اول آنکه چون با او برخورد بخوشروئی
[illegible] آنکه جا برای او بکشاید چون نزد او بر نشیند سیم آنکه بهر نامی که او دوست ترمیدارد او را بخواند و
[illegible] عاقل است و در حدیث از حضرت صادق منقولست که چون یکی [illegible]
[illegible] و در حدیث صحیح دیگر فرمود که حضرت رسول
[illegible]
[illegible] غایب باشند تا مشرکون در
[illegible] حضرت رسول منقولست که چون [illegible]
[illegible] برادری و دوستی
[illegible] اکر شخصی برای کسی طعامی مهیا
کند [illegible] اکر شخصی با کسی مصاحبت و هم نشینی کند دهم معلوم نکند که
کیست و از کجاست [illegible] آنکه کسی بار نحو دیگران کند [illegible] باید بنائی بکند
و کسی نکند [illegible] و از حضرت امام موسی منقولست که بسیار بردباری خود و [illegible]
کرا بت [illegible] و از حضرت صادق منقولست که هر که از روی برادر مؤمن خود [illegible] برادر
[illegible] نکند در روز [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible]

کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول در چند روایت منقولست که عطسه بیماری را دفع میکند و پیغمبر را که مقارن
او واقع شود و علامت راستی این سخن است و از حضرت امام محمد باقر منقولست که عطسه را تا سه مرتبه دعا بکو و چون زیاده از
سه شود دعا مکن و در روایت دیگر منقولست که چون کسی عطسه کند سزاوار آنست که انکشت شهادت بر دو بینی
کذارد و بکوید الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی الله داخرا صاغرا غیر مستنکف ولا مستحسر
و هر کاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بکوید یرحمک الله و اکر زن باشد بکوید عافاک الله و اکر طفل باشد بکوید زرعک
الله و اکر بیمار باشد بکوید شفاک الله و اکر کافر ذمی باشد بکوید هداک الله و اکر پیغمبر یا امام باشد بکوید صلی الله علیک
علیک و در جواب بکوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت صادق منقولست که بسیار عطسه کردن ایمن میکرداند بدن را
اول جذام دوم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت و خشونت پرده های بینی پنجم برهنامی مو در چشم اکر
[illegible] کم شود عطسه [illegible]
حضرت امام محمد باقر منقولست که [illegible] عطسه کند [illegible]
[illegible] کند بار کوینید یرحمک الله و او در جواب بکوید یغفر الله
لکم و یرحمکم و از حضرت امام [illegible] واجب است نزد عطسه کردن و نزد کشتن
حیوانات و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که کسیکه آب دهان بجانب آسمان بلند نکند و فرمود که آب دهان
لعنت خداست و بعد از آن جهالتی بکنید و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که مؤمن آب دهان را بجانب قبله نیندازد
و اکر از روی فراموشی بیندازد استغفار کند و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که هر کاه کسی در نماز عطسه
کند [illegible] در نماز باشی بکو الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله
محمد اکر چه در میان تو و او دریا باشد **فصل نهم در بیان سر نکاهداشتن و عیب کردن [illegible]**
[illegible] سر نکاهداشتن و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا منقولست که [illegible] سر کوشی نکنند که موجب آزرده شدن
آن دیگری میکردد و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که هر که در میان سخن برادران مسلمانان سخن بکوید
[illegible] منقولست که مجالس با امانت است یعنی آنچه
[illegible] از حضرت رسول منقولست که
رنیست که پیغمبر اکرم عیبش پنهان دارد و او نقل کند مکر آنکه علی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر عیبها ان شخص
[illegible] حضرت رسول [illegible] مجلس [illegible]
[illegible] و از حضرت صادق منقولست که [illegible] و در حدیث
[illegible] از حضرت [illegible] فرمود که [illegible]
کردن از بدخلقی است و موجب خوشحالی برادر مؤمن میشود و بسیار بود که حضرت رسول مزاح میکردند با شخصی که او را شاد
کرداند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که در جماعت مزاح کند [illegible]
و از حضرت صادق منقولست که خندیدن مؤمن میباید تبسم باشد و صدا بلند نشنر باشد و در حدیث دیگر فرمود
که بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را میکدازد چنانچه آب نمک را میکدازد و فرمود که از قهقهه خندیدن است آنکه تبسم
[illegible] و در حدیث حسن دیگر منقولست که خنده بیجا از جهل است [illegible] حضرت امیر المؤمنین منقول
[illegible] فرمود [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible] مزاح میکنند که کینها بهم
[illegible] و از حضرت امام محمد باقر منقولست که چون خنده قهقهه بکنی بعد از فارغ شدن

یعنی هرکه خواهد که با ما باشد از برادر مؤمن برادر دینی خدا دوری کند از آنچه بر او میرسد و در حدیث منقولست که حضرت
رسول صلعم نهی فرمود از آنکه کسی بگوید بکسیکه روی تو و روی فلان چنانچه در فارسی میگویند نه بجان تو و جان فلان
و در حدیث دیگر فرمود که بدترین مردم جماعتی اند که مردم ایشان را گرامی دارند از ترس بدی ایشان بدرستیکه از من نیست
هرکه چنین باشد و از حضرت صادق ع منقولست که در ولد الزنا چند علامتست اول دشمنی اهل بیت رسالت ع دوم
آنکه مایل است بآن حرامیکه از آن خلق شده است سیم آنکه دین را خفیف و سبک میشمارد چهارم آنکه مردم را در حضور
ایشان آزار میکند و هیچ کس با مردم بدتر نمیخورد و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه ولد الزناست یا مادرش در حیض
باو حامله شده است و از حضرت رسول صلعم منقولست که زنهار که منازعه با مردم نکنید که کراهت را برد و عیب پنهان را
بر طرف میکند و پیوسته جبرئیل ع مرا نهی کرد از مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن
و از حضرت صادق ع منقولست که کینه مؤمن مادام که ... باشد ... برادر ... شود دیگر کینه
در دلش نمیماند و کینه کافر در تمام عمرش باشد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول
آمد و گفت مرا وصیتی بفرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را با روی گشاده و حضرت صادق ع فرمود که خوش خلقی
آنستکه پهلو را نرم کنی و سخن را نیکو کنی و با مردم بروی خوش برخوری و حضرت رسول صلعم فرمود که ... با مردم
برخوردن کینه را میبرد و حضرت صادق ع گفت که سه چیز است که از مکارم دنیا و آخرتست آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند
و پیوند کنی با کسیکه از تو ببرد و حلم کنی از کسیکه از تو بیخردی کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که خشم را فرو خورد خدا
عزتش را در دنیا و آخرت زیاد گرداند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که خشمی را فرو خورد و قادر باشد که آنرا
بعمل آورد حقتعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت **فصل نهم در فضیلت ذکر خدا در**
مجالس کردن از حضرت رسول صلعم منقولست که مبادرت کنید بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای
بهشت فرمود که حلقهای مجمعها که یاد خدا در آن کنند و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که در هر حال خدا را یاد کنید که او با
شما است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم از هیچ مجلسی بر نمیخاستند هرچند اندک
نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در احادیث معتبره منقولست از رسول خدا که یاد کننده
خدا در میان غافلان مانند کسیست که ... در میان ... که ... ثواب او ...
حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر مجلسیکه در آن جمع شوند نیکوکاران و بدکاران و برخیزند و یاد خدا
نکرده باشند آن مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان خواهد بود و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر گروه
که در مجلسی جمع شوند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبالست بر ایشان
در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در تورات نوشته است که تغییر نیافته است که
حضرت موسی ع از پروردگار خود سؤال کرد که خداوندا گاهی در مجلسی میباشم که ترا عزیز و جلیلتر میدانم از آنکه ترا در آن
مجلس یاد کنم حقتعالی جواب فرمود که ای موسی یاد من بر هر حال نیکوست و از حضرت صادق ع
منقولست که حقتعالی فرموده است ای فرزند آدم مرا یاد کن در جمع مردم تا ترا یاد کنم در جمعی که بهتر از جمع تو باشد و در حدیث
دیگر فرمود که حقتعالی میفرماید که هر که مرا یاد کند در میان جمعی از مؤمنان او را یاد کنم در جمعی از ملائکه و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که خواهد در قیامت ثواب کامل بیابد در روزیکه خواهد از مجلس برخیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما
یصفون و سلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين و در حدیث دیگر منقولست که کفاره گناهان آن مجلس میشود **فصل**
دهم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلعم و ائمه ع در مجالس و بیان حسرتهای
ایشان نمودن و احادیث فضایل ایشان را یاد کردن از حضرت رسول صلعم منقولست که هر جمعی که در مجلسی جمع شوند
و خدا را یاد نکنند و ما را یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت خواهد بود در روز قیامت و حضرت امام محمد باقر ع

فرمود که یاد کردن ما یاد خداست و یاد دشمنان ما کردن یاد شیطانست و از حضرت صادق ع منقولست که حقتعالی را ملکی چند است
که ایشان میگردند در زمین هرگاه بجماعتی برخورند که یاد محمد و آل محمد میکنند میگویند که بایستید که مطلب خود را
یافتیم پس مینشینند و با ایشان تفقه میشوند در امر دین چون ایشان برخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند
اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند و اگر غایب شوند جستجوی ایشان میکنند و در حدیث دیگر فرمود ملائکه که در
آسمانها اند نظر میکنند بسوی یک دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد ع ذکر میکنند پس بیکدیگر میگویند که نمی بینید
اینها را با کمی ایشان و بسیاری دشمنان ایشان که فضیلت آل محمد ع را ذکر میکنند پس طایفه دیگر از ملائکه میگویند
که این فضل خداست هر که خواهد میدهد و فضل خدا بزرگ است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد
باقر ع از جمعی پرسیدند که آیا شما با شیعیان بیکدیگر خلوت میکنید از علوم اهلبیت ع و فضایل ایشان آنچه میخواهید
میگوئید گفتند بلی یابن رسول الله حضرت ع فرمود والله که من دوست میدارم بوی شما را بدرستیکه شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری
کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزکاری و سعی در طاعات و در حدیث فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مؤمنان
یا زیاده مگر آنکه ملائکه مثل ایشان جمع میشوند و اگر چیزی از خدا میطلبند ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا میبرند
از شری دعا میکنند ملائکه که خدا آن بلا را از ایشان دور گرداند و اگر حاجت میطلبند ملائکه از خدا سؤال میکنند
که حاجت ایشان را بر آورد و جمع نمیشوند سه نفر یا زیاده از انکار کنندگان حق اهلبیت ع مگر آنکه ده برابر ایشان
از شیاطین حاضر میشوند و سخنیکه میگویند اگر میخوانند ایشان میخوانند و اگر مذمت دوستان خدا میکنند با
ایشان رفاقت میکنند پس اگر کسی از مؤمنان مبتلا شود بهم نشینی ایشان چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا
و شریک دشمنی شیاطین باشد که هیچ کس تاب مقاومت غضب خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند
و اگر نتواند برخیزد بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد و ... و از حضرت امام موسی ع منقولست که هیچ چیز
شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند مثل رفتن برادران مؤمن بدیدن یکدیگر از برای خدا بدرستیکه دو مؤمن
را بیکدیگر برخورند و یاد خدا میکنند پس فضیلت ما اهلبیت را یاد میکنند بر روی شیطان هیچ پاره گوشتی
نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه روحش با استغاثه در آید از شدت الم آنگاه ملائکه آسمانها و خازنان
بهشت بر آن مطلع میشوند و او را لعنت میکنند و هیچ ملک مقربی نمیماند مگر آنکه او را لعنت میکند پس ناامید
و ... میافتد و از حضرت رسول صلعم منقولست که زینت دهید مجالس خود را بذکر فضایل علی بن ابیطالب ع
... از فضیلتهای پیغمبران است و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی برای برادرم علی بن ابیطالب ع
چندان فضیلت داده است که از بسیاری احصا نتوان کرد پس هر که یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و اعتقاد گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده شود هرچند در قیامت با گناه جن و انس بیاید و هر که یک فضیلت از فضایل او را بنویسد
تا علامتی از آن کتابت باقی باشد ملائکه از برای او استغفار کنند و هر که گوش بدهد بفضیلتی از فضایل آن حضرت
خدا بیامرزد گناهانی را که بگوش کرده باشد و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضایل آن حضرت در آن
نوشته باشد خدا بیامرزد گناهانی را که بچشم کرده باشد **و در حدیث دیگر فرمود که هر که**
گرامی دارد برادر طالب علم را ... حق ... و بگشاید بسوی بهشت بدرستیکه ملائکه بالهای خود را
میگسترانند برای طلب کننده علم از رضا و خشنودی و استغفار میکنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمانها و در زمین
است حتی ماهیان دریا و فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت ماه است در شب چهارده بر باقی ستارگان **و در**
حدیث دیگر فرمود که اف باد بر هر مردیکه در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای
یاد گرفتن مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی میفرماید که مذاکره علم در میان بندگان من دلهای مرده را
زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که بیکدیگر ملاقات کنید و مذاکره کنید و حدیث بگوئید که حدیث دلها

مید هد بلها اید بسنگه دلها زنگ میگیرد چنانچه آهن زنگ میگیرد و جلاء دلها حدیث است و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که مذاکره ثواب نماز مقبول دارد

فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران و آداب آن

از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نفس خود را ظلم میباید از کسیکه مشورت مینماید برای خود از برای دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت نکن با جاهلان که از خداوند نترسند و دوستدار برادر مؤمن باشند و بهر کاری ایشان و پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش و اگر ترا به نیکی امر کنند مخالفت ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشورت کند و آنچه خیر او داند نگوید و از حضرت رسول ص منقولست که هر گروهیکه با یکدیگر مشورت کنند و در میان کسی باشد که نامش محمد یا احمد یا محمود یا حامد باشد البته آنچه خیر ایشان است برای ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق ع منقولست که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی بر تو مستقیم باشد مروت تو کامل باشد در کاری تو نیکو باشد در امور خود مشورت مکن با بنده و مردم و از حضرت رسول ص مرویست که مشورت مکن با جباران و ترسایان که راه بد را بتو مینمایند و مشورت مکن با بخیل که مانع میشود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشورت مکن با کسیکه حرص داشته باشد که زینت میدهد برای تو هر دو را اگر بد تر است و در حدیث دیگر فرمود با علی کسیکه طلب خیر از خدا کند حیران نمیشود و کسیکه در کارها با مردم مشورت میکند پشیمان نمیشود و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود هلاک نمیشود کسیکه مشورت کند و در حدیث منقولست بسیار بود که امام رضا ع با عقل کامل مشورت میفرمود با سیاهی از غلامان خود و میفرمود که بسا باشد که خدا خیرها را بر زبان او جاری بکند و در احادیث معتبره منقولست که با عاقل دیندار و پرهیزکار مشورت کن که چون چیزی بگوید خلاف آن مکن که مورد فساد دین و دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت صادق ع منقولست که هر که برادر مؤمنش با او مشورت کند آنچه خیر او داند نگوید حق عقل او را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کردن حدی چند دارد که هر که آن حدها را نداند مضرت مشورت برای او بیش از منفعت است اول آنکه کسیکه با او مشورت میکنی عاقل باشد دوم آنکه آزاد و متدین باشد سیم آنکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سر خود مطلع نما چنانکه خود چه ها را میداند و هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع میشود بمشورت و اگر آزاد و دیندار است آنچه خیر خواهی تو است میکند در خیر خواهی تو و اگر یار دوست دار تو است چون راز خود را باو گفتی اخفا میکند و بدانکه از برای فضیلت مشورت و اهتمام در آن همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را که اعقل مکونات بود در قرآن مجید امر بمشورت فرموده است که وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله یعنی مشورت کن با اصحاب خود در امور پس چون عزم کردی پس توکل کن بر خدا

فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن

از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مهربانی کن و مواصلت نما با برادران مؤمن در حضر با آنستکه بدیدن یکدیگر بروند و در سفر آنستکه نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجب است مانند جواب گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم اگرچه بعد از آن شعری بنویسی و میفرمود که باید بسم الله الرحمن الرحیم را بهتر از سایر چیزها که مینویسی بنویسی و در حدیث موثق از آن حضرت ع پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آن شخصی کنی که نامه بآن مینویسد پیش از نام خود کردن چون است فرمود باکی نیست که این امیست که او را میکنند و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت ع امر کرد که نامه بجلد بنویسند بدبست اجتناب دادند فرمود که چگونه میسازید که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید و حال آنکه انشاء الله را ننوشته اید پس فرمود که ببینید هر جا که ان شاء الله نباید بنویسید و در روایت صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که چون نامه را نوشتید خاک بر روی نامه بپاشید که حاجت

زود تر روا میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی النقی ع در اول نامه می نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم واذکر انشاء الله والامر بید الله و فرمودند که اگر بگویم کسیکه ترک گفتن و نوشتن لا بسم الله را در کارها و نوشتها نماید مثل کسی استکه نماز را ترک کند هر آینه راست گفته ام و از حضرت صادق ع منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال بر عقل و بینائی او میتوان کرد و از رسول و ایلچی او استدلال بر فهم و زیرکی او میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون نامه بار دیگر برای ما چیزی نویسی و خواهی که آن حاجت برآید بقلم بهای بر سر رقعه نویس بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون را و بگفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده میشد و در حدیث صحیح مرویست که از حضرت امام موسی ع پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع میشود یا باتش میتوان سوزانید هرگاه در آن ها نام خدا باشد فرمودند بلکه اول آب بشوئید و در حدیث صحیح مرویست از حضرت صادق ع پرسیدند که کاغذها را مسوزانید و لکن محو کنید و بدرید و در حدیث حسن منقولست که از آن حضرت پرسیدند که نامهائیکه نام خدا در آنهاست بدهان میتوان محو کرد فرمود بلکه بچیزی پاکیزه که باید محو کنید و از حضرت رسول ص منقولست که کتابت خدا و نام خدا را پاک کنید آنچه بپاید محو کنید و نهی فرمود انکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلم محو کنند و در بعضی از نسخها بجای قلم قدم است

باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن از آن و در گشادگی خانه

در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که از سعادت آدمی استکه خانه او گشاده باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام موسی ع خانه خریده و یکی از موالیان خود را فرمودند که در این خانه ساکن شو که خانه تو تنگست آنکس گفت که این خانه ایستکه پدرم احداث کرده است پدرم نمیتوانم رفت فرمودند که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز باید احمق باشی و از حضرت صادق منقولست که سه چیز است که راحت مؤمن است خانه گشاد ماستکه عیبها و امور مخفی او را از مردم پنهان دارد و زن صالحه که در امور دنیا و آخرت او را یاری کند و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون کند یا بمردن یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی ع منقولست که یکی از لذات زندگانی در گشادگی خانه است و بسیاری دوستان است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت دنیا در فراخی خانه و بسیاری دوستانست و از حضرت صادق ع مرویست که از شقاوت زندگانیست خانه تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی خانه شکایت کرد برسول خدا فرمود که آواز بسیار بلند از خدا طلب که گشادگی در خانه بدهد و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مردیست که فرزندش باو شبیه باشد و خانه گشاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شوم خانه در تنگی ساحت و بدی همسایگان بسیاری عیبهای آنست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادتست زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوتست همسایه بد و زن بد و خانه تنگ و مرکب بد و از حضرت صادق ع منقولست که از تلخی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و نان از بازار خریدن

فصل دوم در مذمت تکلف بسیار در خانه و بسیار بلند ساختن

در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که مالی از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط میگرداند عمارت کردن و خاک را بر آن که آن مال حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بنائی کند زیاده بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که عمارت کند زیاده از آنکه در آن سکنی نماید در قیامت او را تکلیف میکنند که آن را بردارد و از حضرت امام علی النقی ع منقولست که خدا در زمین خود بقعه چند قرار داده استکه آنها را مرحومات مینامند که دوست میدارد که نام او در آن بقعها برند و دعا بخوانند و اجابت دعای ایشان بنماید و خدا در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را منتقمات مینامند پس چون کسی مالی از غیر حلال کسب کرده باشد خدا یکی از آن زمینها را بر او مسلط گرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید

و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع از در خانهٔ شخصی گذشتند که از آجر ساخته بودند پرسیدند که این خانه
کیست گفتند فلان گفتند فلان مرد غافل مغرور [illegible] کردند صاحبش [illegible] حضرت فرمود که
از مرد غافل [illegible] است **و از حضرت رسول ص منقولست** که هر خانه بنا کنند از برای ریا و سمعه مردم
بر بینند [illegible] بشنوند [illegible] خانه را [illegible] پس او را
در جهنم اندازند و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر آنکه توبه کنند پرسیدند یا رسول الله برای ریا و سمعه ساختن
چه معنی دارد فرمود زیاده از قدر حاجت بسازد برای آنکه زیادتی کند بر همسایگان و فخر و مباهات کند با برادران و از
حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند
کند با او میگوید تا کجا میروی ای فاسق **و در حدیث دیگر** [illegible] و در چند روایت [illegible]
وارد شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع [illegible] جنیان و شیاطین در آن خانه جا میکنند
و در حدیث دیگر شخصی شکایت کرد بحضرت صادق ع که جنیان ما را اهل خانه و عیال ما میکنند حضرت پرسید
که ارتفاع سقف خانه تو چه مقدار است گفت ده ذرع است حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع بپیما و در
مابین هشت ذرع تا ده آیة الکرسی بنویس بر دور خانه زیرا که هر جا که ارتفاعش زیاده از هشت ذرع باشد بر سر هشت
آیة الکرسی بنویس و در چند حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد که جنیان سرا از خانه
بدر کرده اند حضرت فرمود که سقف خانهای خود را هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف خانه جا دهید راوی گفت که
چنین کردم دیگر بلائی ندیدم و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که بناء خانه خود را هفت ذرع کن آنچه
زیاده از هفت ذرع است شیطان در آنجا ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان و زمین نمی باشد بلکه در میان هوا می باشد
و در روایت معتبر منقولست که ابو خدیجه گفت که در خانه حضرت صادق ع دیدم آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند
و در جانب قبله نمازگاه آن حضرت نیز آیة الکرسی نوشته بودند **فصل ششم در نقاشی کردن و نقش**

کشیدن و صورت صاحب روح را کشیدن [illegible]
علما آنست که چنین صورتها بر دیوارها و خانها نقش کردن مکروه است و بعضی بحرمت قائل شده اند [illegible]
آنست که طلا کاری نکنند و مطلقا صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال اینها خصوصا در [illegible] اگر
تمام باشد و اگر صورتی کشیده باشد بهتر آنست که آن را ناقص کنند مثل آنکه چشم کور کنند یا عضوی از اعضا را
و از حضرت رسول ص منقولست که جبرئیل ع گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند و تو را
نهی میکند از مثالها و صورتها کشیدن در خانها و در احادیث معتبره از حضرت منقولست که جبرئیل ع
گفت که ما گروه ملائکه داخل خانه نمیشویم که در آن سگ باشد یا صورت بدن باشد یا ظرفی باشد که در آن بول
باشد **و در احادیث معتبره وارد شده که هر که صورت بسازد در روز قیامت**
او را تکلیف کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند از بالش و فرشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه باشد صورتیکه پامال شود و بر
روی آن نشینند و راه روند **و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که**
باکی نیست که صورتها در خانه باشد اگر سرش را تغییر دهند [illegible] باشد و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی ع منقولست که نماز مکن در خانه که صورتی برابر تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس سر آن صورت را قطع
کن و نماز بکن و در چند حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص مرا فرستادند که
هر صورتی باشد محو کنم و هر قبرها بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که
عبادت بر بالای قبرها مکنید [illegible] صورت در سقف خانها مکشید که حضرت رسول ص از برای دیگر کراهت داشتند

و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماه و فرمود باکی ندارد اگر صاحب جوهر نباشد
فصل چهارم در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی ع منقولست که سه چیز است که از مروت است
[illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible] از برای مهمان در کار است و زیاده از آن از شیطان است و در روایت دیگر منقولست که در خانه امام زین العابدین ع
بالشها و مندها بود که در آن تمثالها و صورتها و شکلها بود و بر روی آنها مینشستند **و در حدیث دیگر**
مرویست که جمعی از شیعیان [illegible] بالشها و فرشها نقش دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزها میبینیم که
خوش نمیآید [illegible] فرمودند که زنان ما [illegible] ایشان را میدهیم ایشان آنچه خواهند از برای خود میخرند
[illegible] **و در حدیث دیگر** منقولست که شخصی بخدمت امام محمد باقر ع رفتند دید که آنجا
[illegible] نشسته اند که فرشها [illegible]
[illegible] پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت امام محمد باقر ع عرض کرد که شخصی میپسندد زر [illegible]
[illegible] صورتها هست فرمود که اینها را تعظیم میکنند چنین فرشها را دشمن میداریم او را **و در حدیث**
[illegible] امام موسی ع پرسیدند از فراش حریر و دیبا آیا بود که آن می توان خوابید
[illegible] و نماز کرد حضرت فرمود [illegible] **و در**
[illegible] حضرت امام رضا ع [illegible] و در زمستان بر روی پلاس
[illegible] پوشیده اند [illegible] **و در**
[illegible] امیرالمؤمنین ع و فاطمه ع را زفاف کردند پوشش ایشان [illegible]
[illegible] پوست گوسفندی بود و بالش ایشان پوستی بود که میان آن لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث [illegible]
که حضرت صادق ع فرمود که بسیار است [illegible] که در آن صورت مرغان است
پیش جامه بود [illegible] و نماز میکنم [illegible] ایشان پوشیده بودند و در آن صورت مرغان
نقش کرده بودند فرمود که [illegible] **و در حدیث دیگر منقولست**
از آنجناب ع پرسیدند که گاهست [illegible]
کنند و پهن کنند و بر روی آن راه روند باکی نیست [illegible]
[illegible]
جناب امیرالمؤمنین ع حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرش و شمشیر [illegible]
و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ع [illegible]
داده بودند که در آن بیابانی بود و در آن بیابان که جائی از برای نماز گاه خود و چون شب میشد طفلها را خود با آن حجره برده
و در آنجا نماز میکردند **و در حدیث موثق دیگر** منقولست که آن حضرت ع نوشتند به مسمع که
دوست میدارم از برای تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و در جامه کنده که [illegible] وضو بگیر و از خدا
سؤال کنی که نور را از آنش [illegible] و نور داخل [illegible] کنی و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای خود را مثل گور
خود مکنید چنانچه یهود و نصاری کردند که نماز را در معبدها میکردند و خانهای خود را معطل کردند
بدرستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار میشود با هاش برفاقت و برکت میباشد و آن خانه روشنی میدهد
اهل آسمان را و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که خانه که مسلمانی در آن قرآن خواند اهل آسمانها

ان خانه را بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمان را اهل زمین بیکدیگر مینمایند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خانه که در ان قرآن خوانده میشود و یاد خدا در ان کرده میشود برکت آن خانه زیاد میشود و شیاطین دور میشوند و روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه که در ان قرآن خوانده نمیشود و یاد خدا در ان نکنند برکتش اندک میشود و ملائکه دوری میکنند و شیاطین در ان خانه دوری میکنند و حاضر میباشند

فصل ششم در نگاه داشتن حیوانات در خانه خصوصا کبوتر و خروس از حضرت رسول ص منقولست که حیوانات در خانهای خود نگاه دارید که شیاطین بانها مشغول میشوند و اطفال شما را ضرر نمیرسانند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خوبست حیوانات نگاه داشتن در خانه مثل کبوتر و مرغ و بز غاله تا اینکه اطفال جنیان با ایشان بازی کنند و با اطفال بازی نکنند **و در حدیث معتبر منقولست که** شخصی بحضرت رسول ص شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمود که یکجفت کبوتر در خانه نگاه دار و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که کبوتر از مرغان پیغمبرانست و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران حرم نسل کبوتران چند اند که حضرت اسمعیل ع نگاه داشته بودند و بان ها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتر چند نگاه دارند که بالشان را چیده باشند که با ایشان انس بگیرند و در حدیث حسن دیگر فرمود که خانه که در ان کبوتر باشد افتد از جن با اهل ان خانه میرسد زیرا که بچهای جن بازی میکنند و در خانه که در ان خانه کبوتر است مشغول ان میشوند و متوجه ادمی نمیشوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگاه دارید که دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح است و هیچ در خانه مثل ان با عث این نمیشود و از جناب امام موسی ع منقولست که هر بالیکه کبوتر میزند باعث نفرت کردن شیاطین میشود **و در روایت دیگر** از داود بن فرقد مرویست که گفت در خانه حضرت صادق ع کبوتر نا عیی دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود که میدانی این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود نفرین میکند بر قاتلان امام حسین ع پس این را در خانه خود نگاه دارید و در حدیث دیگر منقولست که داود بن کثیر گفت که بخدمت پدر آن حضرت رفتم دیدم که از برای کبوتر چند که در خانه آن جناب بودند نان ریزه میکردند و در حدیث دیگر از عبد الکریم منقولست که گفت رفتم بخانه آنجناب دیدم که سه کبوتر سبز در خانه آنجناب بود عرض کردم که اینها خانه را کثیف میکنند حضرت فرمود که مستحب است نگاه داشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که جناب امیر المؤمنین ع چاهی کنده بودند خبر دادند بانجناب که جنیان سنگ در ان چاه میاندازند حضرت آمدند و بر سر آن چاه ایستادند فرمودند که دست از این عمل بردارید و اگر نه کبوتر در اینجا میگذارم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیطان را دفع میکند و از محمد بن کراهه منقولست که گفت بخدمت امام موسی ع رفتم یکجفت کبوتر در منزل حضرت دیدم کبوتر سبز بود و نقطهای سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت نان از برای اینها ریزه میکردند که اینها در شب حرکت میکنند و مونس منند و هر چیزی که در شب بال میزنند جنیان و شیاطینی که داخل خانه شده اند دفع میکنند و در حدیث چند از حضرت صادق ع منقولست که کبوتر را که بجاده هر میفرستند تا سه فرسخ راه میرود و از روی امانت بر میگردد و انچه زیاده از این است از روی تطاول است بلکه نان خورش و نفقه برات را هم باور و در چند حدیث منقولست که کبوتر خانگی با کبوتر با هو یاد خدا بسیار میکنند و اهلبیت را دوست میدارند و صاحب خانه را دعا میکنند که خدا برکت میدهد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که خروس بال کشاده سفید که در خانه باشد از ان خانه و هفت خانه دور و اطراف ان بلاها نگاه میدارد و یکبال زدن کبوتر در ان بهتر است از هفت خروس سفید **و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید** یار من و یار هر مؤمنی است و از حضرت امام موسی ع منقولست که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران است سخاوت و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیار جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نماز کردن خروس نماز او است و بال زدنش رکوع و سجود او است

منقولست که دشنام ندهید خروس را که او برای نماز مردم را بیدار میکند **فصل هفتم در بیان گوسفند و بز** در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که هر اهل ایمان یک گوسفند در خانه دارد خدا روزی آن گوسفند را با ایشان بدهد و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان یک مرتبه دور شود و اگر دو گوسفند نگاه دارد حق تعالی روزی انها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و پریشانی از ایشان دو مرتبه دور شود و اگر سه گوسفند نگاه دارد حق تعالی روزی انها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و پریشانی از ایشان در اصل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرمود که [illegible] [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که هیچ خانه نیست که در ان گوسفند باشد مگر آنکه ملائکه [illegible] او میشود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برکت فرستاده است بر آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از امام جعفر صادق ع منقولست که هر اهل خانه که سه گوسفند در هر شب داخل خانه ایشان شوند ملائکه محافظت ایشان میکنند تا صبح و در حدیث دیگر [illegible] فرمود که [illegible] [illegible] از بدن پاک کنید **فصل هشتم در بیان اقسام جانوران و ذکر بعضی از آنها** [illegible] [illegible] با خشم در خانه حضرت امام [illegible] [illegible] حضرت [illegible] فرمود که میدانید چه میگوید عرض کردند نه فرمود که میگوید [illegible] فرمود که قاتلان را دفع میکنم پیش از آنکه او ما را دفع [illegible] فرمود که [illegible] [illegible] حضرت صادق ع بجانب اسمعیل فرزند خود آمدند دیدند که فاخته در قفس کرده و فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث شده است ترا که این فاخته را نگاه داشته مگر نمیدانی که این شوم است مگر نمیدانی که نفرین میکند صاحب خود را پس آنرا بفروش کبنید چیزی از انکه شما را نفرین کند و در حدیث معتبر منقولست که روزی حضرت صادق ع نشسته بودند شخصی گذشت و پرستوک کشته در دست داشت آن حضرت برجستند و آن را از دستش گرفته بر زمین زدند و فرمودند که ای عالم مثل شما الحمد کرده است [illegible] [illegible] تعلیم شما باید ساخت که خبر داد مرا پدرم از جدش صلوات الله علیه که رسول ص نهی فرمود از کشتن شش جانور مگس عسل و مورچه و وزغ و صرد و هدهد و پرستوک اما مگس عسل زیرا که پاکیزه میخورد و پاکیزه از او حاصل میشود و انست که خدا باو وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس و در اینجا کر فرموده است و اما مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان بهم رسید و بطلب باران ان حضرت با اصحاب بیرون رفتند ناگاه مورچه را دیدند حضرت که پا ایستاده و دست به آسمان دراز کرده و میگوید پروردگارا ما از خلقی از خلق توایم و از روزی بی نیاز نیستیم [illegible] [illegible] [illegible] حضرت سلیمان ع [illegible] [illegible] [illegible] و اما وزغ زیرا که چون نمرود لعین آتش برای حضرت ابراهیم ع افروخت جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر ان آتش بریزند حق تعالی هیچیک را رخصت نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث آن از آتش سوخت و یکثلث آن باقی ماند و اما هدهد زیرا که ان دلیل حضرت سلیمان ع بود بسوی ملک بلقیس و اما [illegible] [illegible]

[illegible]

دارد و کنجشک را شکار میکند و برای کره ماهی حضرت آدم ع بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده بکماه و اما پرستک و برادرکرد پلپان

در هوا بر او تاسف واند و حرامست که بر مظلومیت اهل بیت رسالت پناه ع دارد و تسبیحش خواندن سوره حلالیت میکند

تا بیکند در آخر خوانندیکه میکوید ولا الضالین و در حدیث صحیح منقولست از حضرت امام موسی ع پرسیدند از کشتن

هدهد فرمودند که آزارش مکن و بکش و ذبحش مکن [illegible] پرسیدند از کشتن هدهد فرمودند که آزارش مکن و بکش و ذبحش مکن

[illegible] از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از کشتن پنج جانور

[illegible] مرغ بسته کردن در پنجاه [illegible] باشد و صعود و نشستن [illegible] و کس عسل و چه و وزغ

و در کشتن پنج جانور کلاغ و کور و کوره و قاده عقرب و سک درنده **و در حدیث دیگر فرموده که**

حضرت رسول ص فرمود که هر که مار را بکشد چنانستکه کافر را کشته است و در حدیث موثق منقولستکه حضرت

امام موسی ع پرسیدند از کشتن مار حضرت فرمودند که حضرت رسول ص فرموده که هر که مار را برای اینکه بکشد که کشته

ان کناهست از من نیست اما اکر برای این نکشی که جوانی است و بیوا زاد ریحیزانید باکی نیست و در حدیث دیگر منقو

حضرت رسول ص نهی فرمود از انکه حیوانرا باتش بسوزانند و از حضرت صادق ع منقولستکه حق تعالی عذاب فرموده زنرا

از برای انکه کربه را بسته بود تا انکه از تشنکی مرده بود و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولستکه [illegible]

بلا دید کو زیاده از همه مرغان انس بمردم میکرد و ذکر کمیکوید سوره ی خواند **و در حدیث معتبر از**

حضرت امام رضا ع منقولستکه در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته است که آل محمد خیر البریه یعنی آل محمد بهترین

خلق خدایند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولستکه چون هدهد رادشنام مدهید با طفال که یاد

میکنند که تسبیحش اینست که لعن الله مبغضی آل محمد یعنی خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت

علی ابن الحسین ع منقولستکه [illegible] حضرت سلیمان ع [illegible]

روزی نوع ماده خود خواستکه جمع شود و ماده مضایقه میکرد نر کفت میخواهم فرزندی بهم رسد که خدا را یاد کنند

پس ماده راضی شد چون خواستکه تخم بکذارد نر کفت تخم را کجا میکذاری میخواهم که دور از راه بکذارم نر کفت که

اکر نزدیک راه بکذاری بهتر است که اکر کسی بیاید کمان کنند که برای دانه چیدن باین جا امده ان چنین کرد چون نزد

که جوجه را بیرون اورد ناکاه دیدند که حضرت سلیمان با لشکرش میاید و مرغان بر سرش سایه کرده ماده کفت که اینک

سلیمان با لشکرش رسید و میترسم که ما را پامال کنند نر کفت که حضرت سلیمان مرد رحیم و مهربانست ایا نزد تو چیزی

هست که برای جوجه خود پنهان کرده باشی کفت بلی ملخی دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه نر کفت بلی

[illegible] دارم ماده کفت پس تو خرما خود را بردار و من ملخ خود را بر میدارم و بنزد حضرت سلیمان ع رویم

وهدیه خود را میکذرانیم و حاجت خود را عرض میکنیم [illegible]

و ماده ملخ را پیش کذاشت [illegible] حضرت سلیمان ع

بر جوجه ایشان را دید [illegible] تخت حضرت نشست و ماده نیز نزد حضرت سلیمان

[illegible] سلیمان ع هدیه ایشانرا قبول کرد و لشکر خود را از انجانب تخم

ایشان [illegible] حضرت باین سبب

و در حدیث معتبر [illegible]

مکیند [illegible]

شکار کنید **و در حدیث دیکر** [illegible] امام رضا ع منقولستکه [illegible]

[illegible]

[illegible] امام رضا ع [illegible]

[illegible] حضرت فرمود که هیچ حیوانی [illegible]

[illegible]

است و در حدیث دیگر منقولستکه طاوس [illegible] حضرت [illegible] طاوس [illegible]

حضرت فرمود که طاوس مرغ مسخ شده [illegible]

منقولستکه [illegible] حضرت فرمود [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امام [illegible]

[illegible] امام رضا ع منقولست [illegible]

[illegible]

و در حدیث دیگر [illegible]

[illegible]

چون اهلی کرد شکار کند ... که در بدن ... فرو رود و آن را بکشد اگر چه ... داشته باشد
... حلال است و همچنین اگر ...
... شکار کنی ...
حیوان وحشی باشد و بکشد حلال است اگر نه حرام است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که شکار
[illegible]
و همچنین ... شکار ...
بسیار کراهت کرده اند و همچنین مکروه است ماهی شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز و در شکار ماهی شرط
است که آن را زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب بمیرد اگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان او را بگیرد
[illegible]
است و اگر ... بگیرد ... است و ... احتیاط اجتناب است و شکار ...
[illegible]
... باشد و ... نماز ... تمام باید کرد و روزه باید گرفت و اگر طلب
روزی ... باشد حلال است و نماز ... باید کرد و روزه را باید خورد ...

فصل دهم در آداب چراغ افروختن

... به احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که چراغ ها را در شب ...
... موش ... که آتش ... حضرت صادق منقولست که چهار چیز است که ضایع
میشوند ... روغن ... ضایع میشود ...
[illegible]
[illegible]
و برای ... که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که
چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب ... و در حدیث معتبر منقولست
[illegible]
از حضرت صادق منقولست که چون چراغ را ... بخواند اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی
الناس ولا تحرمنا نورک یوم نلقاک واجعل لنا نورک انک نور لا اله الا انت و چون چراغ را خاموش کند بگوید
اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور و در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که هر که خانه بسازد سنت است که
... و در حدیث معتبر از حضرت منقولست که هر که خانه بسازد پس گوسفندی ...
بکشد ... پس بگوید اللهم ادفع عنی مردة الجن والانس والشیاطین وبارک لی فی
بنائی ... دفع ... از جن و انس و شیاطین ... و آن خانه ... را از برای او مبارک گرداند

فصل یازدهم در بیان آداب خانه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که کراهت دارد ... در خانه ... پرده نداشته باشد و در حدیث از حضرت رسول
... در خانه ... نازل شود ...
... و کسی که ... چهار پای خود را سر دهد و سنگ بر آن بگذارد و کسی بر آن ...
و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست ... خانه خود جاروب کنید ...
... جاروب ... و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که ... خانه را

... در خانه ... که شیطان در آن جا ... امام محمد باقر فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را
برطرف میکند و حضرت رسول فرمود خانه شیاطین در خانه شما جائیست که عنکبوت تنند و در حدیث موثق از حضرت
صادق منقولست که دهان ظرفهای آب و طعام را ببندید که شیطان در بسته و ظرف بسته را نمی گشاید و چراغ را خاموش
کنید که موش آتش را در خانه شما میندازد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول در ...
[illegible]
برای خواب ... و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که
هر که ... بول کند یا غایط کند یا ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا با دست آلوده بطعام بخوابد شیطان
او را بگیرد و دیوانه کند ... در هیچ حال ... مثل این احوال ...
[illegible]
بگیرید ... داخل ... شود ... و یک شخص تنها رفت ...
انگشت ... بسم الله اخرج یا خبیث انا رسول الله ...
برخواست و در حدیث دیگر منقولست از حضرت ...
گفت در فلان موضع حضرت فرمود که در آن جا کسی با تو هست ... فرمود که در خانه تنها مباش ...
بخوابند ... شیطان ... و در حدیث
معتبر از حضرت رسول منقولست که دستمال گوشت را شب در بوریا مگذارید که آن جا خوابگاه شیطان است
و چون بحجره خود بروید بسم الله بگوئید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام کنید که برکت
نازل ... از حضرت رسول منقولست که ...
و در و بیرون ... جای نشستن شیطان است و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که پاک کنید خانه های
خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق
... شستن ظرفها و جاروب کردن ... روزی را زیاد میکند و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که ... عنکبوت ... در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول
منقولست که دستمالیکه دست را ... پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در بوریا مگذارید که آن خوابگاه شیطان
و از حضرت صادق منقولست ...
شیطان ...
... و از حضرت رسول منقولست که چهار ...
[illegible]
... و در حدیث دیگر معتبر منقولست که حضرت رسول ... فرمود
از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی شش خصلت را برای ... نخواسته است ...
... برای امامان از فرزندان من و شیعیان ایشان ... بازی کردن در نماز و فحش گفتن
در روزه و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجد ها رفتن و در قبرستان خندیدن و در خانه
مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول در حجره بعضی از زنان بودند شخصی
در کاه در آن حجره نظر میکرد حضرت فرمود که اگر نزدیک میبود چشمش را کور میکردم

فصل دوازدهم در خانه در آمدن و بیرون رفتن از حضرت رسول منقولست که ...
بیرون میرود ... خدا را خلقی چند هست که ...
... توکلت علی الله ما شاء الله

و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که [illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر ع منقولست [illegible]

[illegible] **باب سیزدهم در آداب سوار شدن [illegible] رفتن و [illegible]**

[illegible] از حضرت صادق ع منقولست [illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر [illegible] منقولست که [illegible]

[illegible] و در روایت دیگر منقولست که [illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد تقی ع منقولست [illegible]

[illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر [illegible] منقولست [illegible]

[illegible] و در روایت دیگر منقولست [illegible]

[illegible] از حضرت امیرالمؤمنین [illegible]

[illegible]

و از حضرت امام محمد باقر منقولست که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول منقولست که میمنت اسب در سرخ ... و بیا پیشانی ... حضرت صادق منقولست که از من طلبید ... پاهایش ... باشد

فصل دوم

در آداب نگاهداشتن و رعایت حقوق چهارپایان و حدیث معتبر از حضرت رسول

منقولست که چهارپا را بر صاحبش شش حق است ... براو عرض کند ... و بر رویش چیزی نزند ... در وقتیکه جهاد کند در راه خدا و زیاده از توانائی بارش نکند و تکلیف ... نکند ... **و از حضرت صادق** منقولست ... **و از حضرت صادق** منقولست که هر که چهارپائی را در سفر ... و علف ... پیش از آنکه خود چیزی ... حضرت رسول فرمود که هر کس ... جهارپایان ... منقولست ... صاحب ... که مستحق ... **و در حدیث معتبر منقولست** که ... از حضرت صادق ... که عدالت ... و در روایتی ... حضرت امام زین العابدین ... **حضرت امام جعفر صادق** ... امام موسی منقولست که هر چهارپائی که خواهد ... سوار شود ... میگوید اللهم اجعله ... و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق منقولست ... شخصی ... از رسول خدا ... که فرمود ... میکند که هر روز از خدا سؤال میکند که خدایا روزی کن مرا صاحب ... که مرا از علف سیر ... **و در حدیث موثق از صفوان** ... حضرت امام جعفر صادق ... پس ... چهارپایان ضعیف ... **و در حدیث دیگر از امام ... منقولست** ... **و در حدیث** ... حضرت رسول منقولست ... هر شتری شیطانی ... **و در حدیث معتبر دیگر منقولست** ... بهشت ... **و در حدیث** ... و از حضرت صادق منقولست که هر که بر شتر ... سوار شود ... و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه چهارپائی ... باو بگوید ... هلاک شود ...

معتبر از حضرت رسول منقولست که اگر ... بر دم کند و پا بر ... و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهارپایان ... بالکه ... بایستاده ... و ... حضرت علی ... **و از حضرت علی بن الحسین منقولست که**

حیوانات از چهار چیز غافل نمیباشند پروردگار خود را میشناسند و هر که را میدانند ... و از حضرت صادق پرسیدند که ... در وقت چون ... **فصل سیم در آداب زین و لجام** بدانکه ... آنست که زین و لجام ... از طلا و نقره نباشند ... که بر روی ... سوار شوند ... زنان بر زین سوار شدن کراهت شدید دارد و **در احادیث معتبره وارد شده** که از جمله ... در آخر الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار شوند و بروایت حسن از حضرت صادق منقولست که ... برای زنان **و بسند معتبر از حضرت** امام محمد باقر که جایز نیست زن را سوار شدن بر زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی پرسید که آیا سوار میتوان شد بر اسبی که زین و لجام او از نقره باشد فرمود اگر ... کرد ... **و در حدیث دیگر از حضرت** صادق منقولست که ... حضرت رسول ... از نقره بود و در احادیث معتبره ... حضرت رسول ... امیر المؤمنین فرمود که ... سوار مشوید ... شیطان ... **و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین** بر قطیفه سرخ سوار میشدند و در حدیث دیگر منقولست از حضرت صادق پرسیدند از پوست جوانات درنده مانند پوست ببر ... فرمود ... و در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که فرمود که ... **و از حضرت امام موسی** منقولست که در بینی هر چهارپائی شیطانی هست که چون خواهید آنرا لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که هر چهارپائی ... در وقت لجام کردن ... و اگر ... بخوانید ... افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون **فصل**

چهارم در ادعیه و آداب سواری بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که چون کسی سوار چهارپائی شود بسم الله بگوید ... و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطان ... بگوید ... بسم الله لاحول ولا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین البته محفوظ باشد ... و از حضرت رسول منقولست که هر که سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت ... **و از حضرت امیر المؤمنین** منقولست که چون سوار شوید بر چهارپایان خدا را یاد کنید و بگوئید سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و از علی بن ربیعه منقولست که حضرت امیر المؤمنین ... الحمد لله الذی کرمنا وحملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات ...

سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه سبحان الله ... پس سه مرتبه ... سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و فضلنا علی کثیر ممن خلق تفضیلا سبحانک
مرتبه الله اکبر فرمودند پس بسیار خواندند رب اغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت
صادق ع پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند بسم الله الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و هفت مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه
الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند **و در روایت دیگر منقولست که چون آن حضرت**
سوار میشدند این دعا میخواندند بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی
ربنا لمنقلبون و از حضرت رسول ص منقولست که بر کوهان شتر شیطانی هست که چون سوار شوید چنانچه فرموده است
بگوئید سبحان الذی سخر لنا هذا ... **و در حدیث ... منقولست که چون ...**
حضرت امیر المؤمنین ع ... پا در رکاب میگذاشتند این دعا میخواندند اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و من تحویل عافیتک
و من فجاءة نقمتک و در حدیث دیگر منقولست که ... صادق ع شکایت کرد که دابه دارم در هنگام رفتن ...
میایستد حضرت فرمود که این آیه را در گوشش بخوان او لم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون و ذللناها
لهم فمنها رکوبهم و منها یاکلون **و در حدیث حسن از حضرت صادق ع** منقولست که لازم است سواره خبر
کند پیاده گان را که از ایشان ...
تا بد کنند ... فرمود که هر که ... سواره ...
و موجب منت ... است **و در حدیث دیگر از ... منقولست که**
گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع رفتم فرمود که چهارپائی برای من بگیر کرایه الاغی و استری دیدم کرایه کردم و استر را
پیش بردم که حضرت سوار شود فرمودند که الاغ بیاور که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است و استر خود سوار شو پس
الاغ آوردم و رکاب را گرفتم چون سوار شدند گفتند الحمد لله الذی هدانا للاسلام و علمنا القرآن و من علینا بمحمد ص
و آل محمد و الحمد لله الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین پس روانه شدند در اثنای
راه دیدم که الاغ شوخی در رفتار میکرد حضرت خود را بیش از پیش جنبانیدند عرض کردم یابن رسول الله مگر شما را از ابتدا
سستی فرمودند که ... رسول خدا الاغ داشتند و اسمش عفیر نامیدند و چون سوار میشدند تا آنکه آن حضرت بران
سوار شد داشت شوخی در رفتار میکرد ... آن حضرت را بحرکت میاورد آن حضرت خود را بیش از پیش جنبانیدند
و میفرمودند اللهم لیس منی و لکن من عفیر یعنی خداوندا این از من نیست و لکن این جلدی ... از عفیر است من نیز چنین کردم
...
... سوار میشوند و باشما و زمین بر رفتار ...
... **و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست** که ... اشتر
... پیش رو ... خود خوانند ... میکنید و آن ... شما ... حضرت امیر المؤمنین
منقولست ... **... در ...**
پیاده رفتن و بعضی از آداب ... در آداب کفش ... پوشیدن گفتن و در حدیث معتبر از حضرت ...
منقولست که راه رفتن حسن ... و در حدیث حسن از حضرت رسول ص منقولست که زنان باید در کنار راه تردد کنند
و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پا برهنه احق است بمیان راه از کسیکه کفش
پوشیده است **و در حدیث معتبر منقولست که امام زین العابدین ع** چنان بهم وار راه میرفتند که گویا
مرغ بر سر آن حضرت نشسته است ... پرواز کند و دست راست آن حضرت بر دست چپ نمی‌گرفت **و در**
حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که راه رود بروی زمین از روی خیلاء و تکبر لعنت کنند
او را زمین و آنچه در زمین است و آنچه در بالای زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه که گوشه کنند است ...

... ایشان ... دروغ بگوید ... از ... روی ... است ...
عادت کنند و در حدیث دیگر فرمود ...
ایشان ... **و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ... در ...**
تواضع و شکسته ... پیغمبر ...
... **و در حدیث ... فرمود ... که ...**
و ...
که بر داشتن عصا پریشانی را بر طرف میکند و شیطان ملعون نزدیک او نمی‌آید **و از حضرت صادق ع**
منقولست که اگر مرد غافل ... متوجه ... اول ... خود را ...
خود فرار ... نفس خود را ... باشی و در هر قدمی از ...
و در رفتار ... خود را ...
مواضعی که در آن ذکر خدا کرده میشود شهادت میدهند برای او در قیامت و استغفار میکنند برای او تا داخل بهشت شود و در
راه با مردم ... که ... شیطان ...
در طاعت خدا باشد و رفتارت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خدا است بدرستیکه تمام حرکات تو در نامه عمل تو نوشته
میشود **فصل ششم در نگاه داشتن گوسفند** و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص
پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود زراعتی که صاحبش کرده باشد و در وقت درو کردن حق خدا را بدهد گفتند از زراعت
دیگر کدام مال بهتر است فرمود کسی که گوسفندی چند داشته باشد و همراه آب و علفی بابد ... و نماز را بجا آورد
و زکات مالش را بدهد گفتند بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاو در بامداد و پسین شیر بدهد گفتند
بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود آنها که پا در گل فرو برند و در خشکسالی میوه میدهند یعنی درختان خرما فرمود
که نیکو مالیست درخت خرما هر کس آنرا بفروشد ... مانند خاکستری است که بر سر کوه بلندی در روز بادی کنند مگر
آنکه بجای آن درخت خرما دیگری ... پرسیدند بعد از درخت خرما دیگر کدام مال بهتر است حضرت ...
شتر ... فرمود که در شتر مشقت و تعب و دوری از منزل است و صبح و شام خرج میخواهد
و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند ... و ... رو به بهشت کرده است و در ... پشت میکند
رو به بهشت کرده است و شتر ... شیطان است ...
یعنی ... برای صاحبش نفعی ندارد ... یا رسول الله ...
که نگاه خواهد داشت فرمود که ... **و در حدیث معتبر**
دیگر فرمود ...
که بر شما باد بنگاه داشتن گوسفند ... و در حدیث معتبر دیگر منقولست که
فرمود که شتر باعث عزت اهلش است **و در حدیث دیگر فرمود** که ... حضرت
صادق ع ... فرمودند که شتر از برای ... باید که ... صورت باشد ... و در حدیث
دیگر فرمود که شتران سرخ موی ... باشد و از حضرت رسول ص منقولست که ...
... **و در حدیث ... از حضرت ...** امام زین
العابدین ع ...
منقولست ...
و ...

[illegible]

و این سبب هر کاری چنین شد و از شرم نگاه بجانب اسمان میکند و از حضرت رسول منقولست که نخرید شتر را که فضلهٔ
ادمی خورد و سوارش مشوید تا چهل روز ان را علف بدهید و علما خوردن شیر و گوشت شتر جلاله را حرام دانسته و سوار شدن اکره
میدانند و ان حکم را در باب حیوانات دیگر هم فرموده اند پاک کردن انها بان است که علف بخورانند با نها در مدتی چند که تا
هر یک مفرسی است در کتاب تمام اسناد مذکور است. **فصل هفتم در اداب خریدن و نگاه داشتن**
حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که چهارپایی بخرد در جانب چپ او بایستد و پیشانی
بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سورهٔ حمد و قل هو الله و معوذتین و اخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن تا اخر سوره و اخر
سورهٔ بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره و ایة الکرسی پس چون چنین کند ان چهارپا ایمن باشد از افتها
و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون کنیزی خواهی بخری بگو اللهم انی استشیرک
و استخیرک و چون حیوانی خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولهن حیوة و اکثرهن منفعة و خیرهن عاقبة و در حدیث صحیح
منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی سؤال کرد که ایا داغ دابه را بر رویش میتوان زد و در گوشش داغ میتوان کرد فرمود که
باکی نیست حرام نیست اما مکروه است **و در حدیث موثق** منقولست که از حضرت صادق پرسیدند از داغ کردن حیوانات
فرمود که در غیر رویش میباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول نهی فرموده از انکه رو حیوانات را داغ کنند یا چیزی
بر روی ایشان زنند زیرا که تسبیح پروردگار خود میگویند و در حدیث دیگر از انحضرت پرسیدند از داغ کردن روی گوسفندان
فرمود که داغ بر گوش بکن اما بر روی ان بزنید و از حضرت رسول منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات ناخن شیر
در پستان بگذارید تا دوباره جمع شود و اگر تمام بدوشید شیر برنمی اید **و در حدیث دیگر فرمود** که خوابگاه
گوسفندان را پاک کنید و اب چیز از بینی انها بیرون اید پاک کنید و نماز در خوابگاه انها بکنید که گوسفندان حیوانات بهشت اند و از
حضرت امام موسی منقولست که صفیر میکنید برای گوسفندان در وقت دمیدن و صحابه بنیاد ایشان را برای برکت نیکوست و در
حدیث معتبر منقولست که از حضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر منقولست که
کراهت دارد خصی کردن حیوانات و بجهت ان دفعش انها باکی نیست فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین در راهی گذشتند
که حیوان بر بر ... میکشیدند و در میان راه حضرت دو کره دیدند و فرمودند که سزاوار نیست چنین کنند که این
منکر و قبیح است بلکه باید باید دو جانب را مساوی کنند که مرکب و زن ننمایند **و در حدیث معتبر منقولست**
که از حضرت صادق پرسیدند که دنبهٔ گوسفند زنده را میتوان برید فرمود که اگر غرض نوابی باشد که مال خود را
با صلاح اورد باکی ندارد این میته است و از ان منتفع نمیتوان شد بلکه مشهور در میان علما و موافق احادیث
اگر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد ان قدر که گوشتش و استخوانش از ان بسته شود گوشت ان حرام است و هرچه از ان گوسفند
معلوم باشد که نسل ان حرام است و هرچه معلوم نباشد حلال است و اگر چند شیر خورده باشد در این حالت نسبه
باشد گوشت و شیر ان مکروه است و گراه است بابن برطرف میشود که اگر هنوز شیر خورد هفت روز شیر گوسفند را
بخورد و از شیر ان اگر باز گرفته باشند ان را هفت روز علف و دانه ان بخورانند **و در حدیث**
صحیح منقولست که شخصی عریضه بخدمت امام علی النقی نوشت که زنی بزغاله ماده را شیر
داده است تا بحدیکه از شیر باز گرفته اسنان را الحال ان بزغاله فرزندی هم رسیده است و شیر ده هم شیرا نام مشهور
خورده در جواب نوشتند که فعل مکروهی کرده است و باکی نیست خوردن شیر ان **فصل هشتم در بیان**
مجمل احوال و اقسام حیوانات در احادیث معتبره از حضرت صادق منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا
و صحرا نیست که ذکر ان ماهیات ... انکه ان تسبیحی که دارند ضایع میکنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع وحشیان و مرغان و جانوران
و درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا انکه فرزندان ادم برادر را کشت پس از یکدیگر نفرت کردند دگر بخشیدند و هر حیوانی
بشکل خود میل میکنند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت یعقوب بفرزندان خود گفت که زنا مکنید که مرغ ...

پره‌ی از درخت و میمون بوده‌اند که خدا ایشان را غضب کرد و پیشه زنی بود که استهزا به پیغمبران میکرد و ستایش از خود مسخ شد
و در روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل آمد و در برابر استهزاء با و بکرد و بصورت شیش سبز شد و در چلپاسه خاطر از
بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند **و در حدیث صحیح وارد شده**
که خادیثی مردی که خلق بود **و در بعضی روایات** وارد شده است که زهره و سهیل که مسخ شده‌اند ستاره
[illegible]
سبز میشوند و فرمود که چلپاسه میکشی غسل بکن **و در روایت**
این‌ها مسخ شده‌اند زیاده از سه روز نمانده‌اند و مردند حقتعالی بصورت ایشان
کرد تا دیگران عبرت بگیرند از بدن ایشان و مثل اعمال ایشان نکنند **و از حضرت**
[illegible]
بصر ارفتند و بسبب ضعف ایشان بد ریا
[illegible]

در احادیث معتبره و نسبته پیغمبر در منع آن
خواهد مال از حلال جمع کند که آن مال را خود دارد از سؤال

حفظ نماید و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند و در حدیث دیگر فرمود که استعانت بجوئید بدنیا بر آخرت
[illegible]
حسن [illegible] حضرت پرسید که ما طلب میکنیم و دوست میداریم که مال دنیا بما داده شود فرمود برای
چه میخواهی آن را گفت برای آنکه خرج [illegible] صله رحم کنم و تصدق کنم و حج و عمره بکنم فرمود که [illegible]
این کسب کردن طلبیدن خود نیست **و در حدیث دیگر** فرمود که [illegible]
نماید بهتر است از کسی که برای آخرت بدارد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از علماء اهل سنت [illegible] امام محمد باقر
رسید در روز نیم گرمی دید که آن حضرت بر دو غلام تکیه کرده و براه میروند گفت [illegible]
منافی [illegible] برای طلب دنیا بیرون آمده [illegible] چه خواهد کرد حضرت فرمود که اگر
[illegible]
دارم سؤال کردن از تو و دیگران [illegible]
و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که حقتعالی خطاب نمود
[illegible]
[illegible] روز که در خانه نشسته‌اند و میگویند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت [illegible] عبادت میکرد و حقتعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانند که
[illegible] ایشان جماعتی بودند که عبادت میکردند و چون وقت نماز میشد
نماز میشدند و این بهتر است از کسی که عبادت نکند و نماند و مشغول بکسب **و در حدیث** [illegible]
[illegible] از حضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید من در خانه مینشینم و نماز میکنم و روزه
[illegible]
[illegible]

...هد بار است فرمود که طلب روزی [illegible]
آن حضرت احوال شخصی را پرسیدند گفتند که پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغول است گفتند در خانه نشسته
[illegible]
[illegible]
منقولست که [illegible]
احسان کند روز قیامت رو او مانند شب چهارده باشد **و از حضرت رسول** منقولست که
عبادت هفتاد جزء است بهترین آنها طلب حلال است و در حدیث دیگر فرمود که هر که شب بخوابد و مانده باشد
از طلب حلال چون شب [illegible] آمرزیده باشد **و در احادیث معتبره منقولست** که چون در دکان را
بگشائی [illegible] و در احادیث معتبره از حضرت رسول
منقولست که در حجة الوداع فرمود که [illegible] روح الامین در دل من دمید که هیچ صاحب جانی نمیرد تا آنکه روزی
مقدر خود را تمام بخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب روزی مکنید و [illegible]
[illegible]
[illegible]
آن‌ها مقدر که میشود [illegible] **از حضرت صادق** منقولست
که اکثر [illegible] مبالغه مینمایند در طلب [illegible] و در احادیث
معتبره از حضرت منقولست که خدا روزی مؤمنان را از جائی میرساند که گمان ندارند
چون ندانند که روزی ایشان از کجا است دعا بسیار میکنند و در احادیث معتبره از حضرت صادق منقولست
[illegible]
[illegible]
عن الحجوة [illegible] **[illegible]** از امیرالمؤمنین
[illegible] فرمود که ای گروه سوداگران الفقه ثم المتجر و الله که ربا خفی تر است از جای پای مورچه
[illegible] و قسم دروغ مخورید که تاجر فاجر در جهنم است مگر حق بگیرد و حق بدهد [illegible]
منقولست که هر که سودا میکند از پنج چیز اجتناب کند سود خوردن و عیب متاع پوشیدن و مدح کردن
فروشنده و [illegible] **و در حدیث معتبر منقولست** که امیرالمؤمنین هر روز بام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در بازار کذا [illegible] اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها حقتعالی موکل گرداند ملکی را که او و متاع
[illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک من ان اظلم او اظلم و اعوذ
بک من صفقة خاسرة و یمین کاذبة [illegible]
[illegible]

مناسب تسویه توانید و زر و زن نوکر و پایند است حلال و طیب مباراید ودر حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست کهچون داخل بازار شوید بخوان [illegible] اللهم انی اسئلک من خیرها وخیر اهلها واعوذ بک من شرها وشر اهلها اللهم انی اعوذ بک من ان اظلم او اظلم وابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی علی اللهم انی اعوذ بک من شر ابلیس وجنوده ومن شر فسقة العرب والعجم وحسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ودر حدیث دیگر منقولست که چون در بازار یا مسجدی شوید بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له والله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله ودر احادیث بسیار وارد شده **ودر حدیث معتبر** منقولست که هر که در بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله حقتعالی هزار هزار حسنه از برای او بنویسد ودر حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که داخل بازار شود و نظر کند به شیرین و ترش و الوان و بگوید اللهم ارزقنی من فضلک واستجیر بک من الظلم والغرم والمأثم لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اعوذ بک من الظلم والمأثم والغرم حقتعالی بعدد هر که در بازار است از پیش و غیر پیش ثواب برای او بنویسد **واز حضرت امیر المؤمنین** منقولست که یاد خدا در بازار بسیار بکنید در وقتیکه مردم مشغول دنیا باشند که کفاره گناهان شما باشد و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید که محتاج خود را از بازار بخرید در وقت داخل شدن بازار بگوئید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله **منقولست که هر که در وقت** داخل شدن بازار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر بعدد آنچه خدا آفریده است تا قیامت او را ثواب کرامت فرماید ودر حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه اینها را بخوان اللهم انی اشتریته التمس فیه من خیرک فاجعل لی فیه خیرا اللهم انی اشتریته التمس فیه من رزقک فاجعل لی فیه رزقا **ودر حدیث** دیگر مرویست که حضرت امام رضا فرمود که متاعیکه میخرید بدست بگیرید و بنویسید که لنا فیه الله [illegible] تا آنکه برکت داشته باشد ودر حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون خواهی چیزی بخری بگو یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسألک بعزتک وقدرتک وما احاطت به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها عاقبة فانه لا خیر فیما لا عاقبة له و فرمود که چون حیوانی یا بنده خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولها حیاة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة **ودر حدیث حسن** از آن حضرت منقولست که چون خواهی چهارپائی یا بنده بخری سه مرتبه این را بخوان اللهم انی اسئلک ان تجعله طویل العمر کثیر النفع سهل المؤونة الناجبة فان اشتریتها فان کانت شرا فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب ودر روایت دیگر مرویست که چون خواهی کاری کنی و از قرآن شنیده باشی که هر که شغلی بر او دشوار شده باشد دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و بعد از سلام بگوید این دعا بخواند اللهم انی عبدک اسئلک من فضلک کما امرتنی فارزقنی من فضلک رزقا حسنا واسعا حلالا طیبا واعطنی بما رزقتنی العافیة وقد وقفت بحول الله وقوته لا بحول منی ولا قوة ولکن بحولک وقوتک وابرأ الیک من الحول والقوة اللهم انی اسألک برکة هذا الیوم وبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد واله الطیبین **ودر حدیث دیگر از حضرت امام رضا** منقولست که چون خواهی متاعی بخری بسم الله و [illegible] آیة الکرسی بخوان و بنویس در میان متاع که او این دعا بخوان وآیة الکرسی بنویس وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون لا یضیع علی حفظ الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب

العرش العظیم چون چنین کنی متاع از هر بلائی ایمن ماند و فرمود که اگر ناگاه نفعی برسد بخوان اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک فی قبضتک ناصیتی بیدک تحکم فیّ ما تشاء وتفعل ما ترید اللهم فلک الحمد علی حسن قضائک وبلائک اللهم انک رزقتنی ورزقک وانا عبدک خولتنی حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرک والصبر علیه حتی اصیب اللهم لا تحرمنی ثوابه ولا تنسنی من خلقه او فی دنیای وآخرتی انک علی ذلک قادر اللهم انا لک وبک والیک ومنک ولا املک لنفسی نفعا ولا ضرا **ودر حدیث معتبر از حضرت رسول** منقولست که بدترین بقعها زمین بازارهاست وآنها میدان شیطانست هر وقت ابلیس علم خود را در بازار نصب میکند و بدو کرسی خود را میگذارد و بازوهای خود را میگشاید و فرزندان خود را پهن میکند که او را فریب ده [illegible] یکی ترازو را کم میکشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری گز را میبرد و دیگری راس المال را دروغ میگوید و فرزندان خود را میگوید که بر شما باد به آنکه پدر شما است یعنی حضرت آدم ته ندید و شما زنده است اول کسیکه وارد بازار میشود و آخر کسیکه بیرون میرود و بیرون برود بدترین بقعهای زمین نزد خدا مسجدها است و بهترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد میرود و دیرتر بیرون میآید **ودر حدیث دیگر فرمود** که از امام جعفر صادق منقولست که فرمود که هر چیزی از مردم که بر ایشان دشوار است سودا با ایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه نکنید که ایشان گروهی اند از جنیان که حقتعالی پرده از ایشان برداشته است و در احادیث بسیار وارد شده است که معامله مکنید با جماعتیکه مرضی از ایشان ظاهر است مانند خوره و پیسی و در احادیث دیگر فرمود که با کسیکه سودا میکنید که در میان نماز تشویش نکرده باشید و در حدیث دیگر فرمود که از مردم کم از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارند سوال سودا مکنید **ودر حدیث دیگر** فرمود که از قابل کسیکه [illegible] مؤمنیرا و فرمود که حضرت رسول نهی فرمود از آب در شیر کردن ودر حدیث حسن منقولست که حضرت امام [illegible] فرمود که در بازاری فروشند قماش را که نماید و این غش است و غش کردن حلال نیست و فرمود کسیکه [illegible] حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی او نمیفرماید واز حضرت امیر المؤمنین منقولست که قسم مخورید که اگر چه متاع را رواج میکند اما برکت را میبرد واز حضرت رسول منقولست که سفیه شد و محروم از روزی خدا بر کسیکه نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست و فرمود که قافله که متاع آورد کسی از بیرون شهر استقبال نکند بگذارد که داخل شوند و شهری وکیل بیرون شود و متاع فروختن برای بادیه نشینان بعضی از مسلمانان را به بعضی دیگر روزی میدهد ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ناخوش مکن که فرزند خود را بفرستی بدیکه در میان مردم [illegible] قرابت ... که فروشی سه مکن [illegible] که سالم نیست از نقصی که دانستن برای کراهت و بسیار فریب میکند و کسیکه کفن فروشی میکند که بدترین مردم کسیست که مردم را فروشند **واز حضرت رسول** منقولست که فرمود که ... غلامی بخشیدم و نهی کردیم او را که حجامت کند ... اما اجرت حجام اگر بی مزد حجامت کند و شرط نکند و آنچه بعد از آن بدهند قبول کند باکی نیست ودر بعضی احادیث منقول شده است **ودر حدیث دیگر منقولست** که شخصی از حضرت صادق پرسید از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد دادن مکروه است که کتابها و شعرها و رسالها و مثل اینها مشروط نسازند اول شرط مزد خود را بکن فرمود که بلی اما بشرطیکه اطفال نزد تو برابر باشند و بعضی را زیادتی ندهی ودر حدیث دیگر منقولست که ما را بعضی عرض کردند که سنیان میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ گویند دشمنان خدا میخواهند که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند و اگر دیه فرزند خود را به معلم ببخشد برای او حلال است و بهتر آنست که اول شرط مزد کند و آنچه ... قرآن را فروشید کاغذ و جلد را بفروشید و قصد فروختن نوشته نکنید ودر حدیث صحیح از امام

بوده منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که تمام شب
بیدار باشد برای کسب کردن و بهره دنیا خود را خواب نکند [illegible] آنکه کسبش حرام است و اکثر علما حمل شد بر کراهت کرده اند و در چند
حدیث معتبر از آن حضرت منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری بمردم باجاره بدهد روزی بر خود حرام کرده و خود را از روزی
خود [illegible]

فصل یازدهم در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن

از علی بن ابی حمزه منقولست که حضرت او [illegible] وادید که در زمین خود کار میکرد پا [illegible] حضرت دنا و فرد رفته بود گفت [illegible]
خوشی خدمتکاران بکجا رفته اند که شما خود اینکار میکنید فرمود که بایشان در زمین کار کردند بهتر از شما بیکن بوده است
[illegible] حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین [illegible] پیغمبران و اوصیا و ایشان
[illegible] در حدیث معتبر از حضرت صادق [illegible]
[illegible] در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت
[illegible] قرار داده است تا از قطره باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود
زراعت کنید و درخت بنشانید که مردم [illegible] پاکیزه تر نمیکنند والله که زراعت خواهید کرد و درخت خواهید
[illegible] در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که بهترین اعمال زراعت است که
از آن نیکوکار و بدکار میخورند **و از حضرت صادق ع منقولست** که کیمیای بزرگ زراعت است و در حدیث
دیگر فرمود که زراعت کننده کان در گنجهای مردم مند میکارند و زراعت نیکو و پاکیزه خدا کرامت میفرماید و ایشان در
قیامت [illegible] از همه مردم بهترند و منزلت ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشان را در آن روز مبارکین میخوانند
و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت پرسیدند که [illegible] فرمود که زراعت کنند که [illegible]
[illegible] **در حدیث** معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
[illegible] در زمین زراعت میکردند [illegible] و حضرت رسول ص [illegible] مبارک میکردند [illegible]
فرو میبردند و در زمین [illegible] و حضرت امیر المؤمنین ع هزار غلام از کد یمین خود خریدند و آزاد کردند و در
حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت امیر المؤمنین ع آمد دید که زیاده از [illegible] هسته خرما بار کرده اند [illegible]
[illegible] فرمود که صد هزار درخت خرما است [illegible] در باغستان خود کشتند یکی از آنها خطا نشد **و در
حدیث معتبر از ابی عمرو منقولست** که گفت دیدم که حضرت صادق ع دو جامه کهنه پوشیده بودند
بیلی در دست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم فدای تو شوم بده من کار کنم
فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب برای طلب معیشت **و در حدیث معتبر** دیگر وارد
است از حضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن با آنها منتفع میشود بعد از مرگ فرزند صالحی که برای او
استغفار کند و مصحفی که از او بماند [illegible] و چاهی که بکند و درختی که بکارد و [illegible]
در میان مردم بگذارد که بعد از او مردم با او عمل کنند **و در حدیث حسن از آن حضرت** منقولست که
هیچ چیز آدمی بعد از آن نمیگذارد که او دشوار تر باشد از زر راوی گفت که چه کنند فرمود که باغ و خانه
بخرد [illegible] و در حدیث دیگر منقولست که هر که زمین را با آب بفروشد عوض آن زمین و آب
دیگر بخرد [illegible] و منفعت از آن نشود **و فصل دوازدهم در آداب زراعت**
کردن و درخت کشتن [illegible] از امام جعفر صادق ع منقولست که چون حضرت آدم
بزمین آمد محتاج خوردن و آشامیدن شد پس جبرئیل ع نازل گردید جبرئیل گفت که زراعت بکن آدم ع گفت دعا
[illegible] جبرئیل گفت که بگو اللهم اكفني مؤنة الدنيا وكل هول دون الجنة والبسني العافية حتى تهنئني المعيشة
و در حدیث [illegible] از حضرت صادق ع منقولست که چون خواهی زراعت کنی [illegible] بگیر [illegible]

[illegible] فاخرجنا [illegible] وانتم تزرعونه ام نحن الزارعون پس بگو الله [illegible] حبا مبارکا و ارزقنا [illegible]
[illegible] **و در روایت دیگر فرمود** که چون دانه را بپاشی بگو اللهم قد بذرنا و انت الزارع فاجعله حبا متراکبا و در
حدیث دیگر فرمود که دو وقت درخت [illegible] بر [illegible] الوارث [illegible]
[illegible] **و در روایت دیگر** فرمود در درخت کشتن و زراعت کردن [illegible]
[illegible] اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها **و از حضرت امام محمد باقر** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت صادق ع منقولست که هر که خواهد درخت خرما خوب بار بیاورد [illegible]
[illegible] بکند [illegible] پاکیزه [illegible]
[illegible] از آن حضرت منقولست که درخت [illegible]
[illegible] درخت خرما [illegible]
برید چون نشست فرمود که [illegible] بهتر باشد [illegible] خوب نیست زیرا که [illegible] در شهرها که نیست و حضرت
امام رضا پرسیدند که چون است درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را بجای درخت انگور کشت و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که [illegible] و از حضرت رسول ص منقولست که حضرت ع
[illegible] ایشان [illegible] شکایت کردند [illegible] درخت خرما [illegible]
[illegible] میریزد و بعد از آن [illegible] بسبب کرم در میوه هم میریزد [illegible]
چون چنین کردند کرمها از میوه های ایشان برطرف شدند **و حضرت صادق** [illegible] در درخت سدر
آب [illegible] که مؤمن را [illegible] باشد فرمود که [illegible] آنکه میوه
[illegible] چون مردم [illegible]
[illegible] **و فضیلت**
[illegible] سفرهای نیک و ایام و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق ع منقولست [illegible]
[illegible] باید که [illegible] سفر بکند [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که سفر [illegible]
[illegible] در حدیث [illegible] از حضرت صادق ع پرسید [illegible]
[illegible] فرمود که [illegible] روز [illegible]
و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی ع آمد و گفت میخواهم بسفر روم برای من دعا کنید فرمود
در چه روز میروی گفت در روز دوشنبه فرمود از برای برکت آن روز برای آنکه حضرت رسول ص در روز دوشنبه متولد شد
حضرت فرمود دروغ میگویند حضرت رسول ص در روز جمعه متولد شده است و هیچ روزی شوم تر از
روز دوشنبه نیست حضرت رسول ص در روز دوشنبه وفات کرد و وحی از ما منقطع شد و در آن روز
[illegible]
گفتم بلی فرمود که آن روز شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع که هر که اراده سفر داشته باشد
در روز شنبه سفر کند [illegible] در روز شنبه [illegible]
[illegible] در روز سه شنبه طلب کند آن روزیست که آهن برای حضرت داود نرم شده است [illegible]
[illegible] حضرت رسول ص [illegible] روز [illegible] شنبه [illegible]

میدانند و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که مکروهست سفر کردن و صبح کردن در حالی که در بام داد روز جمعه از برای آنکه مبادا از نماز بازماند تا بعد از نماز از برای آنکه مبادا از نماز باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که با کی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا منقولست که هر که در چهار شنبه آخر ماه سفر کند برو ان جماعتی که بهال بد مبتلا شدند از بلا نگاه داشته شود و حاجتش را خدا برآورد

و در بعضی روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سیم ماه و در روز چهارم و پنجم و روز سیزدهم و شانزدهم و روز بیست و یکم و بیست چهارم و روز بیست پنجم و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست سیم ماه برای سفر خوب نیست اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود رعایت روزهای هفته کردن اولیست زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبره منقولست که هر که سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت خوب نیست

فصل چهارم در بیان تصدق کردن در سفر

و دعا و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که تصدق کن در هر روز که خواهی سفر کنی تا روی و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آن حضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزها مانند چهار شنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر بتصدق کن و هر وقت که خواهی برو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که

در بیان بعضی از ساعات

عمیر گفت که در علم نجوم نظر میکردم و طالعها میشناختم و در خواطره چیزی مییافتم شکایت کردم بخدمت حضرت موسی فرمود که هر گاه در دل خود چیزی بیابند بعضی از کارها احتیاط کردن در این باب بخدمت حضرت موسی تصدق کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حق تعالی ضرر آن را از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که هر که در اول روز تصدق کند حق تعالی نحوست آن روز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین بر بعضی از مزرعهای خود میرفتند برونه بیرون با خود برمیداشتند و هر چه بیشتر میشد تصدق میکردند و در رکاب میگذاشتند و چون از خدا با بچه بیشتر میشد تصدق میدادند و این تصدق فرا میگرفتند خدا این جناب را سلامت میکردند شکر و حمد الهی میکردند با بچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بخدمت حضرت صادق عرض کرد که من مبتلا شده ام به علم نجوم و کاری که میخواهم بکاری روم بطالع نظر میکنم میبینم که در طالع شر هست نشستم و نرفتن میکنم و اگر طالع خیر می بینم میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده میشود با حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجوم را بسوزان

حضرت فرمود که

و سید بن طاوس ره روایت کرده است که چون خواهی متوجه سفر شوی در وقتی که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سفر حمد و معوذتین و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و آخر آل عمران ان فی خلق السموات والارض تا آخر سوره بخوان پس بگو اللهم بک یصول الصائل و بک یطول الطائل و لا حول لکل ذی حول الا بک و لا قوة لکل ذی قوة الا منک اسئلک من صفوتک من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و سلالته علیه و علیهم السلام صل علیه و علیهم واکفنی شر هذا الیوم و ضره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی متصرفاتی بحسن العاقبة و بلوغ المحبة والظفر بالامنیة و کفایة الطاغیة الغویة و کل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة و ابدلنی فیه من المخاوف امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد و لا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر والامور الیک تصیر یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی منقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست و سگی که دم اعلام کرده و گرگی که برو بدم خود نشسته باشد و بر روی او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوئی که از طرف راست بیاید از جانب چپ و برود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید مو که رو بروی او بیاید و ماده الاغ که دم بریده باشد پس کسی که از دیدن آنها وسوسه در خاطرش بهم رسد بگوید اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک چون اینها را بگوید ضرر با او نرسد و در حدیث دیگر منقولست که چون پیش از سفر تصدق کنی در دفع مصدق فاین

ما بخوان اللهم انی اشتریت بهذه الصدقة سلامتی و سلامة سفری و من معی فسلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل و بعد از تصدق بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید و من کل شیطان مرید بسم الله دخلت بسم الله خرجت اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله ما شاء الله فی سفری هذا ذکرته ام نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها و انت الصاحب فی السفر و الخلیفة فی الاهل اللهم هون علینا سفرنا و اطو لنا الارض و سیرنا فیها بطاعتک و طاعة رسولک اللهم اصلح لنا ظهرنا و بارک لنا فیما رزقتنا و قنا عذاب النار اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل والمال والولد اللهم انت عضدی و ناصری اللهم اقطع عنی بعده و مشقته و اصحبنی فیه و اخلفنی فی اهلی بخیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

فصل پنجم در آداب غسل و نماز و دعا در وقت

بیرون رفتن سید بن طاوس ره روایت کرده که چون اراده سفر کند سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و علی ملة رسول الله والصادقین عن الله صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر به قلبی واشرح به صدری و نور به قبری اللهم اجعله لی نورا و طهورا و حرزا و شفاء من کل داء و آفة و عاهة و سوء مما اخاف و احذر و طهر قلبی و جوارحی و عظامی و دمی و شعری و بشری و مخی و عصبی و ما اقلت الارض منی اللهم اجعله لی شاهدا یوم حاجتی و فقری و فاقتی الیک یا رب العالمین انک علی کل شیء قدیر

و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست

که هیچ خلیفه ای در اهل خود بهتر از آن نگذارد که در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی و ابن طاوس گفته است که در رکعت اول قل هو الله و در رکعت دوم انا انزلناه بخواند و در حدیث معتبر است که چون حضرت امام محمد باقر اراده سفری میکردند عیال خود را در سفره ای میکردند و اینها را دعا میکردند اللهم انی استودعک الغداة نفسی و اهلی و مالی و ولدی و شاهدنا و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک و سید بن طاوس روایت کرده است که بعد از نماز این دعا بخوان اللهم انی استودعک الیوم نفسی و اهلی و مالی و ولدی و من کان منی بسبیل الشاهد منهم والغائب اللهم احفظنا بحفظ الایمان واحفظ علینا اللهم اجعلنا فی رحمتک و لا تسلبنا فضلک انا الیک راغبون اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الارض والمال والولد فی الدنیا والآخرة اللهم انی اتوجه الیک بهذا التوجه طالبا مرضاتک و تقربا الیک فبلغنی ما اؤمله و ارجوه منک و فی اولیائک یا ارحم الراحمین و اگر خواهد این دعا بخواند اللهم خرجت فی وجهی هذا بلا ثقة منی بغیرک و لا رجاء آوی الیه الا الیک و لا قوة اتکل علیها و لا حیلة الجأ الیها الا طلب فضلک و ابتغاء رحمتک و التعرض لرحمتک و سکونی الی حسن عائدتک و انت اعلم بما سبق لی فی علمک فی وجهی هذا مما احب و اکره اللهم فاصرف عنی مقادیر کل بلاء و مقضی کل لأواء و ابسط علی کنفا من رحمتک و لطفا من عفوک و سعة من رزقک و تماما من نعمتک و جماعا من معافاتک و اوقع علیه یا رب جمیع قضائک علی موافقة جمیع هوای و حقیقة املی و ادفع عنی ما احذر و ما لا احذر علی نفسی مما انت اعلم به منی و اجعل ذلک خیرا لآخرتی و دنیای مع ما اسئلک ان تخلفنی فیمن خلفت ورائی من ولدی و اهلی و مالی و اخوانی و جمیع حزانتی و افضل ما تخلف فیه غائبا من المؤمنین فی تحصین کل عورة و حفظ کل مضیعة و تمام کل نعمة و دفاع کل سیئة و کفایة کل محذور و صرف کل مکروه و کمال ما یجمع لی به الرضا والسرور فی الدنیا والآخرة ثم ارزقنی ذکرک و شکرک و طاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا اللهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و جمیع اخوانی اللهم احفظ الشاهد منا والغائب اللهم احفظنا واحفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک و لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من نعمتک و عافیتک و فضلک و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت صادق اراده سفر میکردند این دعا را میخواندند اللهم

حمل سبیلنا حسن سیرنا واعظم عافیتنا و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول اراده سفری مینمودند ابتدا
میخواندند در وقتیکه متوجه سفر میشدند اللهم بک انتشرت والیک توجهت وبک اعتصمت وانت ثقتی ورجائی
اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم له وما انت اعلم به منی اللهم زودنی التقوی واغفرلی ووجهنی الی الخیر حیثما توجهت
و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر منقولست که هر که اراده سفر نماید دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز
[illegible]
[illegible]
کرده است چون برون رود بر در خانه بایستد و سوره حمد و آیة الکرسی را بخواند و بگوید
[illegible]
اللهم صل علی محمد و آل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم الراحمین اللهم بلغنی
[illegible]
السلام [illegible] بالمعونة [illegible]
والاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه الیک و باید عاشر بخواند بسم الله وبالله وتوکلت علی الله واستعنت بالله و
[illegible] الی الله وفوضت امری الی الله ربنا منت بکتابک الذی انزلت [illegible]
انت ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک وعظمت آلاؤک ولا اله غیرک
[illegible]
[illegible]
صادق [illegible] اللهم احفظنی واحفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما معی [illegible]
[illegible]
ما احد [illegible] یا ارحم الراحمین و باید [illegible] بخوانند اسأل الله الذی [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که [illegible] اللهم انت الصاحب فی السفر والخلیفة فی
[illegible] فی الاهل والمال والولد [illegible]
بخواند چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومن علینا بمحمد [illegible] سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له
مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر [illegible]
[illegible] الرحمن [illegible]

فصل چهارم در آداب [illegible] بیرون رفتن و بیان چیزهای که باید با خود برون [illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول [illegible] فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] من الصالحین [illegible]
الاجلین [illegible] علیه والله علی ما نقول وکیل و در روایت دیگر از حضرت
منقولست [illegible] زمین [illegible] از [illegible]
[illegible]
بگیرد و بسینه خود بچسباند چون چنین کرد [illegible] بدانکه از جمله چیزهای که باید
با خود در سفر داشته باشد تسبیح تربت حضرت سید الشهداء است چنانچه منقولست که حضرت صادق [illegible]
[illegible] امام حسین [illegible]
باعث ایمنی از هر خوف و بیم میشود و فرمود که هر گاه کسی خواهد که او را از هر بلا ایمن کرداند [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] من خلقک الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف [illegible]
حصینة [illegible] اهل بیت نبیک [illegible] الاخلاص فی الاعتراف بحقهم
[illegible]
[illegible] صل علی محمد و آل محمد واعذنی اللهم بهم من شر کل [illegible]
السموات والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون [illegible]
[illegible] ببوسد و بر هر دو چشم بگذارد و بگوید اللهم انی اسألک بحق هذه التربة المبارکة [illegible]
[illegible] واجعلها شفاء من کل داء وامانا من کل خوف وحفظا من کل سوء
[illegible]
[illegible]
[illegible]
با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که
[illegible]
از حضرت امام موسی منقولست که فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] امام رضا [illegible] فرمود
[illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر منقولست که
حضرت لقمان با پسر خود گفت [illegible]
[illegible]
در روایت دیگر منقولست که چون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] الاول القدیم [illegible]
[illegible]

کلهم ومن فوقهم ومن تحتهم وعن ایمانهم وعن شمائلهم وباسمهم والائهم ومن ورائهم محیط اللهم احجب عنی شر من ارادنی بسوء بحجابک الذی احتجبت به فلم ینظر الیه احد من شر نفسه الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن الحدید ومن کل ما یخوف ویحذر ومن شر کل ما انت به اعلم وعلیه قدیر وصلی الله علی محمد وال محمد وسلم تسلیما و عوذه که در میان عمامه گذارند اقبل ولا تخف انک من الامنین لا تخف نجوت من القوم الظالمین لا تخف انک انت الاعلی لا تخافا اننی معکما اسمع واری لا تخاف درکا ولا تخشی الذی اطعمهم من جوع وامنهم من خوف فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ادخلوا علیهم الباب سجدا فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین عوذه که بر چهارپا بسوار بی بندد اللهم احفظ علی ما لو حفظه غیری لضاع واستر علی ما لو ستره غیرک لذاع واجعل علی ظلا ظلیلا انوقی کل من رامنی بسوء او نصب لی مکرا او هیا لی مکروها حتی یعود وهو غیر ظافر بی ولا هو قادر علی اللهم احفظنی کما حفظت به کتابک المنزل علی قلب نبیک الکریم انک قلت وقولک الحق انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون و از حضرت صادق منقولست که هر که سوره عبس را در کاغذ سفیدی بنویسد و بهر راهی که رود با خود دارد و در آن راه بغیر از نیکی نه بیند و از مفاسد آن راه امان یابد انشاء الله

فصل چهارم در آداب توشه برداشتن

برداشتن در سفر و آداب سفر کردن از حضرت صادق منقولست که چون بسفر روید سفره با خود بردارید بدو طعامهای نفیس در آن سفره بگذارید **و از حضرت رسول** منقولست که از شرف آدمی آنست که توشه خود را نیکو کرداند هر گاه بسفر رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین چون بسفر حج یا عمره میرفتند از بهترین توشهها بر میداشتند مانند لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین **و از حضرت صادق** منقولست که نان در میان توشه خود بردار که باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی نظر کردند بسفره که در آن محلقات از بیخ بود فرمودند که این حلقها را بکنید و حلقهای آهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند **و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق** از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که بزیارت قبر امام حسین میروید گفتند بلی فرمود سفره با خود میبرید با نه گفتند بلی فرمود که اگر بزیارت قبور پدران و مادران خود بروید چنین خواهید کرد گفتند بلی حضرت فرمود سفره میبرید عرض کردند پس چه چیز خوریم فرمود که نان با شیر بامانست **و در حدیث دیگر فرمودند** که جمعی هستند که چون بزیارت امام حسین میروند با خود سفره بر میدارند که در میان آن بزغاله بریان و حلوا هست اگر بزیارت دوستان خود بروند چنین نمیکنند **و از حضرت رسول** منقولست که بهترین خرج کردنها نزد خدا ستانیدن و بیت الله و خدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره و در حدیث حسن منقولست که سفیان از حضرت صادق پرسید که من اهل خود را با خود بحج میبرم و خرجی خود را در کمر میبندم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت از قوت مسافر آنست که نفقه خود را حفظ کند و در حدیث دیگر منقولست که دیگری با حضرت عرض کرد که درهمی که در آن صورتها نقش کرده اند با خود دارم و آنها را در میان همیان میکنم و در کمر میبندم در حال احرام فرمود باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا با او است

فصل پنجم در بیان رفیق با خود بردن و آداب معاشرت با ایشان و رعایت حال ایشان

معتبره وارد شده است که کسی که تنها سفر کند ملعون است و در احادیث معتبره منقولست که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین فرمود یا علی هر که تنها سفر رود و گرنه شیطان باشد

است و از دو تا دو ترا است و با عالم شیطانست که تنها بسفر میرود گمراه است و دو کس که میروند گمراهند و سه کس همسافرند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق آمد و پرسید که در راه مصاحب تو که بود کفت همراهی نبودم فرمود که اگر پیشتر بودم ترا ادب میکردم که چگونه تنها بسفر رفتی پس فرمود که یک کس شیطانست و دو کس شیطانند و سه کس مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند **و بسند معتبر از حضرت امام موسی** منقولست که هر که تنها بسفر رود بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم انس وحشتی واعنی علی وحدتی واد غیبتی **و در حدیث معتبر از حضرت رسول** منقولست که اول رفیق بهم رسان پس بسفر برو و فرمود که دو کس با هم دوست نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا آنکه نزد او بیشتر باشد آنست که مدارا با رفیقش بیشتر میکند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان و صاحبان چهار نفرند و هیچ گروهی زیاده از هفت کس نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میباشد پس از احادیث معلوم میشود که اقل رفیقان سه نفرند و اکثر ایشان هفت نفرند و اگر زیاده از هفت نفر باشد خوب نیست در رفیقان هم توشه و هم صحبت **و از حضرت رسول** منقولست که سنت است که رفیقان هم توشه اول خرجها را خود داد و بند و بر روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث خوشنودی خواطر و نیکی اخلاق ایشان **و از حضرت امیر المؤمنین** منقولست که صاحبت مکن در سفر با کسیکه فضیلت ترا با خود نداند چنانکه تو از فضیلت او بر خود میدانی **و از حضرت صادق** منقولست که مصاحبت و رفاقت کن با کسیکه تو باو زینت یابی و مصاحبت مکن با کسیکه او بتو زینت یابد بجهت کسب علم و کمالات از او توانی نمود و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق عرض کردم که شما میدانید حال و توانگری مرا و احسانیکه با برادران خود میکنم پس اجماعی از ایشان رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود اینها چنین مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشائی و ایشان نتوانند بگشایند با ایشان ضرر میرسد و بر ایشان متشوند و اگر تو بکی و ایشان نکنند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند در توانگری و تواناتری **و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر** منقولست که گرم احتیاج با مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت کن و با کسی رفیق مشو که خرج تو را بکشد که این موجب خواری مؤمن است **و از حضرت صادق** منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث از حضرت امام محمد باقر پرسیدند از جماعتی که با یکدیگر رفیق میشوند و در میان ایشان مالدار و پریشان هست آیا مالدار خرج انها را بکشد فرمود که بطیب خاطر راضی باشند باکی نیست **و در روایت دیگر منقولست** که از حضرت صادق پرسیدند که شخصی رفیق میشود با جماعتی مالدار و اینها اکثر هست و اینها خرج خود را بیرون میاورند و او مثل اینها خرج نمیتواند کرد فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شو که مثل تو باشد و در احادیث منقولست که از انصاف نیست کسیکه با مردم مصاحبت نکند باز ملاقات ایشان را ننکوند و بازدید رفقا نکند

فصل ششم در بیان آداب بسفر رفتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق

منقولست که حضرت لقمان بپسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشورت با ایشان زیاد بکن در کارهای خود و کارهای ایشان و بروی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود صاحب کرم باش و در میان و چون بضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان کن و سه چیز بر ایشان غلبه کن بسیار خاموشی و بسیار نماز و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه و اگر کسی

ارتو طلبند یاری ایشان کن و بسیر چیزی با ایشان علم کن با امر حتی خواهش تو ایکراه کنند و چون با تو مشورت کنند
ناتوانی سعی کن که رای نیکو برای ایشان اختیار کنی و زود عزم مکن و زود جزم مکن با ایشان نیکو تامل کن
که وجواب ایشان مکو و مشورت را انکه در ان بخیر بینی و نخود فکر کنی در ادای این حال فکر خود
در مشورت ایشان بکار فرمانی زیرا که خیر خواهی خود را برای کسی که با او مشورت کند خالص نکرداند حق تعالی
[illegible] بسیار دهر گاه بینی که رفیقان و پیاده میروند با ایشان
پیاده برو و هر گاه بینی که رفیقان کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرض دهند تو نیز
با ایشان [illegible] از تو بزرگتر باشند و هر گاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو سوال
کنند بلی بگو و نه مگو که گفتن نه علامت عجز است و موجب ملامت است و چون راه را گم کنید فرو بایستید
فرود آئید و اگر در راه مقصود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشورت کنید و مصلحت بر بینید و
اگر یک کسی را ببینید خبر را از او مپرسید و مصلحت آن میبینید که یک شخص در بیابان تنها باشد
مبادا [illegible] باشد یا شیطان که خواهد شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مناصل
و چون نزدیک شود [illegible] فرود آئی [illegible] بلند ادن پیش ان
[illegible]
[illegible] بنشینی دو
رکعت نماز بکن و چون خواهی [illegible] و چون خواهی باد
[illegible]
بقعه از زمین را اهل چند از مل یکی است و اگر هیچ طعامی را بخوری انکه قدری از ان را
[illegible] بخوانی [illegible] و یاد خدا کردن
[illegible] داود اشب فرود
از نصف شب راه رو و زینهار که در راه دفتن صدا بلند مکن و از حضرت امیر المومنین
منقولست که سرورت و مروت در حضر [illegible] تلاوت قرآن کردن و تفکر در فقه
و علوم کردن و محافظت کردن نمازها بجماعت و اما مروت سفر بی توشه خود را صرف کردن

[illegible]
ان حضرت منقولست که سروری سفر توشه برداشتن است و پاکیزه کردانیدن توشه است و عطا کردن بهمی که
رفیق تو باشد و انکه بعد از بیماری [illegible] ایشان را اکر بران مطلع شده بپوشانند
[illegible]
[illegible]
[illegible] صادق منقولست که
[illegible]
در حدیث معتبر [illegible] رسول منقولست که هر که اعانت کند مومن [illegible]
[illegible] هفتاد و سه [illegible] دینار و امان دهد او را از غم و اندوه
و هفتاد غم و شدت [illegible] در روز قیامت [illegible]
باشد فصل سیم در اداب پیاده رفتن و راه رفتن در احادیث [illegible]
[illegible] چون پیاده رفتن مانده شوید استعانت جوئید [illegible]
[illegible] پیاده بر شما اسان شود
[illegible] رسول منقولست که طرف [illegible] و فرمود
[illegible] منقولست که بر شما باد به راه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده میشود
[illegible] چون سفر میکردند [illegible] فرود میامدند و از حضرت رسول منقولست
[illegible] بالا میرفتند [illegible] فرود میامدند
راست و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت ملا اکرد
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که اگر در زمین خشک [illegible]
[illegible]
از حضرت امیر المومنین منقولست که هر که [illegible]
[illegible] هست که صالح نام دارد [illegible]
[illegible] و در حدیث
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایت کرده است
کفت [illegible] در سفر مکه معظمه راه را کم کردیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حضرت رسالت را برسالت فرستاده است و حضرت امیر المومنین را بامامت فرستاده است که شر جنیان
انسان را از من کوتاه گردانید و خیرها از ایشان بمن برسد و در روایت دیگر هست که چون حضرت رسول در بعضی
سفرها بجائی می رسیدند بمنزل فرود می آمدند میگفتند یا ارض ربی و ربک الله و اعوذ بالله من اسد و اسود و الحیة و العقرب و من
شر ساکن البلد و من والد و ما ولد اللهم رب السموات السبع و ما اظللن و رب الارضین السبع و ما اقللن و رب
الریاح و ما ذرین و رب الشیاطین و ما اضللن اسالک ان تصلی علی محمد و آله الطیبین و اسئلک خیر هذه البلدة
و خیر ما فیها و خیر هذا الشهر و خیر هذه السنة و خیر هذا البلد و اهله و خیر هذه القریة و اهلها و خیر ما فیها
و اعوذ بالله من شرها و شر ما فیها و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و حسبنا الله و نعم الوکیل
در روایتی دیگر وارد است که هر گاه کسی بر تلی یا بلندی بالا رود بگوید الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله رب
العالمین لک الشرف علی کل شرف و در حدیث دیگر هست که هر گاه در راه از دشمنان و دزدان ترسی داشته باشد
رابخواند یا اخذا بنواصی خلقه و السافع بها الی قدرته فذلک ما ارجوا و انا المضی الیهم ... و الی ...
یا غیر المتعدی لا تجعل احدا معتبرا یفعل الی الذی ... و لا تغیر ... و در حدیث دیگر است
فی ... عن ... یجیب الدعاء باالله ... و از برای دفع دشمنان از حضرت امیر المومنین
مرویست که این دعا بخواند اللهم انی اعوذ بک من ... فی سلطانک اللهم انی اعوذ بک ان اضام ... اللهم انی
اعوذ بک ان اعبد ... اللهم انی اعوذ بک ان اغلب علی امر و از حضرت صادق منقول است که چون
بمنزل رسید بگوید ... در راه اذان نماز بگوید و سید ابن طاوس ره روایت کرده که چون در منزل فرود
آید بگوید اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین پس دو رکعت نماز بکند در سوره حمد و هر سوره که
خواهد بخواند از سوره های کوچک پس بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة و اعذنا من شرها اللهم اطعمنا
من جناها و اعذنا من وباها و حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا پس بگوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله و ان امیر المومنین و الائمة من ولده ائمة الهدی و ابرء من اعدائهم
اللهم انی اسالک خیر هذه البقعة و اعوذ بک من شرها اللهم اجعل اول دخولنا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره
نجاحا ذکر شده است هر گاه در منزل خود از جانوران زمین بترسد این دعا بخواند که از جمیع آفات ایمن باشد
فی الارض کلها العامل بما یکون مما ذرات لک السلطان علی کل من دونک انی اعوذ بقدرتک علی کل شیء من ضر
کل من سبع او هامة او عارض من سایر الدواب یا خالقها بفطرتها ادرأها عنی و احجزها و لا تسلطها علی و عافنی
من شرها و باسها یا الله العلی العظیم احفظنی بحفظک و اجعلنی بستر الواقیة فان لی فیها حرم و خیر ... ظهور
ذکر کرده که چون خواهی بارکشی و دو رکعت از بکذار و از خدا طلب حفظ و حمایت الطیر او و دعا کن ... فسمه را که
هر موضع را اهل از ملائکه است پس بگو السلام علی اهل ... الله ... و علی ... الصالحین و رحمة الله
و برکاته

فصل دهم در آداب سفر گذشتن از پلها و جسرها در حدیث معتبر

از حضرت امام محمد باقر منقول است که مکروه هست بدریا سوار شدن برای تجارت و از حضرت امیر المومنین
منقول است که طلب روزی نکرده است کسیکه بدریا سوار شود برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد باقر مرویست که کسیکه بکشتی سوار شود برای تجارت دین خود را در معرض تلف در آورده است و در
اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول نهی فرموده از سوار شدن در دریا در وقت طلاطم و هیجان
و در حدیث حسن از حضرت امام رضا منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور
رحیم و چون دریا موج زند بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست بسوی موج اشاره کن و بگو قری بقرار الله و اسکنی
بسکینة الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در بعضی از روایات وارد شده است ...

فصل نهم در بیان دعاهایی که در ... بخوانند

[illegible]

تلاطم دریا بگو اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله واهدأ باذن الله ولا حول ولا قوة الا بالله و بگفت که مکرر بکشتی سوار شدم در وقت تلاطم و امواج دریا این خضرت فرموده بود خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده است واز حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که هر که از غرق شدن بترسد بگوید بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم بسم الله الملک الحق وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ودر حدیث دیگر مرویست که چون خواهد بکشتی سوار شود صد مرتبه الله اکبر بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند پس بگوید بسم الله وبالله والصلوة علی محمد رسول الله وعلی الصادقین من آله اللهم احسن مسیرنا واعظم اجورنا اللهم بک انتشرنا والیک توجهنا وبک امنا وبحبلک اعتصمنا وعلیک توکلنا اللهم انت ثقتنا ورجاؤنا وناصرنا لا تحل بنا ما لا نحب اللهم بک حلّ مسیرنا واعظم عافیتنا انت الخلیفة فی الاهل والمال وانت الحامل فی الماء وعلی الظهر وقال ارکبوا فیها بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون اللهم انت خیر من وفد الیه الرجال فانت سیدی اکرم مقصود وقد جعلت لکل وافد تحفة فاسئلک ان تجعل تحفتک ایای فکاک رقبتی من النار واشکر سعیی وارحم مسیری من اهلی بغیر منة منی علیک بل لک المنة علی ان جعلت لی سبیلا الی زیارة ولیک وعرفتنی فضله واحفظنی فی لیلی ونهاری حتی بلغتنی هذا المکان وقد رجوتک فلا تقطع رجائی واملک فاجعل مسیری هذا کفارة ذنوبی یا ارحم الراحمین سید ابن طاوس گفته است که اگر مطلبش از کشتی نشستن با سند عبادت نباشد مانند مناسب مقصود نماید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که بر پالان هر چهارپا شیطانی است چون بر آن سوار شوید بسم الله بگوئید تا از شیطان دور شود و در حدیث دیگر منقولست که چون قدم خود را بر چهارپا میگذاری بگو بسم الله الرحمن الرحیم

فصل یازدهم در آداب مشایعت و استقبال مسافران و آداب کشتی

الایمان در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت رسول ص مومنی را وداع میکردند میفرمودند رحمکم الله وزودکم التقوی ووجهکم الی کل خیر وقضی لکل حاجة وسلم لکم دینکم ودنیاکم وردکم سالمین الی سالمین یعنی خدا شما را رحمت کند و پرهیزکاری را توشه شما گرداند و شما را بهر خیری متوجه گرداند و جمیع حاجات شما را برآورد و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را سالم برگرداند بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون حضرت رسول ص مسافری را وداع میکردند دستش را میگرفتند و میگفتند احسن الله لک الصحابة واکمل لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید وکفاک المهم وحفظ لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک لکل خیر علیک بتقوی الله استودعک نفسک سر علی برکة الله و در روایت دیگر مرویست که در این وقت میفرمودند کاستودع الله دینک وامانتک وخواتیم عملک ورحمک الله وجهک وزودک التقوی وغفر لک الذنوب و در روایت دیگر منقولست که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق ع رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمودند اللهم اغفر لنا ما مضی من ذنوبنا وها محی الذنوب وثبتنا وایاهم بالقول الثابت والاخوة والابناء وعافنا وایاهم من شرها تخاف فیما دونک ونید ذلک فی سنتنا هذه المستقبلة وعجل نصرة المحمد ولیهم واخر عدوهم عاجلا و در روایت دیگر مرویست که چون مسافر از سفر برگردد سنت است که برادر مومن خود را به ضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون کسی از سفر برگردد برای اهل خود تحفه بیاورد اگر چه سنگی باشد و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمودند با کسیکه از مکه مراجعت کند بگوئید قبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک و در حدیث دیگر منقولست که هر که دست در گردن حاجی کند در وقتی که با گرد راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقولست که چون کسی از سفر برگردد سنت است که مشغول کاری نشود تا غسل کند و دو رکعت نماز کند و بمسجد رود و صد مرتبه شکر الهی بکند و چون

دلها را شاد کند حضرت رسول ص او را به بهشت خود میبرد و در چشم ترا و سپید و اصحاب حضرت رسول ص بجو میکردند و صالحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفرها مراجعت میکرد دیگران دست در گردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت واستقبال مومنان مستحب است و از برای مشایعت و استقبال مومنان نماز را قصر میتوان کرد و در روزه ماه مبارک رمضان میتوان خورد

فصل دوازدهم در آداب اسب تاختن و تیر انداختن

در احادیث معتبره وارد شده است که اسب تاختن و تیر انداختن بهشت و کرده است بانداختن کرده است و سواری اسب و الاغ واستر وفیل و تیر انداختن و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول ص اسپ را میدوانیدند و گرو قرار میدادند و گرو قرار میبستند که هر کس پیش برود و یک مثقال نقره باشد و از حضرت رسول ص منقولست که سواری بکنید و تیر اندازی کردن را دوست تر میدارم از سوار شدن فرمودند که هر لهو و بازی که مومن بکند باطل است مگر در سه چیز در تادیب و تعلیم اسب کردن و تیر انداختن و بازی کردن با زن خود که اینها حق است بدرستیکه یک تیر در راه خدا بهشت تیر انداز داخل میکند کسی را که ساخته است آنکسیکه آن تیر را ساخته است و آنکسیکه آن تیر را بجهاد کننده بخشیده است و آنکسیکه آن تیر را بجهاد انداخته است و در حدیث معتبر مرویست که ملائکه لعنت میکنند کسی را که گرو میبندد مگر در شتر وفیل که جایز است و در اسب و استر و الاغ و دوانیدن و تیر انداختن و نیزه بازی و بدانکه گرو بستن در اسب و الاغ وشتر وفیل جایز است و گرو بستن بر کبوتر پرانیدن که کدام پیشتر رود و بر دویدن یا بر کشتی گرفتن یا کرد و کشتی بر روی آب بدوانند یا انکه دو کس گرو ببندند و بدوانند که کدام یک پیشتر برود یا در کشتی گرفتن که کدام یک زود دیگری را بر زمین بزند یا در برداشتن چیزهای گران جایز نیست اما بی انکه گرو ببندند حلال است و جایز بودن اینها قوی تر است خصوصا در کشتی گرفتن که در بعضی از احادیث دلالت بر جایز بودن میکند چنانچه در حدیث معتبر مرویست که شبی حضرت رسول ص بخانه فاطمه ع آمد حضرت امام حسن ع و امام حسین ع با آن حضرت بودند پس حضرت رسول ص با ایشان فرمودند که برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید پس ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه ع از برای کاری بیرون رفتند چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول ص میفرمایند که ای حسن بر حسین زور کن و او را بر زمین بزن حضرت فاطمه ع فرمود که ای پدر عجب است که بزرگ را ترغیب میفرمائی که کوچک را بر زمین افکند حضرت فرمود که ای فاطمه جبرئیل میگوید ای حسین حسن را بزن و ابرار او چنین میگویم و در فقه الرضا ع مذکور است که نهار چوگان بازی مکن که در امثال شیطان بازی تا زد و فرشتگان از تو نفرت میکنند و اگر کسی در امثال چهارپایان گرو ببندد باید که او بمیرد و بیمه بود یا انکه در گرو بستن مسلم شرط است که تمامی آنکه قرار میکنند برای کسی قرار کنند که پیشتر برود اگر از برای کسی قرار کنند که پس مانده است جایز نیست و هم چنین اگر از برای کسی قرار کنند که در عمل با ایشان شریک نباشد جایز نیست چنانچه متعارف کرده کس با یکدیگر تیر میاندازند یا اسب میتازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان قرار کند که هر که پیشتر رود یا بیشتر تیر بزند از خزانه او عطا کنند جایز است و هم چنین اگر کسی بدو اورد و بگوید که اگر بار کمتر از من بیشتر برود یا زیادتر تیر بزند و اگر کسی با من زیادتر در مال ایشان باشد و نیز چیزی از ثالث در گرو قرار دهند که او تیر اندازد یا ندوید و بگوید که این گرو از آن ما است که بیشتر برود شرط است در گرو بستن بنا بر قول مشهور میان علما چند شرط اول تعیین کنند ابتدا و انتهای مسافت اگر در بستن دواندن گرو میبندند دویم آنکه تا آن گرو که بیشتر نماید که در آن مسافت پیشی گیرند او برده است سیم آنکه مال گرو معین باشد چهارم آنکه اسب را که سوار میشوند معین کنند پنجم آنکه سوار ایشان معلوم باشد که غالبا چنین ممکن باشد و در مشهور اعتقاد آنست که اگر معیّن نباشد باید که هر دو سوار باشند و اگر هر دو سوار نشوند باطل است ششم آنکه احتمال داشته باشد که هر یک بر دیگری پیشی گیرد و اگر یکی معلوم باشد که سابق است جایز نیست هفتم آنکه آن دو حیوان که گرو بر آن بسته اند از یک جنس باشند که رفتار ایشان نزدیک بهم باشد عادت که بر آن پیشی میتوانند گرفت جایز نیست

باشند که هر دو اسب باشند یا هر دو شتر یا شتر و اسب باشد یا اسب و استر یا استر باشند چنانچه مشهور میان علما است هشتم آنکه هر دو را

بکرپینه بتازند پس شرط کنند که یکی زود تر از دیگری بتازد جایز نیست موافق مشهور میان علما نهم آنکه مسافت تعیین

کنند که پیش از رسیدن بان مانده شوند دهم آنکه اسپها یکی میتازند حیوانی باشند نه زنان و هم آنکه هر دو در وقت تاختن

با یکدیگر ایستاده باشند و در این شرط خلاف است و اظهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد باز اسب دو

اسب را که با یکدیگر بتازند در میان عرب هر یک نامی دارند آنکه از همه پیش رود مجلی گویند و پست تر از آن را مصلی گویند

و بعد از آن را تالی گویند و بعد از آن بارع گویند و بعد از آن مرتاح و بعد از آن حظی و بعد از آن عاطف و بعد از آن

مؤمل و بعد از آن لطیم و دهم را فسکل میگویند که از همه پس مانده است و در این باب شرایط بسیار است و بعد از ذکر این آداب اول

هم یکبار تا اخر میاید پس بعد از برای هر یک چیزی نخواهد بود و باید که در تیراندازی شمشیر و نیزه جایز است و در تیراندازی چند چیز

شرط نیست مشهور میان علما اول آنکه تعیین کند که چند تیر اندازند دوم آنکه چند تیر از ده تیر بزنند سوم آنکه تعیین

کند که چه نحو بخورد بر نشانه یکی از انها که بعد از این بیان خواهیم کرد چهارم آنکه تعیین کند که از نشانه چه قدر دور باشند

پنجم آنکه تعیین کند بزرگی نشانه را و عوض معلوم باشد ششم آنکه کمان و تیر هر دو از یک جنس باشند در آن شرط اختلاف است هفتم آنکه شرط

بنمود نباشند مثل آنکه شرط کنند که هر که در اول تیر اندازد هر گاه ده تیر از بیست تیر را زده باشد ...

وکر یک نفر بیست تیر بیندازد و یکی پانزده تیر از ایشان بزند و یکی ده تیر زده باشد آنکه

پانزده تیر زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر بزند و دیگری سه تیر بزند برده است دوم آنکه در اول یکی دو صورت

نکند تا بخلاف صحیح است باشد و باید دانست که در نشانه بچند قسم میباشد اول آنکه بعضی تیر خوردن واز وی بجهد

و بر نشانه خورد دوم خاصر یعنی یکی از دو جانب نشانه منصل شود سوم خارق که نشانه را زخم کند و در آن فرو رود چهارم خاسق که

نشانه زخم کند و بند شود پنجم مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیگر بدر رود ششم خازم که پهلوی نشانه را بدرد ...

و هفتم ... که بر نشانه نخورد و دیگری ... پس بلکه کدام یک بزند برده است و اگر شرط کنند که هر که بیشتر نشانه را بزند برده است و اگر شرط

کر بر نشانه نخورد و دو ... تا دیگری بزند برده است ... چنین مرکب است شرط کند و یکی نزند باز برده است ...

شرط کنند ... برده است و اینها داخل است که در تیر اندازی ... محلل ... باشد یعنی کسیکه با ایشان شریک میشود

و اگر بر حصه بگیرد و اگر ببازد چیزی ندهد و بهتر آنست که هر چه مال بیرون اورند برای کرو بدهند پنجم کسی را مجود شریک کنند

و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی از آنان ها این عقد را با این شرطها که مذکور شد بلفظ داده دیگری قبول کند ...

آنکه در هنگام تیر انداختن و اسب تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در راه خدا و تقویت دین

اسلام و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت شیر ... اصحاب

خود را فرمودند که اسب تاختن و آنچه کرو برد ... بسته میشود از مال خود ... و در روایت دیگر منقولست که ...

چهار مثقال نقره کرو بستند و هر دو از جنگ تبوک بر گشتند با اسامة بن زید شرط کردند فلیند در جناب اقدس نبوی ...

متبرا بودند بلکه از رواة یعقوب بن اسلام و بحر یبین مردم بر جهاد فی سبیل الله بود با کافران بر مسلمانان در مخالفان بر شیعیان

و مال و عرض مردم از شر اشرار و دزدان باشند و جهاد یکی در زمان غیبت امام باشد آنست که در مقابل کافران و مخالفان

از شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان یا غیر ان بر سر گروهی از شیعیان بیایند بر ایشان واجب است که جهاد کنند در دفع

ایشان و اگر کسی شهید شوند و اگر ... باشند بر تمام مومنان واجب است که مدد ایشان بکنند در دفع کافران

بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که تمام خیر در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و

شمشیر بر اهل حق کلید بهشت و بر اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که بهشت

دری هست که از آن در داخل نمیشوند مگر مجاهدان ... در روز قیامت ... بینند که ... ایشان ...

... ایشان ... و فرمود که ...

چیزی مانند خیر را که ذکر کرده از آن ... میکند و ... ازان ... در ناش ...

و در حدیث معتبر منقولست که لشکر معاویه در زمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر انبار که محلی است در حوالی کوفه غارت کردند آن حضرت خطبه

خواندند که ... از ... و ... رسید که ... در ... درو ...

دوستان خود کشوده است و ... برای ایشان ذخیره کرده ... و جهاد دره حصن ... است ...

پس هر کس ترک کند جهاد را باید ... بر آن حضرت برآن جامه ذلت خواری بپوشاند و بلا او را فرو گیرد و خوار شود ... از ...

و در دیده ها حقیر و بیمقدار شود و راه اندیشه در دلش بسته شود و مغلوب حق کرده در ... او را انصاف و عدالت سلوک نکنند بدرستیکه

من شما را مکرر خواندم بجهاد اینگروه در شب و روز و آشکار و پنهان گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان بجنگ شما ایند

قبول نکردید والله که هر گروهی که در خانه در ... مملکت ایشان جنگ کنند البته ایشان ذلیل و بیمقدار میشوند در نظرها پس

ورز بپا و بیکدیگر و اگذاشتید ... اینک ... و ... ایشان ... سر ... لشکر ...

ملون و حسان را کشتند و چون شنیدم که لشکر شما را کوفته شنیدم که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی یا کافره که ... داخل شد

... و ... از ... میکند ... و ... بنقل ... و ... انا لله و انا الیه راجعون ...

پس برگشتند طلبش با مال و ... همه ایشان سالم برگشتند ... از ایشان ... زخمی ...

مرد مسلمان بعد از چنین مصیبتی بمیرد از حزن و تاسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من سزاوار باشد ...

بود پس عجب دارم تعجب که دل را میمیراند و غمها را جمع میکند از جمعیت ایشان بر باطل خود و پراکندگی شما

از دین ... با ... مثال شما اند و ... هدف از برای شما ... نشانه ... ایشان ... شما ...

ایشان غارت ... شما ... و ... شما ... خدا ... میکنند ... شما ...

اگر ... تابستان میگویم بجنگ بروید میگویید حالا ... گرما است مهلت ده تا گرما کم شود و اگر ...

میگویم که بروید میگویید که ... سرما است مهلت ده تا سرما کم شود ... از گرما و سرما میگریزید ...

... بیشتر خواهید گریخت شما مردمان ... عقلها ... زنان ... کاش شما را ... نمیدیدم و ...

... و دل ... پر کردید ... مرا ... و حال آنکه ... ابو طالب ... اعلم ...

ندارد که ... است بجنگ و کدام ... بیشتر جنگ کرده است هنوز ... بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم و اکنون از

شصت سال گذشته ام اما ... اطاعت کسی را ... نمی ... و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی ...

و آن را موجب ... کرده ... والله که ... ودنیا ... مگر بجهاد و ... حضرت رسول منقولست که هر که

... در ... است ... و ...

دیگر فرمود که جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما میشود

خاتمه در بیان بعضی از آداب سفر

... منقولست که ... سفر ...

میکند که بسم الله الرحمن الرحیم را ... ایشان را امتحان میکند ببلائی تا متنبه شوند و یاد او بکنند

... و ... از ... ایشان ... بر ...

پس باید که آدمی در ابتدای هر کاری افتتاح نماید ببسم الله الرحمن الرحیم و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حق

حضرت آدم را منع فرمود از خوردن میوه آن درخت بهشت گفت بلی پروردگارا و ... از آن درخت خورد

و از بهشت بیرون آمد پس ... فرمود ... بر ... و ... الان ... و ...

از ... فرمود که ... هر چیزی ... بگوید ان شاء الله ...

... و ... که ... و ... ان شاء الله ...

... باشد و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست ...

موجب غلبه فراموشی است خوردن سیب ترش و کشنیز و پنیر و نیم خورده موش و بول کردن در آب ایستاده و خواندن نوشته قبرها و در میان دو زن رفتن و شپش انداختن و حجامت کردن در گودی پشت کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث معتبر مرویست که روزی آن حضرت ع غمگین شد فرمودند که نمیدانم چه سبب غمگین شده‌ام بر عتبه در نه نشستم و در میان گله گوسفند نرفتم و جامه ایستاده نپوشیدم و دست در دامن جامه پاک نکردم و از حضرت صادق ع منقولست که ده چیز است که اندوه را بر طرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در زیر آب کردن و بسبزه زار نظر کردن و خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر تراشیدن و سر را با خطمی شستن و نظر بر روی زن مقبول کردن و با مردمان سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین مرویست که چند چیز است که باعث توانگری میشود و آنها که موجب فقر و پریشانی میشود تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حال جنابت چیز خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه در خانه گذاشتن و قسم دروغ خوردن و زنا کردن و اظهار حرص کردن و در میان شام و خفتن خواب کردن بعد از نماز صبح تا آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا و خوانندگی شنیدن و مردی را که در شب سؤال کند چیزی ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی کردن اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال میشود نماز پیشین و پسین و نماز خفتن را با یکدیگر کردن و نماز صبح و عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکو احسان کردن و ساحت خانه را جاروب کردن و مال خود را با برادران قسمت کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و استغفار بسیار کردن و خیانت در مال نکردن و سخن حق و راست گفتن و در گفتن مؤذن آنچه از پی او گفتن و در بیت الخلا سخن نگفتن و حرص در طلب دنیا نداشتن و شکر کسی که نعمتی بر او بخشیده باشد کردن و از قسم دروغ اجتناب کردن و پیش از طعام و ریزه‌ها که از سفره بریزد خوردن و هر که روزی سی مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور کند که کمتر آنها پریشانیست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در مدح اهلبیت یک بیت شعر بگوید حق تعالی در بهشت خانه برای او بنا کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که در مدح ما بیت شعری بگوید مؤید بروح القدس گردد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا ع مرویست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید حق تعالی برای او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا و چون در آن شهر در آید هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل بدیدن او بیایند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص نهی فرمود از چیز خوردن در حال جنابت و فرمود که موجب پریشانیست و نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و مسواک کردن در حمام و از آب بینی انداختن در مساجد و از خوردن نیم خورده موش و فرمود که مسجدها را راه مکنید که از دری بروید و از در دیگر در آئید مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید و نهی فرمود از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه دار و در میان راه و نهی فرمود از آنکه بدست چپ یا بر پهلو تکیه کرده چیزی بخورند و نهی فرمود از تکیه مالیدن بقبرها و نماز کردن در قبرستانها و فرمود که هر که در فضا غسل بکند باید حذر نماید که عورتش گشوده نشود و نهی فرمود از آب خوردن از پیش دسته کوزه که در آنجا جمع میشود و نهی فرمود از بول کردن در آب ایستاده که باعث بر طرف شدن عقل میشود و نهی فرمود از آنکه کسی با یک نعلین راه برود یا ایستاده نعلین بپوشد و نهی فرمود از آنکه کسی بول کند و فرجش محاذی آفتاب و ماه باشد و فرمود که چون داخل بیت الخلا شوید اجتناب کنید از نشستن رو بقبله و نهی فرمود از بلند آواز کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان از پی جنازه‌ها و نهی فرمود از آنکه محو کنید چیزی از قرآن را با آب دهن و نهی فرمود از خواب دروغ گفتن و فرمود که هر که چنین کند حق تعالی او را تکلیف میکند که بر جو گره بزند و او نمی تواند کرد و باین سبب معذب باشد و نهی فرمود از ساختن صورتها و فرمود که هر که صورتی بسازد حق تعالی او را تکلیف نماید که جان در او بدمد و نتواند و نهی فرمود که جانوری را با آتش بسوزانند و نهی فرمود از دشنام

دادن خروس زیرا که او بنماز بیدار میکند و نهی فرمود از آنکه چیزی بفروشد و ... بگوید بیایید بخرید که من متاع بهتر دارم از متاع ... و نهی فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که آن باعث میشود لال بودن فرزند و فرمود که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و زود بیرون برید که شیطان در آنجا می رود و نهی فرمود از آنکه شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمود از آنکه کسی استنجا کند با سرگین یا استخوان و نهی فرمود از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها و هر که بر او بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه بر گردد و نهی فرمود از آنکه زن برای غیر شوهر خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را باتش بسوزاند و نهی فرمود از آنکه زن نزد غیر شوهر و نامحرم زیاده از پنج کلمه ضروری حرف بزند و نهی فرمود از آنکه زنی در پهلوی زن دیگر بخوابد و جامه در میان ایشان حائل نباشد و نهی فرمود از آنکه زن با زن دیگر نقل کند آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته است و نهی فرمود از آنکه در میان راه با زن خود جماع کند که اگر چنین کند خدا و ملائکه و همه مردمان او را لعنت کنند و نهی کرد از آنکه بروند بنزد جماعتی که خبر میدهند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان ... دروغ ... تصدیق کند ایشان را پس بیزار شده است از آنچه بر حضرت رسالت پناه ص نازل شده است و نهی فرمود از بازی کردن نرد و شطرنج و طبل و طنبور و عود و نهی فرمود از قسم دروغ و فرمود که اهل خانها را ... می اندازد و فرمود هر که قسم دروغ خورد برای آنکه مال مسلمانی را ببرد در قیامت خدا با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را پس دهد و نهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی فرمود از آنکه زن خود را بحمام فرستد ... و نهی فرمود از داخل شدن حمام بی ازار و فرمود از طپانچه بر روی زدن در وقت مصیبت و نهی فرمود از ... سخن گفتن ... و نهی فرمود از آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نهی فرمود از پوشیدن دیبا و حریر ... زنان را با یکدیگر ... و نهی فرمود از فروختن خرما بر درخت پیش از آنکه سرخ شود یا زرد شود و نهی فرمود از آنکه ... درخت خرما بفروشند ... و نهی فرمود از ... و نهی فرمود از غیبت و ... شراب و فرمود که حق تعالی لعنت کرده است شراب را و آن را که درخت انگور بقصد شراب میکارد و انگور را برای شراب میفشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی میشود و آنکه میفروشد و آنکه میخرد و آنکه قیمتش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه برای او میبرد همه ملعونند و فرمود هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر بمیرد و در شکم چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند باو از چرک زناکاران از چرک و خون و ریم ... [illegible] ... از مصافحه کردن با کافران ... و نهی فرمود از خواندن شعر در مسجد و بلند کردن آواز در مسجد ... از آنکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و نهی فرمود از آنکه ... نظر کنند و نهی فرمود از آنکه چیزی ... بزنند و نهی فرمود از آنکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دانسته بعورت مسلمانی نظر کند هفتاد هزار ملک او را لعنت کنند و نهی فرمود از ... و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان و در میان راه و آسیاها و در ... [illegible] ... کفاره ... [illegible]

کسی قسم بخورد بجان تو و بجان فلان و نهی فرمود از انکه کسی در مسجد جنب بنشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در شب و روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه و نهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامیکه پیشنماز خطبه بخواند پس اگر چنین کند او را ثواب جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انکه انگشتر بپنجه ماهی در دست کند و نهی فرمود از انکه صورت جوان در نگین نقش کند و فرمود نماز نافله مکنید در وقت برآمدن آفتاب و در وقت زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه روز بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد رمضان و نهی فرمود از انکه بروش چهارپایان دهن در آب کنند و بیاشامند که بهترین ظرفهای شما است دست شما و نهی فرمود از آب دهن انداختن در چاهیکه آب از آن میخورند و نهی فرمود از انکه مزدور را کار فرمایند پیش از انکه مزدش قرار دهند و نهی فرمود از انکه دو کس با یکدیگر باز در دوری کنند و اگر ناچار باشند زیاده از سه روز نکنند که اگر چنین کنند آتش جهنم باو اولیتر است و نهی فرمود از طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند بازیادتی و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و نهی فرمود که خاک بپاشید بر روی مدح کننده و فرمود که هر که مزد مزدور را ظلم کند و باو ندهد حقتعالی ثواب اعمالش را حبط کند و بوی بهشت را بر او حرام گرداند و فرمود هر که قران را یاد گیرد و بعد از آن فراموش کند در قیامت دستهایش را در گردنش بسته باشند و حقتعالی بهر آیه ماری بر او مسلط کند مگر انکه خدا او را بیامرزد و فرمود هر که قران را بیاموزد و بعد از آن حرام بخورد یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بدین اختیار کند موجب غضب الهی گردد مگر انکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قران با او خصمی کند و هر که زنا کند با زن مسلمانی یا زن ترسایی یا جهودی یا گبری خواه آزاد باشد خواه بنده و بی توبه بمیرد حقتعالی در قبرش سیصد در از جهنم برویش بگشاید که مارها و عقربها و اژدهاها از جهنم بقبرش در آیند و او را در آتش سوزانند تا روز قیامت و چون از قبرش مبعوث شود مردم از گند او متاذی شوند و بهر کس او را باعمال شنیع بشناسند تا بجهنم رود و فرمود هر که در خانه مؤمنی نظر کند که بر امر مستوری وی باخبر شود خدا او را محشور کند با منافقان که عیبهای مردم را تفحص میکردند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند مگر انکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد بانچه خدا روزی او کرده باشد ملامت و شکایت کند از خدا و صبر نکند و نیکی نکند هیچ حسنه او بالا نرود و در قیامت خدا از او در خشم باشد مگر انکه توبه کند و فرمود هر که ظلم کند بر زنیکه مهرش را ندهد او نزد خدا زناکار است و حقتعالی در قیامت با او عتاب فرماید که ای بنده من کنیز خود را بعقد تو در آوردم بعهد و پیمان من وفا نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او بگیرند و در عوض مهر بان زن دهند و اگر حسناتش تمام شود او را امر کنند که بجهنم برند و نهی فرمود از پوشانیدن گواهی که نزد او باشد پس هر که بپوشاند حقتعالی گوشت بدن او را بخورد او دهد در حضور خلایق و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میفرمود در حق همسایه که گمان کردم که میراث باو قرار خواهند داد و مرا وصیت کرد در باب غلامان و کنیزان که گمان کردم که مدت مقرر خواهند کرد که چون انقضا یابد ایشان آزاد شوند و وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا انکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت میکرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در شب نخواهند خوابید و فرمود که هر که سبک شمارد مسلمان فقیری را حق خدا را سبک شمرده و در قیامت خدا از او راضی و خوشنود نباشد و هر که گناهی را خواهش کند و او را پیش آید و از ترس خدا آن را ترک نماید حقتعالی جهنم را بر او حرام گرداند و او را از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند و در بهشتیکه در قران او را وعده داده است او را عطا فرماید و هر که در دنیا آخرت میسر شود و دنیا را بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت را اختیار کند بر دنیا خدا او را خوشنود گرداند و گناهانش را بیامرزد و هر که چشم خود را پر کند از نظر کردن بسوی کسیکه بر او حرام باشد دیدنش حقتعالی در قیامت دیده او را از آتش پر کند مگر انکه توبه کند و هر که مصافحه کند با زنیکه بر او حرام باشد خدا از او خشناک گردد و هر که زنی را بحرام در بر کشد او را با شیطانی در یک زنجیر آتش کرده و هر دو را بجهنم اندازند و هر که فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از امت من نیست و در قیامت

بهودان محشور خواهد شد و فرمود که هر زنیکه شوهر خود را بزبان آزار دهد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول نکند تا او را از خود راضی کند هر چند روزها بروزه و شبها بنماز بایستد و بندهها آزاد کند و مردها را بر اسبها سوار کند بجهاد فرستد و همچنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که خشم از کسی فرو خورد که تواند انتقام کشد حقتعالی او را ثواب شهید کرامت کند و نهی فرمود از خیانت کردن و فرمود که هر که خیانت کند در امانتی و آن را در دنیا باهلش پس ندهد تا بمیرد او را در یابد بغیر ملت من مرده باشد و حقتعالی در قیامت از او در خشم باشد و هر که شهادت ناحق بر احدی از مردم بدهد حقتعالی او را بزبانش در آویزد در درک اسفل جهنم با منافقان و هر که مال خیانت را بخرد با دانستن چنانست که خود خیانت کرده باشد و هر که برادر مؤمن خود را حبس کند حقتعالی برکت روزی را بر او حرام گرداند مگر انکه توبه کند و هر که گناه کسی بشنود و آن را فاش کند چنانست که خود کرده است و هر که برادر مسلمانش باو محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حقتعالی بوی بهشت را بر او حرام گرداند و هر که صبر کند بر بدخلقی زن خود ثواب شکر کننده کامل او را کرامت کند و هر زنیکه مدارا و سازکاری نکند با شوهر خود و او را بدارد بر چیزی چند که بر آنها قادر نباشد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت با او در خشم باشد و هر که گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته باشد و نهی فرمود از انکه کسی پیشنمازی گروهی کند که ایشان باو راضی نباشند و هر که پیشنماز گروهی برضای ایشان بکند و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب آن گروه داشته باشد بی انکه از ثواب ایشان کم شود و هر که برود بنزد یکی از خویشان خود بدیدن او یا برای انکه مالی از برای او ببرد حقتعالی ثواب شهید باو کرامت فرماید و بهر گامی چهل هزار حسنه برای او نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو نماید و چهل هزار درجه از برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد و هر که از برای بیماری حاجتی از حوائج دنیا او را بر آورد و بپوسته در رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که بکوشد در حاجت بیماری و بعیادت کننده خوشکامی کند حقتعالی او را با ابراهیم خلیل مبعوث گرداند تا انکه بر صراط بگذرد مانند برق لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه بر آورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر بیمار از اهل خانه او باشد ثوابش بیشتر است فرمود بلی که هر که از مؤمنی غمی بگشاید حقتعالی هفتاد غم از غمهای آخرت از او بر دارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای دنیا از او بر دارد که آسانترین آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او طلبد و قادر بر دادن آن باشد و تاخیر کند هر روز گناه تمغاچی از برای او نوشته شود و هر که احسانی برادر مؤمن خود کند و بر او منت گذارد حقتعالی عملش را حبط کند و او را ثواب ندهد و حقتعالی میفرماید که بهشت را حرام کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و بر سخن چین و هر که تصدق کند بوزن هر درهمی برای او مثل کوه احد باشد از نعیم در بهشت و هر که تصدق ببرد برای محتاجی مثل ثواب انکسی داشته باشد که آن تصدق قرار داده است بی انکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس خدا آب از دیده هایش جاری شود بهر قطره از دیده های او حقتعالی قصری در بهشت باو عطا فرماید که مزین باشد بمروارید و جواهر و در آن قصری باشد که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطرها خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجدی برود برای نماز جماعت بهر گامیکه بر دارد هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه از برای او بلند شود و اگر او در آن حال بمیرد حقتعالی هفتاد هزار ملک بر او موکل گرداند که در قبر او را عیادت کنند و مونس او باشند در تنهایی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث گردد و هر که اذان بگوید از برای خدا حقتعالی ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق باو کرامت فرماید و بشفاعتش چهل هزار گناهکار داخل بهشت شوند بدرستیکه چون مؤذن اشهد ان لا اله الا الله بگوید برای او نود هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در روز قیامت در زیر سایه عرش الهی میباشد تا

جهنم از حساب فارغ شود و ندا کنند که شهادت لا اله الا الله ... و اگر در نماز جماعت ... تکبیر و لا اله الا الله ... مسلمانی بکند حق تعالی مثل ثواب مؤذنان ... و فرمود که هیچ بنده ... شمارید هر چند در نظر شما حقیر باشند و هیچ کار نیکو را بزرگ مشمارید هر چند بنزد شما بزرگ باشد و بدرستیکه گناه کبیره نماند با استغفار و صغیره نمیماند با اصرار بلکه کبیره میشود و در حدیث دیگر منقولست که فرمود از کشتن مار و ماهی ... و نهی فرمود از کسیکه گوش دهد بسخن جماعتی که نخواهند بشنود ... و اگر چنین کند در قیامت در گوش او سرب گداخته بریزند ... و از حضرت صادق منقولست که ... در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نکند ...

... و کسیکه حرام ... کند ... گناه ... و کسیکه زکوة مال خود را ندهد ... امام ... یوسف پادشاه ... در جهنم ... از حضرت امیر المؤمنین منقولست که ... از حضرت ... منقولست که ... میکنند و ... از حضرت امام رضا منقولست که ...

قیامت ... کنند در کنار جهنم تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود پس او را در آتش اندازند پس در هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا باخر طبقات جهنم برسد و لواطه بدتر از زنا است زیرا که حق تعالی امتی را بر زنا هلاک نکرد و بلواط ... چند را هلاک کرد و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که ... هر که مصر باشد بر ... نمیرد تا آنکه مبتلا شود ... و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حق تعالی میفرماید بعزت و جلال خود قسم میخورم که راستی ... کسیکه ... و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق عرض کرد که اگر حق تعالی ... حساب ... چیست و اگر ... چیست ... و اگر ... چیست و اگر هر چیز بر خدا عرض میشود ... و اگر ... چیست و اگر بهشت ... چیست ...

... سخی ترین مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسی است که از حرام ... باشد و عادلترین مردم آنست که از برای مردم پسندد آنچه از برای خود میپسندد و زیرکترین مردم کسی است که ... باشد و از عذاب ... داشته باشد و عاقلترین مردم کسی است که ... و کم عقلترین مردم آنست که ... کسی است که ... مردم پادشاهان ... و دانا ترین مردم آنست که ... و سعادتمندترین مردم آنست که با مردم خلطه نماید و عادلترین ... و غافلترین مردم ... کسی است که ... و ذلیلترین مردم آنست که مردم را خوار کند ...

بزرگترین مردم آنست که ... و بهترین مردم کسی است که مردم از او نفع یابند ...

هذا الکتاب

حسینیه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی من علینا بمعرفة الانبیاء والائمة المعصومین بالدلائل والبرهان ونجانا برحمته من ضلالة الاهواء الفاسدة و المذاهب الباطلة بالصدق والیقین والصلوة علی سیدنا الانبیاء والمرسلین محمد وعترته واتباعهم الی یوم الدین چنین گوید حقیر ... ابراهیم استرابادی ... که چون این ذره بی مقدار ...

... بنام رساله حسینیه که در زمان هرون الرشید با علمای مخالفین و فقهای ایشان بحث کرده ... و با اهل سنت و جماعت ... رساله مذکوره ... عبادت طریق ... روایت کرده که در زمان دولت و ایام خلافت هرون الرشید ... کنیزی ... امام جعفر صادق ... حسن ... ابراهیم ... علمای عالم ... کفت ... حسینیه کفت ... ابراهیم ...

فقهای ان امام ابویوسف بود و شافعی نیز در بغداد بود و مثل ابویوسف قاضی و شافعی ... حسینیه ... برادر ایشان ... مذاهب ... اهل بیت ... تفسیرات وایات قرانی ... احادیث صحیح ... ابراهیم بن خالد ... علمای بصره ... دار الاماره بصره ... ساعت ابراهیم بن خالد ... ابراهیم ... حسینیه ... ابراهیم ... علمای ... اهل مجلس ... حسینیه کفت ای ابراهیم ... سوال ... ابراهیم ... حسینیه ... ابراهیم کفت ... حسینیه ... اسلام ... ابراهیم کفت ... ایمان ... کفر ... معصیت ...

تا دیر سیدان سخن گفتن او گفت ای پسر عم کردند و با غم تشویه گفتنا بهاد در سر من که حقیقت نگاه دارد و سید ان سبور ساند ما در و برادر تا بوت نهاده در آب نداختند و برادر کنار انداخت حقیقت و برای سلامت بمادرش رسانید و خدا انحال و بخبر داده ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم نا اخوش با تا اینجا که فرموده و گفت حسینا منسیا یعنی با مادر خویش سخن گفت و در انحال که در دو سینا مد و در انحال کره مادرش بد و اشاره نکرد فاشارت الیه قالوا کیف نکلم من کان فی المهد صبیا قال انی عبد الله آتانی الکتاب وجعلنی نبیا وجعلنی مبارکا اینما کنت واوصانی بالصلوة والزکوة مادمت حیا یعنی سخن گفت در وقت ولادت و خداوند جل و علا و برادر انحال کذاب و نبوت ارزانی داشت در انحال برادر و صی بکرد با امر صلوة و اداء زکوة و در زیر سر در نور کم کفت شما بر نماید که خدا بر قرار و جل و افر برادر و علم ان بکنو پساد در صلب آدم ع بودیم و خدا را تسبیح میکردیم تا انکه ما را نقل کرد تا اصلاب طاهره و ارحام زکیه چنانچه تسبیح ما را میشنید در پشتها و شکمها در عهدی و عصری تا انکه بعبد المطلب رسید بر نور پدران ما ظاهر بود تا نکاه ان نور بد و منقسم شد نیمه بعبد الله منتقل شد و نیمه با بوطالب پدر و عم من رکا در میانه پدران مانشنند نور ما بر ایشان ظاهر بود تا بشکم مادران امدیم و بدرستیکه جبرئیل ع فرود امد در وقتی که حضرت امیر المومنین ع از مادر متولد شده بود گفت یا حبیب الله خدا ترا سلام میرساند و تهنیت میکند ترا بولادت برادر تو علی ابن ابیطالب ع میگوید اکنون وقت ظاهر شدن نبوت تست و اشکار کردن وحی بر تو که ترا موید کردانیدیم ببرادر تو و وزیر تو و خلیفه تو و ذکر تو بدو بلند کردیم و نسل تو بدو باقی ماند چون علی ابن ابیطالب متولد شد مادرش و پدر او دید و بدست من نهاد و زبان بر دهان خود بنهادم و علی انگشت راست بر گوش خود نهاد و بر رسالت من شهادت داد و گفت یا رسول الله ع گفتم بخوان بدانخدائیکه جان من در قبضه قدرت اوست که علی ع ابتدا کرد بصحف که خدا بعزوجل با دم فرستاده بود و شیث ع بپای بایام نموده بر خواند تا از اول تا آخر نصحف اگر شیث حاضر بودی اقرار کردی که علی از او حافظتر بود از انکه تورات موسی ع بر خواند چنانچه اگر موسی ع حاضر بودی اقرار کردی که علی حافظتر است از انکه زبور داود و انجیل عیسی بر خواند که اگر داود و عیسی حاضر بودندی انصاف دادندی که علی حافظتر است از انکه قرآن خدای تعالی بر من فرستاده بر خواندم همچنانکه حافظ بود ان را اکنون حافظم انکه علی ع با من سخن گفت و من با او سخن گفتم بچیزها بکه انبیا و اوصیا بدان سخن گویند با یکدیگر انگه علی بحالت طفلیت شد مادر و با مادر او فاطمه بنت اسد یادم ای یاران من شما بسبب کفار دشمنان چه اند و هکذی سوید و اقوال اهل شرک را چه اعتبار میکنید بدانید که من فاضلترین جمیع انبیا و رسلم و وصی من فاضلترین تمام اوصیاء است انگاه سلمان فارسی و یاقی اصحاب کبار خوشدل و خندان شدند برپای خواستند و صلوات بر رسول خدا ع فرستادند که سخن الفاز ودن و رسول الله ع فرمود که والله شما باید رستگاران و بهشت برای شما افریده و دوزخ برای دشمنان شما علی ع افریده الحجوزه حسنیه سخن را بدینجا رسانید و اکثر علما بکریستند و ابراهیم بنده الله قوة نطق نداشت انگه حسنیه گفت ای علماء زمان و ابنا و ابناء اوان و دلیل بگو خدا که مذاهب نکویید و راست بگویید که آنچه من روایت کردم صحیح است و منظور شما دیده ابد... اکثر علما که حاضر بودند گفتند... انکار کند... حسنیه گفت ... با فضلیت پیغمبر ... ایشان ع گفتند حسنیه گفت ای ابراهیم ... خداوند عالم علی را نفس رسول ... خوانده در قرآن مجید قل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین اگر در این قضیه سخن داری بگو که در حضور تمام محدثین و مفسرین بر تو ثابت کنم گفت حاشا که انکار کنم قرآن را حسنیه گفت ای انصاف دشمن و ای معاند خاندان طیبین طاهرین بعد از انکه قائل قرآن و حدیث هستی و با انکه علی ع نفس رسول الله ع و برادر وی و بر سول افضل انبیا است ع پس چرا انحضرت ... که او ... اسلام است و معترف ... که او افضل اوصیا است ... ابراهیم ... و ... در حالت ولادت ... ایمان او ...

تا دیگر پیش ابابکر بردند چون دو خصم بحاکم روند البته یکی بر حق باشد و دیگری بر باطل غرض پرسید تا از اینمسئله ان بود که اگر حسنیه گوید که عباس بر باطل بود بهم متزلزل باشد جهت انکه عباسی بود ابطال مذهب خود نموده باشد و بنقصان دین او باشد حسنیه گفت ای ابراهیم اینسوال را در قرآن مجید جواب حاصل است ابراهیم گفت کدام است حسنیه گفت حقتعالی خطاب فرموده با پیغمبر که وهل اتیک نبؤ الخصم اذ تسوروا المحراب اذ دخلوا علی داود ففزع منهم قالوا لا تخف خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بیننا بالحق ولا تشطط واهدنا الی سواء الصراط ان هذا اخی له تسع وتسعون نعجة ولی نعجة واحدة تا آخر و در قصه اینهم که آن دو خصم جبرئیل و میکائیل ع بودند سهو داود را نمودند و حاکم داود ع اکنون تو بفرما که کدام یک حق بودند و کدام یک بر باطل ابراهیم گفت که جبرئیل و میکائیل هر دو بر حق بودند سهو داود را بود نه پیغمبری و ایشان امر حق بودند حسنیه گفت والله اگر علی و عباس هر دو بر حق بودند سهوا بابکر را بود برای تنبیه بدیش وی امده بودند عباس گفت ای راستی که عم پیغمبرم و علی ع فرمود که میراث مراست که ابن عم پیغمبرم و وصی و شوهر فاطمه سیدة النساء در خانه من است و حسن و حسین که سید جوانان اهل بهشتند فرزندان من اند و نفس رسولم بحکم آیه وانفسنا وانفسکم چون ابابکر حکایات ایشان را شنید گفت والله که من از پیغمبر ص شنیدم که فرمود علی وصی و وارث و قاضی دین من است چون عباس این سخن شنید شیطانی شد و گفت ای ابابکر چون این سخن از پیغمبر ص شنیدی چرا بخلافت نشستی و حق او را ضایع کردی چون ابابکر این سخن بشنید در بافت و دانستکه ایشان برای الزام وی امده اند و میراث بهانه ساخته اند گفت شما امدید که مرا الزام کنید و اعتراض نمودند از مجلس برخواست و برفت چون ابراهیم اینحکایات از حسنیه بشنید گفت از اینمسئله در گذشتم اکنون بگو که عباس فاضلتر است یا علی حسنیه گفت تو بگو حمزه فاضلتر بود یا محمد ع چه در میان عباس و علی افتاده اگر عباس فاضلتر بود فخر علی را بود که چون او عمی داشت و اگر علی فاضلتر بود فخر علی را بود که برادرزاده داشت چون هرون فصاحت و بلاغت حسنیه را دید متحیر ماند و روی با ابراهیم کرد و گفت جعفر اعلم گوی که با شنت حسنیه گفت هشتاد و سه مسئله و براجواب گفتم اگر رضا باشد من نیز یکمسئله از او بپرسم هرون گفت بپرس از هر چه خواهی حسنیه گفت ای ابراهیم پیغمبر از دنیا برفت و وصی تعیین کرد یا نه ابراهیم گفت نه حسنیه گفت خلفا کردند یا ثواب و انچه خلفا در سقیفه بنی ساعده کردند خطا کردند یا صواب پیغمبر را چه نسبت میدهی خطا را یا اصابت را ابراهیم فرو ماند تا انجهت که اگر میگفت خطا کرد نقصان دین و شریعت بود و اگر میگفت که خلفا خطا کردند مدعای حسنیه ثابت میشود و بطلان مذهب او بود بماند پس فرو رفت بر تمام مردم روشن شد که ابراهیم عاجز شده در مقام اضطراب است خلایق بیکبار بخندیدند و سرزنش ها کردند که چنین عالم فاضلی از کنیزکی بتنگ آمد و عاجز شد هرون الرشید چون ابراهیم را مضطرب یافت دید که موجب فضیحت او میشود روی بوزیر خود یحیی برمکی کرد و گفت شنیده ام میان علما بغداد و بعضی علما در باب خبر مناظره بود از ابراهیم سوال کن که چه میگوید در این مسئله مبرهن بود هر چند علمای اهل بصره و مصر ابتدا نمودند اطمینان حاصل نمیشد غرض او ان بود که بر نبیند حسنیه در این باب چه میگوید چون یحیی بنا بر اشاره هرون از ابراهیم سوال کرد که یا ابراهیم چه میگوئی در باب جبر و اختیار خیر و شر و نفع و ضرر که از بندگان صادر میشود و معاصی و مظالم و کفر ایشان را اسناد بالله تعالی میکنی یا بقضا و قدر یا فاعل مختار میدانی چنانچه معتقد بنی هاشم و اتباع ایشان است که مطیع ثواب و عاصی مستحق عقابست یا نه ابراهیم گفت اعتقاد ما در اینمسئله چنانستکه نفع و ضرر و خیر و شر بقضا و قدر خداوند است که پیدا کننده آدم و ابلیس و پیدا کننده بهشت و دوزخ و حیات و ممات و صحت و مرض و ایمان و کفر و طاعت و معصیت و مبدع و محدث دعا و نمرود و موسی و فرعون و شاکان و هرون و محمد ع و ابو جهل و کافر و مسلمان بقضا و قدر را است حسنیه چون اینمقالات شنید بطاقت شد و گفت ای ابراهیم از خدا شرم نداری که این زندیق فرموده و جمیع مسلمانان در میدان ... و از برای ابلیس حجت و دلیل ساختی ... اعتقاد بوده اند با سهل

انجا بوده پس کل را بمعنی این باشد که هرچه نقصان اطفی او بکند از اعمال هیچ وهرچه نقصان انچشم او می بکند چون خلق امثال
درزمین وعرش وکرسی ولوح وقلم وجن وانس وملائکه واصول وفروع وسایر نعمتهای همه را خالق وموجد است که
بنا را نعمت باشد ومتراشی از خلق وفعل وکفر وفساد وضلالت وظلم ومعاصی وامثال ان را نیز فرمود که یضل
من یشاء ویهدی من یشاء بدانکه هدایت را معنی بسیار است ومرجع همه دو معنی است یکی بمعنی ارشاد وبیان ودیگری
بمعنی لطف واین هردو دعاء است جمله مکلفان را از مومن وکافر بدانای ابراهیم چه خدای تعالی در حق مومنان کرده
است از الطاف وارشاد وارسال رسالت وخوف وقدرت وتمکین وعقل که در حق کافران کرده است واکر نکرده باشد
کافران را بر خدای تعالی حجت باشد که مهر بر چشم وکوش ایشان نهادی وما را قدرت دفع آن ندادی وشنیدن راه خدای تعالی
از کفار ملزم کرد ومع حقیقتهم در قران تصریح کرده است که لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل یعنی تا انکه
از برای ان کردیم تا مردمان را بر ما حجت نباشد وحجت خدا را باشد چنانچه فرمود قل فلله الحجة البالغة بدانای ابراهیم
هرجا که هدایت کرده است مقید بمشیت کشته که مراد از ان زیادتی الطافست که واجب نباشد یا راه بهشت که ان
را که ایشان طاعت وعصیت در وجود آمده باشد اکر خواهد بتفضل از سر کناه ایشان در کذرد وراه بهشتشان نماید
وبر بهشتشان رساند بدانای ابراهیم که اضلال را در معانی بسیار استعمال کرده اند معنی اصلی او راه کم کردن است
واضلال چون بخدای تعالی نسبت کنند معنی هلاکت وعذاب بود یضل من یشاء ویضل الله الظالمین یعنی عذاب وعقاب
کند ظالمان را از انجا که ظالمان کمراهند واکر بمعنی کمراهی بود بدانای ابراهیم پیغمبر اکر تو با خدا نسبت میدهی
پیغمبر را بغیر خود حواله کرده است چنانچه میفرماید ولقد اضل منکم جبلا کثیرا یعنی شیطان کمراه بکند از
شما بسیار را وبا فرعون نیز اسناد کرده که اضل فرعون قومه وما هدی یعنی کمراه کرد فرعون قوم خود را واو راه
ایشان ننمود پس حقتعالی اکر تو بکوئی که اکراه کرده اسناد با غیر نکردی پیغمبر اکر تو میکوئی که خدا همه کافران را
کمراه میکرداند این کفر محض است حقتعالی میفرماید که میفرماید الکتاب الذین لا یؤمنون پس بدان لازم بود نا وبا
بود نا باینکه در اینجا اضافه اضلال با خداست یضل من یشاء یعنی خدا کمراه کنندکان را اکر خواهد
بود چون لطف را در وی اثری نباشد وچون خدای تعالی بنده را بواسطه کفر وعصیان افراد وخذلان کند
با خود کذارد چنانکه کوئی اضلال کرده است وضلالت خود از بنده است ومدعا از اینکه ختم الله علی قلوبهم اینستکه
مهر بر دل وکوش وپوشش بر چشم خود کرده بر سبیل تمثیل یعنی ایشان مقام کردند در کفر بمنزله کسی اند که کویی
قلم با ایشان بمعنی کرده تا نتوانند ایمان آورند ومهر مانع نیست از ایمان اکر مانع بودی خدای تعالی نفرمودی بل طبع الله علیها
بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا ای ابراهیم بنا بر اعتقاد تو لازم که دعوات انبیا عبث بودی وبر حق لازم بودی که رسول
نمودی که فلان وفلان از خوف مکن که ایشان نتوانند ایمان آورد وفلان از نسب کفر ایمان از ایشان نمی خواهم
وکوشها ایشان نهادم نا دعوت رسول عبث باشد بدانای ابراهیم ان هدایت که حضرت پروردکار مومنان را کرده کافر
نیز حاصل است وقران مجید ناطق است که انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفورا یعنی ما هر دو را از اد هدایت نمودیم
شاکر اکر مومن است وکفور اکر کافر ای جون خواهیکه خدای تعالی هدایت نکرده هرکز علیه اللعنة را اکرچه بطرفی
مخالف بود در این مسئله او را یقینی حاصل نشده بود از حضرت حسینه او را جیا خوش آمد ابراهیم بن خالد کفت جای
دراینجا کرد ابراهیم با مشرکان کفت در قران صریح واقع است اتعبدون ما تنحتون والله خلقکم وما تعملون یعنی
پرستید انچه را که خود میتراشید وحال انکه خدای تعالی خلق کرده است شما را وانچه که میکنید حسینه مجدد بدو کفت
والله منه را اعتقاد بقران نیست از این تاویل که موافق مدعا خود میکنید که اکثر از مفسرین وتابعین بر انند که
ما ما مصدری نیست کلام استکه والله خلقکم وعملکم یعنی خدا خلق کرده شما را وعمل شما را حسینه کفت ای ابراهیم دلیل
منها این تعالی انعبدون وما تنحتون بدانکه مورد ان رابه ملامت امت ونقص بهشت یعنی میپرستید چیزی را که

در قران مجید واقع است یرید الله ان یخفف عنکم وخلق الانسان ضعیفا ونیز فرماید لا یکلف الله نفسا الا وسعها
ونیز فرماید که یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر وامثال این بسیار است ای ابراهیم خدا کفر وکافر را افرینند و
... که بیکمان خدا الوهیت باطل باشد وکویند لم تلبسون الحق بالباطل وایشان را از خرید وفروکند باز دارد
ویکوید لم تصدون عن سبیل الله ای ابراهیم اکر کفر خلق در کافر خدای تعالی کرده باشد لازم اید که کافر مطیع الله
باشد از برای انکه خدا کفر را خلق کرد وکفر خواهد پس انچه مراد الله بود پس مطیع بود وبر این تقدیر از برای انکه کافر را
باو امر ... کفر ... ونه چنان انکه خدا کفر را خلق کرده است وایمان ... چون شما
کافر مطیع بود ومومن عاصی ای ابراهیم بنا بر قول شما لازم میاید عدم رضا بقضا وقدر خدای تعالی از برای انکه باجماع
رضا بکفر حرام است ورضا بقضا وقدر خدا واجب پس اکر کفر بقضا وقدر خدای تعالی باشد پس واجب
باشد وانکفر است ای ابراهیم از اعتقاد شما لازم میاید تعطیل حدود وقصاص وفواحش شرع از معاصی
از برای انکه اکر زنا ولواطه ودزدی وشرب خمر وخون ناحق وتمام معصیتها از خمر وطنبور وزمر وشطرنج
غیر اینها اکر واقع میشود باراده وقضا وقدر حق تعالی باشد پس جایز نباشد که امام وحاکم شرع که زجر ومنع کند فاعل این
را وانجمله مراد حقتعالی از ان باز دارد وامر نماید بانچه مراد خدا نباشد ودیکر لازم میاید که الله تعالی مرید فعل قبیح باشد
از برای انکه معصیت مراد او است وخود نهی بر کرده ووعده ومنع وزجر ومنع نهی از معاصی مراد او امر بر خلاف بود
تقیید کرده پس لازم میاید که جعفر بن النقضبن ای ابراهیم ابو الشعثاء روایت میکند که دزدی را در مجلس
عبد الله ... حاضر کردند وامر کرد دست قطع کنند یکی از حاضران ان مجلس کفت نعوذ بالله من قضائه یعنی پناه میبرم
بخدا از قضاء عبد الله بن عباس بر اشفت وکفت لقولک اعظم یعنی کناه سخن تو عظیم تر از دزدی اوست وان
متحیر المجلس برخیزاند ... چون هرون این سخن از حسینه شنید وبغایت خوش امد که عبد الله
... حسینه کفت ای ابراهیم اکر خالص کفر ومعاصی الله تعالی باشد باید که قبیح نباشد ...
در عمر خود که انواع نیکوئیها کرده باشد ومثل انکه با ما انواع ظلم وجور کرده باشد اکر نیک کننده وبد کننده
فاعل مختار نباشد بلا شک مدح وذم از ایشان بد ایشان راجح نباشد پس مدح وذم که صفت لطف است
بار راجع است باید نفس فعل نیز بار راجع باشد واین تقدیر ارسال رسل وانزال کتب وبهشت وجمله ثواب وعقاب باشد
ای ابراهیم ... خوانی ... که شما اهل جنید ... ابلیس فاسد دلیل میکنید واین
مذهب وابناء ایشان از علما واصحاب حدیث که تابع ایشان بودند از ابلیس فرا کرفتند وبعد بنا فرمودند شما
نیز بنا بعد نکرده مینمایند چون حسینه سخن بدینجا رسانید ابراهیم بن خالد وعلماء بغداد وابناء ایشان یکبار
بیخود شدند وغرق دریا ... کفتند ... وخلیفه ... نزدیک بود که قصد حسینه کنند مروق برا
... ابراهیم ... حسینه ... که ... اکثر ... حاضر ...
الا حسنه ... باوجود این بار خشونت مینماید حسینه کفت اکر مناظره ومباحثه را موجب ملال خلیفه نشود
تا یکمنه از این دلیل تمام هرون کفت ای ابراهیم اکر بنده فاعل فعل خود نباشد لازم اید که افعال اختیاری که
صادر میشود از ما بمنزله اعضا واحیها وکشتن وخوردن وانشامیدن ودادن وستادن وحرکت در تصرفها
حرکت نبض وغیره فرق نباشد ای ابراهیم اینکه بدیهی است که فرقست میان حرکت اختیاری وحرکت اضطراری وبر که
بود حکم میکند براینکه ما قادریم در حرکات اختیاری وقادر نیستیم بر پریدن بر اسمان رفتن چنانکه بشیخ بهلول با ابو
در مسئله قضا وقدر بحث کرده والزام نموده کفت بدلیل نیز ثابت میکنم که اخر مراتب از تو فاعلیت وفاعلیت است از
انجا که بنده را مسلوب الاختیار میکنند از برای انکه اکر خدا یکبار دیکر مغیر بود در بندد وجه انکه بکفند البیر
کند واکر یکبار دیکر ... قادر نباشد ... اکر بکسی از انجا ... پس فرق میکنند میان انچه قدرت بر ان ندارد
... که ... قادر ...

جمله انبیا خوبتر بود و نقد نیز الله تعالی کرده الله گوعصیان غاصیه ولو بقدر نوبر خوابانیدن کردن ابراهیم نحل با نت گفت
ای حسنیه تو ابطال مذهب خود نمودی اگر باعتقاد تو تمام انبیا معصوم بودند چون جرم و معصیت واقع نشده جرا تو نیز
را استغفار نموده یحیی برمکی گفت ای ابراهیم بحث او را تمام نمود ... کرده که حال الوقت
در عصمت و عدم عصمت انبیا میکنی اگر مردم بجهت بدانند حسنیه گفت ای ابراهیم این بحث تو موافق ارباب نیست
و دخل تو بی موقع در این مسئله نیز جواب خواهی شنید بعد از اتمام سخن در باب قضا و قدر و دیدار ای ابراهیم مشرکان
قریش جمله جبری بودند چون اسلام ظاهر شد طریق جبر را برافتد بعد از وفات حضرت رسول در شهادت امیر المؤمنین
معاویه و یزید و باقی بنی امیه در زمان خود آن را اختیار کردند در اسلام و جبریان تابع ایشان شدند شما نیز
متابعت ایشان میکنید ای ابراهیم بدانکه اهل بیت عظام و طاهرین رسول الله برای اعتقاد بودند چون حسنیه
این سخن بدینجا رسانید ... مردم برآمد جمله تحسین حسنیه کردند ابراهیم گفت ای حسنیه انبیاء هر را اصل
داشتم از اثبات قضا و قدر چون اکثر این تابعین بر این بودند و چنین اعتقاد نموده اند که بنده مسلوب الاختیار
و مجبور اند که بنده شرک بالله تعالی باشد و این شرک لازم آید حسنیه گفت ای ابراهیم چگونه شرک لازم آید و حال آنکه
الله تعالی ... در قهر او و اعدام او مثل آنکه سلطانی والی کرداند شخصی را در بعضی بلاد و آن والی در آن بلاد ظلم کند
و غارت کند مسلمانان را و سلطان ممکن باشد که آنچه او دیده حق که فقیر را باشد باز ستاند و او را بر قتل رساند چگونه لازم
آید شرک او با سلطان و چون توان گفت که او شریک سلطان است ای ابراهیم احکام الهی و احادیث حضرت رسالت پناه
تمام دلایل عقلی را ... ایشان ... میان کار یکی بعضی از تابعین چنین اعتقاد کرده ۱۵ه
ای ابراهیم اعتراضی کردی در باب عصمت انبیاء و اوصیا که معصوم از گناه صغیره و کبیره از ابتدای طفولیت تا انتهای زمان نبوت
و وصایت بدانکه ایشان مناه ... جگونه جایز بود که در مقام انبیاء و شیطان که از ازل دل موجودات را بعد
و طواف از جناب کبریایی دور شود ... شیطان را تصحیح نباشد دیدبانی و ... ایشان اعمال شیطانی صادر
شود باید که نبی و امام و آباء و امهات ایشان پاک باشند از زنا و ... مثل آنکه دلالت و حجام و سر ... کشتن نباشد
و باید که نبی پاک باشد و امام متصف نباشد بصفات ذمیمه مثل حقد و بخل و حسد و بخل و حرص و معلول و ناقص و
مبتلا نباشد به برص و جذام و کنگ نباشد از جمیع نقایص مطهر و منزه باشد و لا نبد عاشق بیشه نباشد ای امیر
بدانکه واجب است امام افضل و اعلم و ازهد و اورع و اتقی و اسخی و اشجع و اکرم اهل زمان از جمیع خلق مستجمع باشد
و اعلم و منصوص علیه تعیین شده باشد بدان که هر امام که در عهد ... بود امام اوست با آن که امام باید که منصوص از خدا
و رسول بود تا خلق به متابعت او مکروه نباشد و باید که امام معصوم باشد جرا که غیر معصوم نتواند که ظالم بود
حضرت پروردگار رجل و علا میفرماید که لا ینال عهدی الظالمین چون حسنیه سخن بدینجا رسانید لرزه بر هر یک از اینها
چرا که وی بنحو خلافت میکرد بغیر چون یکی از منصفان در وی موجود بود یحیی بن خالد برمکی رو باقت روی
با ابراهیم کرد که ای ابراهیم گویا دیا شاه او مفارقت کرد چرا از آن کوسی برنیانی و بمذهب حسنیه را اختیار نکنی چون
ابراهیم و جواب کتابی نشنید گفت ای حسنیه چگونه در قرآن که حق تعالی امر کرد آدم و حوا را و گفت یا آدم
اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغدا حیث شئتما و لا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین حسنیه ... ایشان
از آن درخت خوردند و از ستمکاران گشتند حسنیه گفت ای ابراهیم بدانکه نهی فرمود خدا تعالی آدم را از آن نهی تحریمی
نبود بلکه نهی تنزیهی بود زیرا که نهی تحریمی آن باشد که بار تکاب آن مستحق ملامت و عذاب آخرت باشد و نهی
تنزیهی آن باشد که بار تکاب آن فایده و مصلحتی که در آن باشد از خود فوت کرده باشد اما بر آن مستحق ملامت و عذاب
آخرت نباشد ... ایشان در درخت کرده مستحق زیادتی الطاف و ثواب نشد چون نکرد مستحق عذاب نشدند
ای ابراهیم ... ظالمین حسنیه گفت ای ابراهیم بدانکه معنی ظلم

فرمینا دند حسنیه گفت ای ابراهیم آدم را از برای خلافت زمین آفریده بود چنانچه میفرماید انی جاعل فی الارض خلیفة و اگر
آدم از آن درخت تناول نکردی از بهشت بیرون نمی آمد و بر زمین نمی رسانید از برای خود بیرون کردن و عاز بهشت در زمین
کردن عقوبت گناه نباشد زیرا که عقاب و رنج باشد که بغیر رسانند بر سبیل استحقاق و اهانت بیرون کردن آدم بنابر
مصالح بود چنانچه در رو بینی و رنجوری را بر حسب مصلحت میدهند بر سبیل عذاب ابراهیم گفت ای حسنیه چگونه در باب
نوح که بر قوم خود دعا کرد که حق تعالی قوم او را هلاک کند چون حق تعالی قوم نوح را هلاک کرد بغرق طوفان نوح پشیمان شد
از آن دعا کردن پانصد سال بر آن دعا کردن میگریست بعد از گریه کردن لقب او نوح کردند بیشتر از آن نام وی
عبدالله بود علی بود حسنیه گفت این حکایات دشنید بخشید بلکه گفت ای ابراهیم این حکایت بر خلاف قرآنست که میفرماید
یا نوح ... اکثر من ... بعد از این پانصد سال غرق شدند نام وی نوح بود که این اول ثابت شد اما انکه
نوح پشیمان شد از دعا کردن از دو حال بیرون نیست قوم نوح اگر مسلمان بودند و دعا کرد تا ایشان غرق شدند نبایستی
خود کفر است که پیغمبر مرسلین دعا کند تا عالم طوفان کیرد و چند بن هزار ایمان هلاک شوند و اگر کافر بودند نه
شایسته ندامت خورد بر هلاک دشمنان خدا و رسول خدا و جز اینهم در حق آدم و نوح فرمود که ان الله اصطفی آدم
و نوحا و آل ابراهیم ... گفت ای ابراهیم ... باید که ... و ابنه ... شنیدم
از غیر تو بدانکه نیا ... ایشان بلکه اینها بکر قبل از ایشان منصب امر خلافت شده بودند بظلم و تعدی انکه
ادیان را از هم مستحق ... ایشان ظلمها و فسقها بظهور رسانیدند از مسائل شرعیه و احکام قرآنی عالم
بودند این بعضی عمر بود و بعضی از آن منصب امامت خارج میکردند ... اظهار اینها باب میکردند
بعضی او قات مست و بیهوش امامت کرده نماز صبح را چهار رکعت میگذاردند مثل ابن ... اکر جمیع نباع
ایشان اعتقاد دارند ... موجب ملالت خلیفه کرد و جون بعضی از اهل بیت ... با جمعی از صحابه که بار که بصفت امانت ...
... ایشان را ... میکردند و اکثر ... ایشان ... از برای دنیا ...
... را ... نمود ... کافر ... را ... و جمیع انبیا را که ...
محبت و ذلت و خطا متهم کردند و بظاهر قرآن عمل کرده و بر صحت تاویل ناسد حدیث وضع کرده اند و عقلا
بمیزان نقل ... آیات قرآن بر طبق آیات موضوعه تاویل کردند چون مردم مهارت در شبهه نداشتند بیان نظلت علم
میکردند بتقلید ... و قوت تمیز نداشتند میان طبع و هوا و میان عقل و ... عنقا
بیدار و حکومت بنی عباس بیست روزه ثواب یک و عقاب ... بنوا و رند و بعد از رسول تقلید ... وی
مذاهب وضع کردند و عقاید این بنای دین و ملت بر نشو و نما نهادند بطریق انصاف و تتبع و طلب حق نمودند
قناعت نمودند ... وجدنا آباءنا علی امة و انا علی آثارهم مهتدون مقتدون تا حق تعالی در جواب ایشان و شما نیز گفت انتم
و آباؤکم فی ضلال مبین ... تقلید معلم قناعت کرده و انصاف و تفحص نکرده اند که مذهب معلم ...
... میکردند ... میان ...
انا مع الحق ... کل حزب بما لدیهم فرحون بدانکه ای ابراهیم که حق ... جز یکی نباشد از این مذهب و دلیل
بر این اشارت گفت که ... میفرماید ستفترق امتی علی ثلث و سبعین فرقة واحدة منها
ناجیة والباقی فی النار ... هفتاد و سه فرقه که یکی از ایشان ناجی و باقی
در آتش باشند جمعی از اصحاب گفتند یا رسول الله از فرقه ناجیه کدام اند فرمود که آنچه من بر آنم و اهلبیت من بر آن اند
... مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق ... ای ابراهیم که جمیع ...
بر صحت ... جمیع اهل بیت رسول ... مذهب ... و نه حنفی و نه شافعی و نه مالکی و نه
حنبلی ... رسول الله ...

کیفیت حسنیه

فضائل و استغفار

بقیه

عصمت در انبیا که نبوت بود در امامت نیز شرط است و بدلایل عقلی و بمقتضای این آیه وإذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات
فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما قال ومن ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین خدا بنده ابراهیم را گفت
که من ترا امام مردمان میکردانم ابراهیم ع دعا کرد و گفت از ذریت من هرکه لایق باشد امام کردان الله تعالی از امام نفی ظلم
نمود و ظالم بر دو قسمست ظالم بنفس و ظالم بغیر که هر که اینها ظلم ازو منتفی باشد معصوم است پس عصمت
در امامت شرط بود بمقتضای ان الشرک لظلم عظیم مشرک توبه کننده لایق منصب و رتبه امامت نباشد اگر کسی
برین اعتقاد باشد و برا رافضی خوانند و قتل وی را واجب دانند پیرو همه میبایند سنت معاویه و خود را پیرو سنت
پیغمبر ص و اهم نبی اشتهار داده اهل جهیم انبیا را در رجه فساق در دنیا و دید واگر کسی را این اعتقاد بود تکفیر وی
کنید چون حسنیه را آتش محبت مشتعل شده بود بر مسند فصاحت و بلاغت نشسته بود که لا ینقطع در بیان مخالف
و عصمت و طهارت اهلبیت ع اقامه دلیل مینمود هرچند ابراهیم برا لرزه بر اعضاء افتاده از قبایح اعمال ناشایسته
سرزده هرکه در پیش افکنده متحیر بودند نه قوت نطق و یارای سوال بود ابراهیم گفت عنان اختیار از دست داده مرکب
تشیع در میدان وقاحت و قباحت و فضیحت میدوانی و صحابه و تابعین را طعن و تکفیر میکنی اگر محبت و مودت اهلبیت
بر همه لازم و متحتم است دین که را با این ازار نیست و اما محبت و مودت اصحاب کبار و خلفای ابرار نیز بر ما نشین بسته
مختار بودند بر همه کس واجبست در خلافت ایشان اجماع امت است خصوصا ابوبکر که حضرت باری تعالی در این
غار او را مصاحب حضرت رسول ص خوانده و او را آن فضایل حاصل است حسنیه گفت بخدا شو کنند که ابی بکر
از این غار هیچ فضیلتی و شرفی نیست بلکه این آیه موجب کفر و فضیحت وی است ای ابراهیم بیا که از این غار ابی بکر را هیچ
نتیجه ملفا نیست ای ابراهیم گفت که خدا می فرماید الا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه الذین کفروا ثانی اثنین اذ هما فی الغار
اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سکینته علیه وایده بجنود لم تروها اول آنکه همراهی وی بار سول خدا
اگر کسی را دوست نداشتی آنکس را بر کنار انیس و جلیس خود نکردی دوم حقتعالی ویرا صاحب رسول ص خواند سیم آنکه خدا او
رسول او را محزون نتوانستند دید از برای حزن و خوف وی ره گفتند لا تحزن غمگین مشو چهارم آنکه ان الله معنا بلفظ
جمع گفتند یعنی خدا با ما است پس معنیش این بود که با رسول ص و ابی بکر بود الحسنیه در این آیه که فضایل ابی بکر است چگونه
حسنیه بخندید و گفت ای ابراهیم جواب شنو و بدانکه اینقضایا بلی است که بدینها چشم عوام را میپوشید اینها را اگر دیده بصیرت
و عقل کامل بود از راه تزویر دید بر مناقب کسی را افضل است نگویید و بخاطر آن عصمت مقدم ندارند بلکه بر فضیلت
او لکن بیان کردی که ابی بکر را از برای آن خود بر دکه از همه کس دوست تر داشت والله غلط گفتی و اینها که این اعتقاد کرده اند
بدانای ابراهیم که جبرئیل نزد رسول ص آمد و گفت امشب قصد قتل تو خواهند آمد باید که امر کنی که امشب هیچ یک
از اصحاب تو از خانه بیرون نیاید و امر الهی چنانست که علی بن ابیطالب ع که برادر و بجان برابر تست بجای خویش بخوابانی که
کسیکه جان خود را برای تو فدا میکند او است و خود متوجه غار شو با شرایط چند که مشهور است چون نزد
رسول خدا ص اصحاب را طلبید امر کرد که امشب هیچ یک از صحابه باید که از خانه بیرون نیایند که خدا را در این مصلحتی
است متوجه غار نباشند بعد از آن برادر خود را طلبیده فرمود امر الهی شرف نفاذ یافته که تو بر جای من بخوابی تا از شر
کفار غدار و مکر و حیله ایشان محفوظ مانم ابی بکر از این غار بروم ابن عمی اصلا بر امیر المؤمنین ع کران نیامد و از روی محبت
و اخلاص گفت بر ایشان ... امر الهی باید بر نفس رسول خدا محفوظ بماند با وجود صغر سن خایف و هراسان نشد
و در بغل گرفت در تیر و شمشیر دیگر شد بجا کردند و فرمود یا علی نور الجلال بردم و برا بجا خود خوابانید و برفت چون قدری
راه رفت دید که شخصی از عقب حضرت میاید حضرت توقف فرمود چون نزدیک شد دید که ابی بکر است فرمود ای ابا بکر
نه حکم کرده بودم که امشب از خانه خود بیرون نیائید چرا مخالفت حکم الهی کردید گفت یا رسول الله

ابن اکر حزن او از مصیبت بود و خوف بر ایشان ... ایمان و یقین و رسول ص نبی او را ... ما
همراه چه جای دیدل بوده باشد پیغمبر ص ... معصیت است که اعتقاد
ابراهیم هو ابی بکر دلالت بر قلت صبر و بر عدم رضای او بقضا و قدر حقتعالی و بعدم رضای او و حیرت حضرت
رسول ص ثابت است که او را اعتقاد بر قول رسول ص نبوده چرا در محل رفتن بجانب غار رسول ص او را اعلام کرد
که من بحکم حق تعالی متوجه این غار شدم و ما محفوظ و محروس خواهیم بود از شر اعدا ابی بکر بقول شما که میگویید
ابی بکر انیس و جلیس پیغمبر ص بود و پیغمبر او را از غایت محبت بغار برد پس چون بود که ابی بکر غمناک شد که رسول
خدا ص با واسطه استیلای بحکم الهی بنا در دفن که از این غم و جزع نزد او بود که پیغمبر را رسوا کند بلکه غرضش از
فریاد و جزع این بود که کفار مطلع شوند و غرضش آنکه امر الهی نبود ما حافظ و ناصر رسول خدا ص بود ای ابراهیم اکر ابی بکر را
به پیغمبر ص ایمان بودی خدا را نگاه داشتی که مار را پای او را زند و او را نگاه داشتی چنانکه پیغمبر را نگاه داشت از شر کفار
با آنکه امد نه جمع کثیری و خود را بر غار رسانیدند با وجود آنحضرت و برا از شر اعادی نگاه داشت ای ابراهیم فضیلت
دیگر که گفتی رسول ص فرمود با ابی بکر ان الله معنا یعنی خدا حافظ ما است غرض این بود که حافظ و ناصر است بلکه شامل ابی
بکر نیز بوده باشد او را چه فضیلت حاصل است چرا که در قرآن مجید فرموده که ما یکون من نجوی ثلاثة الا هو رابعهم ولا خمسة
الا هو سادسهم ولا ادنی من ذلک ولا اکثر الا هو معهم بدانای ابراهیم که خدا میفرماید با سه نفر را از ذکو بنده و کس از نکر
چهارم ایشانانست و از کو بنده پنج کس دیگر انکه ششم ایشان خدا است در کمتر از این در مابین از این بکر او که خدا با ایشان
است و این آیه شامل حال جمیع کفار و یهود و نصاری و مؤمن است و غیر هم است پس ابی بکر و مختنا او را اینجا هم شکی
ای ابراهیم مثلا شخصی با حیوانی باشد مثل اسب یا استر یا خر و از خوف دزدان و حرامیان با ایشانه با بیابانی برد که خدا
با ما است و ما را نگاه دارد است در این منزل باد را با بیابانی بنی از اسب و استر که ایشان را این فضیلت است
فاضل بخشو چون حسنیه سخن این جا رسانید و هرون بسیار بخندید با آنکه او را غضب بسیار بود و با اهلبیت
نفاق و عداوت بود حقتعالی او را بر حسنیه چنان مهربان کرده که لعن مطاعن نمودی با سبقت خلافت و انکار نمودی
بر خواستی در بر کرد حسنیه کرد بد ... و دست و بوسید دیگر مرتبه حسنیه گفت ای ابراهیم متوجه باش که هنوز
مطاعن ابی بکر در این غار بسیار است از جمله رسوا تر و بی بهره تر بود از ایمان آنجا است فانزل الله سکینته علیه اینجا ضمیر
راجعست بحضرت رسالت ص که ضمیر بواحد مذکر مجرور واقعست و این دلالت بر آنکه انزال سکینه برابی بکر نشده و از این
بی فضیلتست و اگر انزال بر او شده بودی فانزل الله سکینته علیهما بودی که این دلالت بر کفر و عدم ایمان ابی بکر است
آنکه حقتعالی در موضع الخبار فرموده در قرآن که بمحضی رسول ص انزال سکینه نموده از آن در این آیه که در شبت در غار
دیگر در غزای حنین چون لشکر اسلام شکسته شدند ابی بکر و عثمان و عمر و بسیاری از صحابه گریختند و رسول ص را در
میان کفار گذاشتند الا حضرت امیر المؤمنین ع و هشتاد و نه نفر دیگر از صحابه و اقربای رسول ص که فرار ننمودند و در ملک
حضرت امیر المؤمنین ع پایمردی و مردانگی در میدان قتال و جدال محکم کرده بودند و از سر جان گذشتند و مفارقت نمودیم
رسانیدند و خدا تعالی فرمود که لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة ویوم حنین اذ اعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئا وضاقت
علیکم الارض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین ثم انزل الله سکینته علی رسوله وعلی المؤمنین ای ابراهیم در روز حنین با حضرت
رسول ص مؤمنان همراه بودند انزال سکینه بر رسول و بر مؤمنان شد و در غار غیر ابی بکر دیگری همراه نبود از مؤمنان
فرمود فانزل الله سکینته علیه و ابی بکر را ذکر نفرمود با ایمان او را اگر فی الحقیقه اعتبار بودی بجای رسول ص با پیغمبر
جای ضمیر مفرد تثنیه باشد و علیهما باشد ای ابراهیم چون حزن و تزلزل وی در غار مطلق معصیت بوده باشد
عدم سکینه معلوم است پس او را از این غار هیچ نصیبی نبوده باشد بلکه عدم ایمان وی ثابت است و این نوع فضیلت را
کر از او کفر ثابت میشود دیگر از فضایل که نقل میکنند در رشته کشیده بلباس فضایل بنظر اهل عالم

که هجرت او بعد از هجرت رسول بود چون ابی بکر با رسول الله صلی الله علیه و آله از مکه بیرون رفت جایز نیست که شریک رسول الله بود در هجرت و الله تعالی از برای آنکه ابی بکر نوکر و ملازم و متعبد بود با رسول الله جایز نیست که شریک رسول الله باشد در هجرت و هجرت رسول صلی الله علیه و آله متحقق نمیشود الا بعد از هجرت رسول و اگر کسی بعد از او هجرت نماید با او صادق نیست که گویند از او مهاجر است چون حسینیه سخن به اینجا رسانید هارون ز غیر خود بیخبر از طلب نمود و گفت ای یحیی حسینیه هیچ تقصیر نکرده در دلیل آوردن با امام ابن عم و یحیی اگر حسینیه بر طریق مذهب ما بود در اینجا و با بنگاه خود در عبا و دم یحیی گفت با امیر المؤمنین او بر طریق کرباشد در حق من انعام و اکرام از فرایض است بعد از آن هرون گفت قرآن معجزه محمد است و محدث است مقدم چگونه بود که معجزه قدیم باشد اگر گویند قدیم ما بین الدفتین است این هم غلط بواسطه آنکه ما بین الدفتین کتابت و دلیل این که کتاب محدث است و اگر گویند که حروف و صوت است این هم محال است که حروف و صوت قدیم باشد زیرا که بعضی بر بعضی مقدم و موخر است و بعضی سابق بر بعضی هر یک بر زمان متناهی و محصور و هر چه چنین باشد قدیم باشند و نباشند و اگر گویند که این معنا نیست که از مکتوب حروف و صوت مستفاد میشود این معانی یا امر است یا نهی یا قصص یا اخبار یا وعد و وعید یا ناسخ است یا منسوخ چنانکه گفتیم محال است معدوم را بچیزی وعده کردن و وعید نمودن از چیزی و بچیزی فرمودن و از چیزی نهی کردن و نیز الله تعالی میفرماید فلیأتوا بحدیث مثله مراد از حدیث قرآن است که حدیث در مقابل قدیم است که هر حدیث باشد قدیم نتواند بود و همچنین حق تعالی میفرماید ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث مراد از ذکر قرآن است بدلیل انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون که محدث در مقابل قدیم است و اگر قرآن قدیم باشد انبیا و اولیا و صلحا و فساق و فجار و جمیع کفار که ذکر ایشان در قرآن فرموده قدیم است حسینیه افاضه دلیل نموده ابراهیم سر بزیر افکنده دید حسینیه گفت ای ابراهیم دیگر گفتی که خدا افضل از مخلوقات امر و نهی بود و میگفت یا ایها الذین آمنوا و یا ایها الناس اتقوا و یا ایها النبی ان یاذن لکم ای ابراهیم شخص درخوانه تنها نشسته و گوید ای سالم بیا ای غانم برو و ای قابل بخیز و ای مقبول بنشین شخصی از او پرسید چرا سوی و یا کرد کاله میکنی گوید میخواهم که سخن دارم که بسی سال دیگر غلام چند بخرم و ایشان را غانم و سالم و قابل و مقبول نام کنم ایشان را امر میکنم و با ایشان سخن میگویم هر کس عاقل باشد چنین کسی را اگر با معدوم خطاب کند و مکالمه نماید سفاهت منسوب خواهد کرد و مجنون خواهد بود گفتا ای ابراهیم چگونه جایز بود که این سفاهت بخدا نسبت دهی پس هارون بفرمود تا طبق زر بیاوردند و بر سر حسینیه نثار کردند جمیع ارکان دولت و اعیان ممالک که در آن انجمن بودند حسینیه را تحسین نمودند و اکثر سلاطین و دهقان که از اطراف و اکناف در دار الخلافه حاضر بودند اکثر را داغ محبت اهل بیت بر جبین نشست حقیقت مذهب اهل بیت و ابطال ایشان ثابت شد و غالب از بنی عباس ملاحظه کرده اظهار طوق خود نتوانستند کرد جمله دعای حسینیه میکردند همگی از انصاف و بلاغت او متحیر مانده بودند اکثر علماء اشاعره از شرمندگی سر در پیش افکنده بودند و ابراهیم نظام در بالای کرسی از آن خجل و منفعل نشسته بود حسینیه گفت ای ابراهیم امروز تو اعلم و افضل علمای این عصر هستی کثیری اعتبار که مرا انسان کنار گرفته و با خبر آوردند خواهند من بحیله درهم خرید مرا شعار فرخنده آثار اهل اسلام تعلیم نموده شیر و قدر بمن مشرف شدم و معرفت واجب الوجود حاصل کردم و دین پیغمبر و امام خود را شناختم [illegible] چند در خود از آنست که بر سبیل تحقیق ایضاح از بر سبیل طریق سینه که ازو سؤال میکنم باید که امتثال آن از نفس من زایل گردد و واجب شود که تو گویم با مجمع مقلد و شود و جید الیوم در ملازمت تو کن ای ابراهیم که چون فرزند از مادر متولد شد و چهود یا ترسا یا مشرک هست و یا شیعه و یا سنی پدر و مادر او و معلم او و استاد او را مسلمان یا کافر و چهود یا ترسا یا مؤمن یا منافق کنند با غیر آنها در هر مذهب که او را اعتقاد باطل بکار آید و خالص یا اینکه اعتقاد باطل خود را تصور کند بدان محکم باشد و بدان میرود تا آنکه بداند که اعتقاد او باطل است و تلبیس کند و چشم از حق بپوشاند و مردم ابله بی فرهنگ این هر دو صفت در دو شخص با شد ای ابراهیم بگو که هیچ یک از آدمیان بر تحقیق احدی رسند یا نه و اگر رسند از راه هدایت حقیقی باشد

[illegible] که حدیث بر دو قسم است یکی آنست که قسم دوم از آنها که حدیث بر دو وجه باشد که سخن از رسول شنیده باشد و یاد نگرفته در آن غلط کرده باشد چرا که سهو و نسیان از غیر معصوم روا است آن شخص [illegible] که ایشان [illegible] دانند که غلط است روایت نمیکرد ای ابراهیم هشتم بشنو از آنها که حدیث روایت کردند که شاید که از ایشان سخن از رسول خدا شنیده باشد از چیزی که نهی کرده و بعد از آن او را خاص بود پس شنیده و یاد گرفته منسوخ آن شنیده و مطلع اگر آن شخص دانستی این حدیث منسوخ است روایت نکردی و اگر مسلمانان بدانستندی که این حدیث منسوخ است قبول نکردندی ای ابراهیم چهارم آنکه حدیث روایت [illegible] باشد که دروغ نگوید بر رسول خدا از ترس و تعظیم خدا هیچ سهو و غلط نکرده باشد و عالم بر منسوخ و ناسخ باشد پس ناسخ حفظ کرده باشد و منسوخ را انداخته باشد بدرستیکه در قرآن ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه است و حضرت پروردگار میفرماید ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا پس آنکسیکه مشتبه شد بر او و ندانستکه مراد خدا و رسول خدا چیست با چه کند پس بگو ای ابراهیم بنا بر اقوال کدام خلیفه را باید عمل کرد آنها که حق تعالی بر پاکی ایشان گواهی داده که انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا با وجود عصمت [illegible] ایشان ای ابراهیم با آنکه همه اصحاب رسول خدا را یارای سؤال کردن از رسول خدا نبود گفتیم هر چیز نشنیده بود از برای آنکه همه صحابه را هیبت نبوت سؤال نبود چرا که حق تعالی ایشان را منع کرده بود از سؤال چنانکه فرمود یا ایها الذین آمنوا لا تسئلوا عن اشیاء ان تبد لکم تسؤکم یعنی ای آنهایی که ایمان آورده اید سؤال مکنید از چیزهایی که سؤال کنید چیزی ظاهر شود که شما را بد باشد چون این آیه نازل شد ترک کردند و همیشه اصحاب در این آرزو بودند که اعرابی بیاید یا سائلی سؤال کند تا ایشان بشنوند ای ابراهیم مولای جعفر بن محمد الصادق روایت کرده من از وی شنیده ام که او از جد خود علی بن الحسین روایت کرد و او از پدر بزرگوار خود ابی عبدالله الحسین و او از پدر بزرگوار خود امیر المؤمنین و امام المتقین سید الاوصیاء المرضیین ابی الائمة المعصومین و وصی رسول رب العالمین علی بن ابیطالب فرمود که من هر شب یکبار نزد حضرت رسول خدا رفتمی و با او سخن گفتمی و مرا هر روز با او خلوت داشتمی و جواب گفتی از هر چه پرسیدم و گشتی با وی هر جا که گشتی و همه اصحاب پیغمبر میدانند که هیچکس غیر از من چنین محرم راز خود ندانستی و هیچکس نتوانستی بغیر از من که در خلوت نزد او رفتی و بیشتر خلوت او در خانه من بودی و هر گاه که نزد پیغمبر میشدم در بعضی از منازل [illegible] خلوت بخانه من [illegible] فاطمه و فرزندان [illegible] کس [illegible] از حضرت او از روی شفقت و مهربانی جواب میگفتی و چیزی که در آن سخن گفتی و هیچ سخن از من نهفته نگفتی با رسول خدا و جمله را شنیدی و هیچ کس دیگر را از این معنی نبودی بغیر از من و هر گاه سؤال من تمام شدی خود ابتدا نمودی و هیچ آیه از قرآن فرو نیامد و هیچ چیز معلوم نبود از حلال و حرام و امر و نهی و ناسخ و منسوخ که آن را بمن تعلیم کرد و من خواندی و املا کردی و من بخط خود نوشتم و از او بلا تغییر کردم ظاهر و باطن او را غیاب کردی و هر چه او گفتی یاد گرفتمی و هیچ از آن فراموش نکرده ام چون حسینیه سخن به اینجا رسانید [illegible] کرد [illegible] همه تصدیق حسینیه و کلام و یکود ندا ابراهیم نظام [illegible] گفت ای ابراهیم چون که کیفیت احوال راشدین [illegible] گروه دانستی [illegible] اعتقاد کدام بحق است و کدام بر باطل [illegible] که طریق ایشان [illegible] که خالد الحکیم و عادل [illegible] قدیم [illegible]

داند مجلد و حکم بای تشویند نماز را بی نیت درست ندانند و بسم الله از فاتحه نبندارند و معنی فاتحه را نفارسی بخوبی نکنند بجا بسوره و در رخت سبز نکویند و رکوع و سجود و قیام و قعود بطریقیکه رسول خدا و اهلبیت وصفانه کنار رضی الله عنهم فرموده اند بجا آورند و بجای اسلام برا بنیاز ملائکه بادها نکنند چون حنیفه سه زانیه بنجا رشا حلال نو و شرون نه بکنار نجد بدید را بو یوسف مستخبر بوده حسینه کفت کوشت مستحب است و حلال ندانند ویوست سک و شیر بجز العبن رابد باغت پاک بندانند شراب سد بد را حلال ندانند و شطرنج تشبیه قمار را حلال حرام دانند و در نماز اقتدا بهر فاسقی نکنند و فاسق را لایق امامت ندانند اقتدا بمرد نادل کنند و منعه بجو ... بر سناد البتی بکفاسق و ضعرا و معطل و ضایع نکذارند پس رو بشافعی کرده کفت دختر خود که از زنا حاصل شده باشد عقد جایز ندانند و نکویند که فرزند چهار سال در شکم مادر بماند حسینه چون بمحو بد بیمار نشیند در شافعی نگاه کرد بخندید شافعی انجال نفس کشیدن دیگر نداشت حسینه گفت نکویند که حد ساقط میشود از کسیکه منکند باماد رباخواهر خود اگرچه دانسته بود و میکویند که حد ساقط میشود از کسیکه ذکر در لفافه پیچد با باذن خود و خولکند در راه کعبه و نکویند که بو لواطه کنند حد نیست و قیاس عمل نکنند و کویند اول کسیکه بقیاس عمل نموده ابلیس بود که گفت انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین و دوم کسیکه بقیاس عمل کرد ابو حنیفه بود و دیگر نوای ابو یوسف و نکویند بخانه رامان دادن بمسجد است و دفن و جز کنند که فرزند ناجیر قائم و یقین دارند که امام ایشان ... پاک و مطهر معصوم و شفیعا الله احیاء و اهل کننده بجا الله خود را و ایشان از ظالم و کافر و ملعون دانند بنص حکم الهی و حدیث رسول و غضب انکشتری در دست راست از برا بعناد دیگران ترک نکنند هیچ کسرا حلال ندانند و بنا سنت رسول الله ... و صلوات بر پیغمبر و ائمه خود و فرشته و نکویند که صلوات بر اهلبیت رسول الله جایز نیست و پیروی سنت یزید و معاویه نکنند و کویند که انکشتری ... الله و صلی علیکم و ملائکته علی بن ابیطالب و این اسم را بحکم خدا و رسول مخصوص او دانند و کویند که در زمان رسول خدا که هیچ کسرا بغیر از وی امیر المؤمنین نمیخواندند و کویند بحکم انما ولیکم الله اکثر در زمان رسول و بر ولی الله خطا بکردند که اجماع امت است در پاکی عصمت و طهارت ائمه ما نص کرده اند و اجماع خواص امت و کفر مخالفان ایشان و اکثر غصب حقوق کردند کویند که پیروی اهل بیت و قائم اکثر عبادات مستحبه و اعمال که مخالفان نمایند از محل نمایند و آن را سنت رسول کویند که دروغ و بهتان بلکه اکثر در زمان تعیین نفاق انداد و در زمان اینکونه حرکات نبود و در زمان ایشان ناشنیده بافت چون حسینه زبان بطعن سنیان دراز کرد علمای بغداد فغان بر آوردند و نفی نزد شافعی بود بر داشته بجانب حسینه انداخت هرون بخندید و گفت ای کنیز بیت خاو را معاف داشتیم از هرچه کند و کوید از قتل و آزار و چه خبر اگر خواهید الزام نمائید و بر این ... وحدیث رسول حسینه چون از جانب هرون بنویت یافت کفت ای شافعی نزاع در بیت ... کرده علما دشمنی این فضیحت ترا بس است که چهار سال در شکم مادر بودی بزعم خود و اجداد وقت ... چهار ماه ... شیع و اکمال بدین مسئله ... مخالفت ... بر طریق اهلبیت بود و خود با یکی از بنده کان رجا کرد که ایشان ... حنیفه ... سبب با اهلبیت ... مجلس ظاهر است و در این ... مثلا ابو حنیفه لعین که تا ... و شیطان ثانی بود ... نوحه با طول عمر و کثرت عبادت و ابراهیم ... رابه ... عثمان ...

را منبر نهاد که همه سرها بزیر افکنده اند و از انصاف و کرم را رحوع شرمنده ابداء ابراهیم بگو پیغمبری بود بنام او را بچه بیوان دید با آنکه معنی اسم در صورت آن ذکر جز اهل کشف و عیان و ایمان را از مشاهده نتوانند کرد بکو که چرا پیغمبر فرستادن بر حقتعالی واجب است و هرگاه آن پیغمبر از دنیا برود معنی بنوت که پیغمبری باشد هم چنین از دنیا برود و غایب باشد یا آنکه وحی مناسب و مقارب بروح پیغمبر باشد پیغمبر را آنکاه دوباره پیغمبری بدید شود تا وقتیکه پیغمبر دیگر پیدا شود و اباد در میانه چه حاجت بامام هست که اجداد دین پیغمبر همه باشد ای ابراهیم هرچند که جواب من بگو که هیچ شنیده که از این صد و بیست و چهار هزار انبیا و رسل و اولی العزم و غیرهای انکه وصیتی تعیین کرده باشد از دنیا رفته باشد ابراهیم گفت نه حسینه گفت ای ابراهیم وصی بحکم الهی بود ابراهیم گفت بحکم الهی بود حسینه گفت ای ابراهیم چون روا دارید که پیغمبر ما افضل انبیاء و رسل بوده باشد خدا برای حفظ دین او و امت خود وصی تعیین نکرده باشد از برای حفظ دین خلیفه تعیین نکرده باشد چون تو ... پیغمبر اگر کرده باشد تو صیت و خود بوصیت از عالم فنا بعالم بقا رحلت کرده باشد و از برای حفظ دین و امت خود خلیفه تعیین نکرده باشد زهی گمراهان که شما بندهای ابراهیم پیغمبر باید کسی باشد که ... هر اسمانها و زمینها تحمل او نتوانستند که چنانچه حقتعالی میفرماید یا ایها پیغمبر باید خطاب کند و سفینه و عاشق بهشت و دوزخ ... بود که بر مدعای نفس خود بر مردم تکلیف نهد بعد از او هرچه خواهند کنند یا آن که این پیغمبر را از خدا حجتی و دلیلی باید و مثالیکه خدا از پیغمبر فرستاده است بچه چیز ایمان آورده باشد چگونه باشد که خدا و پیغمبر این ... را بمعنی که در قرآن مذکور است اعتباری ندارد یا اینها هم ایشانرا است بگو نامها این بارها را از دوش بلند ازیم ... و زحمت خود ندهیم از مردم هر کسرا پیغمبر نماید و هر کسیکه دلخواه باشد امام کنند ای ابراهیم بگو امامت چه چیز است و کدام است امامتی که ابراهیم خلیل را داده است و گفته انی جاعلک للناس اماما و جای دیگر میفرماید ... اماما بدانکه دو قسم است امامت ظاهری مثل امامت متقیان و امامت اهل دوزخ یعنی اینها که مردم را میخوانند بجهنم پادشاه امامت متقیان که راه سنت و چه چیز است ... مسلمانان باید که از نسل ابراهیم خلیل باشد و آباء و اجداد او بزرگ و شریف باشند و هرگز بت پرستند و با طهارت منتقل شده باشد و در شیء ایمان و نور علم و قوت نفس و معرفت اسرار عرش و ادب و اخلاق حمیده و معرفت و ... انبیا و ... ملکی و صبر بودن و حلم و زیبا ... بطاعات و دوری نمودن از شبهات ... و علم ... و حکمت و زهد و ... و ظالمان و جباران ... اثنی عشر ... باشند ... که گذشته ... خدا و رسوله دوست دارند ... در حق او نازل شده باشد بزعم مخالفان او پیغمبر ... بابد بعد از نبی ... طریق ... راه کرده ... و در منبر از جواب ... عاجز باشد و بکوید کلهم افقه من حتی المخدرات فی البیوت ... منافق و مخالف در منبر ... جاری شده باشد با ... عمر بن الخطاب و ابو عبیده جراح و سالم مولی ابی حذیفه و اسید بن حضیر و بشیر بن سعد و خالد ولید ... فاسق دیگر که در سقیفه بنی ساعده ... امامت ... و خدا ... در زمان ... اهلبیت ...

لعنت حدا بر ... ای ابو یوسف اگر خلفاء حق بنائی در روز مباهله از مردان و زنان غیر از علی بن ابی الطالب و
حسن و حسین و فاطمه کسی دیگر با پیغمبر ص بود با نه ابو یوسف گفت نه حبیبه گفت هیچ کس در این خلاف نکرده که دیگر نبود
گفت ای ابو یوسف خدا علی بن ابیطالب را نفس پیغمبر خوانده مخصوص حضرت است یا نه ابو یوسف گفت
حبیبه هیچ کس در این خلاف نکرده و انکار این نتواند کرد حسنیه متوجه هرون شده گفت ای خلیفه پیغمبر رسول الله ص گواه
باش از زنان علماء مجلس خود دیگر مرتبه حسنیه متوجه علماء شد گفت سوال دیگر میکنم ... که مسعود کرد امت ...
... در ... خدا ... حالت ... بود اشاده کرد ... که ... بدل و ... از کتاب ...
لا افضل ... و کار ... تا بو ... از ... ببرد که گواه شو ... از ... که ... کرد ...
ما لغت ... و صیت کردن ... و کار خلاف ... ابو یوسف گفت ...
مشهور است عمر بن الخطاب بواسطه انکه ... رسول ... ماتغشد ... ان ... الرجل ...
و حسبنا کتاب الله حسنیه ... گفت ای ابراهیم ... ابو یوسف ... احکام ... ارد ...
... عذ ... لم یکن ... کار ... و ... در ... شو ... رسول ...
دهید ... کلام خدا ... کرد ... لین ... ان هو الا وحی یوحی ... ازین ... که امت اجماع
کردند در خلافت ابی بکر با نه هر که اجماع مخالف نص بود منعقد نمیشود با نه گفت نه گفت ای ابراهیم از خصوص ... در ...
و حکم الهی و فرمان خدا ... نهادیم مکو ... خلافت ابی بکر اجماع جمیع امت شد با اجماع خواص امت ابراهیم ...
شد که کذب او ثابت میشود چرا که اهل ... بلکه اهل ... اتفاق نکرده بودند الا چند ناسو ... و ... اهل
اهلبیت رسول ص مشهور بود ... رسول الله ص اتفاق ... نبود ند ابراهیم گفت ... حسنیه ... خواص اهل
امت از اهل حل و عقد ... نکردند که اولی ... دیگران حسنیه گفت ای علما ... حاضر ... از شما
سوال میکنم در خصوص خلیفه راست بگویید که ... ابی بکر ... اعظم و افضل و اعلم و اقدم از تمام
صحابه کبار بود ندا از خواص اصحاب رسول ص کرد ... ایشان احادیث فرموده و مناقب ایشان ...
بوده چه کسانند از اهل بیت ص کسان بودند که افضل ... و بر تمام عالمیان ثابت بود گفتند علی و عباس و حسن و حسین
و ابی بکر و عمر بن الخطاب و عثمان و طلحه و زبیر و عبد الله عباس و عبد الله بن مسعود و سلمان و ابی ذر و عمار بن یاسر و جابر
انصاری و حذیفة الیمانی و ابی بن کعب و سعد بن عباده و قیس بن سعد حسنیه گفت ای خلیفه ... بر ... نشسته
سوال کن از علما ... حاضر ... علی و عباس ... هاشم ... با ابی بکر بیعت نکردند یا نه هرون
متوجه علما شد که بگویید ... دار ... سر ... شافعی ... گفت ... سرها ... نکنند ...
بگویید ... از اخبار و آثار ابو یوسف گفت که ظاهر اینست که در میان اصحاب و اهلبیت ص مخالفت ...
شد حسنیه گفت ... علی بن ابیطالب ... فضل بن عباس ... از بنی هاشم و جماعتی از اصحاب کبار ...
و تغسیل و تکفین و تدفین رسول ص مشغول بودند که از منافقان صحابه در سقیفه بنی ساعده نشستند و پیغمبر
خدا را گذاشته بکفن و دفن و نماز او حاضر نشد ... منازعه کردند ... چون خبر با انصار رسید جمع کثیر از
انصار متوجه شده ... در میان ایشان دراز کشید که ابی بکر ... گفت که دست دراز کن که با تو بیعت کنم و کلاه ...
مولای او ... تکلیف کردند و کلاه ابو عبیده گفتند ... دست دراز کن تا با تو بیعت کنیم ... سعد ... کرد و بجوز
خلافت نکرد تا مبالغه از حد گذشت سعد راضی شد قیس بن سعد ... بر خلافت راضی شد ... شمشیر ...
... علی بن ابیطالب ... بجز ... در ... بحکم ... او بکر ...
حضرت رسول ص ... امام ... هم راضی شد ... بیعت کرد ... اسیر ... خالد ...
... پیغمبر ... والله ... ابو ... و الا ... از کردن جدا ...
کنم چون سعد ... شنید ... پشیمان شده استعفا نمود ... دیگر ... تکلیف ...

ابن الخطاب علی بن ابیطالب را که ابن عم و برادر رسول است ص و عبد الله ... و ... هاشم ... از اهل ...
که بیعت نکردند ابن قحافه را که اقرار از ... دلالت میکند تا این امر چه نسبت با انکه خویشان رسول ص حاضر ند ...
شرایط خلافت را امت در ایشان موجود است زبیر و عثمان کرد که ... پس عمر فرود آورد و ... برادر
... اسلام ... از ... شمشیر از ... ایشان ...
بنی هاشم ... امیر المؤمنین ع ایشان را منع کرده فرمود که حکم الهی نیست که شما شمشیر از غلاف
بکشید ... امیر المؤمنین ع دید که منافقان بعضی با خبار بعضی باضطرار
و اجبار بیعت کردند روی بجمع ... ابی بکر و خلایق کرد و فرمود بجماعت مخالفت پیغمبر خود کردید و حکم الهی را معطل
کردید ... از تمام شما اشجع و افصح و اعلم و اتقی و ازهد و اورع و ... از خدا ...
رسول ... عمر برخواست و گفت با علی ... کشته شوی که متابعت تو نکنیم ... ترا ...
ندارم ... بجبر ... امیر المؤمنین ع فرمود ... مردم ... تو ... نکرده
شما دم ... پیغمبر و صیت رسول خدا ص که امر الهی شد که شمشیر از نیام بیرون ... سر ... کرد ...
که یک نفس ... روزمین ... کافر شوند ... اگر ... رسول ... متا ...
... از منکران ... خود ...
ساختم تمام شما و ابی بکر و ابو عبیده ... خواستند با ابن عم رسول الله ص قرابت و فضایل تو ... نکنیم
الا انکه تو جوانی و از سن شریف ... مرحله طی کرده ابو عبیده گفت یا ابا الحسن ابو بکر ... از
... خدا ... ابی بکر ...
و غیر ایشان با تو ... امیر المؤمنین ع فرمود که ... از خدا ... و پیغمبر ...
از پیغمبر ... اهلبیت ... مخصوص ...
سعد انصاری برخواست و گفت یا علی اینسخنان را اشنیده بودیم پیش از انکه با ابی بکر بیعت کنند هیچ کس با تو خلاف
نکردی امیر المؤمنین ع فرمود که ... نکرده ... شما کردید ...
تمام ... و کجا ... بعد ... غدیر خم ... رسول ... شنیده باشد ...
مولاه فعلی مولاه الخ بر خبر ... زید بن ارقم ... امیر المؤمنین ع روایت کند که دوازده مرد بدری برپا
و گواهی دادند که ما با ابی بکر بیعت کرده بودند عمر بن الخطاب ... که با علی بیعت کنند مجلس را بر هم زد و برخاست ... خانه
... دوازده نفر از اصحاب ...
نمی کنند ... مشورت ... گفتند یا امیر المؤمنین ...
رسول ... علی مع الحق والحق مع علی ... ابی بکر را از منبر ... محمد ... اهلبیت
چه ... دوازده نفر بودند اول ابو الهیثم ... سهل بن حنیف ... خزیمه بن ثابت
چهارم ابی بن کعب پنجم ابو ایوب انصاری ... انصار بودند و سلمان فارسی ... خالد بن سعد العاص ... ابی ذر غفاری
چهارم مقداد بن اسود پنجم عمار بن یاسر ششم بریده بن اسلمی امیر المؤمنین ع فرمود ... اگر چنین کنید
هر شمشیر ... کنید ... قتل ... کنند و بنی هاشم ... اتفاق کنند چون ... دفع ...
کرده رسول خدا ص ... امت ... عزل کنند ... شکسته ... مرتبه
هرون ... بنی اسرائیل ... و کوساله را اختیار کردند ... گذارند ...
اختیار ... رسول الله مرا چه میفرمایی گفت صبر کن ... شمشیر ...
... و اسلام ... خانه ...

جماعة باینه کان ذلك علی النار یعنی پیغمبر ص فرموده فتنه باشد که برادر و ابن عم من خشنتر باشد در مسجد با جمعی از دلیران انکار
سمره و جمعی از سکان جهنم بوی درآیند و بعضی قتل وی و یاران وی میکنند هیچ شك ندارم که سکان جهنم شما باشید عمر
کشیده از جای برجست و بعضی سلمان که امیر المؤمنین ع از جای برخواست و گریبان عمر را گرفت و بپیش خود کشیده و بپیشه
از دستش برید و دستار از سرش بیفتاد و در میان مردم خجل شد ابی بکر و جمعی صحابه برخواستند عمر را استانیدند امیر المؤمنین
یا ابن صهاك الحبشیه لولا کتاب الله سبق و عهد من رسول الله لرایت ایناء و اضعف ناصرا و اقل عددا و انکه امیر المؤمنین ع
برخواست یا یاران خویش گفت رحمت خدا بر شما باد انکه عمر بن الخطاب با لشکر بسیار در مدینه میگشت و یک یک از مردم که خلافت
ابی بکر را انکار میکردند میطلبید قهرا و جبرا میگرفت هر کجا جمعی در خانها بودند ایشان را بیرون آورده بیعت میگرفت تا آنکه نسبت خاه
غوغای خلافت متفرع بود در میان ایشان تا آخر بطلب امیر المؤمنین ع رفتند قضیه حضرت سیدة النساء ع و ابرار و آزار
ان مظلومه واقع شد و لکد بر در زدن عمر بن الخطاب بر همه کس ظاهر است و مخالفت سعد بن عباده با ده هزار کس از بنی خزرج
و یاری ایشان و قیس بن سعد بر هیچ کس پوشیده نیست و مالك بن نویره با ده هزار کس از قبیله خود با ایشان بیعت نکردند
خالد بن ولید را فرستادند و ایشان را با ده هزار کس بقتل رسانیدند و اموال ایشان را غارت کردند و فرزندان ایشان را
اسیر نموده بردند ای ابراهیم پس چگونه اجماع خواص امت شده باشد از خدا بترسید و یاد کرد بدانید که اعتقاد فاسد خود باطل
است و اینها که میگفتی ای ابراهیم اگر اجماع منعقد شده باشد پس چرا یزید و باقی مفسدان بنی امیه که کافران لعینند امام نباشند
چرا نفرین مردمان که با ایشان بیعت کردند و صد برابر آنان بودند که با ابی بکر و عمر بیعت کردند پس با این
تقدیر معاویه و یزید و باقی بنی امیه امام باشند و هیچ کس را شك نیست در کفر ایشان که این جماعت بودند که سر فرزند رسول
خدا را بریده باشند و اهلبیت او را بر شتران نشاندند و با سیر برده باشند و ملت مدید اذیت اهلبیت رسول ص
کرده باشند ای ابراهیم اجماع منعقد نشد در میان اسلام مگر در قتل عثمان که خواص و عوام امت از تمام شهرهای
اسلام کتابها نوشتند و مردم را ترغیب و تحریص نمودند بر قتل وی و از شهر مصر قریب بیست هزار کس از ظلم او تنگ
آمده بودند یکبار اتفاق نمودند و برا بر قتل رسانیدند با آنکه وجوه رحمت چند روز در دست ایشان بر بدن او دست دراز
نموده ای کوچها در مدینه میکشیدند که گروه گروه از مسلمان میرسیدند و لگد بر سر وی میزدند و از ظلم وی شکایت میکردند
ای ابراهیم با آنکه عمر بن الخطاب و خالد بن ولید و جمعی از منافقان بنی امیه با علی ع عداوت قدیمی بوده باشند و اینهمه ظلم کرده
کرده باشد چندین هزار مؤمن را بظلم و تعدی بقتل رسانیده باشند و چندین هزار خلق را باسفل السافلین فرستاده
ای ابراهیم هیچ امتی در دین پیغمبر خود این فتنها کردند و با اهلبیت پیغمبر خود این نوع ظلم آغاز و ابو بکر برای نشستن نفس
خود گاهی عثمان را و گاهی سعد بن عباده را خلیفه و والی کردانند و بان معزول کنند و ابی بکر را بنشانند و آنچه موافق
اغراض ایشان باشد چنان کنند ای ابراهیم بدانکه ابلیس و گروهی که ضد بیت و مخالفت و عداوت ایشان دیدند
بیکبارگی بر تمام امت ثابت است و طایفه از علی و اولاد حسن و امام حسین و سیدة النساء ع و عباس و عبد الله بن عباس و سلمان
فارسی و عبد الله بن مسعود و ابوذر غفاری و مقداد بن اسود و عمار بن یاسر و عثمان بن مظعون و محمد بن ابی بکر و حذیفه
بن الیمان و ابی بن کعب و خالد بن سعید العاص و جابر بن عبد الله انصاری و ابو ایوب انصاری و ابو دجانه انصاری و سعد
عباده انصاری و قیس بن سعد الانصاری و ابو الهیثم و حجر بن عدی و ابو الثابت و مالك بن اشتر و عباس و جعفر
طیار و ابو سعید الخدری و سلمان و سهل بن حنیف و عثمان بن حنیف و خزیمه ذو الشهادتین که از اول تا آخر عمر روز
شب در خدمت او بودند در خلوت و در غیر خلوت آن حضرت بودند و بر طریقه رسول خدا ع و عبادات آن حضرت
و اقوال و افعال و اعمال او بهتر از دیگران اطلاع داشتند و پیغمبر ص در حق هر یک از ایشان احادیث فرموده و
بعضی را از اهل بیت خوانده و بعضی را گفته بود که در میان و چشم منند و در باب هر یک از ایشان منقبتها فرموده
که اینها اهلبیت منند و خدا بر طهارت و عصمت ایشان گواهی داده و هم چنین بجهت ایشان آیه در قرآن فرستاده

آن بود که بنده خدا بود و از اهل السنه و اگر میگفتم تقویت ابی بکر و عثمان و اتباع ایشان با طلبت و تضییع اعتقاد و ابطال مذهب
خود میکرد و بیم کشتن شدن بنده داشتم هرگاه چون ابراهیم را با انتحال المذاهب کرد و وی بحسنیه کرد و گفت ای حسنیه این علم
از که حاصل کردی گفت پوشیده نماند چون سن من به پنج سالگی رسید مرا خواجه من بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع فرستاد
که در خدمت و ملازمت آن عتبه عالیه تعلیم شرط عبادت و قواعد طهارت بیاموزم چون مدتی بحرم محترم
بخدمتکاری قیام نمودم و بر طریق طهارت و نماز و روزه اطلاع یافتم بدان مواظبت مینمودم تا آنکه مدت هفت سال
از عمر من گذشت یکروز حضرت بحرم محترم در آمد و آب وضو طلب نمود اتفاقا آنکسیکه خدمت آب وضو حاضر بنمود
دلتنگ نموده فی الحال دویدم و ظرف آب برداشتم بخدمت آن جناب بردم چون چشم مبارك آن جناب بر من افتاد فرمود
که چه کسی عرض کردم من ملازم فلانم مدتی شده که در این حرم محترم بطریق خدمت بتقدیم رسانم از من سؤال کرد که نماز
میگذاری عرض کردم که بلی امور را بمن فرمود که طریقه وضوء و طهارت مبتدا از هر چه سؤال نمود جواب موافق عرض
رسانیدم آنحضرت را شکفت تمام روی داد و کیفیت حال مرا از ملازمان عتبه علیه تحقیق کرد کیفیت را بعرض رسانیدند
در ساعت کس فرستاد خواجه مرا طلب نمود فرمود که این کنیز تو بسیار عاقله است و این بفروش خواجه عرض کرد یا ابن
رسول الله هزار جان من فدای تو باد کنیز در ملازمت من باشد من نیز یکی از بنده گان کنیزها کران توام
از آن روز باز خدمت آن جناب بمن مقرر شد چون اثر رشد ظاهر بود پیوسته مرا تعلیم نمودی و گاهی نسبت با آنحضرت
تمنای میمنت بجهت اولاد و اصحاب که هر یك بحسن فصاحت و بلاغت داشتی و اسماء علوم را مانند مطالعه
علوم می نمودند چنانکه به برکت توجه آن حضرت مرا قوه مطالعه حاصل شد و اکثر از کتب تفسیر و حدیث مطالعه
کردم و مسائل کلیه که اکثر العلماء اسلام در تحقیق آن عاجزند حقیقت آن را از آن حضرت معلوم نمودم تا غایت
اجتهاد را اهتمام کردم که امروز در مجلس خلیفه زمان حقیت مذهب خود را بر موافق و مخالف ثابت کردم منقطع
نشدم هرون گفت ای حسنیه چه شنیدی در باب رؤیت باری الله تعالی مستحیل است پس چرا موسی ع که پیغمبر اولو العزم
بود رؤیت موسی نه جهل بود و نه سهو بدانکه موسی ع در طلب مجبور بود جهت آنکه در حینی که بطور میرفت
بر مناجات هفتاد تن از بنی اسرائیل اختیار کرده با خود برد چنانچه در قرآن مجید بران ناطق است و اختار موسی
قومه سبعین رجلا لمیقاتنا بدانکه موسی ع چون اینجماعت را با خود برد با موسی ع گفتند که یا موسی از تو استدعا
کنیم که دعا کنی و از حضرت الله مسئلت نمائی که سخن خود را بگوش ما برساند در محلیکه تو با خدا مناجات میکنی
موسی ع بنابر تکلیف قوم مسئلت نمود حضرت پروردگار کلام خود را بسمع اینجماعت برسانید حضرت واهب العطیات
اجابت نمود چون موسی ع از مناجات فارغ شد با ایشان گفت که هل سمعتم کلام ربکم انا شنیدیم کلام پروردگار
خود را گفتند بلی شنیدیم اما نمیدانیم که کلام حق تعالی بود یا آنکه کلام شیطان ما باور نداریم و قبول نمیکنیم تا آنکه
ببینیم او را انکار چنانکه حق تعالی در قرآن مجید میفرماید و قالوا لن نؤمن لك حتی نری الله جهرة فاخذتهم الصاعقة
بظلمهم یعنی گفتند قوم موسی ع که ایمان نمیآوریم بتو تا ببینیم خدا را آشکار پس صاعقه گرفت ایشان را و به
سوختند بظلمی که کرده بودند ایشان یعنی طلب رؤیت نمودند پس موسی گفت چنانکه قرآن بدان ناطق است انهلکنا
بما فعل السفهاء یعنی خداوندا تو ما را هلاك میکنی بانچه سفیهان ما کردند طلب دیدار نمودند وای ابراهیم اگر
موسی در طلب رؤیت ممکن بود حق تعالی ایشان را هلاك نمیکرد ای ابراهیم گفت ای حسنیه بعد از آنکه موسی ع طلب رؤیت
بالتماس قوم کرد بعد از سوختن و هلاك شدن قوم چرا گفت رب ارنی انظر الیك حسنیه گفت ای ابراهیم سؤال بیش از دستوری
اول تران بود که دستوری خواستی و بعد از آن سؤال کردی وان قدر دستوری نه صغیره بود و نه کبیره از آنجا که بعضی
و فرزندان رسل امت جهت ترك اولی استغفار میکنند چرا که ایشان معصومان بر گزیده گانند ای ابراهیم موسی ع
و تو بجهت علم رؤیت بود و من مستند بعدم رؤیت الیك در رؤیت دلیل نیست و شاهد بر عدم

ان دلیل دیگریست اگر نیست نمو مناست ثواب خدا و رحمت او است و اکو در حق کافران نمنا فنا نسنت برادران ختم خدا وغلاب و است چنانکه میفرماید دان کثیرا من الناس بلقاء ربهم لکافرون و در این اید بمعنی رحمت است و این ایه شاهد ان امد کر واما الذین کفروا وکذبوا بایاتنا ولقاء الاخرة فاولئک فی العذاب محضرون و اینجا ان لقاء اخرت عوض از ثواب اخرت اسنای ابراهیم بدانکه رویت در دنیا ممکن نبود و در اخرت ممکن بود در جواب موسی ع و قوم او کفتی لن ترانی فی الدنیا یعنی مرا نخواهی دید در دنیا و در اخرت ببینی بدانکه این نفی مطلق است یعنی هرگز مرا نخواهی دید و نتوانی دید چون حسینه سخن بدینجا رسید هرون وا منقطع کرده کفت ای حسینه مولای تو جعفر بن محمد بچه دلیل مردمان را ترغیب کرده بمتعه کردن و امر کرد هی حسینه کفت سا برض حلیکه مال علام میفرماید فاستمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضة یعنی اینکه متعه کنید شما با یکی از ایشان یعنی از زنان پس بدهید مهرهای ایشان را بر خلیفه زمان واضح باشد که تمام مفسرین و فقها متفق اند که مراد نکاح متعه است ابراهیم کفت این ایه منسوخ است و در میان اهل سنت و جماعت خلاف نیست کویند که در ابتدای اسلام متعه حلال بود و بعد از ان حرام شد حسینه کفت ای ابراهیم بدانکه این از کمال التعصب است چرا که علما اشتباه در این باب اخبار مختلف روایت کرده اند متفاوت اللفظ والمعنی که بعضی بعضی را نقض میکند اگر ابراهیم در قران هر ایه که منسوخ شد ناسخی دارد اگر کسی از شما سوال کند که ناسخ این متعه کدام است جواب چه کوئی ابراهیم عاجز شد و کفت متعه عمر را اپسند است اگر این منسوخ نبودی رسول ص از ان منع نکرده بود و عمر منع نکرده حسینه کفت ای ابراهیم دلیل روشن و برهان بر حلیت متعه و عدم نسخ او منع عمر است زیرا که اگر متعه در عهد رسول ص منسوخ و حرام میشد البته و دیگر عمر منع از ان نمیمود متصل با الحدیث میشد و انچه میساخت و میکفت خدا در تحریم متعه چنین فرموده یا رسول ص در این حدیث منع کرده و نکفتی که متعتان کانتا محللتین علی عهد رسول الله انا احرمهما واعاقب علیهما متعة الحج ومتعة النساء یعنی دو متعه که در زمان رسول الله ص حلال بود من حرام کردم او را و بر ان عقوبت میکنم یعنی متعه حج و دیگری متعه نساء و این منع عمر شهادت است بر انکه متعه از جانب خدا و رسول ص ممنوع نبود بلکه از کردن و نا کردن نهی واقع نشده و هیچ نقل نکرده بلکه در کردن ثواب عظیم منر نیست بجز از احادیث در طریق اهلبیت ع واقع شده بنا بر ان اجمله حضرت امیر المؤمنین ع فرمود لولا ان نهی عن المتعة ما زنی الا شقی والا شقی بعد از ان ابراهیم بجز از لقاء واخبار در طریق اهل شما واقع شده است و اصحاب حدیث شما نقل کرده اند تعیین کنیم روایت کنند از عمران حصین که کفت انزلت ایة المتعة فی کتاب الله ففعلناها مع النبی ولم ینزل قران بحرمتها ولم ینه النبی حتی مات یعنی ایة متعه نازل شد در کتاب خدا یعنی و ما کردیم با پیغمبر ص و ابن کار را و هیچ از قران نازل نشد در حرمت او و پیغمبر ص منع نکرد از ان تا انکه از دنیا رفت و همچنین روایت کنند عبد الله بن مسعود بلفظ عبارت قال کنا نغزو مع الرسول ولیس معنا نسائنا فقلنا یا رسول الله ص الا نستخصی فنهانا عن ذلک ورخص لنا ان تنکح المرأة بالثوب الی الاجل ثم قرأ عبد الله یا ایها الذین امنوا لا تحرموا طیبات ما احل الله لکم یعنی عبد الله بن مسعود روایت کرده که غزا میکردیم با رسول الله ص و زنان ما نبودند با ما پس کفتیم یا رسول الله ص ایا خصی کنیم زنان خود را رسول ص نهی کرد و منع فرمود از خصی کردن زنان و پس رخصت داد ما را که عقد متعه بکنیم زنان را بجامه تا وقت معین پس عبد الله بن مسعود این ایه را خواند یا ایها الذین امنوا الخ ای اهل ایمان ادرد بر حرام نکنید انچه را که بر شما حلال کرده اند است خدا و همچنین روایت مسلم از ابن عمر بن عبارت که سئل عن عبد الله بن عمر رجل من اهل الشام عن متعة النساء فقال هی حلال فقال ان اباک قد نهی فقال عمر ارایت انکان ابی قد نهی عنها وصنعها رسول الله ص نترک السنة ونتبع قول ابی مضمون انکه شخصی از اهل شام پرسید از عبد الله عمر از متعه زنان که حلال است یا حرام عبد الله عمر کفت بلی حلال است پدر تو نهی کرده عبد الله کفت ای برادر اهل شام بدان که اکر اصل در اشیاء اباحت است و رسول بجا آورده است و پدر نهی کرده ما را که سنت پیغمبر را ترک کنیم و متابعت پدر نمائیم بدان ای ابراهیم که اصل در اشیاء اباحت است

افتاد در مقام تعرض شد و کفت خاتما لنفی اعمی الله قلبه بحل المتعة وهی الزنا المحض یعنی ملا کوره که خدا کور کرداند دل او حلال میداند متعه را و حال انکه زنا محض است عبد الله بن عباس چون حکایت را شنید بنشست جبهه تعظیم او کرد و کفت انا الله سلب ابصارنا و سلب بصائرکم یعنی خدا چشم نسبت بچشمهای ما و دیده عقلهای شما را والله لقد انزلت متعة فی کتاب الله وعمل بها علی عهد رسول الله ص ولم ینه ولم ینه بعده رسول تحریمها والدلیل علی ذلک قول عمر متعتان کانتا علی عهد رسول الله محللتین انا احرمهما واعاقب علیهما فقبلنا شهادته ولم نقبل تحریمه یا عبد الله انک من متعة فاسئل امک عن برد عوسجة مضمون کلام عبد الله بن عباس انست که نازل شده متعه در کلام خدا تعالی و عمل کرده شد بمتعه در زمان رسول خدا ص و از ان منع نکرد و بعد از عمر ص کسی دیگر نباشد که حرام کند متعه را دلیل بر این قول عمر است که کفت در زمان رسول خدا ص حلال بود و من حرام میکنم شما را عقاب خواهم کرد بر کردن ان و ما کواهی عمر را قبول کردیم فاما تحریم او را قبول نمیکنیم ای عبد الله بن زبیر بدان بر تحقیق که تو از متعه حاصل شده پس برو بپرس از مادر خود کیفیت برد عوسجه را چون عبد الله زبیر از عبد الله عباس این را شنید بغایت متغیر و منفعل شد چون ایام حکومت او بود از شرمنده که ان مجلس برخاسته متوجه خوابگاه خود شد و شمشیر کشیده از روی غضب بر سر مادر خود امد و از مادر پرسید که خبر ده مرا از حقیقت عوسجه مادرش فی الحال کفت انا بالله کان مع رسول الله ص وفد اهدی رجل بغال له عوسجة بردین فاعطاه فتمتعت بک فانک من متعة یعنی پدر تو زبیر با رسول خدا ص بود مردی عوسجه نام دو برد بانه هدیه براورد و داد برای رسول خدا ص انحضرت هر دو را بپدر تو بخشید و پدرت ان برد بمن داد مرا متعه کرد و من حامله شدم و تو از متعه بوجود امدی چون حسینه بدینجا رسید هرون را بسیار خوش امد چرا که عبد الله جد وی بود با انکه پیشتر در کفت ما تا غایت این نام بودیم و رخصت ده مردم را بنکاح متعه پس ثابت شد و تا سی متعه ان نکردند و در زمان مامون نیز معمول تا انکه معتصم بر دو منع کرد و این حسینه کفت ای ابراهیم سخن دراز کشید و خلیفه زمان و سلاطین و ارکان دولت از این مباحثه و مجادله ملال یافتند و سید از تو یکسوال دیگر میکنم رخا نمه بحث بر این سوال خواهد بود در است بکو این حدیث نزد شما ثابت است که پیغمبر ص در حق فاطمه فرمود که فاطمة بضعة منی من اذاها فقد اذانی ومن اذانی فقد اذی الله یعنی فاطمه پاره ایست از من هر که برنجاند او را برنجاند مرا و هر که مرا برنجاند خدا را رنجانیده باشد ابراهیم کفت این حدیث صحیح است و تمام امت بر صحت این حدیث متفقند و هیچکس انکار نتواند کرد حسینه کفت بدان خلاف جمیع انبیاء راست بکو که عمر و ابو بکر فدک را از حضرت سیدة النساء ع کرفتند بظلم یا نه ابراهیم کفت فدک را بحکم حدیث رسول ص ابی بکر نقل این حدیث است که نحن معاشر الانبیاء لا نورث ما خلفناه فهو صدقة یعنی ما کروه انبیاء را میراث نباشد هر چه از ما بماند صدقه است حسینه کفت بدانکه ابو سعید خدری که از اصحاب شما است روایت میکند که چون ایة وات ذا القربی حقه نازل شد رسول ص فاطمه ع را طلب نمود و کفت خدا میداند که پدر تو در بر ذلک بجز فدک ملکی ندارد و ان رو فدک را بحضرت سیدة النساء ع بخشیده و بتو تسلیم نمود و سه سال در زمان حضرت رسول ص عامل حضرت فاطمه ع در اینجا بود حاصل فدک با انحضرت میرسید و بعضی بیهم سال بعد از رسول ص ابی بکر فدک را از حضرت ع باز کرفت و چون انحضرت دعوی کردند که حق من است ابی بکر کواه طلبید امیر المؤمنین ع وام ایمن و حسنین ع کواهی دادند که پیغمبر ص فدک را بحضرت فاطمه ع بخشیده حضرت امیر المؤمنین ع حسب الناس حضرت فاطمه ع کواهی کفتند هذا بعل یجر الی نفسه فلا یحکم بشهادته یعنی این شوهر فاطمه جلب منفعت از برای خود میکند حکم نمیکنم بکواهی او و همچنین کواهی امام حسن ع و امام حسین ع کفت جلب نفع از برای خود میکنند و حال این حدیث نزد شما و ایشان نیز ثابت است که پیغمبر ص فرمود علی مع الحق والحق مع علی فبا وجود این کواهی ایشان را دشمنند که جلب نفع از برای خود میکنند و حال انکه این

ظاهر را باتفاق عالمیان از موافق و مخالف ایشان از اهل بهشتند بنص خدا و رسول بلکه قسمت کننده بهشت و دوزخ اند
و ساقی حوض کوثر بقول شما و برینها از احادیث که شما روایت میکنید پس چون شما را هیچ جواب شافی نیست پس ثابت گردید که حدیث
دروغ وضع کرده و کذب علی الله و علی الرسول ص باعتقاد شما و تمام مسلمانان کفر است و هم چنین ظلم نسبت بفاطمه
زهرا و تکذیب حضرت امیر المؤمنین ع و امام حسن و امام حسین ع و بر هیچ عاقل منصف پوشیده نیست که مثل این اعمال
و افعال نسبت به پیغمبر ص خود و اهل او ع کفر صریح و ظلم صریح است ابراهیم و ابو یوسف و شافعی و تمام علما که حاضر
بودند هیچ یک را مجال نطق نبود و هرون نیز از اعمال قبیحهٔ خود شرمنده بود دیگر باره حسنیه گفت ای ابراهیم در حالتی
که فاطمه ع دعوی فدک نمود و گفت پیغمبر ص در حال حیوة فدک را بمن داد ابی بکر گواه طلبید با آنکه پیغمبر ص علم نمود بخلاف
شرع کرد از ترس آنکه مبادا سخنی که موجب الزام و فضیحت او شود زیاده بر آنچه شده بود هیچ نمیگفت حسنیه گفت ای
خصم فاطمه ع صاحب ید بود و ابو بکر مدعی چه بحکم معاشر الانبیا بموجب حکم صاحب شریعت البینة علی المدعی
والیمین علی من انکر پس آنکه او خصم فاطمه ع صاحب ید بود گواه طلبید یا از روی جهل بود یا ظلم کرد ای ابراهیم بحق خدا که
جواب بگو یا از کرسی زیر بیا با هیچ یا قامت کن علما همه راضی شدند و تمام خلایق بر ایشان میخندیدند و از شرم
هیچ نمیگفتند روایت کنند که هرون را ابن عمی بود بحسن صورت و لطف سیرت آراسته بود و بغایت صاحب کمالات
وی خالد بن عیسی و در محبت اهل بیت شهرتی تمام داشت هر خواهشی که میکرد هرون تقبیه نکردی و بر هرون نیز ظاهر بود
کان وطریق اهل بیت بوده است از آن جهت که هرون را محبت تمام بود هر خواهشی که میکرد و گفتی کسی را یارای آن نبود که
متعرض آن شود گویند که او نیز در حسنیه دشمن بود و هر مسئله که حسنیه الزام میکرد ابراهیم را بکف از در آمد بجستن
شاد کرده و تحسین وی نمودی و بر ایشان خندیدی و تمسخر کردی و هیچ ملتفت هرون و وضع او نشدی و دست در ضعف
نیز زده در حفظ حسنیه شد که مبادا کسی در آید و آزار او شود هر لحظه حسنیه را دلالت داده در بحث کردن آنکه حسنیه
روی بهرون و یاران کرد و گفت بدانید دانا روزی که حضرت امیر المؤمنین ع در باب فدک گواهی داد ابی بکر امتناع نمود ابی
المؤمنین ع ای ابو بکر اگر دو کس نزد تو آیند و یکی از ایشان دعوی کند بر دیگری که فلان مال محدوده معین که در دست او است
مال من است و او بغیر حق متصرف است و غاصب است مجرد دعوی مثل آنکه مدعی علیه نزد او ثابت شود معلوم کنی
که غاصب است از وی مجرد دعوی مدعی تسلیم میکنی ابی بکر گفت نه امیر المؤمنین ع پرسید که گواه از مدعی طلب میکنی یا
مدعی علیه ابی بکر گفت از مدعی میکنم که رسول ص فرموده البینة علی المدعی والیمین علی من انکر امیر المؤمنین ع فرمود پس چرا
با فرزند دختر برگزیده و بضعهٔ رسول مخالفت قول خدا و رسول عمل کردی ابو بکر گفت چگونه یا ابا الحسن جناب فرمود
چنانکه فاطمه ع مدعی علیها صاحب ید است و متصرف بذلک انکس که دعوی فدک و معاشر الانبیا کند بر او است که
اما بعقیده بر طبق مدعای خود کند شهود بر اینکه پیغمبر ص در حال حیوة بتبدیل الانساب داده باشد بحکم اسلام که بایددر
فرزند رسول باشد تا بدانی که مدعی حد بشاقه میبینی تا بر طبق مدعای خود باید گواه کسی باشد که صدقه بر او حرام
و شرعا از صدقه حصه نبرد آنگروه بنی هاشمند که صدقه بر ایشان حرام است سوای بنی هاشم تمام مسلمانان در صدقه
شریکند و حصه می برند پس تمام اینها که در صدقه شریکند گواهی ایشان نمی توانند شنید مدعیا فیه للکرم
بنی هاشم پس آنکس که مدعی فدک باشد اگر از گواه عاجز باشد غایت ما فی الباب سوگند متوجه فاطمه باشد به
معترف که کسی که اعتقاد بعصمت و طهارت اهل بیت ندارد چه باشد ای ابی بکر فاطمه معصومه است بحکم آیه چگونه
توانند بود که معصومه بر تکذیب باز شود دعوی باطل نماید ابی بکر خجل شد سر در پیش افکند **چنانکه نه**
جوابی که موافق بوده نمود و گفت و نه گواهی و نه قبالهٔ معرفی خواست دیگر ای ابراهیم که مخالف ابی
بکر باطل است و حدیث نحن معاشر الانبیا موضوع از آنکه مخالف نص کلام اسمت که یوصیکم الله فی اولادکم مثل

از اولاد نبی جمله شرکت نبی بودی تا انقراض عالم و حال آنکه در میان بنی آدم مثبت بود پس نبوت میراث نباشد بلکه
بوحی الهی باشد و عصمت و استحقاق و همچنین اگر گوئی زکریا وارث نبوت شد الله تعالی طلب نمود نیز
مال و اسباب دنیوی از سخن تو قطع نبوت زکریا لازم آید نعوذ بالله بلکه معصیت و کفر او خاشا
و اینهم چیز جهت حسنیه گفت از انجمله که زکریا در دعا گفت وانی خفت الموالی من ورائی و کانت امرائی
عاقرا فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب واجعله رب رضیا بدانکه اجماع اهل تفسیر است
الی اینجا پسران عمش اگر مطلوب وارث نبوت بوده باشد و از الله تعالی استدعا کرده باشد که وارث
او پسری ده تا پسران عم نبی نباشند و عم بخیه بنبوت نرسند دلالت کند که زکریا نفقه تعالی الهی راضی
پسران عم حسد میبرده و این دلیل باشد بر عدم عصمت زکریا کفر او نعوذ بالله من هذه الاعتقادات
و اینکه در آخر دعا گفت واجعله رب رضیا بلا شک و شبهه نبی راضی باشد اگر مراد از آیه مذکوره نبوت
بود که رب رضیا نگفتی و گفتن آن بیفایده بودی پس ثابت شد که انبیا را میراث بود بدلایل عقلی و نقلی
و حدیث معاشر الانبیاء موضوع ابی بکر که از روی عناد و ظلم بوده باشد چرا که حدیث مخالف قرآن است در محل
آنکه میت و انهم میتون نازل شد پیغمبر ص بر منبر رفت و گفت ای یاران بدانید که بعد از من اصحاب بعضی از
دروغ بسیار نقل خواهند کرد و هر کس بر حسب مدعای خود احادیث وضع خواهند کرد و بر من بندند
خواهند داشت بدانید که هر حدیث که از من روایت کنند و آن موافق قرآن نباشد اعتبار نکنند و هرچه
موافق بود اعتبار کنید و حدیث این است اذا جائکم الحدیث فاعرضوه علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فخذوه وما خالفه
فاضربوه **دیگر بدان ای ابراهیم** که چون حضرت رسالت پناه از دار فنا بدار بقا رحلت کرد اسب
و شمشیر و عمامه و ناقه داشت و دیگر چیزی از آن حضرت مانده بود امیر المؤمنین ع او را متصرف شده بود و زره حضرت
رسول ص که در رهن بود در حال از رهن بیرون آورده متصرف شد که سوارت حضرت رسول ص بود و هیچ کس با
وی منازعه نکرد و این در کتابهای شما مذکور است و هیچ کس نگفت که رسول الله ص میراث نیست چرا مخلفات
آنحضرت را متصرف شد بدین پس باینچیز که ابو بکر را با امیر المؤمنین ع گرفته باشد اگر گویند که ایشان طلبیدند
و امیر المؤمنین ع علیه کرد بر ایشان و تسلیم ایشان نکرد و ایشان عاجز شدند خاشا که امیر المؤمنین ع
ظلم کرده باشد و چیزی که او را در آن شرع تصرف نتوان کرد او را دخل نماید و حرام باشد نعوذ بالله بکفر بود
بود و اگر گویند که رسول الله ص در حال حیوة مخلفات را بملک امیر المؤمنین ع کرده بود دروغ بود چرا که چنین
بود در حدیث مجمع علیه و متفق فیه در این باب وارد گشته بود که رسول ص در حال حیوة چیزی نداد جز دانستی
امیر المؤمنین ع کرده بود پس معلوم شد که ارث بان حضرت منتقل شد و ابی بکر غاصب است چون حسنیه سخن
باینجا رسانید هرون گفت ای ابراهیم ولعلها بکر حاضر بید چون جواب حسنیه را ادا بید و تضعیف و ابطال
مذهب ما نمود و شما ساکت شدید و سکوت موجب رضا است پس چرا مذهب او اختیار نمیکنید همه سرها
زیر افکندند پس هرون دیگر حسنیه گفت ای ابراهیم و اهل ابکر حاضر بید بدانید که در تمام تواریخ منها مذکور است
و اتفاق همه که چون ابا بکر در شهادت شهود رد کرد و گواهان حضرت فاطمه سلام الله علیها را نشنید حضرت
فاطمه ع گفت ای ابو بکر تو باید خود میراث برد و من از پدر خود میراث نبرم بر اهل شان حجت تمام گرفت
الزام ایشان کرد و بر ایشان سخت نمود و خشمناک و رنجیده و مهاجرت نموده بکریست و سوگند یاد کرد که در
قیامت نزد حضرت رسالت ص از ایشان شکایت کند و در رنجیده که از دار فنا بدار بقا رحلت مینمود وصیت
نمود بحضرت امیر المؤمنین ع که مرا در شب دفن کند و نگذارد که ابی بکر و اتباع او بر او نماز کنند پس آنحضرت
وصیت را بجا آورده و او را در شب دفن کرد و در میان قبر و منبر حضرت رسول ص بحکم حدیث

وهرون مشاهده میکرد که یحیی بن خالد برمکی بجهة ایشان بدید بنزد هرون نامه نوشت نوامر و نیکان رسول خدا
و کبنی تمام علمای زمان را الزام نمود جمله را عاجز کرده وایشان بظلم و تعدی در مجلس تو قصد قتل
نموده ... امراء از جانب حسینیه نیکی فرزند وابن عم هرون از اهل جهتان و محبان اهلبیت بوده
متوجه ابراهیم نظام شد ... بنا ز حسینیه برداشتند و بجای خود نشستند هرون بانک
و کفت از خدا بترسید از بدان شما که حاضرید خود را اعلم وافضل اهل زمان میدانید از جواب کنیز
مضطر شده اید و مردمان را از خواص و عام باشما تعجب میکنند با وجود این شرم ندارید نمی نشینید
وابتداء وایذا او میکنید چون تحمل نتوانستند هرون نا بسیحانی ستیزند ندار سلطین وامراء وارکان هم بیک
اغاز کردند ابراهیم نظام و تمام علما را مذمت و تشنیع نمودند و حسینیه با وجود این از ایشان ...
شد مرتبه دیگر اغاز سخن کرده کفت ای مغاندان و ای دشمنان خاندان رسول از خدا بترسید
باز خواست اندیشه نمایید از برای جاه دنیا و حیوة پنج روزه کمر عداوت مصطفی و مرتضی واهلبیت
استوار میکنید ... وجهل ... کر از قتیل انسانه وافسوس حیثم کو نه نظر را یو ...
باتفاق فلان خلیفه و فلان را از برا بعد از امیر کرد اند چون افضل باشد وامثال حکایت واهیه
را در علم نبوت و رسالت وامامت و عصمت و طهارت واسرار ... و تحقیق خلا بو جحیف اختیار
قیامت و حشر و نشر و عذاب ... ود ... در زید وان عذاب ... در میان خلایق ...
ویرد فان را انکند هزار ... از معرفت خدا و رسول و امام در راه ... و در ظلمات بعضها فوق بعض
واکثر از حکایات و روایات واحادیث موضوعه شما نقل از ظالمان از اهلبیت و فاسقان در زنان وکودکان ...
باز است واز قبیل اضافه وخواب وخیال است بدان مانند که شخصی افسانه میکوید وجمعی از زنان وکودکان استماع مینمایند
وبعضی خواب کنند چون افسانه تمام شود نا جاهلی کودکان کبوتر ان باران و زنان وفاسقان را در رسالت ... حدیث و
اخبار بنویسید قال فلان وقال ... و در افواه ... اندازید که فلان حدیث ... فلان شیخ خوانده و روایت
فلان شیخ میکند وفلان شیخ ... وجحا محدث و مفسر است وفلان ... جاهل بی بصیرت ... فلان را ... صاحب
چندان ... است واز اولیاء کبار و ... اهل روزگار است فلان شیخ در خواب ... پیغمبر ... شنید
وعلی هذا القیاس جاهل بی بصیرت ... بی معرفت ... ... ضلالت ... از اطراف
وجوانب ... و ... و ... جویند ونقل از شما کنند ... هست
بخواب و خیال و وهم ... و نقل ... شما دهند ... چنان ... شده کر
بسیار فضلا از ایشان ... از جهت جرح و تعدیل طعن ... در میان علما ...
ما تها ... اولا در ... ایشان در وجود امد ... وخواهند امد ... و عداوت اهلبیت ...
و ... ایشان ... کرهند ... طریق ایشان نمودند ... ظالمان و فاسقان و ...
... خاندان رسول ... بر ... ایشان ... معصوم خاندان ... دارند
و حولایان ... از یکی ... روایت میکنند ... نقل ... روایت ...
از حضرت امیر المؤمنین ... بانفاق علماء ... معصوم و مطهر قبول نکنند ... معصومان را
اعتبار ... و روایت ... عایشه وانس بن مالک وابو هریره و عمرو بن عاص و معاویه اعتبار کنند ... کنند ...
... اهل روزگار ... جمیع کفار ... جمیع اهل اسلام طعن ... عبادات
... ابراهیم ... ابو بکر و فاروق اعظم چه فضیلت دارد بیان نما ... کدام صدیق و کدام فاروق ...
تمام عالمیان ثابت است ... کدام علم و فضیلت و زهادت ... کدام تقوی و طهارت

... واشکها ... وحال انکه هیچ جراحت باسمعیل بن سید عاقبت کوشش ...
... در عالم اطراف صد هزار بکشتند ... خبر ... وفریاد ... از برای کو ... رسول الله ... وجگر کوشه
... در هر شهر ... شیعه و مؤمن کرد ... بیند ... از برای
... النساء و برادر باجان برابر امام حسن ... حسین مظلوم ... بزهد الجنة
... وعلی ... صلوات الله ... در روز عاشورا ... چون جد او ...
... مادر چون مادر او ... برادر ... چون برادر او ... فرزند ... چون فرزند او باشد ...
... امت ... و او را بظلم شهید کردند ...
اغاز نکوند ... از فرزندان او و برادران او و برادرزادگان او واصحاب ...
... اکر مؤمنی از برای ایشان ... نماید ... کند ... امت واهل ...
... پانصد ... سال کذشته باشد ... کنند ... ابراهیم چکونه ...
... چهار هزار سال ... فراموش نتوان کرد ... قرة العین رسول ... وجگر کوشه
... حسینیه ...
... رسول خدا ... سوار ... خود را ...
... رسول ... امت ... سوار ...
... افضل ...
... حسینیه ...
... هزار ... حسینیه ...
حسینیه ... حسینیه کفت ...
حسینیه کفت ... خدا ... معبود ... عالمیان ...
... مسجد ... علی ... امیر ... تمام علما ...
... چون خدا و رسول ... ابو بکر ... امیر ... از ... امت ...
... ابراهیم در مجلسی که ... سوره براءت ... ابو بکر داد ... سوره
... حکم ... علی بن ابیطالب ... حکم الهی بر کفار بخواند ...
... سوره براءت ... ابو بکر ... باشند ...
... امیر المؤمنین ... رسول ...
... حضرت امیر المؤمنین ... حکم ... براءت ...
... فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم ...
... احکام الهی ... ایشان ... ابراهیم
... حضرت رسول ...
... لعن الله ... الا علی ... فضل ... پیغمبر
... بکر و عمر ... رسول ... مقام ...
... عالم ...
...
... امت بعد از رسول ... ایشان

الحمد لله والمنة که کتاب مستطاب
حلیة المتقین در زمان اوان
سعادت اقتران کهف امان

عهد
دولت ابد مدت
اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه
ملجأ اسلام پناه السلطان بن السلطان بن السلطان
بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان
احمد شاه قاجار خلد الله ملکه و ابد الله
دولته در دار الخلافه طهران در
مطبعه استاد الماهر [illegible]
آقا میرزا علی اصغر

بحلیه طبع آراسته گردید
فی شهر شعبان المعظم
فی سنه ۱۳۳۲